



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا  
علیها یصی

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# رسالہ اموری

احکام و عبادت

جلد اول  
۲۰۲۱ء

مطابق بافتدائی مرجع عالی قدر حضرت آیت العظمیٰ خاندانی بغدادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله ی آموزشی مطابق با فتاوی مرجع عالی قدر حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)

نویسنده:

## آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۳۷	رساله ی آموزشی مطابق با فتاوی مرجع عالی قدر حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) جلد ۱
۳۷	مشخصات کتاب
۳۸	اشاره
۴۱	مقدمه
۴۳	فهرست مطالب
۵۹	فصل اول تقلید
۶۰	اشاره
۶۲	درس ۱ تقلید (۱) مقدمه - راههای شناخت احکام - اقسام تقلید - اعمال بدون تقلید
۶۲	۱. مقدمه
۶۲	اشاره
۶۲	توجه
۶۳	۲. راههای شناخت احکام
۶۳	۱. اجتهاد
۶۳	۲. احتیاط
۶۴	۳. تقلید
۶۴	اشاره
۶۴	توجه
۶۴	۳. اقسام تقلید
۶۴	اشاره
۶۴	توجه
۶۵	۴. اعمال بدون تقلید
۶۵	اشاره
۶۵	تمرین
۶۶	درس ۲ تقلید (۲) شرایط مرجع تقلید - تبعیض در تقلید
۶۶	۵. شرایط مرجع تقلید
۶۶	توجه
۶۷	۷. عادل باشد

- ۶۷ ..... ۹. مجتهد باشد
- ۶۷ ..... ۱۰. بنا بر احتیاط واجب اعلم باشد
- ۶۸ ..... چند نکته در ارتباط با شرایط مرجع تقلید
- ۶۸ ..... ۶. تبعیض در تقلید
- ۶۸ ..... اشاره
- ۶۸ ..... تمرین
- ۷۰ ..... درس ۳ تقلید (۳) راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط - راههای به دست آوردن فتوای مجتهد
- ۷۰ ..... احکام عدول - مسائل متفرقه ی تقلید
- ۷۰ ..... ۷. راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط
- ۷۰ ..... توجه
- ۷۱ ..... ۸. راههای به دست آوردن فتوای مجتهد
- ۷۱ ..... توجه
- ۷۱ ..... ۹. احکام عدول
- ۷۱ ..... اشاره
- ۷۲ ..... توجه
- ۷۲ ..... ۱۰. مسائل متفرقه ی تقلید
- ۷۲ ..... تمرین
- ۷۴ ..... درس ۴ ولایت فقیه و رهبری معنای ولایت فقیه - ضرورت ولایت فقیه - قلمرو ولایت فقیه - اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید
- ۷۴ ..... ۱. معنای ولایت فقیه
- ۷۴ ..... اشاره
- ۷۴ ..... توجه
- ۷۴ ..... ۲. ضرورت ولایت فقیه
- ۷۴ ..... اشاره
- ۷۵ ..... توجه
- ۷۵ ..... ۳. قلمرو ولایت فقیه
- ۷۵ ..... ۱. اوامر ولایبی ولی فقیه
- ۷۵ ..... اشاره
- ۷۵ ..... توجه
- ۷۵ ..... ۲. احکام ولایبی ولی فقیه

۷۵ ..... ۴. مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

۷۶ ..... ۵. اداره ی رسانه های گروهی

۷۶ ..... سه نکته در ارتباط با قلمرو ولایت فقیه

۷۶ ..... ۴. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

۷۶ ..... اشاره

۷۷ ..... تمرین

۷۸ ..... فصل دوم طهارت

۷۸ ..... اشاره

۸۲ ..... درس ۵ آبها اقسام آنها - آب مضاف - آب مطلق - احکام آبهای مطلق - احکام شک در آب

۸۲ ..... ۱. اقسام آبها

۸۲ ..... ۲. آب مضاف (آب ناخالص و عصاره یی)

۸۲ ..... ۱. معنای آب مضاف

۸۲ ..... ۲. احکام آب مضاف

۸۳ ..... توجه

۸۳ ..... ۳. آب مطلق (آب خالص)

۸۳ ..... ۱. معنای آب مطلق

۸۳ ..... ۲. اقسام آب مطلق

۸۳ ..... توجه

۸۳ ..... ۳. احکام آب مطلق

۸۳ ..... اشاره

۸۴ ..... توجه

۸۴ ..... ۴. احکام اقسام آبهای مطلق

۸۴ ..... ۱. آب باران

۸۴ ..... ۲. آب کر و جاری

۸۴ ..... اشاره

۸۴ ..... توجه

۸۴ ..... ۳. آب قلیل

۸۵ ..... ۵. احکام شک در آب

۸۵ ----- توجه

۸۵ ----- تمرین

۸۷ ----- درس ۶ تخلی احکام تخلی - استبرا - استنجا

۸۷ ----- ۱. احکام تخلی (بول و غایط کردن)

۸۷ ----- ۱. رعایت قبله

۸۷ ----- ۲. پوشش

۸۷ ----- ۳. برخی از مکروهات تخلی

۸۸ ----- ۲. استبرا

۸۸ ----- اشاره

۸۸ ----- توجه

۸۹ ----- ۳. استنجا (تطهیر مخرج بول و غایط)

۸۹ ----- ۱. چگونگی تطهیر مخرج بول

۸۹ ----- ۲. چگونگی تطهیر مخرج غایط

۸۹ ----- تمرین

۹۰ ----- درس ۷ نجاسات (۱)

۹۰ ----- ۱. نجاسات

۹۰ ----- توجه

۹۱ ----- ۱ و ۲. بول و غایط

۹۱ ----- ۳. منی

۹۱ ----- اشاره

۹۲ ----- توجه (۱)

۹۲ ----- ۴. مردار (جسد مرده)

۹۲ ----- اشاره

۹۳ ----- توجه

۹۳ ----- دو نکته در ارتباط با مردار

۹۳ ----- ۵. خون

۹۴ ----- ۶ و ۷. سگ و خوک

۹۴ ----- یک نکته در ارتباط با سگ و خون



- درس ۸ نجاسات (۲) ----- ۹۵
۸. مشروبات مست کننده ----- ۹۵
- اشاره ----- ۹۵
- توجه ----- ۹۵
۹. کافر ----- ۹۵
- اشاره ----- ۹۵
- توجه ----- ۹۶
- توجه ----- ۹۶
- چند نکته در ارتباط با نجاسات ----- ۹۶
- تمرین ----- ۹۷
- درس ۹ نجاسات (۳) راههای ثابت شدن نجاست - چگونگی نجس شدن چیزهای پاک - احکام نجاسات - وسواس و درمان آن ----- ۹۸
۲. راههای ثابت شدن نجاست ----- ۹۸
- توجه ----- ۹۸
۳. چگونگی نجس شدن چیزهای پاک ----- ۹۸
- اشاره ----- ۹۸
- توجه ----- ۹۹
۴. احکام نجاسات ----- ۹۹
۵. وسواس و درمان آن ----- ۹۹
- تمرین ----- ۱۰۱
- درس ۱۰ مطهرات (۱) ----- ۱۰۲
۱. مطهرات ----- ۱۰۲
- توجه ----- ۱۰۲
۱. آب ----- ۱۰۲
- اشاره ----- ۱۰۲
- توجه ----- ۱۰۳
- تمرین ----- ۱۰۴
- درس ۱۱ مطهرات (۲) ----- ۱۰۵
۲. زمین ----- ۱۰۵

۱۰۵	اشاره
۱۰۵	توجه
۱۰۵	۳. آفتاب
۱۰۶	۴. استحاله
۱۰۶	اشاره
۱۰۶	توجه
۱۰۶	۵. انتقال
۱۰۶	۶. بر طرف شدن عین نجاست
۱۰۶	۷. غایب شدن مسلمان
۱۰۷	تمرین
۱۰۸	درس ۱۲ مطهرات (۳) راههای ثابت شدن طهارت - اصل طهارت - احکام ظرفها
۱۰۸	۲. راههای ثابت شدن طهارت
۱۰۸	توجه
۱۰۸	۳. اصل طهارت
۱۰۸	۱. معنای اصل طهارت
۱۰۹	۲. نمونه هایی از موارد اصل طهارت
۱۱۰	۴. احکام ظرفها
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	توجه
۱۱۰	تمرین
۱۱۱	درس ۱۳ وضو (۱) معنای وضو - کیفیت وضو
۱۱۱	۱. معنای وضو
۱۱۱	۲. کیفیت وضو
۱۱۱	توجه
۱۱۲	۱. شستن صورت و دستها
۱۱۲	اشاره
۱۱۲	توجه
۱۱۲	۲. مسح سر و پاها
۱۱۲	اشاره

۱۱۳ توجه

۱۱۳-----توجه

۱۱۳-----توجه

۱۱۴-----توجه

۱۱۴-----دو نکته در ارتباط با کیفیت وضو

۱۱۴-----تمرین

۱۱۶-----درس ۱۴ وضو (۲) شرایط وضو «۱»

۱۱۶-----۳. شرایط وضو

۱۱۶-----اشاره

۱۱۷-----۱. نیت

۱۱۷-----۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد

۱۱۷-----۳. آب وضو مطلق باشد

۱۱۷-----۴. آب وضو پاک باشد

۱۱۷-----اشاره

۱۱۷-----توجه

۱۱۷-----۵. آب وضو مباح باشد

۱۱۷-----توجه

۱۱۸-----تمرین

۱۱۹-----درس ۱۵ وضو (۳) شرایط وضو «۲»

۱۱۹-----۷. اعضای وضو پاک باشد

۱۱۹-----اشاره

۱۱۹-----توجه

۱۱۹-----۸. در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد

۱۱۹-----اشاره

۱۱۹-----توجه

۱۲۰-----۹. ترتیب

۱۲۰-----۱۰. موالات

۱۲۱-----۱۱. مباشرت

۱۲۱-----اشاره

۱۲۱ ..... ۱۲. وقت برای وضو و نماز کافی باشد

۱۲۱ ..... تمرین

۱۲۳ ..... درس ۱۶ وضو (۴) وضوی ارتماسی - وضوی جبیره بی - مبطلات وضو - احکام وضو

۱۲۳ ..... ۴. وضوی ارتماسی

۱۲۳ ..... ۱. معنای وضوی ارتماسی

۱۲۳ ..... ۲. احکام وضوی ارتماسی

۱۲۳ ..... ۵. وضوی جبیره بی

۱۲۳ ..... ۱. معنای وضوی جبیره بی

۱۲۴ ..... ۲. احکام وضوی جبیره بی

۱۲۴ ..... ۶. مبطلات وضو

۱۲۴ ..... توجه

۱۲۵ ..... ۷. احکام وضو

۱۲۵ ..... \* تمرین

۱۲۶ ..... درس ۱۷ وضو (۵) غایات وضو

۱۲۶ ..... ۸. غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت)

۱۲۶ ..... توجه

۱۲۷ ..... ۱. مس قرآن

۱۲۷ ..... اشاره

۱۲۷ ..... توجه

۱۲۷ ..... ۲. مس اسامی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)

۱۲۷ ..... اشاره

۱۲۹ ..... چند نکته در ارتباط با مس آیات قرآن و اسامی متبرکه ی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)

۱۳۰ ..... تمرین

۱۳۲ ..... درس ۱۸ غسل (۱) معنای غسل - اقسام غسل - کیفیت غسل - غسل جبیره بی

۱۳۲ ..... ۱. معنای غسل

۱۳۲ ..... ۲. اقسام غسل

۱۳۳ ..... ۳. کیفیت غسل

۱۳۳ ..... اشاره

۱۳۳ توجه

۱۳۴ ..... ۴. غسل جبیره بی

۱۳۴ ..... تمرین

۱۳۵ ..... درس ۱۹ غسل (۲) شرایط غسل - احکام غسل

۱۳۵ ..... ۵. شرایط غسل

۱۳۵ ..... اشاره

۱۳۵ ..... توجه

۱۳۵ ..... ۶. احکام غسل

۱۳۶ ..... \* تمرین

۱۳۷ ..... درس ۲۰ غسل (۳) غسل جنابت

۱۳۷ ..... ۷. غسل جنابت

۱۳۷ ..... ۱. اسباب جنابت

۱۳۷ ..... اشاره

۱۳۷ ..... توجه

۱۳۸ ..... ۲. کارهایی که بر جنب حرام است

۱۳۸ ..... توجه

۱۳۸ ..... ۳. احکام غسل جنابت

۱۳۹ ..... تمرین

۱۴۱ ..... درس ۲۱ غسل (۴) غسل های مخصوص بانوان

۱۴۱ ..... ۸. غسل های مخصوص بانوان

۱۴۱ ..... ۱. حیض

۱۴۲ ..... ۲. استحاضه

۱۴۲ ..... ۳. نفاس (۳) (خون زایمان)

۱۴۳ ..... توجه

۱۴۳ ..... تمرین

۱۴۴ ..... درس ۲۲ احکام درگذشتگان (۱) غسل مس میت - احکام محتضر - واجبات پس از مرگ

۱۴۴ ..... ۱. غسل مس میت

۱۴۴ ..... اشاره

۱۴۴ ..... توجه

۱۴۵	۲. احکام محض (کسی که در حال جان دادن است)
۱۴۵	۳. واجبات پس از مرگ
۱۴۵	توجه
۱۴۶	تمرین
۱۴۷	درس ۲۳ احکام درگذشتگان (۲) غسل میت - حنوط - کفن
۱۴۷	۴. غسل میت
۱۴۷	توجه
۱۴۸	۵. حنوط
۱۴۸	۶. کفن
۱۴۹	تمرین
۱۵۰	درس ۲۴ احکام درگذشتگان (۳) نماز میت - دفن - احکام نبش قبر - احکام شهید - احکام اعدامی
۱۵۰	۷. نماز میت
۱۵۰	اشاره
۱۵۰	توجه
۱۵۱	توجه
۱۵۱	۸. دفن
۱۵۱	اشاره
۱۵۱	چند نکته در ارتباط با دفن
۱۵۲	۹. احکام نبش قبر
۱۵۲	۱۰. احکام شهید
۱۵۲	اشاره
۱۵۲	توجه
۱۵۳	۱۱. احکام اعدامی
۱۵۳	اشاره
۱۵۳	چند نکته در ارتباط با احکام درگذشتگان
۱۵۳	تمرین
۱۵۵	درس ۲۵ تیمم (۱) موارد تیمم - چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است - کیفیت تیمم - تیمم جبیره‌یی
۱۵۵	۱. موارد تیمم
۱۵۵	اشاره

- ۱۵۷ ..... ۲. چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است - - - - -
- ۱۵۷ ..... اشاره
- ۱۵۷ ..... توجه
- ۱۵۷ ..... ۳. کیفیت تیمم - - - - -
- ۱۵۷ ..... توجه
- ۱۵۸ ..... ۴. تیمم جبیره یی - - - - -
- ۱۵۸ ..... تمرین
- ۱۵۹ ..... درس ۲۶ تیمم (۲) شرایط تیمم - احکام تیمم - - - - -
- ۱۵۹ ..... ۵. شرایط تیمم - - - - -
- ۱۵۹ ..... ۱. چیزی که بر آن تیمم می کند پاک باشد - - - - -
- ۱۵۹ ..... ۲. چیزی که بر آن تیمم می کند میاح باشد - - - - -
- ۱۶۰ ..... ۳. مانعی در اعضای تیمم نباشد - - - - -
- ۱۶۰ ..... اشاره
- ۱۶۰ ..... توجه
- ۱۶۰ ..... ۴. پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند - - - - -
- ۱۶۰ ..... ۵. ترتیب - - - - -
- ۱۶۰ ..... ۶. موالات - - - - -
- ۱۶۰ ..... ۷. مباشرت - - - - -
- ۱۶۰ ..... اشاره
- ۱۶۱ ..... یک نکته در ارتباط با شرایط تیمم - - - - -
- ۱۶۱ ..... ۶. احکام تیمم - - - - -
- ۱۶۲ ..... تمرین
- ۱۶۳ ..... فصل سوم نماز - - - - -
- ۱۶۳ ..... اشاره
- ۱۶۷ ..... درس ۲۷ اقسام نمازها نمازهای واجب و مستحبی - نوافل یومیه - - - - -
- ۱۶۷ ..... ۱. نمازهای واجب و مستحب - - - - -
- ۱۶۷ ..... توجه
- ۱۶۸ ..... ۲. نوافل یومیه - - - - -

توجه ..... ۱۶۸

توجه ..... ۱۶۹

تمرین ..... ۱۶۹

درس ۲۸ لباس نمازگزار (۱) مقدار پوشش در نماز - شرایط لباس نمازگزار «۱» ..... ۱۷۰

۱. مقدار پوشش در نماز ..... ۱۷۰

اشاره ..... ۱۷۰

توجه ..... ۱۷۰

۲. شرایط لباس نمازگزار ..... ۱۷۱

توجه ..... ۱۷۱

۱. پاک باشد ..... ۱۷۱

۲. غصبی نباشد ..... ۱۷۲

۳. از اجزای مردار نباشد ..... ۱۷۲

۴. از حیوان حرام گوشت نباشد ..... ۱۷۲

تمرین ..... ۱۷۳

درس ۲۹ لباس نمازگزار (۲) شرایط لباس نمازگزار «۲» - مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد ..... ۱۷۴

۵. طلا بافت نباشد ..... ۱۷۴

اشاره ..... ۱۷۴

توجه ..... ۱۷۴

۶. از ابریشم خالص نباشد ..... ۱۷۵

۳. مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد ..... ۱۷۵

۱. آن که به واسطه ی زخم یا جراحت یا دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد ..... ۱۷۵

۲. آن که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم (بند انگشت اشاره) باشد ..... ۱۷۶

۳. آن که لباسهای کوچک نمازگزار، مانند جوراب که با آنها نمی توان عورت را پوشاند نجس باشد ..... ۱۷۶

۴. آن که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند ..... ۱۷۶

تمرین ..... ۱۷۷

درس ۳۰ مکان نمازگزار (۱) شرایط مکان نمازگزار «۱» ..... ۱۷۸

۱. شرایط مکان نمازگزار ..... ۱۷۸

۱. میاح باشد ..... ۱۷۸



۱۷۹ ----- توجه

۱۸۰ ----- تمرین

۱۸۱ ----- درس ۳۱ مکان نمازگزار (۲) شرایط مکان نمازگزار «۲»

۱۸۱ ----- ۲. بی حرکت باشد

۱۸۱ ----- اشاره

۱۸۱ ----- توجه

۱۸۲ ----- ۳. از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است

۱۸۲ ----- ۴. جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نباشد

۱۸۲ ----- ۵. محل سجده ی نمازگزار پاک باشد

۱۸۲ ----- ۶. موجب نجاست لباس و بدن نمازگزار نشود

۱۸۲ ----- ۷. میان زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل یک وجب فاصله باشد

۱۸۲ ----- ۸. مسطح باشد

۱۸۲ ----- اشاره

۱۸۲ ----- دو نکته در ارتباط با مکان نمازگزار

۱۸۳ ----- تمرین

۱۸۴ ----- درس ۳۲ احکام مسجد (۱) احکام حرام مساجد

۱۸۴ ----- ۱. احکام حرام مساجد

۱۸۴ ----- ۱. نجس کردن مسجد

۱۸۴ ----- اشاره

۱۸۴ ----- توجه

۱۸۵ ----- ۲. زینت کردن مسجد به طلا در صورتی که اسراف محسوب شود

۱۸۵ ----- ۳. انجام کارهایی که خلاف شأن و حرمت مسجد است

۱۸۵ ----- ۴. داخل شدن کفار به مسجد

۱۸۵ ----- ۵. خراب کردن مسجد

۱۸۵ ----- اشاره

۱۸۵ ----- توجه

۱۸۶ ----- ۶. بر خلاف کیفیت وقف مسجد عمل کردن

۱۸۷ ----- \* تمرین

۱۸۸ ..... ۲. احکام مستحب مساجد

۱۸۸ ..... چند نکته در ارتباط با احکام مسجد

۱۸۹ ..... توجه

۱۹۰ ..... توجه

۱۹۰ ..... تمرین

۱۹۱ ..... درس ۳۴ قبله احکام قبله

۱۹۱ ..... ۱. احکام قبله

۱۹۱ ..... اشاره

۱۹۱ ..... توجه

۱۹۲ ..... توجه

۱۹۲ ..... تمرین

۱۹۴ ..... درس ۳۵ نمازهای یومیه (۱) اهمیت نمازهای یومیه - تعداد نمازهای یومیه - اوقات نمازهای یومیه

۱۹۴ ..... ۱. اهمیت نمازهای یومیه

۱۹۴ ..... ۲. تعداد نمازهای یومیه

۱۹۴ ..... اشاره

۱۹۵ ..... توجه

۱۹۵ ..... ۳. اوقات نمازهای یومیه

۱۹۵ ..... ۱. وقت نماز صبح

۱۹۵ ..... ۲. وقت نماز ظهر

۱۹۵ ..... ۳. وقت نماز عصر

۱۹۵ ..... ۴. وقت نماز مغرب

۱۹۵ ..... اشاره

۱۹۶ ..... توجه

۱۹۶ ..... ۵. وقت نماز عشا

۱۹۶ ..... اشاره

۱۹۶ ..... توجه

۱۹۶ ..... تمرین

۱۹۷ ..... درس ۳۶ نمازهای یومیه (۲) احکام اوقات نماز - ترتیب در میان نمازها

۱۹۷----- توجه

۱۹۸----- ۵. ترتیب در بین نمازها

۱۹۹----- تمرین

۲۰۰----- درس ۳۷ نمازهای یومیه (۳) اذان و اقامه

۲۰۰----- ۶. اذان و اقامه

۲۰۰----- اشاره

۲۰۱----- چند نکته در ارتباط با اذان و اقامه

۲۰۱----- تمرین

۲۰۳----- درس ۳۸ نمازهای یومیه (۴) واجبات نماز «۱»

۲۰۳----- ۷. واجبات نماز

۲۰۳----- توجه

۲۰۴----- ۱. نیت

۲۰۴----- اشاره

۲۰۴----- توجه

۲۰۵----- ۲. عدول از نیت:

۲۰۶----- تمرین

۲۰۷----- درس ۳۹ نمازهای یومیه (۵) واجبات نماز «۲»

۲۰۷----- ۲. تکبیرة الاحرام

۲۰۷----- اشاره

۲۰۷----- توجه

۲۰۸----- توجه

۲۰۸----- ۳. شک در تکبیرة الاحرام

۲۰۸----- ۳. قیام (ایستاده بودن)

۲۰۸----- اشاره

۲۰۹----- توجه

۲۰۹----- توجه

۲۰۹----- ۳. بعضی از مستحبات قیام:

۲۰۹----- ۴. احکام قیام

۲۱۰

درس ۴۰ نمازهای یومیه (۶) واجبات نماز «۳»

۲۱۲ ..... ۴. قرائت

۲۱۲ ..... ۱. اجزای قرائت

۲۱۲ ..... ۲. احکام قرائت در رکعت اول و دوم

۲۱۲ ..... اشاره

۲۱۳ ..... توجه

۲۱۵ ..... تمرین

درس ۴۱ نمازهای یومیه (۷) واجبات نماز «۴»

۲۱۶ ..... ۴. جهر و اخفات (بلند و آهسته خواندن) در قرائت:

۲۱۶ ..... اشاره

۲۱۷ ..... توجه

۲۱۸ ..... توجه

۲۱۸ ..... توجه

۲۲۰ ..... ۶. آداب قرائت:

۲۲۰ ..... \* تمرین

درس ۴۲ نمازهای یومیه (۸) واجبات نماز «۵»

۲۲۲ ..... ۵. رکوع

۲۲۲ ..... ۱. معنای رکوع و حکم آن

۲۲۲ ..... اشاره

۲۲۲ ..... توجه

۲۲۲ ..... ۲. واجبات رکوع

۲۲۲ ..... اشاره

۲۲۳ ..... ۱. خم شدن به اندازه بی که بتواند دستها را به زانو بگذارد:

۲۲۳ ..... ۲. ذکر:

۲۲۳ ..... ۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع:

۲۲۵ ..... ۴. ایستادن و آرامش بعد از رکوع:

۲۲۵ ..... ۳. کسی که رکوع را فراموش کرده است:

۲۲۵ ..... ۴. برخی از مستحبات رکوع

- درس ۴۳ نمازهای یومیه (۹) واجبات نماز «۶» ..... ۲۲۷
۶. سجده ..... ۲۲۷
۱. معنای سجده و حکم آن: ..... ۲۲۷
- اشاره ..... ۲۲۷
- توجه ..... ۲۲۷
۲. واجبات سجده ..... ۲۲۸
۱. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین ..... ۲۲۸
- توجه ..... ۲۲۸
- توجه ..... ۲۲۹
۲. ذکر ..... ۲۲۹
۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده ..... ۲۲۹
۴. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر ..... ۲۳۰
۵. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده ..... ۲۳۱
۶. مساوی بودن جاهای سجده، مگر به اندازه ی چهار انگشت بسته ..... ۲۳۱
۷. پاک بودن جایی که پیشانی را بر آن می گذارد ..... ۲۳۱
۸. حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می کند ..... ۲۳۱
- اشاره ..... ۲۳۱
- توجه ..... ۲۳۱
۹. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است ..... ۲۳۱
۱۰. نشستن بعد از سجده ی دوم در رکعاتی که تشهد ندارد بنا بر احتیاط واجب ..... ۲۳۲
- تمرین ..... ۲۳۲
- درس ۴۴ نمازهای یومیه (۱۰) واجبات نماز «۷» ..... ۲۳۳
۳. چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است ..... ۲۳۳
- اشاره ..... ۲۳۳
- توجه ..... ۲۳۴
۴. برخی از مستحبات سجده ..... ۲۳۵
- توجه ..... ۲۳۵
- دو نکته در ارتباط با سجده ..... ۲۳۵

۲۳۵ توجه

۲۳۶ ..... تمرین

۲۳۷ ..... درس ۴۵ نمازهای یومیه (۱۱) واجبات نماز «۸»

۲۳۷ ..... ۷. ذکر

۲۳۷ ..... اشاره

۲۳۸ ..... چند نکته در ارتباط به ذکر

۲۳۸ ..... ۸. تشهد

۲۳۸ ..... ۱. معنای تشهد و حکم آن:

۲۳۸ ..... ۲. ذکر تشهد:

۲۳۸ ..... اشاره

۲۳۹ ..... توجه

۲۳۹ ..... ۳. کسی که تشهد را فراموش کرده است:

۲۳۹ ..... ۹. سلام

۲۳۹ ..... اشاره

۲۳۹ ..... توجه

۲۴۰ ..... تمرین

۲۴۱ ..... درس ۴۶ نمازهای یومیه (۱۲) واجبات نماز «۹» - قنوت - تعقیب

۲۴۱ ..... ۱۰. ترتیب

۲۴۱ ..... ۱. منظور از ترتیب و حکم آن:

۲۴۱ ..... ۲. رعایت نکردن سهوی ترتیب:

۲۴۲ ..... ۱۱. موالات

۲۴۲ ..... اشاره

۲۴۲ ..... توجه

۲۴۲ ..... ۸. قنوت

۲۴۲ ..... ۱. معنای قنوت و حکم آن

۲۴۲ ..... اشاره

۲۴۲ ..... توجه

۲۴۳ ..... ۲. ذکر قنوت

۲۴۳ ..... ۹. تعقیب

۲۴۳ ----- توجه

۲۴۳ ----- تمرین

۲۴۴ ----- درس ۴۷ نمازهای یومیه (۱۳) ترجمه ی نماز

۲۴۴ ----- ۱۰. ترجمه ی نماز

۲۴۴ ----- اشاره

۲۴۴ ----- ۱. ترجمه ی سوره ی حمد

۲۴۵ ----- ۲. ترجمه ی سوره ی توحید

۲۴۵ ----- ۳. ترجمه ی ذکرهای رکوع و سجود و برخی مستحبات

۲۴۵ ----- ۴. ترجمه ی ذکرهای قنوت

۲۴۶ ----- ۵. ترجمه ی تسبیحات اربعه

۲۴۶ ----- ۶. ترجمه ی تشهد و سلام

۲۴۸ ----- تمرین

۲۴۹ ----- درس ۴۸ نمازهای یومیه (۱۴) مبطلات نماز

۲۴۹ ----- ۱۱. مبطلات نماز

۲۴۹ ----- اشاره

۲۵۰ ----- توجه

۲۵۰ ----- ۱. از بین رفتن یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود

۲۵۰ ----- ۲. باطل شدن وضو

۲۵۰ ----- ۳. پشت به قبله نماز خواندن

۲۵۰ ----- ۴. حرف زدن

۲۵۰ ----- اشاره

۲۵۰ ----- توجه

۲۵۲ ----- چند نکته در ارتباط با سلام

۲۵۲ ----- ۵. تکتف

۲۵۲ ----- ۶. آمین گفتن بعد از حمد

۲۵۲ ----- ۷. خندیدن

۲۵۲ ----- ۸. گریه کردن

۲۵۲ ----- ۹. به هم خوردن صورت نماز، مانند کف زدن و به هوا پریدن

۲۵۲	اشاره
۲۵۳	توجه
۲۵۳	چند نکته در ارتباط با مبطلات نماز
۲۵۳	تمرین
۲۵۴	درس ۴۹ نمازهای یومیه (۱۵) شکایات نماز
۲۵۴	۱۲. شکایات نماز
۲۵۴	۱. شکهای باطل
۲۵۵	۲. شکهایی که اعتبار ندارد
۲۵۵	توجه
۲۵۶	۳. شکهایی صحیح
۲۵۶	دو نکته در ارتباط با شکایات نماز
۲۵۶	تمرین
۲۵۸	درس ۵۰ نمازهای یومیه (۱۶) نماز جمعه
۲۵۸	۱۳. نماز جمعه
۲۵۸	۱. حکم نماز جمعه
۲۵۸	اشاره
۲۵۸	توجه
۲۵۹	توجه
۲۶۰	۲. شرایط نماز جمعه
۲۶۰	اشاره
۲۶۰	توجه
۲۶۱	۳. وقت نماز جمعه
۲۶۱	۴. کیفیت نماز جمعه
۲۶۱	اشاره
۲۶۱	توجه
۲۶۲	چند نکته در ارتباط با نماز جمعه
۲۶۲	تمرین
۲۶۳	درس ۵۱ نمازهای یومیه (۱۷) نماز مسافر «۱»
۲۶۳	۱۴. نماز مسافر



۲۶۳ ..... ۱. وجوب قصر در سفر

۲۶۳ ..... اشاره

۲۶۳ ..... توجه

۲۶۳ ..... ۲. شرایط نماز مسافر

۲۶۳ ..... اشاره

۲۶۴ ..... ۱. مسافت شرعی (هشت فرسخ)

۲۶۵ ..... ۲. قصد مسافت شرعی

۲۶۵ ..... ۵. سفر معصیت

۲۶۵ ..... ۷. سفر شغلی

۲۶۵ ..... اشاره

۲۶۶ ..... توجه

۲۶۸ ..... ۸. حد ترخص:

۲۶۹ ..... تمرین

۲۷۰ ..... درس ۵۲ نمازهای یومیه (۱۸) نماز مسافر «۲»

۲۷۰ ..... ۳. چیزهایی که سفر را قطع می کند

۲۷۰ ..... توجه

۲۷۰ ..... ۴. وطن

۲۷۰ ..... اقسام وطن

۲۷۱ ..... اعراض از وطن

۲۷۲ ..... تبعیت زن و فرزند در وطن و اعراض از آن

۲۷۲ ..... تمرین

۲۷۳ ..... درس ۵۳ نمازهای یومیه (۱۹) نماز مسافر «۳»

۲۷۳ ..... ۵. قصد اقامت ده روز

۲۷۳ ..... اشاره

۲۷۳ ..... توجه

۲۷۴ ..... توجه

۲۷۵ ..... ۶. توقف یک ماه بدون قصد

۲۷۵ ..... ۷. بلاد کبیره

۲۷۵ ..... ۸. احکام نماز مسافر

- درس ۵۴ نمازهای یومیه (۲۰) [نماز قضا] - نماز استیجاری نماز قضای پدر و مادر ..... ۲۷۷
۱۵. نماز قضا ..... ۲۷۷
- اشاره ..... ۲۷۷
۲. نماز استیجاری ..... ۲۷۸
۳. نماز قضای پدر و مادر ..... ۲۷۸
- تمرین ..... ۲۷۹
- درس ۵۵ نماز آیات - نماز عید فطر و قربان ..... ۲۸۱
۱. نماز آیات ..... ۲۸۱
۱. اسباب شرعی وجوب نماز آیات ..... ۲۸۱
- اشاره ..... ۲۸۱
- توجه ..... ۲۸۱
۲. کیفیت نماز آیات ..... ۲۸۲
۲. نماز عید فطر و قربان ..... ۲۸۳
- تمرین ..... ۲۸۴
- درس ۵۶ نماز جماعت (۱) مشروعیت و اهمیت نماز جماعت ..... ۲۸۵
۱. مشروعیت و اهمیت نماز جماعت ..... ۲۸۵
- اشاره ..... ۲۸۵
- توجه ..... ۲۸۶
- تمرین ..... ۲۸۷
- درس ۵۷ نماز جماعت (۲) مسائل متفرقه ی نماز ..... ۲۸۹
۲۱. شرایط نماز جماعت ..... ۲۸۹
۱. نبودن حایل ..... ۲۸۹
- اشاره ..... ۲۸۹
- توجه ..... ۲۹۰
۲. بلندتر نبودن جای ایستادن امام از مأموم ..... ۲۹۰
۳. نبودن فاصله میان امام و مأموم ..... ۲۹۰
۲۲. احکام نماز جماعت ..... ۲۹۰
۲۳. شرایط امام جماعت ..... ۲۹۱

- ۲۹۱ ..... اشاره
- ۲۹۲ ..... توجه
- ۲۹۲ ..... ۶. نماز را صحیح خواندن
- ۲۹۲ ..... ۷. مرد بودن
- ۲۹۲ ..... اشاره
- ۲۹۲ ..... چند نکته در ارتباط با شرایط امام جماعت
- ۲۹۴ ..... ۲۴. مسائل متفرقه ی نماز
- ۲۹۴ ..... تمرین
- ۲۹۶ ..... فصل چهارم روزه
- ۲۹۶ ..... اشاره
- ۲۹۸ ..... درس ۵۸ روزه (۱) معنای روزه - انواع روزه - روزه های واجب - شرایط وجوب روزه - شرایط صحت روزه
- ۲۹۸ ..... ۱. معنای روزه
- ۲۹۸ ..... اشاره
- ۲۹۸ ..... توجه
- ۲۹۹ ..... ۲. انواع روزه
- ۲۹۹ ..... توجه
- ۳۰۰ ..... ۳. روزه های واجب
- ۳۰۰ ..... ۴. شرایط وجوب روزه
- ۳۰۰ ..... توجه
- ۳۰۱ ..... ۵. شرایط صحت روزه
- ۳۰۱ ..... توجه
- ۳۰۲ ..... تمرین
- ۳۰۳ ..... درس ۵۹ روزه (۲) نیت روزه
- ۳۰۳ ..... ۶. نیت روزه
- ۳۰۳ ..... ۱. معنی و لزوم نیت
- ۳۰۳ ..... ۲. زمان نیت
- ۳۰۳ ..... اشاره
- ۳۰۵ ..... توجه

۳۰۵ ..... ۴. استمرار در نیت

۳۰۵ ..... اشاره

۳۰۶ ..... توجه

۳۰۶ ..... تمرین

۳۰۷ ..... درس ۶۰ روزه (۳) مفطرات «۱»

۳۰۷ ..... ۷. مفطرات

۳۰۷ ..... توجه

۳۰۷ ..... ۱. خوردن و آشامیدن

۳۰۷ ..... اشاره

۳۰۹ ..... توجه

۳۰۹ ..... ۲. جماع (آمیزش جنسی)

۳۰۹ ..... ۳. استمناء (خودارضایی جنسی)

۳۰۹ ..... ۴. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع)

۳۰۹ ..... ۵. رساندن غبار غلیظ به حلق

۳۱۱ ..... تمرین

۳۱۲ ..... درس ۶۱ روزه (۴) مفطرات «۲»

۳۱۲ ..... ۶. فرو بردن سر در آب

۳۱۳ ..... ۷. باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

۳۱۳ ..... اشاره

۳۱۳ ..... توجه

۳۱۳ ..... توجه

۳۱۵ ..... توجه

۳۱۵ ..... توجه

۳۱۶ ..... توجه

۳۱۶ ..... ۸. اماله کردن با مایعات

۳۱۶ ..... ۹. قی کردن عمدی

۳۱۶ ..... اشاره

۳۱۶ ..... چند نکته در ارتباط با مفطرات روزه

- ۳۱۷-----تمرین
- ۳۱۸-----درس ۶۲ روزه (۵) کفاره ی افطار عمدی روزه ی ماه مبارک رمضان
- ۳۱۸-----۸. کفاره ی افطار عمدی روزه ی ماه مبارک رمضان
- ۳۱۸-----۱. وجوب کفاره و موارد آن
- ۳۱۸-----اشاره
- ۳۱۸-----توجه
- ۳۱۹-----۲. مقدار کفاره و کیفیت آن
- ۳۱۹-----توجه
- ۳۲۰-----توجه
- ۳۲۰-----۳. احکام کفاره
- ۳۲۱-----تمرین
- ۳۲۲-----درس ۶۳ روزه (۶) کفاره ی افطار قضای ماه رمضان - کفاره ی تأخیر - فدیة
- ۳۲۲-----۹. کفاره ی افطار قضای ماه رمضان
- ۳۲۲-----۱. وجوب کفاره و موارد آن
- ۳۲۲-----اشاره
- ۳۲۲-----توجه
- ۳۲۲-----۲. مقدار کفاره
- ۳۲۳-----۱۰. کفاره ی تأخیر
- ۳۲۳-----۱. وجوب کفاره و مورد آن
- ۳۲۳-----اشاره
- ۳۲۳-----توجه
- ۳۲۳-----۲. مقدار کفاره
- ۳۲۳-----اشاره
- ۳۲۳-----توجه
- ۳۲۴-----۱۱. فدیة
- ۳۲۴-----۱. موارد فدیة
- ۳۲۴-----اشاره
- ۳۲۴-----توجه

۳۲۵ ..... یک نکته در ارتباط با كفاره

۳۲۵ ..... توجه

۳۲۵ ..... تمرین

۳۲۶ ..... درس ۶۴ روزه (۷) جاهایی که قضا واجب است ولی كفاره واجب نیست - احكام قضاى روزه - احكام روزه ی قضای پدر و مادر - احكام روزه ی مسافر

۳۲۶ ..... ۱۲. جاهایی که قضا واجب است ولی كفاره واجب نیست

۳۲۷ ..... ۱۳. احكام قضاى روزه

۳۲۷ ..... اشاره

۳۲۷ ..... توجه

۳۲۸ ..... یک نکته در ارتباط با قضای روزه

۳۲۹ ..... ۱۴. احكام روزه ی قضای پدر و مادر

۳۲۹ ..... ۱۵. احكام روزه ی مسافر

۳۲۹ ..... اشاره

۳۳۰ ..... یک نکته در ارتباط با روزه ی مسافر

۳۳۰ ..... تمرین

۳۳۱ ..... درس ۶۵ روزه (۸) راههای ثابت شده اول ماه - مسائل متفرقه ی روزه

۳۳۱ ..... ۱۶. راههای ثابت شدن اول ماه

۳۳۱ ..... اشاره

۳۳۱ ..... توجه

۳۳۲ ..... توجه

۳۳۲ ..... توجه

۳۳۳ ..... ۱۷. مسائل متفرقه ی روزه

۳۳۴ ..... تمرین

۳۳۶ ..... فصل پنجم خمس

۳۳۶ ..... اشاره

۳۳۸ ..... درس ۶۶ خمس معنای خمس - وجوب خمس - منابع هفتگانه ی خمس - بخشی از آثار سوء عدم پرداخت خمس

۳۳۸ ..... ۱. معنای خمس

۳۳۸ ..... اشاره

۳۳۸ ..... توجه

۳۳۸

۳۳۸ ..... اشاره

۳۳۸ ..... توجه

۳۳۹ ..... ۳. منابع هفتگانه خمس

۳۴۰ ..... ۴. بخشی از آثار سوء عدم پرداخت خمس

۳۴۱ ..... تمرین

۳۴۲ ..... درس ۶۷ خمس درآمد (۱) معنای درآمد - انواع درآمد - نمونه هایی از موارد عدم انطباق درآمد

۳۴۲ ..... توجه

۳۴۲ ..... ۱. معنای درآمد

۳۴۲ ..... ۲. انواع درآمد

۳۴۳ ..... ۳. نمونه هایی از موارد عدم انطباق درآمد

۳۴۳ ..... ۱. میراث

۳۴۳ ..... ۲. مهریه

۳۴۳ ..... ۳. هبه و هدیه

۳۴۴ ..... ۴. جایزه

۳۴۴ ..... ۵. وقف

۳۴۵ ..... ۶. حقوق شرعی

۳۴۵ ..... ۷. هزینه ی درآمد

۳۴۵ ..... ۸. مال مخمس

۳۴۵ ..... ۹. بیمه

۳۴۵ ..... ۱۰. کمک هزینه ی تحصیلی

۳۴۵ ..... ۱۱. قرض

۳۴۶ ..... تمرین

۳۴۷ ..... درس ۶۸ خمس درآمد (۲) معنای مؤونه - حدود مؤونه - مؤونه یی که از نیاز خارج شده - پول فروش مؤونه

۳۴۷ ..... توجه

۳۴۷ ..... ۴. معنای مؤونه

۳۴۷ ..... ۵. حدود مؤونه

۳۴۷ ..... اشاره

۳۴۸ ..... ۱. نیاز

۳۴۸	۲. مخارج سالانه
۳۴۸	۳. اتحاد در سال
۳۴۸	۴. تناسب با شؤون
۳۴۸	۵. فعلیت در مصرف
۳۴۸	اشاره
۳۴۹	توجه
۳۴۹	۶. مؤونه بی که از نیاز خارج شده
۳۵۰	۷. پول فروش مؤونه و سود حاصل از افزایش قیمت آن
۳۵۰	اشاره
۳۵۰	توجه
۳۵۰	* تمرین
۳۵۲	درس ۶۹ خمس درآمد (۳) نمونه هایی از موارد عدم انطباق مؤونه
۳۵۲	۸. نمونه هایی از موارد عدم انطباق مؤونه
۳۵۲	۱. سرمایه
۳۵۲	اشاره
۳۵۲	توجه
۳۵۴	۲. ابزار و آلات کار
۳۵۴	۳. رشد و نمو سرمایه
۳۵۴	۴. پس انداز
۳۵۴	اشاره
۳۵۴	توجه
۳۵۵	۵. مطالبات
۳۵۵	۶. طلای مسکوک
۳۵۶	۷. حقوق بازنشستگی
۳۵۶	۸. کفن
۳۵۷	تمرین
۳۵۸	درس ۷۰ خمس درآمد (۴) نمونه هایی از موارد انطباق مؤونه
۳۵۸	۹. نمونه هایی از موارد انطباق مؤونه
۳۵۸	۱. کالاهای مصرفی بی دوام و با دوام



۳۵۸ ..... اشاره

۳۵۸ ..... توجه

۳۵۹ ..... ۲. مایحتاجی که از درآمد تدریجی تهیه می شود

۳۵۹ ..... اشاره

۳۵۹ ..... توجه

۳۶۰ ..... ۳. پرداخت بدهی

۳۶۱ ..... ۴. پیش پول اجاره و مانند آن

۳۶۱ ..... تمرین

۳۶۳ ..... درس ۷۱ خمس درآمد (۵) نحوه ی محاسبه ی خمس درآمد و پرداخت آن «۱»

۳۶۳ ..... ۱۰. نحوه ی محاسبه ی خمس درآمد و پرداخت آن

۳۶۳ ..... ۱. زمان تعلق خمس

۳۶۳ ..... اشاره

۳۶۳ ..... توجه

۳۶۳ ..... ۲. کسر هزینه ی درآمد

۳۶۴ ..... ۳. عدم تعلق خمس درآمد به مؤونه (هزینه ی سالانه)

۳۶۴ ..... ۴. کسر مؤونه ی سال از درآمد همان سال

۳۶۴ ..... ۵. عدم اشتراط صرف مؤونه از درآمد به نداشتن مال دیگر

۳۶۴ ..... ۶. داشتن حساب سال خمسی

۳۶۴ ..... اشاره

۳۶۵ ..... توجه

۳۶۵ ..... ۷. تعیین مبدأ سال خمسی

۳۶۵ ..... اشاره

۳۶۵ ..... توجه

۳۶۶ ..... ۸. آزادی در انتخاب سال خمسی

۳۶۷ ..... تمرین

۳۶۸ ..... درس ۷۲ خمس درآمد (۶) نحوه ی محاسبه ی خمس درآمد و پرداخت آن «۲»

۳۶۸ ..... ۹. نحوه ی محاسبه ی خمس سرمایه و پرداخت آن

۳۶۸ ..... اشاره

۳۶۸ ..... توجه

۳۶۹ ..... ۱۱. شک در پرداخت خمس

۳۶۹ ..... ۱۲. مصالحه

۳۶۹ ..... اشاره

۳۶۹ ..... توجه

۳۶۹ ..... ۱۳. دستگردان

۳۶۹ ..... اشاره

۳۷۰ ..... توجه

۳۷۱ ..... تمرین

۳۷۲ ..... درس ۷۳ خمس معدن - گنج - مال حلال مخلوط به حرام - مصرف خمس - مسائل متفرقه ی خمس

۳۷۲ ..... ۱. خمس معدن

۳۷۲ ..... اشاره

۳۷۲ ..... توجه

۳۷۲ ..... ۲. گنج

۳۷۳ ..... ۳. مال حلال مخلوط به حرام

۳۷۳ ..... اشاره

۳۷۳ ..... توجه

۳۷۳ ..... ۴. مصرف خمس

۳۷۳ ..... ۱. سهم مبارک امام (ع) و سهم سادات

۳۷۳ ..... اشاره

۳۷۴ ..... توجه

۳۷۵ ..... ۲. شرایط کسانی که می شود به آنان سهم سادات داد

۳۷۵ ..... ۱. سیادت

۳۷۵ ..... ۳. فقر

۳۷۶ ..... ۴. واجب النفقه نبودن

۳۷۶ ..... ۵. مسائل متفرقه ی خمس

۳۷۷ ..... تمرین

۳۷۸ ..... فصل ششم انفال

۳۷۸ ..... اشاره

۳۸۰

۳۸۰ ..... ۱. معنای انفال

۳۸۰ ..... ۲. منابع انفال

۳۸۰ ..... اشاره

۳۸۱ ..... توجه

۳۸۲ ..... تمرین

۳۸۴ ..... فصل هفتم جهاد

۳۸۴ ..... اشاره

۳۸۶ ..... درس ۷۵ جهاد معنای جهاد - وجوب جهاد - اقسام جهاد

۳۸۶ ..... ۱. معنای جهاد

۳۸۶ ..... ۲. وجوب جهاد

۳۸۶ ..... ۳. اقسام جهاد

۳۸۶ ..... اشاره

۳۸۷ ..... ۱. جهاد ابتدایی

۳۸۷ ..... ۲. جهاد دفاعی

۳۸۸ ..... تمرین

۳۹۰ ..... فصل هشتم امر به معروف و نهی از منکر

۳۹۰ ..... اشاره

درس ۷۶ امر به معروف و نهی از منکر (۱) معنای امر به معروف و نهی از منکر - وجوب امر به معروف و نهی از منکر - محدوده ی امر به معروف و نهی از منکر - شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۳۹۲

۳۹۲ ..... ۱. معنای امر به معروف و نهی از منکر

۳۹۲ ..... ۲. وجوب امر به معروف و نهی از منکر

۳۹۲ ..... اشاره

۳۹۲ ..... توجه

۳۹۴ ..... ۳. محدوده ی امر به معروف و نهی از منکر

۳۹۴ ..... اشاره

۳۹۴ ..... توجه

۳۹۴ ..... ۴. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۳۹۴ ..... ۱. علم به معروف و منکر

۳۹۴ ..... ۲. احتمال تأثیر

۳۹۴	اشاره
۳۹۵	توجه
۳۹۵	۳. اصرار بر گناه
۳۹۵	۴. نداشتن مفسده
۳۹۵	اشاره
۳۹۵	توجه
۳۹۶	چند نکته در ارتباط با شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۳۹۶	تمرین
۳۹۸	درس ۷۷ امر به معروف و نهی از منکر (۲) مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر - مسائل متفرقه ی امر به معروف و نهی از منکر
۳۹۸	۵. مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر
۳۹۸	توجه
۳۹۸	۱. امر و نهی قلبی
۳۹۹	۲. امر و نهی لسانی
۳۹۹	۳. امر و نهی عملی
۳۹۹	اشاره
۴۰۰	توجه
۴۰۰	چند نکته در ارتباط با مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۴۰۱	توجه
۴۰۱	۶. مسائل متفرقه ی امر به معروف و نهی از منکر
۴۰۳	تمرین
۴۰۴	درباره مرکز

# رساله ی آموزشی مطابق با فتاوی مرجع عالی قدر حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) جلد 1

## مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -

عنوان و نام پدیدآورنده: رساله ی آموزشی عبادات بر اساس فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی.

مشخصات ناشر: تهران: نشر فقه روز (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، 1392.

مشخصات ظاهری: 352 ص

ISBN: 978-600-93133-3-4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع: فتوهای شیعه -- قرن 14

رده بندی کنگره: 1392 5 ر 2 خ / BP 9/83

رده بندی دیویی: 297/3422

شماره کتابشناسی ملی: 3133751

ناشر: فقه روز

(وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)

شمارگان: ده هزار نسخه

نوبت چاپ: نهم - پائیز 1394

بها: 120000 ریال

شابک: 978-600-93133-3-4

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه ی عطارد، شماره 7

تلفن: 66410649-66977268 - تلفن مرکز پخش: 09195593732-66483975

سامانه پیامکی: 1000 20 120 - صندوق پستی: 13185-613

پست الکترونیکی: [Info@book-khamenei.ir](mailto:Info@book-khamenei.ir) - <http://Book-Khamenei.ir>

تنظیم کننده متن دیجیتال میثم حیدری

ص: 1

**اشاره**

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2





مجموعه ای که در اختیار دارید، حاوی مسائل مهم و مورد ابتلاء در ابواب عبادات و معاملات است که مطابق با فتاوی مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظلّه العالی) می باشد که بنا به درخواستهای مك - زر از سوی علماء و فضلاء و مقلّ - دین، توسط انتشارات فقه روز به طبع رسیده و در اختیار عموم مؤمنین و علاقمندان قرار می گیرد.

در این مجموعه آموزشی، علاوه بر موارد موجود در رساله ی «أجوبة الإستفتاءات»، استفتائات جدید نیز اضافه گردید و در دروس مربوط به احکام معاملات از جزوه های دروس خارج فقه (1) معظّمه نیز بهره گرفته شده تا بر غنای آموزشی مجموعه، برطبق اسلوب و بیان معظّمه افزوده گردد.

مجلد اول این مجموعه شامل احکام عبادات در ابواب تقلید، طهارت، نماز، روزه، خمس، انفال، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و در ضمن 77 درس و مجلد دوم آن شامل احکام معاملات جایز و حرام و در ضمن 82 درس می باشد. تدوین دروس مزبور به نحوی انجام گرفته است که نفع آن عام و بهره گیری از آن برای همگان آسان باشد.

شایان ذکر است این اثر توسط مرحوم محمدرضا مشفق پور تدوین شده و دفتر استفتائات معظّمه این رساله ی آموزشی را مورد تأیید و عمل به آن را مجزی اعلام نموده اند.

از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه این مجموعه یاری نموده اند صمیمانه تشکر می کنیم.

خداوند متعال به همه ی ما توفیق عمل به احکام اسلام و قرآن و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) را عنایت فرماید.

ومن الله التوفیق

ص: 4



## فهرست مطالب

فصل اول / تقلید 1

درس 1 / تقلید (1) 3

1. مقدمه 3

2. راههای شناخت احکام 4

3. اقسام تقلید 5

4. اعمال بدون تقلید 6

درس 2 / تقلید (2) 7

5. شرایط مرجع تقلید 7

7. عادل باشد 8

9. مجتهد باشد 8

10. بنا بر احتیاط واجب اعلم باشد 8

6. تبعیض در تقلید 9

درس 3 / تقلید (3) 11

7. راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط 11

8. راههای به دست آوردن فتوای مجتهد 12

9. احکام عدول 12

10. مسائل متفرقه ی تقلید 13

درس 4 / ولایت فقیه و رهبری 15

1. معنای ولایت فقیه 15

2. ضرورت ولایت فقیه 15

3. قلمرو ولايت فقيه 16

ص: 6

4. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید 17

فصل دوم / طهارت 21

درس 5 / آبها 23

1. اقسام آبها 23

2. آب مضاف (آب ناخالص و عصاره بی) 23

3. آب مطلق (آب خالص) 24

4. احکام اقسام آبهای مطلق 25

5. احکام شك در آب 26

درس 6 / تخلی 28

1. احکام تخلی (بول و غایط کردن) 28

2. استبرا 29

3. استنجا (تطهیر مخرج بول و غایط) 30

درس 7 / نجاسات (1) 31

1. نجاسات 31

درس 8 / نجاسات (2) 36

درس 9 / نجاسات (3) 39

2. راههای ثابت شدن نجاست 39

3. چگونگی نجس شدن چیزهای پاک 39

4. احکام نجاسات 40

5. وسواس و درمان آن 40

درس 10 / مطهرات (1) 43

1. مطهرات 43

درس 11 / مطهرات (2) 46

درس 12 / مطهرات (3) 49

2. راههای ثابت شدن طهارت 49

3. اصل طهارت 49

4. احکام ظرفها 51

درس 13 / وضو (1) 52

1. معنای وضو 52

2. کیفیت وضو 52

درس 14 / وضو (2) 57

ص: 7

3. شرایط وضو 57

درس 15 / وضو (3) 60

درس 16 / وضو (4) 64

4. وضوی ارتماسی 64

5. وضوی جبیره یی 64

6. مبطلات وضو 65

7. احکام وضو 66

درس 17 / وضو (5) 67

8. غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت) 67

درس 18 / غسل (1) 72

1. معنای غسل 72

2. اقسام غسل 72

3. کیفیت غسل 73

4. غسل جبیره یی 74

درس 19 / غسل (2) 75

5. شرایط غسل 75

6. احکام غسل 75

درس 20 / غسل (3) 77

7. غسل جنابت 77

درس 21 / غسل (4) 81

8. غسل های مخصوص بانوان 81

درس 22 / احکام درگذشتگان (1) 84

1. غسل مس میت 84

2. احکام محتضر (کسی که در حال جان دادن است) 85

3. واجبات پس از مرگ 85

درس 23 / احکام درگذشتگان (2) 87

4. غسل میت 87

5. حنوط 88

6. کفن 88

درس 24 / احکام درگذشتگان (3) 90

7. نماز میت 90

ص: 8



8. دفن 91

9. احکام نیش قبر 92

10. احکام شهید 92

11. احکام اعدامی 93

درس 25 / تیمم (1) 95

1. موارد تیمم 95

2. چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است 97

3. کیفیت تیمم 97

4. تیمم جیره یی 98

درس 26 / تیمم (2) 99

5. شرایط تیمم 99

6. احکام تیمم 101

فصل سوم / نماز 105

درس 27 / اقسام نمازها 107

1. نمازهای واجب و مستحب 107

2. نوافل یومیه 108

درس 28 / لباس نمازگزار (1) 110

1. مقدار پوشش در نماز 110

2. شرایط لباس نمازگزار 111

درس 29 / لباس نمازگزار (2) 114

3. مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاك باشد 115

درس 30 / مکان نمازگزار (1) 118

1. شرایط مکان نمازگزار 118

درس 31 / مکان نمازگزار (2) 121

درس 32 / احکام مسجد (1) 124

1. احکام حرام مساجد 124

درس 33 / احکام مسجد (2) 128

2. احکام مستحب مساجد 128

درس 34 / قبله 131

1. احکام قبله 131

درس 35 / نمازهای یومیه (1) 134

ص: 9

1. اهمیت نمازهای یومیه 134
2. تعداد نمازهای یومیه 134
3. اوقات نمازهای یومیه 135
- درس 36 / نمازهای یومیه (2) 137
4. احکام اوقات نماز 137
5. ترتیب در بین نمازها 138
- درس 37 / نمازهای یومیه (3) 140
6. اذان و اقامه 140
- درس 38 / نمازهای یومیه (4) 143
7. واجبات نماز 143
- درس 39 / نمازهای یومیه (5) 147
- درس 40 / نمازهای یومیه (6) 152
- درس 41 / نمازهای یومیه (7) 156
- درس 42 / نمازهای یومیه (8) 162
- درس 43 / نمازهای یومیه (9) 167
- درس 44 / نمازهای یومیه (10) 173
- درس 45 / نمازهای یومیه (11) 177
- درس 46 / نمازهای یومیه (12) 181
8. قنوت 182
9. تعقیب 183
- درس 47 / نمازهای یومیه (13) 184

10. ترجمه ی نماز 184

درس 48 / نمازهای یومیه (14) 188

11. مبطلات نماز 188

درس 49 / نمازهای یومیه (15) 192

12. شکایات نماز 192

درس 50 / نمازهای یومیه (16) 196

13. نماز جمعه 196

درس 51 / نمازهای یومیه (17) 201

14. نماز مسافر 201

درس 52 / نمازهای یومیه (18) 208

ص: 10

درس 53 / نمازهای یومیه (19) 211

درس 54 / نمازهای یومیه (20) 215

15. نماز قضا 215

درس 55 / نماز آیات نماز عید فطر و قربان 219

1. نماز آیات 219

2. نماز عید فطر و قربان 221

درس 56 / نماز جماعت (1) 223

1. مشروعیت و اهمیت نماز جماعت 223

درس 57 / نماز جماعت (2) 227

21. شرایط نماز جماعت 227

22. احکام نماز جماعت 228

23. شرایط امام جماعت 229

24. مسائل متفرقه ی نماز 231

فصل چهارم / روزه 233

درس 58 / روزه (1) 235

1. معنای روزه 235

2. انواع روزه 236

3. روزه های واجب 237

4. شرایط وجوب روزه 237

5. شرایط صحت روزه 238

درس 59 / روزه (2) 240

6. نیت روزه 240

درس 60 / روزه (3) 244

7. مفطرات 244

درس 61 / روزه (4) 248

درس 62 / روزه (5) 253

8. كفاره ی افطار عمدی روزه ی ماه مبارك رمضان 253

درس 63 / روزه (6) 257

9. كفاره ی افطار قضای ماه رمضان 257

10. كفاره ی تأخیر 258

11. فدیة 259

ص: 11

درس 64 / روزه (7) 261

12. جاهایی که قضا واجب است ولی کفاره واجب نیست 261

13. احکام قضای روزه 262

14. احکام روزه ی قضای پدر و مادر 264

15. احکام روزه ی مسافر 264

درس 65 / روزه (8) 266

16. راههای ثابت شدن اول ماه 266

17. مسائل متفرقه ی روزه 268

فصل پنجم / خمس 271

درس 66 / خمس 273

1. معنای خمس 273

2. وجوب خمس 273

3. منابع هفتگانه خمس 274

4. بخشی از آثار سوء عدم پرداخت خمس 275

درس 67 / خمس درآمد (1) 277

1. معنای درآمد 277

2. انواع درآمد 277

3. نمونه هایی از موارد عدم انطباق درآمد 278

درس 68 / خمس درآمد (2) 282

4. معنای مؤونه 282

5. حدود مؤونه 282

درس 69 / خمس درآمد (3) 287

8. نمونه هایی از موارد عدم انطباق مؤونه 287

6. طلای مسكوك 290

7. حقوق بازنشستگی 291

8. كفن 291

درس 70 / خمس درآمد (4) 293

9. نمونه هایی از موارد انطباق مؤونه 293

درس 71 / خمس درآمد (5) 298

10. نحوه ی محاسبه ی خمس درآمد و پرداخت آن 298

درس 72 / خمس درآمد (6) 303

ص: 12



درس 73 / خمس معدن گنج مال حلال مخلوط 307

1. خمس معدن 307

2. گنج 307

3. مال حلال مخلوط به حرام 308

4. مصرف خمس 308

5. مسائل متفرقه ی خمس 311

فصل ششم / انفال 313

درس 74 / انفال 315

1. معنای انفال 315

2. منابع انفال 315

فصل هفتم / جهاد 321

درس 75 / جهاد 321

1. معنای جهاد 321

2. وجوب جهاد 321

3. اقسام جهاد 321

فصل هشتم / امر به معروف و نهی از منکر 325

درس 76 / امر به معروف و نهی از منکر (1) 327

1. معنای امر به معروف و نهی از منکر 327

2. وجوب امر به معروف و نهی از منکر 327

4. شرایط امر به معروف و نهی از منکر 329

درس 77 / امر به معروف و نهی از منکر (2) 333

5. مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر 333

6. مسائل متفرقه ی امر به معروف و نهی از منکر 336

ص: 13



اشاره

ص: 1



### اشاره

مكلف بايد مسائلى را كه انجام تكاليف شرعى روزمره وابسته به دانستن آن است فرا بگيرد، مانند مسائل اصلى نماز و روزه و طهارت و برخى معاملات و غير آن، و اگر ياد نگرفتن احكام به ترك واجب يا ارتكاب حرام بيانجامد گناهكار خواهد بود.

### توجه

\* مكلف به كسى گفته مى شود كه واجد شرايط تكليف باشد.

ص: 3

\* تازمانی که یکی از نشانه های بلوغ در فردی تحقق پیدا نکرده شرعاً حکم به بلوغ او نمی شود و مکلف به احکام شرعی نیست.

\* صرف احتمال این که انبات (رویش موی درشت زیر شکم) یا احتلام زودتر از سن تکلیف ظاهر شده اند برای حکم به بلوغ کفایت نمی کند.

\* خونی که دختر قبل از اتمام نه سالگی می بیند علامت شرعی بلوغ نیست.

\* همانطور که گفتیم معیار در سن بلوغ، سال قمری است و در صورتی که تاریخ تولد بر اساس سال شمسی معلوم باشد می توان آن را بر اساس سال قمری از طریق محاسبه ی اختلاف بین سال قمری و سال شمسی به دست آورد. (هر سال قمری 10 روز و 21 ساعت و 17 ثانیه کمتر از سال شمسی است).

## 2. راههای شناخت احکام

### 1. اجتهاد

اجتهاد یعنی استنباط و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارك و منابع معتبر که نزد فقهای اسلام مقرر و ثابت شده است.

### 2. احتیاط

احتیاط یعنی عمل کردن به طوری که مطمئن شود وظیفه ی شرعی خود را انجام داده است، مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می دانند و بعضی دیگر حرام نمی دانند به جا نیاورد و کاری را که بعضی واجب می دانند و بعضی دیگر واجب نمی دانند، انجام دهد.

ص: 4

**اشاره**

تقلید یعنی در احکام دین به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کردن، و به عبارت دیگر بر طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.

**توجه**

\* تقلید، علاوه بر این که ادله ی لفظی دارد، عقل نیز حکم می کند که شخص ناآگاه به احکام دین باید به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کند.

\* مکلف اگر در احکام دین مجتهد نیست باید از کسی که مجتهد است تقلید کند و یا به احتیاط رفتار نماید.

\* از آن جایی که عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع الشرائط تقلید کند.

3. اقسام تقلید

**اشاره**

تقلید از میت از يك نظر بر دو قسم است:

1. ابتدایی: (یعنی تقلید کردن از مجتهد مرده بدون آن که قبلاً در زمان حیات وی از او تقلید کرده باشد) که بنا به احتیاط (واجب) جایز نیست.

2. بقایی: (یعنی باقی بودن بر تقلید از مجتهد مرده بی که در زمان حیات وی از او تقلید کرده است) که در همه ی مسائل حتی در مسائلی که تا کنون مکلف به آنها عمل نکرده جایز و مجزی است.

**توجه**

\* در تقلید بقایی، فرقی نیست بین آن که مجتهد میت، اعلم باشد یا نباشد، در هر صورت جایز



است، ولی سزاوار است که احتیاط در بقا بر تقلید میت اعلم ترك نشود.

\* تقلید ابتدایی از مجتهد میت یا بقا بر تقلید او و حدود آن، باید به تقلید از مجتهد زنده و بنابر احتیاط واجب اعلم باشد. بلی در صورتی که جواز بقا بر تقلید میت، مورد اتفاق فقهای عصر حاضر باشد اجازه از اعلم واجب نیست.

\* افرادی که در زمان حیات مجتهد جامع الشرائط غیر بالغ بوده اند ولی به نحو صحیح از او تقلید کرده اند، می توانند بعد از فوت آن مجتهد همچنان بر تقلید وی باقی بمانند.

\* شخصی که از مجتهدی تقلید می کرده و بعد از فوت او در بعضی از مسائل از مجتهد دیگری تقلید کرده است و این مجتهد نیز وفات نموده، می تواند مانند گذشته بر تقلید از مجتهد اول در مسائلی که از او عدول نکرده باقی بماند، همچنان که مخیر است در مسائلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

#### 4. اعمال بدون تقلید

##### اشاره

اعمال افرادی که تقلید نمی کنند یا تقلید صحیح ندارند در صورتی محکوم به صحت است که:

1. موافق احتیاط باشد.
2. یا مطابق واقع باشد.
3. یا مطابق با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند.

##### تمرین

1. آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می کند گناهکار است؟
2. نشانه های بلوغ کدامند؟
3. راههای شناخت احکام را برشمرد؟
4. عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟ چرا؟
5. اقسام تقلید را توضیح دهید؟
6. حکم اعمال بدون تقلید چیست؟

## درس 2 تقلید (2) شرایط مرجع تقلید - تبعیض در تقلید

### 5. شرایط مرجع تقلید

#### توجه

\* از کسی باید تقلید کرد که شرایط آن را داشته باشد.

ص: 7

## 7. عادل باشد

1. عدالت عبارت است از حالت نفسانی است که باعث می شود انسان همیشه تقوایی داشته باشد که مانع از ترك واجبات یا انجام محرمات شرعی بشود.
2. عادل کسی است که عدالت داشته باشد، و به عبارت دیگر کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه (ترك واجب یا انجام حرام) نشود.
3. برای اثبات و احراز عدالت، حسن ظاهر کافی است.

## 9. مجتهد باشد

1. اجتهاد از يك نظر بر دو قسم است:
1. اجتهاد مطلق: اجتهادی را گویند که صاحب آن در تمام ابواب فقهی دارای توانایی فتوا و نظر اجتهادی است. صاحب اجتهاد مطلق را «مجتهد مطلق» نامند.
2. اجتهاد متجزی: به اجتهادی گفته می شود که صاحب آن در برخی از ابواب فقهی، مثل نماز و روزه دارای توانایی فتوا و نظر اجتهادی است. صاحب اجتهاد تجزی را «مجتهد متجزی» می گویند.
2. فتوای مجتهد مطلق برای خودش حجت است و دیگران هم می توانند از او تقلید کنند، و همچنین فتوای مجتهد متجزی، گرچه احتیاط مستحب در ترك تقلید از مجتهد متجزی است.

## 10. بنا بر احتیاط واجب اعلم باشد

1. اعلم یعنی کسی که بر استنباط احکام دین توانا تر باشد، و به عبارت دیگر کسی است که نسبت به سایر مراجع، قدرت بیشتری بر شناخت احکام الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعیه را از ادله، استنباط کند، و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است آگاهتر باشد.
2. دلیل وجوب تقلید از اعلم، بنای عقلا و حکم عقل است.
3. وجوب تقلید از اعلم بنا به احتیاط واجب در مسائلی است که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد.
4. به صرف احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم، جایز نیست بنا به احتیاط واجب در مسائل

مورد اختلاف از غیر اعلم تقلید کرد.

### چند نکته در ارتباط با شرایط مرجع تقلید

\* در صحت تقلید از مجتهد جامع الشرائط، تصدی مرجعیت یا داشتن رساله‌ی عملیه شرط نیست، لذا اگر برای مکلف ثابت شود مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده و رساله‌ی عملیه هم ندارد جامع الشرائط است می‌تواند از او تقلید کند.

\* در تقلید از مجتهد جامع الشرائط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف و یا ساکن در محل سکونت او باشد.

\* پدران و مادران وظیفه دارند فرزندان تازه به سن تکلیف رسیده‌ی خود را که باید مرجع تقلیدی انتخاب کنند و به خاطر دشوار بودن درك مسأله‌ی تقلید نمی‌توانند به تنهایی وظیفه‌ی شرعی خود را در این باره تشخیص دهند، ارشاد و راهنمایی نمایند.

### 6. تبعیض در تقلید

#### اشاره

1. تبعیض در تقلید یعنی تقلید را قسمت قسمت کردن و در هر قسمت از احکام، از مجتهد آن قسمت تقلید کردن.

2. مقلد می‌تواند هر قسمت از احکام شرعی را از مجتهدی که در آن قسمت تبحر و مهارت بیشتری دارد تقلید کند، مثلاً عبادات را از مجتهدی و معاملات را از مجتهد دیگری تقلید نماید یا احکام فردی را از یکی و احکام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را از دیگری تقلید کند، بلکه اگر اعلیت هر يك از مجتهدین در مسائلی که مکلف بنا دارد در آن مسائل از او تقلید کند محرز شود، بنا بر احتیاط (واجب)، تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسائل مورد نیاز مقلد واجب است.

#### تمرین

1. شرایط مرجع تقلید کدامند؟

2. عدالت چیست؟ و عادل کیست؟

ص: 9

3. آیا فتوای مجتهد متجزی برای خودش و دیگران حجت است؟

4. چرا باید از اعلم تقلید کرد؟

5. آیا می توان از مجتهدی که رساله ی عملیه ندارد تقلید کرد؟ چرا؟

6. تبعیض در تقلید یعنی چه؟ و چه حکمی دارد؟

ص: 10

## درس 3 تقلید (3) راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط - راههای به دست آوردن فتوای مجتهد -

### احکام عدول - مسائل متفرقه ی تقلید

#### 7. راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط

#### توجه

\* اگر بینه ی شرعی (مثل شهادت دو نفر عادل و اهل خبره) بر صلاحیت و جامع الشرائط بودن مجتهدی اقامه شود، تا زمانی که بینه ی شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینه حجت شرعی است و به آن اعتماد می شود، اگر چه موجب حصول اطمینان نباشد، و در این صورت جستجو از بینه ی معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.

ص: 11

## 8. راههای به دست آوردن فتوای مجتهد

### توجه

\* در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان حکم شرعی، اجازه داشتن از مجتهد شرط نیست، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می شود جایز نیست متصدی این کار شود، و اگر در موردی اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده، به نقل او عمل کند.

## 9. احکام عدول

### اشاره

ص: 12

\* صرف گمان به ناهماهنگی فتاوی مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوی او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی شود.

## **10. مسائل متفرقه ی تقلید**

1. هرگاه برای مکلف در اثنای نماز مسأله یی پیش بیاید که حکم آن را نمی داند، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال آن را می دهد عمل کند و نماز را به آخر برساند، ولی پس از نماز باید مسأله را بپرسد و اگر آنچه عمل کرده موجب بطلان نمازش شده باشد، نماز را دوباره بخواند.

2. جاهل از يك نظر بر دو قسم است:

1. جاهل قاصر: کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

2. جاهل مقصر: به کسی گفته می شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می داند ولی در آموختن احکام کوتاهی می کند.

3. احتیاط واجب یعنی وجوب انجام یا ترك فعلی از باب احتیاط. در احتیاط واجب مقلد می تواند به مجتهد دیگر که احتیاط نکرده و فتوای صریح دارد با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم رجوع کند.

4. همه ی عبارات های «فیه اشکال»، «مشکل»، «لا یخلو من اشکال» که در کتب فقهی به کار می روند، دلالت بر احتیاط دارند مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتوی است.

5. در مقام عمل فرقی بین «جایز نیست» و «حرام است» وجود ندارد.

## **تمرین**

1. راههای دستیابی به فتوای مجتهد را ذکر نمایید.

2. آیا کسی که اجازه از مجتهد ندارد جایز است متصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی شود؟



3. مواردی که عدول به غیر اعلم جایز نیست را توضیح دهید؟

4. در چه موردی عدول واجب است؟

5. اقسام جاهل کدامند؟

6. فرق بین جایز نبودن و حرام چیست؟

ص: 14

## درس 4 ولایت فقیه و رهبری معنای ولایت فقیه - ضرورت ولایت فقیه - قلمرو ولایت فقیه - اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

### 1. معنای ولایت فقیه

#### اشاره

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس.

#### توجه

\* ولایت فقیه در رهبری جامعه ی اسلامی و اداره ی امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد. (اجوبه الاستفتاءات، س 61)

\* عدم اعتقاد به ولایت فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت (عج) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی شود، و اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

### 2. ضرورت ولایت فقیه

#### اشاره

از آن جا که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره ی امور جامعه است، لذا همه ی طبقات جامعه ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام

ص: 15

جامعه‌ی اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند.

## توجه

\* ولایت فقیه، حکم شرعی تبعیدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

## 3. قلمرو ولایت فقیه

### 1. اوامر ولایی ولی فقیه

## اشاره

همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود چه رسد به مقلدین آنان.

## توجه

\* برای هیچ‌کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته‌تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راههای قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد.

## 2. احکام ولایی ولی فقیه

احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

## 3. اجرای حدود

اجرای حدود (مثل حد زنا و سرقت) در زمان غیبت هم واجب است، و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

## 4. مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین

است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت، مقدم و حاکم است.

## 5. اداره‌ی رسانه‌های گروهی

اداره‌ی رسانه‌های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه‌ی اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال این گونه امور از آن استفاده می‌شود.

### سه نکته در ارتباط با قلمرو ولایت فقیه

\* اطاعت از دستورات نماینده‌ی ولی فقیه: نماینده‌ی ولی فقیه در صورتی که دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است صادر کرده باشد مخالفت با آنها جایز نیست.

\* ولایت اداری: در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری (به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض) وجود ندارد، ولی مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد جایز نیست.

\* ولایت تکوینی: ولی فقیه، ولایت تکوینی (1) ندارد. این امر اختصاص به معصومین (ع) دارد.

## 4. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

### اشاره

در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید مختلف است، اگر این اختلاف، در مسائل مربوط به اداره‌ی کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و

ص: 17

---

1- . ولایت بر دو قسم است: 1. ولایت تشریحی: یعنی حاکمیت و سرپرستی قانون الهی، مانند ولایت پدر و جد پدری بر کودک نابالغ یا ولایت حاکم اسلامی بر تمام مسائل مربوط به حکومت و اداره‌ی کشور اسلامی. 2. ولایت تکوینی: یعنی توانایی تصرف کردن در جهان تکوینی (آفرینش) به فرمان و اذن خداوند و قدرت به وجود آوردن حوادث بر خلاف عادت و جریان طبیعی عالم اسباب، مانند شفا دادن بیماران غیر قابل علاج یا زنده کردن مردگان.

مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسائل فردی محض باشد، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

### تمرین

1. ولایت فقیه یعنی چه؟ و چرا ضروری است؟
2. وظیفه‌ی شرعی مسلمانان در برابر اوامر ولایی ولی فقیه را بیان نمایید؟
3. آیا اوامر ولایی که از رهبر متوفی صادر شده است بدون اذن رهبر زنده، خود به خود استمرار و نافذ خواهد بود؟
4. آیا مجتهد جامع الشرائط در عصر غیبت، ولایت بر اجرای حدود دارد؟
5. آیا اطاعت از دستورات نماینده‌ی ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست، واجب است؟
6. مکلف در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید متفاوت است چه وظیفه‌ی بی دارد؟

ص: 18





دین اسلام به طهارت و پاکیزگی اهمیت زیاد داده است. بعضی از اعمال و تکالیف شرعی در صورتی درست است که با طهارت انجام داده شود، و بعضی چیزها از نظر شریعت مقدس اسلام، ناپاک است و از آن باید همیشه یا در مواقع خاصی اجتناب شود. در فقه اسلام به جز پاکیزگی و تمیزی و طهارت که همواره چیز مطلوبی است، نوعی شستشوی خاص (وضو و غسل) نیز وجود دارد که به آن طهارت می گویند و گاه واجب و گاه مستحب است. احکام طهارت و چیزهای پاک کننده و کیفیت پاک کردن بدن و لباس و اشیای دیگر و چیزهایی که نجس و ناپاک است و هر چه به این مسائل ارتباط می یابد در این فصل که به نام «طهارت» نامیده می شود بیان می گردد.

(استفتا از دفتر معظّمه، باب طهارت، م 2)





## درس 5 آبها اقسام آبها - آب مضاف - آب مطلق - احکام آبهای مطلق - احکام شك در آب

### 1. اقسام آبها

### 2. آب مضاف (آب ناخالص و عصاره بی)

#### 1. معنای آب مضاف

آب مضاف آبی است که اطلاق کلمه ی آب بر آن به تنهایی و بدون قید و اضافه صحیح نباشد، خواه از چیزی گرفته شود، مانند آب هندوانه، گلاب و مانند آن، یا با چیزی مخلوط شود به طوری که دیگر به آن آب نگویند، مانند شربت، آب نمک و مانند آن.

#### 2. احکام آب مضاف

1. آب مضاف، چیز نجس را پاک نمی کند (از مطهرات نیست).

ص: 23

2. با برخورد به نجاست، نجس می شود (هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه ی آب عوض نشود و هر چند آب مضاف به اندازه کر باشد).

3. وضو و غسل با آب مضاف باطل است.

### توجه

\* گاهی به آب، موادی اضافه می کنند که آن را به رنگ شیر در می آورد، این آب، حکم آب مضاف را ندارد، (بنابراین می توان با آن چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد).

### 3. آب مطلق (آب خالص)

#### 1. معنای آب مطلق

آب مطلق آبی است که اطلاق کلمه ی آب بر آن به تنهایی و بدون هیچ قید و شرطی صحیح باشد، مانند آب باران و آب چشمه و مانند آن.

#### 2. اقسام آب مطلق

### توجه

\* آب یا از آسمان می بارد یا از زمین (مخزن زیر زمینی) می جوشد و یا نه می بارد و نه می جوشد. به آبی که از آسمان می بارد «آب باران» گویند، و آبی که از زمین می جوشد «آب جاری» است. آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد «آب راکد» است که اگر مقدار آن تقریباً 384 لیتر باشد «آب کر» و اگر کمتر از آن باشد «آب قلیل» خواهد بود.

#### 3. احکام آب مطلق

### اشاره

1. آب مطلق چیز نجس را پاک می کند (از مطهرات است).

2. آب مطلق به جز آب قلیل، تا زمانی که بر اثر برخورد با نجاست، رنگ یا بو یا مزه ی نجاست نگرفته باشد پاک است.

3. وضو و غسل با آب مطلق صحیح است.

### توجه

\* برای ترتب آثار شرعی آب مطلق، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است، بنابراین از آن جا که صرف غلظت آب به سبب وجود املاح، مانع از صدق عنوان آب مطلق بر آن نمی شود، از این رو می توان با آب دریایی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است، مثل دریاچه ی ارومیه چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد.

### 4. احکام اقسام آبهای مطلق

#### 1. آب باران

آب باران اگر به چیزی که نجس شده است بیارد آن را پاک می کند.

#### 2. آب کر و جاری

#### اشاره

1. اگر چیزی را که نجس شده در آب کر و جاری فرو ببرند آن را پاک می کند و خود آب نجس نمی شود.

2. آب کر و جاری اگر با ریخته شدن چیزهای نجس در آن، رنگ یا بو یا مزه ی آن تغییر کند، نجس می شود و در این صورت چیزهایی را که نجس شده اند، پاک نمی کند.

#### توجه

\* آب کر و جاری در تطهیر هیچ تفاوتی با هم ندارند.

#### 3. آب قلیل

1. اگر چیز نجسی در آب قلیل فرو برده شود نجس می شود و چیزی را که نجس شده پاک نمی کند.

2. اگر آب قلیل را بر روی چیزهایی که نجس شده است بریزند آنها را پاک می کند(1)، ولی آن مقدار آبی که پس از ریخته شدن بر روی نجس، از آن سرازیر می شود، نجس است.
3. آب قلیلی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می ریزد و قسمت پایین آن با نجاست برخورد می کند، در صورتی که سرازیری آب به گونه بی باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند قسمت بالای آن پاک است.
4. آب قلیل اگر به کر یا جاری متصل باشد در حکم کر و جاری است.

## 5. احکام شك در آب

### اشاره

1. آبی که نمی دانیم پاک است یا نجس شرعاً پاک است، ولی آبی که نجس بوده و نمی دانیم بعداً پاک شده یا نه، در حکم نجس است.
2. آبی که به اندازه ی کر بوده اگر انسان شك کند که از کر کمتر شده یا نه، در حکم آب کر است.

### توجه

- \* برای ترتب آثار کر بودن آب، علم به کر بودن آن واجب نیست، بلکه اگر حالت سابقه ی کر بودن آب احراز شود بنا گذاشتن بر کر بودن آن جایز است (مثلاً اگر بدانیم آب موجود در دستشوییهای قطار و غیره قبلاً به اندازه ی کر یا بیشتر بوده است و شك کنیم از کر افتاده می توانیم بنا را بر کر بودن آن بگذاریم).
3. آبی که کمتر از کر بوده تا انسان یقین نکند که به مقدار کر شده، حکم آب قلیل را دارد.

### تمرین

1. اقسام آبها را نام ببرید؟
2. آب مضاف و مطلق را تعریف کنید؟

ص: 26

---

1- . جهت توضیح بیشتر به صفحه ی 43 رجوع شود.

3. احکام آب مطلق را توضیح دهید؟

4. حکم وضو و غسل با آب دریایی که به سبب وجود املاح غلظت پیدا کرده چیست؟

5. در تطهیر، چه فرقی بین آب کر و آب جاری است؟

6. حکم آبی که نمی دانیم پاک است یا نجس چیست؟

ص: 27

1. احکام تخی (بول و غایط کردن)

1. رعایت قبله

انسان در هنگام تخی باید رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

2. پوشی

واجب است انسان در هنگام تخی و مواقع دیگر - عورت (شرمگاه) خود را از دیگران غیر از همسر خود بپوشاند، چه مرد باشد و چه زن، و چه محرم و چه نامحرم، حتی از بچه ی نابالغ که دارای قدرت تشخیص می باشد. زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند.

3. برخی از مکروهات تخی

ص: 28

### اشاره

1. مردان پس از ادرار، اگر کاری که به آن «استبرا» می گویند انجام دهند در صورتی که پس از آن رطوبتی از مجرای ادرار خارج شود که نداند بول است یا چیز دیگر، آن رطوبت محکوم به طهارت خواهد بود و بررسی و جستجو در این باره لازم نیست.
2. استبرا واجب نیست و اگر موجب ضرر شود جایز هم نخواهد بود، مثل وقتی که در مجرا زخمی وجود دارد که هنگام استبرا بر اثر فشار از آن خون جاری می شود و بهبودی زخم را به تأخیر می اندازد. البته اگر استبرا نکند و بعد از بول کردن، رطوبت مشتبّه خارج شود حکم بول را دارد.
3. بهترین شیوه ی استبرا این است که بعد از قطع شدن ادرار، اگر مخرج مدفوع نجس شده، ابتدا آن را تطهیر کنند، بعد سه بار انگشت میانه ی دست چپ را از مخرج مدفوع تا بیخ آلت بکشند، و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه بار تا سر آلت بکشند و پس از آن سه بار سر آلت را فشار دهند.
4. تفاوتی بین استبرا قبل از تطهیر مخرج غایط و بعد از تطهیر آن، از نظر کیفیت وجود ندارد.
5. هرگاه فردی بعد از خروج بول، استبرا کند و وضو بگیرد، و سپس رطوبتی که مردد بین بول و منی است از او خارج شود واجب است برای تحصیل یقین به طهارت از حدث، هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

### توجه

\* همه ی رطوبتهای فوق پاک است و باعث نقض (از بین رفتن) طهارت نمی شود.



### 3. استنجا (تطهير مخرج بول و غايط)

#### 1. چگونگی تطهير مخرج بول

1. مخرج بول (محل دفع ادرار) جز با آب پاك نمی شود.

2. مخرج بول بوسیله آب قلیل بنا بر احتیاط واجب با دو بار شستن پاك می شود.

#### 2. چگونگی تطهير مخرج غايط

1. مخرج غايط را به دو گونه می توان تطهير کرد:

1. آن که با آب بشوید تا نجاست از بین برود، و پس از آن آب کشیدن لازم نیست.

2. آن که با سه قطعه سنگ یا پارچه ی پاك و امثال آن، نجاست را پاك کنند و اگر با سه قطعه، نجاست زائل نشد با قطعات دیگر، آن را کاملاً پاك نمایند، و به جای سه قطعه می توانند از سه جای يك قطعه سنگ یا پارچه استفاده کنند.

2. مخرج غايط در سه صورت فقط با آب پاك می شود و با سنگ و امثال آن نمی شود آن را تطهير کرد:

1. آن که با غايط نجاست دیگری، مثل خون بیرون آمده باشد.

2. آن که نجاستی از خارج به مخرج غايط رسیده باشد.

3. آن که اطراف مخرج بیش از مقدار معمول آلوده شده باشد (به عبارت دیگر غايط از محل مخرج به جاهای دیگر رسیده باشد).

#### تمرین

1. آیا پوشاندن عورت از كودك نابالغ واجب است؟

2. برخی از مكروهات تخرلی را بر شمیرید؟

3. حكم استبرا چیست؟

4. استبرا چه فايده بی دارد؟

5. اقسام رطوبتهایی که گاهی از انسان خارج می شود را توضیح دهید؟

6. مخرج بول و غايط را چگونه می توان تطهير کرد؟

1. نجاسات

توجه

\* تمام اشیا، محکوم به طهارت هستند مگر آنهایی که شارع، حکم به نجاستشان کرده است.

ص: 31

## 1 و 2. بول و غایط

1. بول و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتِ دارای خون جهنده (خونگرم) نجس است، مگر پرندگان حرام گوشت که فضله ی آنان پاك باشد.

2. بول و مدفوع حیوانات حلال گوشت از پرندگان و غیره پاك است.

## 3. منی

### اشاره

1. منی انسان نجس است.

2. کسی که پس از بول استبرا کند و همراه آن مایعی خارج شود که نداند منی است یا نه، چنانچه به منی بودن آن یقین پیدا نکند و خروج آن همراه با علامتهای شرعی خروج منی نباشد، حکم منی ندارد و پاك است.

ص: 32

توجه (1)

4. مردار (جسد مرده)

اشاره

توجه (1)

1. مردار انسان و هر حیوان دارای خون جهنده نجس است، چه حرام گوشت و چه حلال

ص: 33

---

1- . واضح است رجوع به علایم فوق در فرضی انجام می گیرد که در منی بودن مایع شك داشته باشیم.

گوشت.

2. حیوانی که به دستور معین در شرع مقدس، کشته شده باشد و نیز جسد مرده ی انسان پس از غسل میت از حکم مردار، مستثنی هستند و نجس نیستند.

### توجه

\* منظور از غسل میت، سه غسل آن است، بنابراین بدن میت تا زمانی که غسل سوم آن کامل نشده باشد محکوم به نجاست است.

3. چیزهایی از مردار که روح ندارد، مثل پشم و مو و دندان و شاخ و غیره پاك است مگر در مورد سگ و خوك و کافر غیر کتابی.

### دو نکته در ارتباط با مردار

\* پوست نازکی که خود به خود از دستها، لبها، پاها و سایر قسمت های بدن جدا می شود محکوم به طهارت است.

\* گوشت و چرم و سایر اجزای حیوانات که در محیطهای اسلامی فروخته می شود پاك است، همچنین هرگاه این چیزها در اختیار مسلمان باشد محکوم به پاك بودن است. اما در صورتی که این چیزها از کشورهای غیر مسلمان تهیه شود، اگر یقین به عدم تزکیه ی شرعی آن نباشد پاك است. به عبارت دیگر در صورتی نجس است که یقین داشته باشیم حیوان، ذبح اسلامی نشده است، اما اگر بدانیم یا احتمال دهیم که ذبح اسلامی شده، پاك است.

### 5. خون

1. خون انسان و هر حیوان دارای خون جهنده (خونگرم) نجس است، چه حرام گوشت باشد و چه حلال گوشت.

2. خونی که پس از ذبح حیوان در بدن او می ماند پاك است.

3. لکه ی خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود محکوم به طهارت است، ولی خوردن آن حرام است.

سگ و خوک نجس است و در این حکم، فرقی میان اجزای روح دار و بی روح آنها نیست.

### يك نکته در ارتباط با سگ و خون

\* استفاده از موی (سگ و) خوک در اموری که مشروط به طهارت است، مثل ظرف آب وضو و غسل جایز نیست، ولی استفاده از آن در اموری که مشروط به طهارت نیست مثل قلم موی نقاشی اشکال ندارد.

### تہرین

1. نجاسات کدامند؟
2. آیا فضله ی پرندگان حرام گوشت، مانند کلاغ و عقاب و طوطی نجس است؟
3. علایم شرعی منی را توضیح دهید؟
4. بدن میت چه زمانی پاك می شود؟
5. اجزای حیوانی از قبیل پوست و گوشت که از بلاد غیر اسلامی تهیه می شود در چه صورتی پاك است؟
6. لکه ی خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود پاك است یا نجس؟

## درس 8 نجاسات (2)

### 8. مشروبات مست کننده

#### اشاره

مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط (واجب) نجس است.

#### توجه

\* اگر ماده‌ی مست کننده از مایعات نباشد، مانند بنگ و حشیش و با مخلوط شدن در آب یا مایع دیگر، به صورت مایع درآید نجس نیست.

\* آب انگوری که با آتش، جوشیده شده و دو سوم آن کم نشده است ولی مست کننده نیست نجس نمی باشد، ولی خوردن آن حرام است.

\* هرگاه همراه مقداری غوره، دانه‌هایی از انگور باشد و آب همه‌ی آن را بگیرند، چنانچه حبه‌های انگور بسیار کم باشد و آب آن در آبغوره مستهلك شود به طوری که آب انگور بر آن صدق نکند، با جوشیدن، حرام نمی شود، ولی اگر حبه‌های انگور به تنهایی به وسیله‌ی آتش جوشانده شود خوردن آن حرام است.

### 9. کافر

#### اشاره

1. کسی که توحید یا نبوت یا یکی از ضروریات دین اسلام، مانند نماز و روزه را انکار کند یا معتقد به نقصی در رسالت رسول اکرم (ص) باشد کافر و نجس است مگر اهل کتاب باشد.

ص: 36

## توجه

\* انکار هر يك از ضروریات دین در صورتی باعث کفر می شود که به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم (ص) یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود.

2. کافر اهل کتاب محکوم به طهارت است.

## توجه

\* مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی (ع) بدانند و دارای یکی از کتاب های الهی که بر انبیا (ع) نازل شده است باشد، مانند یهود، نصاری، زرتشتی ها و همچنین صابئین (که ادعای پیروی از پیامبر خدا حضرت یحیی (ع) را دارند و می گویند کتاب او نزد ما موجود است).

3. صرف اعتقاد به رسالت خاتم النبیین (ص) برای اجرای حکم اسلام کافی نیست، بنابراین آن دسته از اهل کتاب که از جهت اعتقادی، ایمان به رسالت خاتم النبیین (ص) دارند، ولی بر اساس روش و عادت نیاکان خود عمل می کنند مسلمان به حساب نمی آیند. بلی اگر از اهل کتاب محسوب شوند محکوم به طهارت هستند.

4. مسلمان مرتد، کافر است، و نجس هم خواهد بود، ولی صرف ترك نماز و روزه و سایر واجبات شرعی باعث ارتداد مسلمان و کافر شدن و نجاست وی نمی گردد، و تا زمانی که ارتداد وی احراز نشده است حکم سایر مسلمانان را دارد.

5. فرقه ی «علی اللّهی ها» اگر اعتقاد داشته باشند که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) خدا است «تعالی الله عن ذلك علوا کبیرا» یا او را شریک خداوند بدانند کافر و نجس اند.

6. کسی که به یکی از امامان معصوم دشنام دهد و اهانت کند کافر و نجس است.

7. تمام پیروان فرقه ی گمراه بهائیت محکوم به نجاست هستند.

## چند نکته در ارتباط با نجاست

\* عرق جنب از حرام پاك است، ولی احتیاط واجب این است که با این عرق نماز خوانده نشود.

\* عرق بدن و آب دهان شخصی که گوشت حرام و نجس (مثل گوشت خوك) خورده، پاك است.



\* اثر کم رنگ خون که بعد از شستن لباس باقی می ماند، اگر عین خون نباشد و فقط رنگ آن باقی مانده باشد پاک است.

\* استفراغ پاک است، خواه از طفل شیرخوار باشد یا از طفلی که هم شیر می خورد و هم غذا و یا از انسان بالغ.

### تمرین

1. ملاك نجاست الكل چیست؟
2. در چه صورتی انكار ضروری دین باعث كفر می شود؟
3. مقصود از اهل کتاب کیست؟ و از نظر طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟
4. حکم بهایی ها را از جهت طهارت و نجاست بیان کنید؟
5. عرق جنب از حرام چه حکمی دارد؟
6. آیا اثر کم رنگ خون که بعد از شستن بر لباس باقی می ماند نجس است؟

## درس 9 نجاسات (3) راههای ثابت شدن نجاست - چگونگی نجس شدن چیزهای پاک - احکام نجاسات - وسواس و درمان آن

### 2. راههای ثابت شدن نجاست

#### توجه

\* هرگاه کودکی که در آستانه ی بلوغ است از نجاست چیزی خبر دهد که در اختیار اوست باید قبول کرد، و به عبارت دیگر گفته ی وی در این باره معتبر است.

### 3. چگونگی نجس شدن چیزهای پاک

#### اشاره

ص: 39

\* ملاك رطوبت مسريه (سرايت كننده) اين است كه به مقداري باشد كه رطوبت، هنگام برخورد از جسم مرطوب به جسم ديگر سرايت كند.

\* پارچه و امثال آن اگر مرطوب باشد و يك نقطه ي آن با نجس ملاقات كند، فقط همان نقطه نجس مي شود و بقيه ي جاهای آن پاك است.

\* آبی که وارد دهان شده و به اجزای خون منجمد شده در لثه رسیده و سپس از دهان خارج شده محکوم به طهارت است، هر چند احتیاط (مستحب) اجتناب از آن است. همچنین غذایی که با آن اجزا تماس پیدا کرده نجس نیست و فرو بردن آن غذا اشکال ندارد و فضای دهان نیز پاك است.

\* متنجس اول (چیزی که با عین نجس تماس یافته و نجس شده است)، اگر باز با چیزی که پاك است تماس پیدا کند و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاك را نجس می کند، و باز متنجس دوم (این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس، نجس شده است)، اگر با چیز پاکی برخورد نماید بنابر احتیاط واجب آن را نجس می کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود، نجس نمی کند.

#### 4. احكام نجاسات

1. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است. همچنین خوردن آن به کسی که از نجاست آن خبر ندارد، نیز جایز نیست، ولی اگر انسان ببیند کسی غذای نجسی را می خورد یا با لباس نجس نماز می خواند، لازم نیست نجس بودن آن را به او بگوید.

2. آگاه کردن کسی که لباس را می شوید از نجاست لباس، لازم نیست، ولی صاحب لباس تا یقین به طهارت آن حاصل نکند نمی تواند آثار طهارت بر آن مترتب سازد.

3. هرگاه مهمان یکی از ائاثیه های میزبان را نجس کند اطلاع دادن به میزبان در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرفهای غذا، لازم نیست.

#### 5. وسواس و درمان آن

افراد وسواسی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی در مورد نجاست هستند لازم است برای

رهایی خود از بیماری وسواس به توصیه های زیر عمل کنند:

1. از نظر شرع مقدس، در طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیا است یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن آن برایشان حاصل شد واجب است حکم به عدم نجاست کنند.

2. اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند باید حکم به عدم نجاست کنند، مگر در مواردی که نجس شدن يك شیء را با چشمان خود ببینند به طوری که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند یقین به سرایت نجاست پیدا کند، فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند. استمرار اجرای این حکم در مورد افراد مزبور تا زمانی است که این حساسیت به طور کلی از بین برود.

3. هر شیء یا عضوی که نجس می شود برای تطهیر آن يك بار شستن با آب لوله کشی بعد از زوال عین نجاست کافی است. تکرار در شستن یا فرو بردن آن در آب لازم نیست، و اگر شیء نجس از قبیل پارچه و مانند آن باشد بنا بر احتیاط باید به مقدار متعارف فشار و یا تکان داده شود تا آب از آن خارج گردد.

4. دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است، لذا آن را بر خود مشکل نکنند و با این کار باعث وارد شدن ضرر و اذیت به جسم و روحشان نگردند. حالت دلهره و اضطراب در این موارد، زندگی را بر ایشان تلخ می کند و خداوند راضی به رنج و عذاب ایشان و کسانی که با آنها ارتباط دارند نیست. شکر گزار نعمت دین آسان باشند و شکر این نعمت، عمل بر اساس تعلیمات خداوند تبارک و تعالی است.

5. این حالت، يك وضعیت گذرا و قابل علاجی است. رهایی از آن، احتیاج به رؤیا و معجزه ندارد، بلکه باید ذوق و سلیقه ی شخصی خود را کنار گذاشته و متعبد و مؤمن به دستورات شرع مقدس باشند. افراد بسیاری بعد از ابتلا به آن با روش مذکور از آن نجات یافته اند. به خداوند توکل کنید و نفس خود را با همت و اراده آرامش بخشید.

1. آیا می توان به قول کودکی که در آستانه ی بلوغ است و از نجاست چیزی که در اختیارش هست خبر می دهد اعتماد کرد؟
2. برای این که چیز پاکی نجس شود چند شرط لازم است؟ توضیح دهید؟
3. ملاک رطوبت مسریه چیست؟
4. متنجس با چند واسطه نجس کننده است؟
5. آیا اگر مهمانی یکی از ائاثیه های میزبان را نجس کند، مطلع کردن میزبان واجب است؟
6. هرگاه افراد وسواسی یقین به نجاست چیزی پیدا کنند چه وظیفه بی دارند؟

### 1. مطهرات

#### توجه

\* به چیزهایی که نجس را پاک می کند «مطهرات» می گویند.

#### 1. آب

#### اشاره

1. طریقه ی تطهیر ظروف:

1. ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، ولی در کر و جاری يك بار کافی است.

2. ظرفی را که سگ در آن، آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول با خاکمال شستشو کرد و سپس با آب شست، و اگر با آب قلیل شسته می شود باید پس از خاکمال دو مرتبه شسته شود.

ص: 43

3. ظرفی که در آن خوک، غذای روان یا آب بخورد باید هفت مرتبه شسته شود، ولی خاکمال آن لازم نیست.

2. طریقه ی تطهیر غیر ظروف:

1. چیزی که نجس شده است، اگر در صورت بر طرف کردن عین نجاست، يك بار آن را در آب کر یا جاری فرو ببرند یا زیر شیری که به کر متصل است بگیرند به طوری که آب به همه ی جاهایی که نجس شده برسد پاك می شود، و در فرش و لباس و امثال آن بنا بر احتیاط (واجب) باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند. بلی فشار یا تکان لازم نیست خارج آب باشد بلکه داخل آب کافی است.

2. چیزی که بر اثر تماس با بول نجس شده است، هرگاه پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب قلیل روی آن ریخته شود، پاك می شود، و چیزی که با نجاسات دیگر تماس یافته و نجس شده است، پس از بر طرف شدن عین نجاست اگر يك مرتبه شسته شود پاك می شود.

3. چیزی را که با آب قلیل آب می کشند، باید آبی که روی آن می ریزند از آن جدا شود و اگر قابل فشردن است، مانند لباس و فرش باید آن را فشار دهند تا آب از آن جدا شود.

### توجه

\* در تطهیر فرش نجس و مانند آن با آب لوله کشی، جدا شدن آب غساله شرط نیست، بلکه به صرف رسیدن آب به مکان نجس، بعد از زوال عین نجاست و حرکت غساله از جای خود به وسیله ی دست کشیدن بر فرش در هنگام اتصال آب، طهارت حاصل می شود.

\* ظاهر تنوری که با گِل آغشته به آب نجس ساخته شده است، با شستن پاك می شود، و طهارت ظاهر تنور که خمیر به آن می چسبد برای پختن نان کافی است.

\* لباسهای نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می کنند چنانچه رنگ دادن لباس باعث مضاف شدن آب نشود، لباسهای نجس با ریختن آب بر آنها پاك می شوند.

\* لباسهای نجسی که برای آب کشیدن در ظرفی گذاشته می شود و آب لوله کشی روی آن ریخته شده و سراسر آن را فرا می گیرد، لباس و ظرف و آب و پرزهایی که از لباس جدا شده و بر روی آب دیده می شود و همراه آب به بیرون می ریزد همگی پاك هستند. (البته همانطور که قبلاً گفته شد در لباس و امثال آن بنا بر احتیاط باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند).

## تمرین

1. مطهرات را بر شمرد؟
2. طریقه ی تطهیر ظروف را توضیح دهید؟
3. آیا در شستن لباس های نجس با آب کر و جاری، فشردن هم لازم است و یا این که بعد از زوال عین نجاست همین که آب آن را فرا گرفت، کفایت می کند؟
4. آیا در تطهیر لباس متنجس با آب کر و جاری، فشار دادن خارج آب لازم است یا همان فشار داخل آب کفایت می کند؟
5. آیا تطهیر تنوری که با گل آغشته با آب نجس ساخته شده امکان دارد؟
6. لباس های نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می کنند، چگونه پاك می شوند؟



2. زمین

اشاره

کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او، نجس شده است، هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا و کفش او پاک می شود مشروط به این که عین نجاست، زائل شود.

توجه

\* زمینهای آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک کننده ی پا یا ته کفش نیستند.

3. آفتاب

1. آفتاب، زمین و همه ی اشیای غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته، مانند در و پنجره و دیوار ستون و امثال آن و درخت و گیاه را پاک می کند.

ص: 46

##### اشاره

چیز نجس اگر به طوری تغییر یابد که جنس دیگری شود، مانند چوبی که با سوختن خاکستر شود یا شرابی که به سرکه تبدیل شود یا سگی که در نمکزار بیفتد و تبدیل به نمک شود، پاك می شود، ولی اگر جنس آن تغییر نیابد، بلکه فقط صورت آن عوض شود، مانند گندم که آرد می شود یا شکر که در آب حل می شود، پاك نمی شود.

##### توجه

\* برای تطهیر مواد نجس، مثل روغن نجس، صرف انجام فعل و انفعالات شیمیایی که خاصیت جدیدی به مواد ببخشد کافی نیست (با این کار، استحاله تحقق پیدا نمی کند).

\* به صرف جداسازی مواد معدنی آلوده و میکروبها و غیر آن از آبهای فاضلابها، استحاله تحقق پیدا نمی کند، مگر این که عمل تصفیه با تبخیر آب و تبدیل دوباره ی بخار به آب انجام شود.

#### 5. انتقال

خونی که پشه و دیگر حشرات از بدن انسان مکیده اند، تا وقتی خون انسان به حساب می آید نجس است، (مانند خونی که زالواز بدن انسان مکیده است)، ولی پس از آن که بر اثر گذشت مدتی، خون آن حشره محسوب شد پاك می شود.

#### 6. بر طرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به چیز نجسی آلوده شد، همین که آن چیز برطرف شد، بدن آن حیوان پاك می شود و احتیاج به آب کشیدن نیست. همینطور است داخل بدن انسان، مانند داخل دهان یا بینی، پس خونی که از دندان می آید اگر عین آن در آب دهان از بین برود دهان پاك است.

#### 7. غایب شدن مسلمان

هرگاه یقین داشته که بدن یا لباس یا یکی از چیزهای شخص مسلمانی نجس است، و آن مسلمان را مدتی نبیند و سپس ببیند که او با آن چیزی که نجس بوده است رفتار چیز پاك را

می کند، آن چیز محکوم به پاکی است، مشروط بر آن که صاحب آن چیز از نجاست قبلی و از احکام طهارت و نجاست با خبر باشد.

### تمرین

1. آیا كف پا يا ته كفش با راه رفتن روی زمینی که آسفالت شده پاك می شود؟
2. شرایط پاك کنندگی آفتاب چیست؟
3. سه نمونه از استحاله را ذکر کنید؟
4. آیا روغن نجس با انجام فعل و انفعالات شیمیایی بر روی آن به طوری که ماده ی آن دارای خواص جدیدی شود پاك می شود؟
5. خونی که زالو از بدن انسان مکیده است پاك است یا نجس؟ چرا؟
6. بر طرف شدن عین نجاست چه چیزی را پاك می کند؟

ص: 48

## درس 12 مطهرات (3) راههای ثابت شدن طهارت - اصل طهارت - احکام ظرفها

### 2. راههای ثابت شدن طهارت

#### توجه

\* هرگاه کودکی که در آستانه ی بلوغ است از طهارت چیزی خبر دهد که در اختیار اوست باید قبول کرد، و به عبارت دیگر گفته ی وی در این باره معتبر است.

### 3. اصل طهارت

#### 1. معنای اصل طهارت

به طور کلی در مورد طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیا است یعنی هر چیزی که یقین به نجاست آن نباشد از نظر شرعی محکوم به طهارت است و سؤال و تحقیق لازم نیست.

ص: 49

## 2. نمونه هایی از موارد اصل طهارت

1. کودکی که همیشه خود را نجس می کند، دست تر، آب دهان و باقیمانده ی غذایی تا زمانی که یقین به نجاست آن حاصل نشده، محکوم به طهارت است.
2. پرزها یا غباری که معلوم نیست از لباس نجس جدا شده یا لباس پاك، پاك است. همچنین اگر بدانیم از لباس نجس است ولی ندانیم از قسمت پاك لباس است یا قسمت مربوط به نجس آن.
3. لباسهایی که به خشکشویی ها داده می شود، اگر از قبل نجس نباشند محکوم به طهارت هستند، هر چند بدانیم که صاحبان این مکانها برای شستن لباسها از مواد شیمیایی استفاده می کنند.
4. ترشح آبی که بر مکانی می ریزد که نمی دانیم آن مکان پاك است یا نجس، پاك است.
5. آبی که از ماشین های حمل زباله ی شهری به خیابان می ریزد و نمی دانیم پاك است یا نجس، محکوم به طهارت است. همچنین آبهایی که در چاله های موجود در خیابان جمع می شود و معلوم نیست پاك است یا نجس.
6. لوازم آرایشی، مثل رژ لب که معلوم نیست از مردار ساخته شده یا نه، تا زمانی که نجاست آنها از راه شرعی احراز نشود پاك است و استفاده از آنها اشکالی ندارد.
7. هنگام استفاده از کفش، در صورتی حکم به نجاست پا می شود و بایستی آن را برای نماز شست که یقین داشته باشیم که کفش از پوست حیوانی است که تذکیه نشده و معلوم شود که پا در کفش مذکور عرق کرده، اما در صورت شك در عرق کردن پا یا شك در تذکیه ی حیوانی که کفش از پوست آن دوخته شده است محکوم به طهارت است.
8. قلم مویی که در نقاشی و نقشه کشی و مانند آن استفاده می شود و معلوم نیست از موی خوك ساخته شده است یا نه، پاك است و استفاده از آن حتی در اموری هم که مشروط به طهارت است، اشکال ندارد.
9. فردی که نمی دانیم مسلمان است یا کافر محکوم به طهارت است و سؤال از دینش واجب نیست.
10. در و دیوار منازل و هتل های کفار غیر کتابی (مثل بودایی ها) و ائاثیه و لوازم موجود در آن در صورتی که ندانیم پاك است یا نجس، محکوم به طهارت است. (البته در صورت یقین به

نجاست هم، آب کشیدن همه ی آنها واجب نیست. آنچه واجب است تطهیر اشیای نجسی است که برای خوردن و آشامیدن و نماز خواندن، مورد استفاده قرار می گیرند).

11. اشیای مورد استفاده ی مشترك كفار و مسلمانان از قبیل صندلی های ماشین و قطار و مانند آن در صورتی که ندانیم پاك است یا نجس، پاك است.

12. الكل هایی که معلوم نیست از اقسام مشروبات مست کننده باشد، محکوم به طهارت است.

#### 4. احکام ظرفها

##### اشاره

خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا یا نقره ساخته شده، حرام است، ولی نگهداشتن آن یا استفاده های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن - حرام نیست.

##### توجه

\* ظرف هایی که آب طلا یا نقره به آن داده شده، و یا از فلزی ساخته شده که قدری طلا یا نقره مخلوط دارد به طوری که به آن ظرف طلا یا نقره نمی گویند، حکم ظروف طلا و نقره را ندارند.

##### تمرین

1. راههای ثابت شدن طهارت را بر شمرد؟
2. اصل طهارت یعنی چه؟
3. کودکی که همیشه خود را نجس می کند، دست تر، آب دهان و باقیمانده ی غذایی چه حکمی دارد؟
4. آیا لباسهایی که به خشکشویی ها داده می شود محکوم به طهارت است؟
5. آبهایی که در چاله های موجود در خیابانها جمع می شود پاك است یا نجس؟
6. حکم نگهداشتن ظروف طلا و نقره چیست؟

### 1. معنای وضو

وضو یعنی شستن صورت و دستها و مسح کردن جلو سر و روی پاها با شرایط و کیفیت خاص. این عمل که در شرع مقدس، وسیله‌ی طهارت معنوی شمرده شده، مقدمه‌ی برخی اعمال واجب و مستحب است، از قبیل نماز، طواف، تلاوت قرآن، ورود به مسجد و غیر اینها.

### 2. کیفیت وضو

#### توجه

\* ترتیب وضو از این قرار است: شستشوی صورت از بالای پیشانی یعنی جایی که موی سر

ص: 52

رویده است تا سر چانه، سپس شستن دست راست از آرنج تا سر انگشتان، سپس شستن دست چپ از آرنج تا سر انگشتان، سپس کشیدن دست مرطوب بر روی قسمت جلویی سر، و در آخر کشیدن دست مرطوب بر روی هر دو پا از سر انگشتان پا تا مفصل ساق پا.

## 1. شستن صورت و دستها

### اشاره

1. در شستشوی صورت باید به اندازه‌ی که ما بین انگشت وسط و شست قرار گیرد شسته شود.
2. در صورت های پوشیده از مو، شستن روی موها کفایت می کند و لازم نیست آب وضو را به پوست صورت برساند، مگر در جایی که مو به قدری کم پشت است که پوست صورت کاملاً دیده می شود.
3. صدق شستن منوط به رساندن آب به تمام عضو است، هر چند به وسیله ی دست کشیدن باشد و مسح اعضا با دست مرطوب به تنهایی کافی نیست.
4. صورت و دستها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود، و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

### توجه

\* ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان است، پس اگر به قصد بار اول شستن چند مرتبه آب بریزد اشکال ندارد.

## 2. مسح سر و پاها

### اشاره

1. مسح بر پوست سر واجب نیست، بلکه بر موی قسمت جلوی سر کافی است، ولی اگر موی جاهای دیگر در قسمت جلو جمع شده باشد یا موی جلوی سر به قدری بلند باشد که بر روی صورت یا شانه ها ریخته شده است، مسح بر آن کافی نیست، و باید فرق سر را باز کرده پوست یا بن موها را مسح کند.



## توجه

\* کسی که در جلوی سرش موی مصنوعی گذاشته است؛ اگر موی مصنوعی به نحو کلاه گیس باشد واجب است برای مسح، آن را بردارد ولی اگر بر پوست سر کاشته شده و بر داشتن آن ممکن نباشد یا مستلزم ضرر و مشقت باشد و با وجود موها قدرت بر رساندن رطوبت به پوست سر نباشد مسح بر روی همین موها کافی است.

2. محل مسح پا، عبارت است از روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق، و استحباب مسح پایین انگشتان پا (یعنی جایی که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می کند) ثابت نشده است.

## توجه

\* اگر مسح پا، شامل سر انگشتان پا نباشد، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان مسح شود، وضو باطل است. بلی اگر شك داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می کرده است یا نه؟ در صورتیکه مسأله را می دانسته و احتمال می دهد که از سر انگشتان مسح کرده باشد وضویش محکوم به صحت است.

3. مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده نمی تواند دست را با آب تر کند، بلکه باید دست را با رطوبتی که در ریش یا ابرو هست مرطوب کند و مسح نماید، و احتیاط (واجب) آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

## توجه

\* اگر شخص وضو گیرنده، هنگام شستن صورت و دستها به قصد وضو، اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه یی نمی زند، ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو، مخلوط شود صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال می باشد.

\* از آن جایی که مسح پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت

بگیرد، لذا باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود.

4. در مسح باید دست را بر سر یا پا بکشد، پس اگر دست را ثابت نگهدارد و سر یا پا را بر آن بکشد، مسح باطل است.

5. محل مسح باید خشک باشد یا به قدری تر نباشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند.

## توجه

\* اگر چند قطره آب بر روی پا باشد واجب است محل مسح را از آن قطرات خشک کرد تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه برعکس.

6. اگر روی پا نجس باشد و برای مسح نتواند آن را آب بکشد، باید تیمم کند.

7. فردی که به علت فلج شدن هر دو پای خود به کمک کفش طبی و عصای چوبی راه می رود و بیرون آوردن کفش برای مسح پاها برای او خیلی سخت و دشوار است، مسح بر روی کفش کافی و مجزی است.

## دو نکته در ارتباط با کیفیت وضو

\* کسی که پی در پی از او باد خارج می شود، اگر نتواند وضوی خود را تا آخر نماز حفظ کند و تجدید وضو در اثنای نماز هم برای او خیلی دشوار باشد، می تواند با هر وضویی يك نماز بخواند یعنی برای هر نماز به يك وضو اكتفا کند، هر چند وضوی او در بین نماز باطل شود.

\* بین زن و مرد در افعال و کیفیت وضو فرقی نیست، جز این که برای مردها مستحب است که هنگام شستن آرنج از قسمت بیرونی آن شروع کنند و زنها از قسمت داخلی آن.

## تمرین

1. کیفیت و ترتیب وضو را توضیح دهید؟

2. آیا سه مشت آب ریختن بر صورت و دستها وضو را باطل می کند؟ چرا؟

3. اگر شخص وضوگیرنده، هنگام شستن صورت و دستها به قصد وضو، اقدام به باز

و بسته کردن شیر آب نماید اشکال دارد؟

4. هرگاه رطوبت مسح سر به رطوبت صورت متصل شود، آیا وضو باطل می شود؟

5. آیا بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح، برای وضو ضرر دارد؟

6. تفاوت وضوی زن و مرد را بیان کنید؟

ص: 56

درس 14 وضو (2) شرایط وضو «1»

3. شرایط وضو

اشاره

ص: 57

## 1. نیت

وضو را باید با قصد قربت به جا آورد یعنی به این نیت که این عمل مخصوص را برای انجام فرمان خداوند انجام می دهد، پس اگر از روی تظاهر یا برای خنک شدن، همه ی کارهای وضو را انجام دهد، وضو باطل است.

## 2. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد

کسی که می ترسد اگر وضو بگیرد مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد.

## 3. آب وضو مطلق باشد

آب وضو باید مطلق باشد، بنابراین وضو با آب مضاف باطل است.

## 4. آب وضو پاك باشد

## اشاره

آب وضو باید پاك باشد، بنابراین وضو با آب نجس، باطل است.

## توجه

\* کسی که پس از جستجوی آب، آب آلوده و کثیفی را پیدا کند اگر آن آب، پاك و مطلق باشد و استعمال آن ضرری نداشته باشد و خوف ضرر هم در بین نباشد واجب است وضو بگیرد و نوبت به تیمم نمی رسد.

## 5. آب وضو مباح باشد

آب وضو باید مباح باشد، بنابراین وضو با آب غصبی جایز نیست.

## توجه

\* مکانی که آب آن برای وضو گرفتن همه ی نماز گزاران به طور مطلق قرار داده شده است، استفاده از آن اشکال ندارد.

\* وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می کند جایز است و مانع شرعی ندارد.

\* هرگاه سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع کند، نصب پمپ و استفاده از آن جایز نیست و وضو با آبی که به وسیله ی پمپ به دست می آید محل اشکال است، حتی برای ساکنان طبقات بالای ساختمانها که به دلیل ضعیف بودن فشار آب مجبورند از پمپ استفاده کنند.

\* هر يك از مشتركين ساختمانهای مسكونی و غير مسكونی، از نظر شرعی به مقداری که از امکانات مشترك استفاده می کند، نسبت به هزینه ی خدمات (از قبیل هزینه ی آب سرد و گرم، تهویه، نگهبان و مانند آن) مدیون است، و اگر از پرداخت پول آب امتناع کند وضوی او محل اشکال بلکه باطل است.

### تہرین

1. شرایطی که به وضو گیرنده بر می گردد کدامند؟
2. آب وضو چه شرایطی باید داشته باشد؟
3. اگر بعد از رسیدن به مکانی تا چند فرسخی آن به جستجوی آب پردازیم و آب آلوده و کثیفی را بیابیم، در این حالت، تیمم بر ما واجب است یا وضو گرفتن با آن آب؟
4. وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می کند چه حکمی دارد؟
5. هرگاه سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع اعلام کند، وضو با آبی که به وسیله ی پمپ جذب می شود چه حکمی دارد؟
6. آیا وضوی افرادی که در مجتمع های مسکونی زندگی کرده و از پرداخت هزینه ی خدماتی که از آنها استفاده می کنند خودداری می ورزند صحیح است؟

## 7. اعضای وضو پاك باشد

### اشاره

اعضای وضو در هنگام شستن و مسح کردن باید پاك باشند، ولی اگر جایی را که شسته یا مسح کرده پیش از اتمام وضو نجس شود وضو صحیح است. البته تطهیر آن برای پاك شدن از نجاست به خاطر نماز واجب است.

### توجه

\* اگر بعد از وضو شك کند آیا موضعی را که از قبل نجس بوده تطهیر کرده و سپس وضو گرفته یا نه، چنانچه در هنگام وضو توجه به پاکی و نجسی آنجا نداشته است وضو باطل است، ولی اگر می داند یا احتمال می دهد که به پاکی و نجسی آن توجه داشته وضو درست است، ولی در هر صورت باید آن موضع را آب بکشد.

## 8. در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد

### اشاره

در اعضای وضو باید مانعی از رسیدن آب نباشد و در غیر این صورت وضو باطل است.

### توجه

\* چربیهایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می آید مانع محسوب نمی شود مگر آن که به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

\* رنگ روی ناخن در صورتی که دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می شود و وضو باطل است.

\* رنگ مصنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سر و ابروی خود استفاده می کنند، اگر صرفاً رنگ باشد و دارای جرمی نباشد که مانع از رسیدن آب به مو شود وضو صحیح است.

\* جوهر در صورتی که دارای جرم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست شود باعث بطلان وضو می شود و تشخیص این موضوع بر عهده ی مکلف می باشد.

\* خالکوبی بدن اگر صرفاً رنگ باشد و یا در زیر پوست بوده و بر ظاهر پوست چیزی که مانع از رسیدن آب بر آن شود وجود نداشته باشد وضو صحیح است.

\* صرف وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشک شدن اعضا ظاهر می شود ضرری به وضو نمی رساند، مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن آب به بشره (ظاهر پوست) شود.

\* اگر می داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شك دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، باید آن را بر طرف کند.

\* اگر پیش از وضو بداند که در بعضی اعضای وضو مانع از رسیدن آب وجود دارد، و بعد از وضو شك کند که آب را به آنجا رسانده یا نه، چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو ملتفت به مانع بوده، وضو صحیح است.

\* اگر شك کند به اعضای وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است، چسبیده یا نه، چنانچه احتمال آن در نظر مردم به جا باشد - مثل آن که بعد از گل کاری احتمال بدهد که گل به دست او چسبیده - باید واریسی کند یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده بر طرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

## 9. ترتیب

وضو باید به همان ترتیبی که قبلاً در بحث «ترتیب وضو» گفته شد انجام گیرد و اگر به ترتیب دیگری عمل کند وضو باطل است.

## 10. موالات

لازم است کارهای وضو را به طور متعارف پی در پی انجام دهد، بدین معنی که اگر میان آنها



به قدری فاصله بیندازد که در هنگام شستن یا مسح کردن عضوی، جاهایی که پیش از آن شسته شده خشک شده باشد، وضو باطل است.

## 11. مباشرت

### اشاره

کسی که می خواهد وضو بگیرد باید همه ی کارهای وضو را خودش انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک کند، وضو باطل است.

### توجه

\* کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی تواند خودش وضو بگیرد باید از کسی بخواهد که به او در کارهای وضو کمک کند. البته خود وضو گیرنده باید نیت وضو کند و در صورتی که بتواند، با دست خود عمل مسح را انجام دهد، و اگر نتواند، نایب دست او را گرفته و با آن مسح می نماید، اگر از این کار هم عاجز باشد نایب از دست او رطوبت گرفته و مسح می کند، و اگر این شخص کف دست نداشته باشد برای مسح، رطوبت از ساعد او می گیرد و اگر ساعد هم نداشته باشد رطوبت از صورت او گرفته و سر و پا را با آن مسح می کند.

## 12. وقت برای وضو و نماز کافی باشد

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که در صورت وضو گرفتن، نمی تواند همه ی نماز را در وقت بخواند و مقداری از آن در خارج وقت واقع خواهد شد، در این صورت نباید وضو بگیرد، بلکه باید تیمم کند و نماز بخواند. البته اگر تیمم هم به همان اندازه ی وضو وقت می گیرد در این صورت باید وضو بگیرد.

### تمرین

1. شرایطی که به اعضای وضو برمی گردد کدامند؟

2. کیفیت وضو چه شرایطی باید داشته باشد؟

3. اگر عضوی از اعضای وضو بعد از شستن آن و قبل از اتمام وضو، نجس شود،

چه حکمی دارد؟

4. آیا چربی هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می آید مانع محسوب می شود؟
5. اگر بدانند چیزی به اعضای وضو چسبیده ولی شك دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، وظیفه اش چیست؟
6. فرق میان ترتیب و موالات را توضیح دهید؟

ص: 63

## درس 16 وضو (4) وضوی ارتماسی - وضوی جبیره یی - مبطلات وضو - احکام وضو

### 4. وضوی ارتماسی

#### 1. معنای وضوی ارتماسی

در وضو جایز است که انسان به جای ریختن آب بر روی صورت و دستها، آنها را به قصد وضو در آب فروبرد و بیرون بیاورد و این را «وضوی ارتماسی» می گویند.

#### 2. احکام وضوی ارتماسی

1. در وضوی ارتماسی نیز واجب است که اعضای وضو از بالا به پایین شسته شوند.

2. در وضوی ارتماسی فقط دو بار می توان صورت و دستها را داخل آب کرد: بار اول واجب، بار دوم جایز است و بیش از آن مشروع نیست، و در مورد دستها، باید قصد شستن وضویی آنها هنگام خارج کردن آنها از آب باشد تا بتوان از این طریق مسح را با آب وضو انجام داد.

### 5. وضوی جبیره یی

#### 1. معنای وضوی جبیره یی

اگر روی زخم بسته است، باید جاهایی را که می شود شست بشوید و روی زخم بند (جبیره) به

جای شستن، دست تر بکشد. به این وضو، «وضوی جبیره یی» می گویند.

## 2. احکام وضوی جبیره یی

1. اگر در اعضای وضو (صورت و دستها) زخم یا شکستگی است و روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید آن را بشوید، و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید و احتیاط (واجب) آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد دست تر بر آن بکشد.
2. اگر محل مسح، زخم است و نمی تواند روی آن، دست تر بکشد، باید به جای وضو، تیمم کند، ولی در صورتی که می تواند پارچه یی روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط (واجب) آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.
3. کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که دائماً از آن خون می آید، واجب است جبیره یی را بر روی زخم بگذارد که خون از آن بیرون نمی آید، مثل نایلون.

## 6. مبطلات وضو

### توجه

\* چیزهایی که وضو را باطل می کند «مبطلات وضو» می گویند.

\* با عارض شدن مبطلات وضو، كودك نابالغ هم (همانند افراد بالغ) محدث می شود (یعنی وضویش باطل می شود).

## 7. احکام وضو

1. کسی که جاهل به بطلان وضویش است و بعد از وضو متوجه آن می شود، واجب است برای اعمال مشروط به طهارت، وضو را اعاده کند و اگر با وضوی باطل خوانده باشد اعاده ی آن نیز واجب می باشد.
2. کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل پاك بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شك می کند، باید به شك خود اعتنا نکند.

### \* تمرین

1. آیا در وضوی ارتماسی جایز است که چند بار صورت و دستها را داخل آب کنیم یا این که فقط دو بار جایز است؟
2. کسی که در اعضای وضوی او زخم یا شکستگی باشد چه وظیفه یی دارد؟
3. کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که حتی اگر جیره هم بر روی آن قرار دهد دائماً از آن خون می آید، چگونه باید وضو بگیرد؟
4. مبطلات وضو را بر شمرد؟
5. آیا كودك نابالغ، محدث به حدث اصغر می شود؟
6. کسی که شك دارد وضوی او باطل شده یا نه وظیفه اش چیست؟

## درس 17 وضو (5) غایات وضو

### 8. غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت)

#### توجه

\* وضو، شرط صحت همه ی نمازهای واجب و مستحب و اجزای فراموش شده ی آن است،

ص: 67

بنابراین هیچ نمازی بدون وضو صحیح نیست مگر نماز میت که وضو برای آن لازم نیست.

\* وضو، شرط صحت طواف واجب خانه ی خدا است و بدون آن طواف واجب باطل است. منظور از طواف واجب، طوافی است که جزئی از حج یا عمره است، گر چه آن حج یا عمره مستحب باشد، ولی در طواف مستحب که در غیر حج و عمره کسی انجام دهد وضو لازم نیست.

\* وضو گرفتن برای خواندن نماز واجب، اگر عرفاً نزدیک داخل شدن به وقت آن باشد اشکال ندارد.

\* وضو به قصد با طهارت بودن، از نظر شرعی مستحب و مطلوب است و خواندن نماز با وضوی مستحب جایز است.

\* مستحب است انسان در همه حال با وضو باشد مخصوصاً در هنگام ورود به مسجد و مشاهد مشرفه و تلاوت قرآن و هنگامی که می خواهد بخوابد و بعضی اوقات دیگر.

\* بعد از آن که وضو به طور صحیح محقق شد، تا زمانی که باطل نشده است، انجام هر عمل مشروط به طهارت با آن جایز است، بنابر این لازم نیست برای هر نمازی وضوی جداگانه بگیرد، بلکه می تواند با يك وضو تا زمانی که باطل نشده هر مقدار نماز که بخواند بخواند.

## 1. مس قرآن

### اشاره

دست زدن به خط قرآن بدون وضو حرام است و این امر، اختصاص به قرآن کریم ندارد، بلکه شامل همه ی کلمات و آیات قرآنی می شود، هر چند در کتاب دیگری یا در روزنامه، مجله، تابلو و غیر آنها باشد.

### توجه

\* همه جای بدن، مانند لب و صورت و غیره هم حکم دست را دارد.

## 2. مس اسامی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)

### اشاره

1. مس اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی بدون وضو حرام است، و به احتیاط (واجب) نامهای انبیای عظام و ائمه ی معصومین (ع) نیز حکم نامهای خداوند متعال را دارد.

2. مس لفظ جلاله ی «الله» بدون وضو جایز نیست، اگر چه جزئی از يك اسم مرکب از قبیل عبدالله و حبیب الله باشد.





3. آرم جمهوری اسلامی ایران اگر در نظر عرف، اسم جلاله محسوب و خوانده شود، مس آن بدون طهارت حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد، اگر چه احوط (استحبابی) ترك مس آن بدون طهارت است.

4. مس ضمیرهایی که به ذات باری تعالی بر می گردند، مثل ضمیر جمله ی «بسمه تعالی» حکم لفظ جلاله «الله» را ندارد.

5. نوشتن همزه و سه نقطه به صورت «...ا» به جای لفظ جلاله ی «الله» از نظر شرعی مانعی ندارد، و همزه و نقاط، حکم لفظ جلاله را ندارد و مس آن بدون وضو جایز است.

6. خودداری کردن از نوشتن لفظ جلاله ی «الله» به صرف احتمال مس آن توسط افراد بی وضو، مانعی ندارد.

### **چند نکته در ارتباط با مس آیات قرآن و اسمای متبرکه ی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)**

\* به گردن آویختن گردنبندی که آیات قرآن یا اسمای مبارکه بر آن نقش شده است اشکال ندارد، ولی باید نوشته ها با بدن (بدون طهارت) تماس نداشته باشد.

\* هرگاه بخواهند هنگام خوردن غذا از ظرفی که آیات قرآنی از جمله آیه الكرسی یا اسمای مبارکه روی آن نوشته شده استفاده کنند اشکال ندارد، به شرطی که با وضو باشند و یا غذا را با قاشق از ظرف بردارند.

\* کسانی که به وسیله ی دستگاه تحریر، آیات قرآنی یا اسمای جلاله و یا نامهای معصومین (ع) را می نویسند لازم نیست در حال تحریر و نوشتن با وضو باشند (این کار مشروط به طهارت نیست)، ولی از مس آنها بدون وضو باید اجتناب نمایند.

\* کلماتی که روی انگشترها نقش می کنند، اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مس آن، طهارت است، مثل کلمات قرآنی و مانند آن، مس آن بدون طهارت جایز نیست.

\* طبع و نشر آیات قرآنی و اسمای جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی بر کسی که به دستش می رسد واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی احترامی و نجس کردن و مس بدون وضوی آنها خودداری کنند.

\* استفاده از روزنامه هایی که آیات قرآنی یا اسمای مبارکه در آن نوشته شده است در کارهایی، مثل پیچاندن غذا با آن یا نشستن بر آن و یا استفاده از آن به جای سفره و... اگر از نظر عرف بی احترامی شمرده شود جایز نیست، و اگر بی احترامی محسوب نشود اشکال ندارد.

\* انداختن چیزی که مشتمل بر آیات قرآنی یا اسمای متبرکه است در نهرها و جویبارها، اگر از نظر عرف اهانت محسوب نشود اشکال ندارد.

\* هرگاه وجود آیات قرآنی و نامهای خداوند و اسمای معصومین (ع) در ورقه یی احراز نشود، سوزاندن و دور انداختن آن اشکال ندارد و فحص و بررسی لازم نیست. گفتنی است سوزاندن و دور انداختن اوراقی که امکان استفاده از آن در صنعت کارتن سازی و مانند آن وجود دارد و یا بر يك طرف آن نوشته شده است و طرف دیگر آن قابل استفاده برای نوشتن است، به علت وجود شبهه ی اسراف خالی از اشکال نیست.

\* دفن آیات قرآنی و اسمای مبارکه در خاک و یا تبدیل آنها به خمیر به وسیله ی آب اشکال ندارد، ولی جواز سوزاندن آنها مشکل است و اگر بی احترامی محسوب شود جایز نیست، مگر در صورتی که اضطرار اقتضا کند و جدا کردن آیات قرآنی و نامهای مبارك امکان نداشته باشد.

\* قطعه قطعه کردن آیات قرآنی و اسمای مبارکه به مقدار زیاد به طوری که حتی دو حرف آنها به هم متصل نمانده و غیر قابل خواندن شود، اگر بی احترامی محسوب شود جایز نیست و در غیر این صورت نیز، اگر موجب محو نوشته ی لفظ جلاله و آیات قرآنی نشود کافی نیست، همچنان که تغییر صورت خطی کلمات با اضافه یا کم کردن بعضی حروف نیز باعث زوال حکم شرعی حروفی که به قصد نوشتن آیات قرآنی یا لفظ جلاله به کار رفته اند نمی شود. بلی، زوال حکم بر اثر تغییر حروف به نحوی که ملحق به محو حروف گردد، بعید نیست، هر چند احتیاط (مستحب)، اجتناب از مس آن بدون وضو است.

## تمرین

1. آیا وضو گرفتن به نیت نماز واجب قبل از داخل شدن به وقت آن جایز است؟

2. آیا با وضویی که برای نماز صبح گرفته می شود جایز است نماز ظهر و عصر را نیز خواند؟

3. اسامی مبارکی که مس بدون وضوی آنها حرام است کدامند؟

4. مس اسمهایی از قبیل «عبد الله» و «حبيب الله» بدون وضو چه حکمی دارد؟

5. آیا مس آرم جمهوری اسلامی ایران بدون وضو، حرام است؟

6. آیا مس نقش کلمات روی انگشترها جایز است؟

ص: 71

## درس 18 غسل (1) معنای غسل - اقسام غسل - کیفیت غسل - غسل جبیره‌یی

### 1. معنای غسل

غسل یعنی شستشوی تمام بدن از سر تا پا با شرایط و کیفیت خاص.

### 2. اقسام غسل

ص: 72

#### اشاره

غسل را به دو گونه می شود انجام داد:

1. ترتیبی: اول این که با ترتیب مخصوص بدن را بشوید، به این نحو که ابتدا سر و گردن، بعد بنا بر احتیاط واجب تمام نیمه راست بدن و در آخر تمام نیمه ی چپ بدن را بشوید.

2. ارتماسی: دوم این که تمام بدن را يك باره در آب فرو ببرد به طوری که آب به همه جای بدن برسد.

#### توجه

\* در غسل، بنا بر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آن لازم است، بنابراین بانوان بایستی - بنا بر احتیاط واجب - علاوه بر رساندن آب به پوست سر، تمام موهای خود را نیز بشویند.

\* رو به قبله ایستادن در وقت غسل واجب نیست.

\* شستن پشت و یا هر عضوی از اعضای بدن قبل از نیت غسل و شروع آن، اشکال ندارد.

\* اگر غسل ترتیبی را بر خلاف ترتیبی که قبلاً گفته شد به جا آورد - چه عمداً باشد و چه از روی فراموشی و چه به سبب ندانستن مسأله - باطل است.

#### 4. غسل جبیره یی

غسل جبیره یی هم مانند وضوی جبیره یی است.

#### تمرین

1. غسلهای واجب را بر شمرید؟
2. غسل را به چند نحو می توان انجام داد؟
3. آیا در غسل ترتیبی، مراعات ترتیب بین سر و سایر اعضای بدن کافی است، یا این که باید بین طرف راست و چپ بدن هم ترتیب، رعایت شود؟
4. آیا در غسل، علاوه بر پوست بدن، لازم است موهای بلند نیز شسته شود؟
5. آیا رو به قبله ایستادن هنگام غسل واجب است؟
6. کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدنش آب نرسیده است چه وظیفه یی دارد؟

### 5. شرایط غسل

#### اشاره

شرایطی که برای وضو گفته شد، مانند پاک بودن آب و غیر آن در غسل هم شرط است، ولی در غسل، شستشو از بالا به پایین و نیز پی در پی شستن اعضای بدن لازم نیست، بلکه می تواند در وسط غسل، مدتی به کار دیگر پردازد و سپس غسل را از همان محل که مانده است، ادامه دهد.

#### توجه

\* در غسل، هر قسمتی را که می خواهد شستشو بدهد، اگر نجس است باید قبلاً آن را آب بکشد، ولی پاک بودن تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست، بنابراین اگر عضو، قبل از غسل آن، تطهیر شده باشد غسل صحیح است، ولی اگر عضو نجس قبل از غسل آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است.

\* چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید بر طرف کند و اگر پیش از اطمینان به این که بر طرف شده غسل کند، غسل او باطل است.

### 6. احکام غسل

1. هرگاه در اثنای غسل، حدث اصغری از او سر بزند (مثلاً بول کند) به صحت غسل ضرر نمی رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند و باید آن را ادامه دهد، ولی چنین غسلی اگر

غسل جنابت باشد مانند سایر غسلها کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی کند.

2. کسی که غسلهای متعددی، اعم از واجب یا مستحب بر ذمه ی او باشد، اگر به نیت همه ی آنها يك غسل به جا آورد کافی است، و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند از بقیه ی غسلها هم کفایت می کند، اگر چه احتیاط (مستحب) این است که همه ی آنها را نیت نماید.

3. غیر از غسل جنابت، سایر غسلها کفایت از وضو نمی کند.

4. کسی که بعد از غسل، یقین به باطل بودن آن پیدا کند بایستی قضای همه ی نمازهایی که با آن غسل خوانده است را به جا آورد.

### \* تمرین

1. چه تفاوتی میان شرایط وضو و شرایط غسل وجود دارد؟

2. آیا در غسل، پاك بودن تمام بدن قبل از غسل شرط است؟

3. اگر از کسی که مشغول غسل است حدث اصغر سر بزند آیا باید دوباره غسل نماید؟

4. کسی که غسلهای متعددی اعم از واجب یا مستحب بر ذمه ی او باشد، آیا يك غسل، کفایت از غسل های دیگر می کند؟

5. غیر از غسل جنابت، آیا بقیه ی غسلها هم کفایت از وضو می کنند؟

6. کسی که شك دارد که غسل کرده یا نه، وظیفه اش چیست؟



## 7. غسل جنابت

### 1. اسباب جنابت

#### اشاره

انسان به یکی از دو چیز جنب می شود:

1. آمیزش جنسی (به هر نحو که باشد، با حلال یا با حرام، منی بیرون بیاید یا نیاید بالغ باشد یا نباشد).

2. بیرون آمدن منی (چه در خواب و چه در بیداری، چه عمداً و چه بی اختیار).

#### توجه

\* رطوبت خارج شده از مردی که سالم است، اگر همراه با شهوت، جستن و سست شدن بدن باشد، حکم منی را دارد، و اگر علایم سه گانه یا یکی از آنها وجود نداشته باشد و یا شك در آن باشد حکم منی را ندارد، مگر این که از راه دیگری یقین کند که منی است.

\* مایعی که زن در هنگام اوج لذت جنسی می بیند حکم منی را دارد و باید غسل نماید، و اگر شك کند که به این مرحله رسیده یا نه و یا شك در خروج مایع داشته باشد غسل واجب نیست.

\* رسیدن منی به داخل رحم بدون دخول، سبب جنابت زن نمی شود.

\* با تحقق دخول ولو به مقدار حشفه (ختنه گاه)، غسل بر مرد و زن واجب است، هر چند منی خارج نشود و زن نیز به مرحله ی اوج لذت نرسد.

\* هرگاه زنی پس از نزدیکی، در حالی که منی در رحم او باقی مانده است بلافاصله غسل کند

و بعد از غسل، منی از رحم خارج شود غسلش صحیح است و منی خارج شده بعد از غسل نجس است، هر چند اگر منی مرد باشد باعث جنابت مجدد نمی شود.

\* بر زنان، پس از انجام معاینات داخلی با وسایل طبی تا زمانی که منی خارج نشود، غسل واجب نیست.

## 2. کارهایی که بر جنب حرام است

### توجه

\* حرم امامان معصوم (ع) بنا بر احتیاط حکم مسجد را دارد.

\* ورود جنب به داخل حرم امام زادگان (ع) اشکالی ندارد.

\* تکیه ها و حسینیه ها حکم مسجد را ندارند.

\* منظور از آیات سجده: آیه ی 15 از سوره ی 32 (سجده) و آیه ی 37 از سوره ی 41 (فصلت) و آیه ی 62 از سوره ی 53 (نجم) و آیه ی 19 از سوره ی 96 (علق) می باشد که خواننده یا شنونده ی آنها واجب است سجده کند.

## 3. احکام غسل جنابت

1. در انجام تکلیف شرعی، حیا معنی ندارد. حیا، عذر شرعی برای ترك واجب (مثل غسل جنابت) نیست. به هر حال اگر غسل جنابت برای کسی امکان ندارد وظیفه اش برای نماز و روزه،

ص: 78

تیمم بدل از غسل است.

2. کسی که معذور از انجام غسل است، مثل فردی که می داند اگر از طریق نزدیکی با همسرش خود را جنب کند آبی برای غسل کردن نمی یابد و یا وقت برای غسل و نماز ندارد جایز است با همسر خود نزدیکی کند به شرطی که قدرت بر تیمم داشته باشد، و در صورت جنابت و معذور بودن از انجام غسل، برای اعمال مشروط به طهارت، تیمم بدل از غسل جنابت می کند و با آن تیمم، داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشته ی قرآن کریم و بقیه ی اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است اشکال ندارد. (البته اگر عذرش تنگی وقت بوده بنا بر احتیاط واجب فقط کاری را که برای آن تیمم کرده می تواند انجام دهد).

3. کسی که بعد از خارج شدن منی غسل کرده، اگر پس از غسل، رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا چیز دیگر، در صورتی که پیش از غسل و بعد از خروج منی، ادرار نکرده باشد، آن آب در حکم منی است و باید دوباره غسل کند.

4. اگر در لباس خود لکه یی ببیند که نمی داند منی است یا چیز دیگر، تا یقین نکرده که منی است و از خود اوست غسل بر او واجب نیست.

5. کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد و نماز و دیگر اعمالی را که باید با وضو انجام دهد می تواند با همین غسل انجام دهد.

6. هرگاه بعد از غسل جنابت شك کند غسلش باطل شده است یا نه، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر بخواهد از باب احتیاط وضو بگیرد اشکالی ندارد.

7. کسی که در تنگی وقت نماز غسل می کند، اگر غسل را به این نیت بکند که از جنابت خارج شود - نه به نیت خصوص این نماز - غسل او صحیح است، اگر چه پس از غسل بفهمد که وقت برای نماز نداشته است.

## تقرین

1. اسباب جنابت چیست؟

2. در چه صورتی حکم می شود که رطوبت خارج شده از مرد منی است؟

3. جنابت در زنان بدون نزدیکی، چگونه تحقق می یابد؟

4. آیا بر زنان، پس از انجام معاینات داخلی با وسایل طبی، غسل واجب می باشد؟

5. چه کارهایی بر جنب حرام است؟

6. اگر در لباس خود لکه یی ببیند که نمی داند منی است یا چیز دیگر، چه وظیفه یی دارد؟

ص: 80

8. غسل های مخصوص بانوان

1. حیض

1. خون حیض (1)

1. خونی که دختر قبل از اتمام نه سالگی می بیند حیض نیست، هر چند صفات حیض را داشته باشد.

2. لکه هایی که زن بعد از یقین به پاک شدن می بیند، اگر خون نباشد حکم حیض را ندارد، و اگر خون باشد، هر چند به صورت لکه های زرد رنگ، و از ده روز (2) تجاوز نکند، همه ی آن لکه ها محکوم به حیض است و تشخیص این موضوع به عهده ی زن است.

3. زنهایی که از داروهای ضد حاملگی استفاده می کنند و لکه های خونی را در ایام عادت و غیر آن می بینند، اگر این لکه ها واجد شرایط شرعی حیض نباشد حکم حیض را ندارد، بلکه محکوم به استحاضه است.

4. زنی که دارای عادت ماهیانه معینی مثلاً هفت روز است و به علت گذاشتن دستگاه جلوگیری از حاملگی، هر بار بیش از ده روز مثلاً دوازده روز خون می بیند، خونی که در ایام عادت می بیند حیض است و باقی استحاضه خواهد بود.

ص: 81

---

1- . خون حیض: خونی است که غالباً در هر ماه به مدت چند روز از رحم زن به طور طبیعی خارج می شود. این خون هنگام انعقاد نطفه، غذای فرزند است.

2- . ملاک در تعیین روز عرف است که از طلوع آفتاب تا غروب خواهد بود.

5. خونی که زن در ایام بارداری می بیند، اگر صفات و شرایط حیض را داشته باشد و یا در زمان عادت بوده و سه روز اگر چه در باطن استمرار داشته باشد خون حیض است، و الاً استحاضه خواهد بود.

## 2. احکام حیض

1. تمام کارهایی که بر جنب حرام است بر زن حیض نیز حرام است.

2. اگر زن در حال حیض، جنب یا در حال جنابت حیض شود، بعد از پاك شدن از حیض، واجب است علاوه بر غسل حیض، غسل جنابت هم به جا آورد، ولی جایز است که در مقام عمل به غسل جنابت اکتفا کند، لیکن احتیاط (مستحب) این است که نیت هر دو غسل را بنماید.

3. اگر زنی در حال حیض غسل جنابت کند صحت غسلش محل اشکال است.

4. زنی که به خاطر نذر روزه ی معینی روزه گرفته است، اگر در حال روزه، حیض شود روزه اش با عادت شدن - هر چند در يك جزء از روز باشد - باطل می شود و قضای آن روز بعد از پاك شدن بر او واجب است.

## 2. استحاضه

خونی (1) که زن در سن یائسگی (2) می بیند استحاضه است، بنابراین زنی که پدرش هاشمی نیست، هر چند مادرش از سادات باشد اگر بعد از سن یائسگی خونی را مشاهده کند محکوم به استحاضه است.

## 3. نفاس (3) (خون زایمان)

3. نفاس (3) (خون زایمان)

زنی که عمل کورتاژ (سقط جنین) را انجام داده، بعد از سقط جنین - هر چند به صورت علقه باشد - اگر خونی را مشاهده کند، محکوم به نفاس است.

ص: 82

- 
- 1- خون استحاضه: خونی است که در غیر ایام حیض و نفاس از رحم زن خارج می شود و مربوط به بکارت و زخم نیست.
  - 2- با توجه به اینکه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّ ظلّه العالی) در تعیین سن یائسگی احتیاط دارند مقلدین معظّمه می توانند در این مسئله با رعایت شرایط عدول، به مجتهد دیگری رجوع نمایند.
  - 3- خون نفاس: خونی است که بر اثر زایمان نوزاد، به مدت معینی از رحم زن بیرون می آید.

\* تمام کارهایی که بر حیض حرام است بر نفسا نیز حرام است.

**تمرین**

1. لکه هایی که زن بعد از یقین به پاك شدن می بیند، با توجه به این که آن لکه ها، نه اوصاف خون را دارند و نه خون مخلوط با آب را، چه حکمی دارد؟
2. اگر زنی در ایام بارداری به خونریزی کمی مبتلا شود ولی باعث سقط حمل او نگردد وظیفه اش چیست؟
3. اگر زن در حال حیض، جنب یا در حال جنابت حیض شود، آیا بعد از پاك شدن از حیض، هر دو غسل بر او واجب است؟
4. آیا غسل جنابت در حال حیض صحیح است به طوری که مسقط تکلیف زن جنب باشد؟
5. خونی که زن در سن یائسگی می بیند چه حکمی دارد؟
6. زنی که عمل کورتاژ را انجام داده در حال نفاس است یا خیر؟

## 1. غسل مس میت

### اشاره

اگر کسی بدن انسان مرده بی را که سرد شده ولی هنوز غسل داده نشده است، لمس کند یا جایی از دست و پا و صورت و سایر بدن خود را به هر جای بدن او برساند باید برای نماز و امثال آن غسل کند. این را «غسل مس میت» می نامند.

### توجه

\* دست زدن به عضوی که از بدن مرده جدا شده، پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن، در حکم دست زدن به بدن مرده است.

\* دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است، غسل ندارد.

\* هرگاه شك کنیم میتی را غسل داده اند یا نه، با مس جسد یا اجزای آن (البته پس از سرد شدن) واجب است غسل مس میت کرد، و نماز بدون غسل مس میت صحیح نیست، ولی اگر اصل غسل میت احراز شود، با مس جسد یا بعضی از اجزای آن، غسل مس میت واجب نیست، حتی اگر



در صحت غسل آن میت شك داشته باشیم.

\* کسی که غسل مس میت کرده است، اگر بخواهد نماز بخواند باید وضو بگیرد و این غسل بر خلاف غسل جنابت، کفایت از وضو نمی کند.

## 2. احکام محتضر (کسی که در حال جان دادن است)

شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقها این عمل را بر خود محتضر در صورتی که قادر باشد و بردیگران واجب دانسته اند و احتیاط در انجام آن ترك نشود.

## 3. واجبات پس از مرگ

### توجه

\* در بینش اسلامی، مرده ی مسلمان نیز مانند زنده ی او دارای احترام است. تکریم مرده ی مسلمان در قالب اعمالی (از قبیل غسل و کفن و دفن و مانند آن) است که در شرع مقدس اسلام واجب شده است و همه ی مکلفین نسبت به آن مکلف و مخاطب اند.

\* غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان از واجبات کفایی است یعنی بر هر مکلفی واجب است، ولی اگر بعضی آن را انجام دادند از دیگران ساقط می شود، و اگر هیچ کس به این وظیفه عمل نکند همه معصیت کرده اند.

\* اگر کسی بداند که غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده اند باید دوباره آن را به جا آورد، ولی اگر گمان دارد که باطل بوده یا شك دارد که درست بوده یا باطل، لازم نیست اقدام نماید.

\* برای غسل و کفن و نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه بگیرند. ولی میت عبارت است از پدر و مادر و فرزندان و به همین ترتیب، بقیه ی طبقات وارثان. در میت زن، شوهر او از دیگران مقدم است.

### تمرین

1. آیا با دست زدن به عضوی که از بدن انسان مرده جدا شده، غسل مس میت واجب می شود؟
2. آیا مس کردن استخوانی که همراه با گوشت است و از بدن انسان زنده جدا شده موجب غسل مس میت می شود؟
3. مواردی که مس بدن انسان مرده سبب غسل نمی باشد را ذکر نمایید؟
4. آیا شخص مسلمان را باید هنگام احتضار رو به قبله خواباند؟
5. واجبات پس از مرگ کدامند؟
6. غسل دادن میت، واجب عینی است یا کفایی؟

4. غسل میت

توجه

\* غسل میت زن به وسیله ی شوهرش و غسل میت مرد به وسیله ی زنش جایز است.

3. در غسل میت هم مانند دیگر عبادات، نیت لازم است یعنی غسل دهنده باید غسل را به قصد امثال دستور خداوند به جا آورد.

1. زن یا مرد مسلمان.

ص: 87

5. اگر جایی از بدن میت به نجاست آلوده شود، باید پیش از آن که آن جا را غسل بدهند آب بکشند، بنابراین بدن میتی که خونریزی دارد بایستی قبل از غسل در صورت امکان تطهیر شود، و اگر انتظار برای توقف خونریزی (به خودی خود) یا منع آن (با وسایل پزشکی) ممکن باشد واجب است.

6. نگاه کردن به عورت میت، حرام است و کسی که او را غسل می دهد اگر نگاه کند معصیت کرده است، ولی غسل باطل نمی شود.

7. اگر آب پیدا نشود یا استعمال آن مانع داشته باشد باید میت را در عوض هر غسل، يك تیمم بدهند.

## 5. حنوط

1. واجب است میت را پس از غسل، حنوط کنند یعنی به پیشانی و کف دست ها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او، کافور بمالند به طوری که مقداری کافور بر اثر آن در محل های مزبور بماند.

2. کافور باید ساییده و تازه باشد به طوری که میت را معطر کند و اگر به واسطه ی کهنه بودن، عطر آن رفته باشد کافی نیست.

3. شخص محرم - چنانکه در کتاب حج گفته می شود - از این حکم مستثنی است (یعنی اگر بمیرد حنوط کردن او جایز نیست).

## 6. کفن

1. میت مسلمان را باید با سه قطعه پارچه کفن کنند:

1. لنگ که به کمر و پای او پیچیده می شود.

2. پیراهن که از سر شانه تا ساق پا را از جلو و پشت می پوشاند.

ص: 88

3. پوشش سرتاسری که باید از بالای سر تا پایین پا را بپوشاند به طوری که بستن دو سر آن میسر باشد، و پهنای آن به قدری باشد که دو طرف آن روی هم گذاشته شود.

2. هرگاه کفن میت با نجاستی که از بدن او خارج شده یا با نجاستی دیگر، نجس شود باید آن را تطهیر کنند یا اگر کفن ضایع نمی شود قسمتی را که نجس شده است ببرند، بنابراین اگر کفن میت پس از غسل به خونی که از او جریان دارد آغشته شود چنانچه شستن آن قسمت از کفن که به خون آغشته شده است یا بریدن و یا عوض کردن آن امکان داشته باشد واجب است، و چنانچه امکان ندارد، دفن میت به همان صورت جایز است.

3. هرگاه انسان، پدر یا مادر و یا یکی از بستگان خود یا هر شخص دیگر را در کفنی که برای خودش خریده است کفن کند اشکال ندارد.

### تمرین

1. سه غسل میت را نام ببرید؟

2. شرایط کسی که میت را غسل می دهد چیست؟

3. آیا غسل كودك سقط شده ی مسلمان واجب است؟

4. حنوط کردن میت یعنی چه؟ و چه شرایطی دارد؟

5. سه قطعه پارچه یی که میت را با آن کفن می کنند کدامند؟

6. آیا برای انسان جایز است که پدر یا مادر و یا یکی از بستگان خود را در کفنی که برای خودش خریده کفن کند؟

## 7. نماز میت

### اشاره

1. پس از غسل و حنوط و تکفین، واجب است بر میت مسلمان - به ترتیبی که گفته خواهد شد - نماز بخوانند.

### توجه

\* بچه بی که شش سال تمام داشته باشد و حداقل یکی از والدینش مسلمان باشند، در حکم شخص بالغ است و بر میت او باید نماز خوانده شود.

2. نماز میت عبارت است از نیت و پنج تکبیر که در خلال آنها دعا و صلوات وارد شده است، و اگر به این ترتیب بگوید کافی است:

1. بعد از تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

2. بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

3. بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ».

4. بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» (برای مرد) یا «لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» (برای میت زن).

5. بعد از تکبیر پنجم را بگوید که پایان نماز است.

## توجه

\* کیفیت های مفصل تر نماز میت در رساله های مفصل و بعضی کتاب های دعا مذکور است.

3. کسی که نماز میت می خواند باید ایستاده و رو به قبله باشد و واجب است میت را در برابر او به پشت بخوابانند به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ نمازگزار باشد.

4. میان میت و نمازگزار باید حایلی، مانند دیوار و پرده نباشد، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

5. برای نماز میت، وضو و پاك بودن بدن و لباس و غصبی نبودن لباس، لازم نیست.

6. اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز میت دفن کنند یا بعد از دفن معلوم شود نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است تا وقتی جسد او متلاشی نشده باید بر قبر او نماز خوانده شود.

7. شرایطی که در جماعت و امامت جماعت در سایر نمازها معتبر است در نماز میت شرط نیست، هر چند احوط (استحبابی) این است که آن شرایط در نماز میت هم رعایت شود.

## 8. دفن

### اشاره

1. پس از پایان وظایف گذشته (غسل و حنوط و کفن و نماز) باید میت را در زمین دفن کنند و باید قبر او به قدری باشد که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدن او را خارج سازند.

2. میت را باید در قبر به پهلو راست و طوری بخوابانند که صورت و سینه و شکم او رو به قبله قرار گیرد.

### چند نکته در ارتباط با دفن

\* استخوان میت مسلمانی که غسل داده شده است نجس نیست، ولی دفن مجدد آن زیر خاک واجب است.

\* اسکلت استخوانی متعلق به بدن میت مسلمان را واجب است فوراً دفن کرد (و جایز نیست آنرا در معرض بازدید قرار داد تا موجب عبرت بازدید کنندگان گردد).

\* قبور مسلمانان را جایز است در چندین طبقه ساخت به شرطی که این کار سبب نبش قبر و هتك حرمت مسلمان نشود.

\* هرگاه فردی در چاه سقوط کند و بمیرد و نتوان بدن او را از چاه خارج کرد بایستی جسد وی را در همان چاه به حال خود رها کرد و چاه را قبر او قرار داد و اگر چاه، ملك شخصی کسی نباشد و یا مالك آن به مسدود کردن آن راضی باشد تعطیل کردن چاه و بستن آن واجب است.

\* پاشیدن آب بر قبر در روز دفن مستحب است و بعد از آن نیز به قصد رجا اشکال ندارد.

## 9. احکام نبش قبر

1. نبش قبر میتی که بر اساس موازین و احکام شرعی دفن گردیده جایز نیست و همچنین تخریب قبور مؤمنین و نبش آنها، حتی اگر برای تعریض و توسعه ی کوچه ها باشد، و در صورت وقوع نبش قبر و آشکار شدن بدن میت مسلمان یا استخوان های آن که هنوز پوسیده نشده اند واجب است دوباره دفن شوند.

2. اگر استخوان های میت تبدیل به خاک شود نبش قبر وی برای دفن میت دیگری در آن جایز است.

3. در مواردی که نبش قبر جایز نیست اجازه ی مرجع تقلید اثری ندارد.

## 10. احکام شهید

### اشاره

تکلیف غسل و کفن در حق شهید ساقط است.

### توجه

\* منظور از شهید در این جا کسی است که در میدان جنگ به شهادت رسیده باشد، بنابراین اگر محورهای شهرهای مرزی، میدان جنگ بین دو گروه حق و گروه باطل و یاغی باشد، افرادی که از گروه حق در آنجا به شهادت می رسند حکم شهید را دارند، ولی افرادی که در غیر میدان جنگ کشته می شوند، هر چند اجر و ثواب شهید را دارند ولی حکم شهید در مورد آنها جاری



نمی شود، مثل کسی که در نقطه بی از جهان در راه اجرای احکام اسلامی یا در تظاهرات کشته شود.

## 11. احکام اعدامی

### اشاره

مسلمانی که حکم اعدام درباره ی او اجرا گردیده است حکم سایر مسلمانان را دارد، و همه ی احکام و آداب اسلامی میت در مورد او جاری است، مثل خواندن نماز میت، و مانند آن.

### چند نکته در ارتباط با احکام درگذشتگان

\* همجنس بودن با میت فقط در غسل دادن او شرط است، و در صورتی که غسل دادن میت به وسیله ی همجنس او امکان دارد، غسل دادن به وسیله ی غیر همجنس صحیح نیست و غسل میت باطل است، (مگر در مورد زن و شوهر که قبلاً گذشت غسل میت زن به وسیله ی شوهرش و غسل میت مرد به وسیله ی زنش جایز است) ولی در تکفین و تدفین، همجنس بودن شرط نیست.

\* تصرفات مورد نیاز برای تجهیز میت از قبیل غسل و کفن و دفن، به مقدار متعارف، متوقف بر اذن ولی صغیر نیست، و اشکال از جهت وجود فرزندان صغیر ایجاد نمی شود، بنابراین غسل دادن و کفن کردن میت در منزل مسکونیش اشکال ندارد، هر چند میت، وصی نداشته و دارای چند فرزند صغیر باشد.

\* شرکت در تشییع جنازه و حمل آن برای زنان اشکال ندارد.

### تهرین

1. کیفیت نماز میت را ذکر نمایید؟

2. آیا کسی که واجد شرایط امامت در نماز جماعت نیست جایز است امامت نماز میت بر جنازه ی یکی از مؤمنین را عهده دار شود؟

3. آیا جایز است قبرها را به صورت دو طبقه و بیشتر ساخت؟

4. منظور از شهیدی که تکلیف غسل و کفن در حق او ساقط است کیست؟

5. اگر مسلمانی بر اساس قانون و تأیید قوه ی قضائیه به جرم حمل مواد مخدر به اعدام محکوم شود نماز میت بر او خوانده می شود؟

6. آیا در غسل و کفن و دفن اموات، مماثلث و همجنس بودن شرط است یا هر يك از زن و مرد می تواند امور میت دیگر را انجام دهد؟

ص: 94

درس 25 تیمم (1) موارد تیمم - چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است - کیفیت تیمم - تیمم جبیره یی

1. موارد تیمم

اشاره

ص: 95

\* فردی که وضو یا غسل برایش ضرر دارد یا تکلیف خیلی دشواری است، باید به جای آن تیمم کند و چنانچه وضو بگیرد یا غسل نماید صحیح نیست.

\* فردی که به اعتقاد این که وضو یا غسل برایش ضرر دارد (مثلاً مریض می شود) تیمم کند اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است، ولی اگر پیش از آن که با این تیمم نماز بخواند بفهمد که ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از آن که با این تیمم نماز بخواند فهمید که آب ضرر نداشته است بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را به جا آورد.

\* صرف مشقت یا عیب شمرده شدن غسل جوانان در نیمه شب، عذر شرعی محسوب نمی شود، بلکه مادامی که غسل، حرجی و موجب ضرر برای مکلف نشود، غسل کردن به هر صورتی که امکان دارد واجب است و در صورت حرج (مشقت شدید و فوق العاده) یا ضرر باید تیمم کند.

\* هرگاه فردی جنب شود و وقت به مقداری که بتواند بدن و لباسش را تطهیر کند، و یا لباس خود را عوض نماید نداشته باشد و به علت سردی هوا و مانند آن نتواند نماز خود را برهنه هم بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی (کافی) است و قضای آن بر او واجب نیست.

\* اگر کسی در تنگی وقت، خوف آن را داشته باشد که در صورت غسل کردن یا وضو گرفتن، همه یا قسمتی از نمازش در خارج وقت واقع شود باید تیمم کند و نماز بخواند.

\* هرگاه رطوبتی از انسان در حال خواب خارج شود و بعد از بیداری چیزی به یاد نیآورد، ولی لباس خود را مرطوب ببیند، اگر می داند که محتمل شده، جنب است و باید غسل کند و در صورت تنگی وقت باید بعد از تطهیر بدنش تیمم نموده و نماز بخواند و سپس در وسعت وقت غسل نماید، اما اگر نداند (شك در احتلام و جنابت داشته باشد) در این صورت، حکم جنابت بر آن جاری نمی شود.

\* صحت تیمم بدل از غسل برای اعمالی که مشروط به طهارت نیست، مانند زیارت محل اشکال است، ولی انجام آن در صورت عدم امکان غسل به قصد رجا و مطلوبیت اشکال ندارد.

## 2. چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است

### اشاره

تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود، مانند خاک، شن، ریگ، کلوخ (خاکهای به هم چسبیده)، سنگ (سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ سیاه و مانند آن) صحیح است و همچنین بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها.

### توجه

\* تیمم بر اشیای معدنی که جزو زمین محسوب نمی شود، مانند طلا و نقره و امثال آن صحیح نیست، ولی تیمم بر سنگهای مرغوبی که عرفاً به آن سنگ معدنی گفته می شود، مانند مرمر و غیره صحیح است.

\* تیمم بر سیمان و موزاییک اشکال ندارد، اگر چه احوط (استحبابی) ترك تیمم بر سیمان و موزاییک است.

## 3. کیفیت تیمم

### توجه

\* ترتیب فوق در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است.

\* اگر قسمتی از پیشانی یا پشت دست را حتی اندکی از آن را مسح نکند تیمم باطل است، چه عمداً یا از روی جهل به مسأله یا فراموشی باشد، البته دقت زیاد هم لازم نیست و همین اندازه که بگویند همه ی پیشانی و پشت دست ها مسح شده کافی است.

\* برای این که یقین کند که تمام پشت دست را مسح کرده باید اندکی بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

#### 4. تیمم جبیره یی

کسی که وظیفه اش تیمم است اگر محلی که باید بر روی آن مسح کند یا دستش که باید با آن مسح کند، به واسطه ی زخم و امثال آن بسته باشد، به همان ترتیب تیمم می کند یعنی محل زخم بندی شده را به جای پوست بدن قرار می دهد.

#### تهرین

1. موارد تیمم را بر شمرد؟
2. کسی که غسل جنابت را برای نماز صبح انجام نداده است و به اعتقاد این که اگر غسل کند، مریض می شود، تیمم کرده است، چه حکمی دارد؟
3. آیا کسی می تواند به این دلیل که حمام رفتن برای او عسر و حرج آور است، برای انجام اعمال مستحبی، مانند غسل جمعه و زیارت و غیر آنها تیمم بدل از غسل نماید؟
4. آیا شخص جنب می تواند در صورت تنگی وقت با تیمم و نجاست بدن و لباس نماز بخواند یا این که باید بعد از تطهیر و غسل، نماز را قضا نماید؟
5. تیمم بر سنگ گچ و آهک و پخته شده ی آنها و آجر چه حکمی دارد؟
6. کیفیت تیمم را توضیح دهید؟

5. شرایط تیمم

1. چیزی که بر آن تیمم می کند پاک باشد

چیزی که بر آن تیمم می کند باید پاک باشد.

2. چیزی که بر آن تیمم می کند مباح باشد

چیزی که بر آن تیمم می کند باید مباح (غیر غصبی) باشد، ولی در صورتی که نداند یا فراموش کرده باشد که غصبی است تیمم او صحیح است.

ص: 99

### 3. مانعی در اعضای تیمم نباشد

#### اشاره

در اعضای تیمم بایستی مانعی نباشد، بنابراین برای تیمم باید انگشتر و مانند آن را از دست بیرون آورد، و اگر به پیشانی یا دیگر اعضای تیمم چیزی چسبیده یا چیزی آن را پوشانیده است قبلاً باید آن را بر طرف کند.

#### توجه

\* مویی که بر روی دست یا پیشانی رویده است مانع تیمم نیست، ولی اگر موی سر روی پیشانی ریخته باشد باید آن را عقب بزند.

\* اگر به خاطر زخم و امثال آن، اعضای تیمم را بسته است، در صورتی که باز کردن آن ضرر داشته یا دشوار باشد، باید با دست بسته یا بر روی عضو بسته، مسح کند.

### 4. پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند

پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند.

#### 5. ترتیب

تیمم را باید به ترتیبی که (در بحث کیفیت تیمم) گفته شد انجام دهد و اگر خلاف آن عمل کند باطل است.

### 6. موالات

کارهای تیمم را باید پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می کند، باطل است.

#### 7. مباشرت

#### اشاره

کارهای تیمم را باید خودش در حال اختیار انجام دهد و از دیگری کمک نگیرد و اگر به خاطر بیماری یا فلج بودن و غیره نمی تواند تیمم کند باید نایب بگیرد، و نایب باید او را با دست خود او تیمم دهد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نایب، دست خود را بر زمین بزند و به پیشانی و پشت دست های او بکشد.



\* اعضای تیمم (پیشانی و پشت دستها) لازم نیست پاك باشند، گر چه موافق احتیاط است.

## 6. احکام تیمم

1. اگر چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است پیدا نشود باید به گرد و غباری که بر روی فرش و لباس و امثال آن نشسته است تیمم کند، و اگر آن نیز پیدا نشود ولی گِل تر در دسترس باشد باید به آن تیمم کند، و در صورتی که به هیچیک از اینها دسترسی نباشد - مانند کسی که در هواپیما و امثال آن است - بنا بر احتیاط (واجب) باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.
2. کسی که وظیفه اش تیمم است، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند پیش از وقت نماز، برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کارهای واجب یا مستحبی قبل از وقت نماز تیمم کرده باشد و تا وقت نماز عذر او باقی بماند، می تواند با همان تیمم نماز بخواند.
3. کسی که می داند عذر او تا آخر وقت بر طرف می شود نمی تواند در اول وقت با تیمم نماز بخواند، بلکه باید صبر کند و پس از تمکن، با وضو یا غسل، نماز به جا آورد.
4. کسی که تیمم بدل از غسل کرده، اگر حدث اصغر از او سر بزند، مثلاً بول کند، تا زمانی که عذر شرعی مجوّز تیمم بر طرف نشده است بنا بر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، بار دیگر تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید.
5. اگر به واسطه ی نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از بر طرف شدن عذر، تیمم باطل می شود.
6. چیزهایی که وضو را باطل می کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و چیزهایی که غسل را باطل می کند تیمم بدل از غسل را هم باطل می سازد.
7. تا زمانی که عذر مجوّز تیمم باقی است و تیمم او باطل نشده همه ی آثار شرعی غسل، بر تیمم بدل از غسل نیز مترتب و جاری می شود مگر این که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت

باشد، بنابراین با تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشتن قرآن کریم و بقیه ی اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است اشکال ندارد.

### تمرین

1. شرایط تیمم کدامند؟
2. آیا در هنگام تیمم، لازم است انگشتر و مانند آن را از دست بیرون آورد؟
3. آیا مویی که بر روی دست و پشت یا پیشانی روئیده است مانع تیمم است؟
4. آیا اعضای تیمم (پیشانی و پشت دستها) باید پاک باشند؟
5. اگر انسان نتواند وضو بگیرد و تیمم هم برای او امکان نداشته باشد، چه وظیفه یی دارد؟
6. آیا تیمم بدل از غسل، همان احکام قطعی و ثابت غسل را دارد؟ به این معنی که آیا با آن داخل مسجد شدن جایز است؟

ص: 102





نماز مهمترین عبادت ها است و اگر درست و با توجه انجام گیرد، روح انسان را پاکیزه و دل او را نورانی می سازد و او را بر رها کردن خلیات ناپسند، قادر می گرداند یعنی می تواند فرد و جامعه ی انسانی را به تدریج از همه ی آلودگی ها پاک کند. سزاوار است که نماز در اول وقت، با حضور قلب و به دور از رنگ و ریا گزارده شود، و نماز گزار در هر کلمه ی آن به یاد داشته باشد که با خدا سخن می گوید و بداند که چه می گوید.

(استفتا از دفتر معظّمه، باب نماز)

ص: 105



## درس 27 اقسام نمازها نمازهای واجب و مستحبی - نوافل یومیه

### 1. نمازهای واجب و مستحب

#### توجه

\* نمازهای مستحبی بسیار است و آنها را «نافله» گویند و از میان نمازهای نافله، نافله های شبانه روزی بیشتر سفارش شده است.

ص: 107

### اشاره

1. با هر يك از نمازهای پنجگانه ی شبانه روزی يك نماز مستحبی هست که آن را نافله ی آن نماز گویند. خواندن این نافله ها بسیار مهم است و ثواب و اجر زیاد برای آن ذکر شده است. علاوه بر اینها مستحب است در ثلث آخر شب، نافله ی شب بخواند. این نماز هم دارای خواص معنوی بسیار است و شایسته است بر آن مواظبت شود.

### توجه

\* چون دو رکعت نافله ی عشاء، يك رکعت حساب می شود، مجموع نافله های شبانه روزی سی و چهار رکعت (دو برابر تعداد رکعتهای نمازهای واجب) خواهد بود.

3. خواندن نافله ی ظهر و عصر پس از ادای نماز ظهر و عصر و در وقت نافله بنا بر احتیاط (واجب) باید به قصد قربة الی الله، بدون قصد ادا و قضا به جا آورده شود.

4. نماز شب یازده رکعت است. هشت رکعت آن که به صورت دو رکعتی دو رکعتی خوانده می شود نماز شب نام دارد، و دو رکعت آن نماز شفع است که مانند نماز صبح خوانده می شود، و يك رکعت هم نماز وتر نام دارد که در قنوت آن استغفار و دعا برای مؤمنین و طلب حاجات از خداوند منان به ترتیبی که در کتاب های ادعیه ذکر شده، مستحب است.

5. در نماز شب، سوره و استغفار و دعا به عنوان جزئیت شرط نیست، بلکه کافی است که در هر رکعت بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، سوره ی حمد قرائت شود و اگر خواست بعد از قرائت حمد، يك سوره از سوره های قرآنی را هم قرائت کند و رکوع و سجود و ذکر آنها و تشهد و سلام به جا آورد.



6. در نماز شب، در تاریکی خواندن و مخفی کردن از دیگران شرط نیست، اما ریا هم در آن جایز نیست.

## توجه

\* نافلة ها را باید دو رکعت دو رکعت خواند، مگر نماز وتر را که يك رکعت است، بنابراین خواندن نماز شب به صورت دو نماز چهار رکعتی و يك دو رکعتی و يك نماز وتر صحیح نیست.

\* نافلة ها را می تواند نشسته بخواند، ولی ایستاده بهتر است.

\* در سفر، نافلة های ظهر و عصر و عشا ساقط است و نباید خوانده شود.

\* هر يك از نافلة های شبانه روزی، دارای وقت معینی است که در رساله های مفصل ذکر شده است.

## تمرین

1. نمازهای واجب کدامند؟

2. نافلة های شبانه روزی چند رکعت است؟ توضیح دهید.

3. نافلة ی ظهر و عصر، پس از ادای نماز ظهر و عصر و در وقت نافلة به چه قصدی باید خوانده شود؟

4. نماز شب چگونه خوانده می شود؟

5. آیا هنگام خواندن نماز شب، واجب است که کسی متوجه نماز شب خواندن ما نشود؟ آیا واجب است که آن را در تاریکی بخوانیم؟

6. کدام نوافل در سفر ساقط است؟

## 1. مقدار پوشش در نماز

### اشاره

1. مرد باید در حال نماز عورتین خود را بپوشاند، هر چند کسی او را نمی بیند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند.
2. زن باید در موقع نماز تمام بدن و موی خود را با پوششی که کاملاً بدن را می پوشاند بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و دستها تا مچ و پاها تا مفصل ساق لازم نیست.

### توجه

- \* از آنجا که چانه، جزئی از صورت است، لذا لازم نیست بانوان در نماز آن را بپوشانند، ولی پوشاندن قسمت پایین چانه واجب است.
- \* پوشاندن پاها تا مفصل ساق در صورتی که نامحرم حاضر باشد بر بانوان واجب است.
- \* هرگاه در بین نماز متوجه شود که مقداری از موهایش پیداست و فوراً آن را بپوشاند نمازش صحیح است مگر زمانی که ظاهر شدن مو عمدی باشد.
- \* اگر نمازگزار بعد از نماز بفهمد که در نماز پوشش واجب را نداشته، نمازش درست است.

### توجه

\* شرط پنجم و ششم اختصاص به لباس مردان دارد.

### 1. پاك باشد

1. لباس نمازگزار باید پاك باشد.

2. کسی که نمی داند نماز با بدن و لباس نجس، باطل است اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل می باشد.

3. اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده است، نماز او صحیح است، ولی اگر قبلاً نجاست آن را می دانسته و فراموش کرده و با آن نماز خوانده، نمازش باطل است.

4. اگر در بین نماز متوجه شود که لباس یا بدنش نجس است، اگر بداند نجاست از قبل از نماز بوده یا مقداری از نماز را با نجاست انجام داده است و وقت هم وسعت داشته باشد نماز باطل است، ولی اگر وقت تنگ باشد چنانچه برای وی، ازاله ی نجاست از بدن یا درآوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد ممکن باشد باید نجاست بدن را بر طرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل نماید، و چنانچه برطرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و در صورتی که نتواند، به حالت عریان نماز بخواند با همان وضعیت نماز را تمام کند.

5. اگر لباس نجس را آب بکشد و یقین کند که پاك شده است و با آن نماز بخواند، و بعد از نماز بفهمد پاك نشده، نمازش صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید لباس را تطهیر کند.

6. لباسی که نجس بودن آن مشکوک است اگر سابقه ی نجاست نداشته محکوم به طهارت بوده و نماز خواندن با آن صحیح است، بنابراین نماز در لباسهای معطر به عطرهایی که حاوی الکل است و نمی دانیم آن عطرها نجس است اشکال ندارد. همچنین شخصی که به علت اضطرار، مجبور به تطهیر مخرج بول با سنگ یا چوب و یا هر چیز دیگری می شود و هنگامی که به منزل مراجعت می کند آن را با آب تطهیر می نماید، اگر نداند لباسش با رطوبت بول نجس شده است لازم نیست موقع نماز آن را عوض کرده یا تطهیر نماید.

## 2. غصبی نباشد

1. لباس نمازگزار باید مباح باشد (غصبی نباشد).

2. اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است، همچنین اگر نداند پوشیدن لباس غصبی حرام است.

## 3. از اجزای مردار نباشد

1. لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده بی که دارای خون جهنده است نباشد، و احتیاط واجب آن است که از اجزای مرداری که دارای خون جهنده نیست نیز نباشد.

2. هرگاه قطعه بی از مردار همراه نمازگزار باشد، بنا بر احتیاط (واجب) نمازش باطل است، ولی در صورتی که از چیزهایی که دارای روح نیست، مانند مو و پشم و شاخ و استخوان باشد و حیوان هم در اصل حلال گوشت باشد، نماز باطل نیست.

3. حیوانی که تذکیه ی آن مشکوک است، از این نظر که نمی توان گوشت آنرا خورد و در پوست آن نماز خواند در حکم میت است، ولی از نظر طهارت و نجاست، حکم میت را ندارد و پاک است، و نمازهای گذشته اگر با جهل به این حکم، انجام گرفته است، محکوم به صحت است، بنابراین چرم طبیعی که نمی دانیم از حیوانی است که شرعاً تذکیه شده یا خیر نجس نیست ولی نماز با آن باطل است.

## 4. از حیوان حرام گوشت نباشد

1. لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد، و اگر مویی از آن هم به لباس یا بدن نمازگزار چسبیده باشد نماز او باطل است.

2. اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت، مانند گربه بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز باطل است، مگر این که خشک شده و عین آن بر طرف شده باشد، بنابراین اگر فضله ی پرندگان حرام گوشت بر روی بدن یا لباس باشد، نماز با آن باطل است، ولی اگر خشک شده و از لباس یا بدن زدوده شده باشد نماز صحیح است.

3. مو و عرق و آب دهان انسان و موم غسل و مروارید و صدف اگر بر لباس و بدن نمازگزار باشد، نمازش اشکال ندارد.

4. اگر شك داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز خواندن با آن بی اشکال است.

### تمرین

1. زنان چه مقدار از بدن خود را باید هنگام نماز بپوشانند؟ آیا پوشیدن لباسهای آستین کوتاه و نپوشیدن جوراب اشکال دارد؟

2. آیا زنی که در اثنای نماز متوجه می شود مقداری از موهایش پیداست و فوراً آن را می پوشاند، باید نماز خود را دوباره بخواند؟

3. شرایط لباس نمازگزار کدامند؟

4. اگر نمازگزار در حین نماز متوجه نجاست بدن یا لباس خود شود، نماز او چه حکمی دارد؟

5. آیا وجود مو یا آب دهان گربه در لباس نمازگزار باعث بطلان نماز او می شود؟

## 5. طلا بافت نباشد

### اشاره

1. پوشیدن لباس زربفت برای مردان حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زنان در همه حال بی اشکال است.
2. آویختن زنجیر طلا و به دست کردن انگشتر طلا و بستن ساعت مچی طلا برای مردان حرام است و بنا بر احتیاط واجب نماز با آن باطل است.

### توجه

\* ملاك حرمت استفاده از طلا برای پوشیدن یا به گردن آویختن توسط مردان، صدق زینت نیست، بلکه استفاده از آن به هر صورت و به هر قصدی حرام است، هر چند انگشتر، حلقه، گردنبند و مانند آن باشد و از نظر عموم علامت آغاز زندگی زناشویی فرد به حساب آید نه زینت، و هر چند از دید دیگران مخفی باشد، ولی استفاده از آن برای جراحی استخوان و دندانسازی اشکال ندارد.

\* در حرمت پوشیدن طلا برای مردان، فرقی نیست بین آن که مدت کم باشد، مثل لحظه‌ی عقد یا زیاد.

\* اگر چیزی که طلای سفید نامیده می شود همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط کردن ماده‌ی بی، رنگ آن سفید شده حکم طلای زرد را دارد، ولی اگر عنصر طلا در آن به قدری کم است

که عرفاً به آن طلا نمی گویند مانع ندارد.

\* پلاتین، طلا نیست و حکم آن را ندارد، از این رو استفاده از آن اشکال ندارد.

### **6. از ابریشم خالص نباشد**

لباس مرد نمازگزار حتی چیزهایی مانند عرقچین و جوراب و آستر لباس و امثال آن باید از ابریشم خالص نباشد. در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است، ولی دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.

### **3. مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد**

#### **1. آن که به واسطه ی زخم یا جراحت یا دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد**

1. اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس معمولاً یا برای این شخص، سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است می تواند با آن خون نماز بخواند. همینطور است چرکی که با خون بیرون می آید یا دوائی که روی زخم می گذارند و نجس می شود.

2. خون بریدگی ها و زخم هایی که به زودی خوب می شود و شستن آنها آسان است، این حکم را ندارد (یعنی اگر در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است).

## 2. آن که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم (بند انگشت اشاره) باشد

1. اگر بدن یا لباس نمازگزار به خون - غیر از آنچه در مورد قبل ذکر شد - آلوده باشد، در صورتی که مقدار آن کمتر از بند انگشت سیبانه باشد نماز با آن اشکال ندارد، ولی با بیش از آن اشکال دارد.

2. شرایط خون کمتر از درهم:

1. خون حیض نباشد که اگر اندکی هم از آن بر بدن یا لباس نمازگزار باشد نمازش باطل است، و بنا بر احتیاط واجب خون نفاس و استحاضه نیز همین حکم را دارد.

2. خون حیوانهای نجس العین (سگ و خوک و کافر) و حرام گوشت و مردار نباشد.

3. رطوبتی از خارج به آن نرسیده باشد مگر در صورتی که رطوبت با خون مخلوط و در آن مستهلك شود و مجموع آنها هم بیش از اندازه ی مُجاز (بند انگشت) نشود که در این صورت، نماز با آن صحیح است و در غیر این صورت نماز با آن بنا بر احتیاط واجب اشکال دارد.

3. اگر بدن یا لباس خونی نشود، ولی به واسطه ی رسیدن به خون، نجس شود، نمی شود با آن نماز خواند.

## 3. آن که لباسهای کوچک نمازگزار، مانند جوراب که با آنها نمی توان عورت را پوشاند نجس باشد

1. اگر لباس های کوچک نمازگزار، مانند جوراب و دستکش و عرقچین که با آنها نمی توان عورت را پوشانید، و نیز انگشتر و دستبند و امثال آن با نجاستی تماس پیدا کند و نجس شود نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

2. اشیایی از قبیل دستمال و کلید و کیف و چاقو که همراه انسان است اگر نجس باشد، در صورتی که نتوان عورت را با آن پوشاند، نماز اشکال ندارد.

## 4. آن که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند

کسی که به خاطر سرما یا نداشتن آب و امثال اینها ناچار شود که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نماز او درست است.



1. آیا استفاده از طلا توسط مردان بدون قصد زینت به طوری که دیگران ببینند جایز است؟
2. استفاده ی مردان از انگشتری که از جنس طلای سفید است چه حکمی دارد؟
3. مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد را بیان کنید؟
4. شرایط خون کمتر از درهم را توضیح دهید؟
5. اگر نمازگزار دستمال و امثال آن را که با خون نجس شده، حمل کند و یا در جیب خود بگذارد، آیا نماز او باطل است؟
6. اگر خونریزی از دهان یا بینی از اول وقت نماز تا نزدیک آخر آن ادامه داشته باشد، نماز چه حکمی دارد؟

## درس 30 مکان نمازگزار (1) شرایط مکان نمازگزار «1»

### 1. شرایط مکان نمازگزار

#### 1. مباح باشد

#### اشاره

1. مکان نماز باید غصبی نباشد. نماز در جای غصبی هر چند که بر روی فرش و تخت غیر غصبی باشد، باطل است.

2. اگر در جایی که نمی داند یا فراموش کرده غصبی است نماز بخواند، نماز او صحیح است. همچنین اگر نداند تصرف در جای غصبی حرام است.

ص: 118

3. کسی که با دیگری در ملک شریک است در صورتی که سهم هر یک از دیگری جدا نباشد، نمی تواند بدون رضایت شریکش در آن ملک نماز بخواند.

## توجه

\* زمینی که قبلاً وقف بوده و دولت آن را تصرف نموده و در آن مدرسه ساخته است، اگر احتمال قابل توجهی داده شود که تصرف مذکور مجوز شرعی داشته است، نماز خواندن در آن مکان اشکال ندارد. همچنین زمین بعضی از مدارس که از صاحبان آن بدون رضایت آنها گرفته شده است، اگر احتمال قابل توجهی داده شود که مسئول ذریبط به استناد مجوز قانونی و شرعی اقدام به احداث مدارس در آن اراضی نموده نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

\* شخصی که در یک خانه ی دولتی زندگی می کند که مدت سکونت وی در آن به پایان رسیده و حکم تخلیه نیز به او ابلاغ شده است، اگر از طرف مسؤولین ذریبط، مجاز به استفاده از آن خانه بعد از مهلت مقرر نباشد، تصرفات او (و از جمله نماز خواندن) در آن حکم غضب را دارد.

\* نماز خواندن و تصرفات دیگر در اداره بی که در گذشته قبرستان بوده اشکال ندارد، مگر این که از طریق شرعی ثابت شود زمینی که ساختمان مذکور در آن ایجاد شده، وقف برای دفن اموات بوده و به طریق غیر شرعی تصرف گردیده و در آن ساختمان سازی شده است.

\* نماز خواندن در پارک های فعلی و غیر آن اشکال ندارد، و به صرف احتمال غضب و این که مالکیت زمین های پارکها مشخص نیست توجهی نمی شود.

\* زمینی که صاحب آن راضی به تملک آن توسط دولت نیست و عدم رضایت خود را نسبت به اقامه ی نماز و مانند آن در زمین مذکور اعلام نموده است، اگر گرفتن زمین از مالک شرعی آن طبق قانونی که توسط مجلس شورای اسلامی وضع و به تأیید شورای نگهبان رسیده است انجام شده باشد، نماز خواندن و تصرفات دیگر در آن مکان اشکال ندارد.

\* شرکت ها و مؤسسه هایی که امروزه در اختیار دولت قرار دارد و توسط دادگاه شرع از صاحبان آنها مصادره شده است، اگر احتمال داده می شود که قاضی صادرکننده ی حکم مصادره، با صلاحیت قانونی و بر اساس موازین شرعی و قانونی، اقدام به صدور حکم کرده است، عمل او شرعاً محکوم به صحت است، و بنابراین نماز خواندن و تصرفات دیگر در آن مکان جایز است و حکم غضب بر آن منطبق نیست.

\* مکان هایی که دولت ظالم آنها را تصرف می کند، در صورت علم به غضب، احکام و آثار مغضوب بر آنها مترتب است، (بنابراین نماز خواندن در آن جایز نیست).

### تمرین

1. شرایط مکان نمازگزار را ذکر نمایید.
2. آیا نماز کسی که در زمین غصبی روی سجاده یا چوب و مانند آن نماز خوانده، صحیح است یا باطل؟
3. شخصی که در يك خانه ی دولتی زندگی می کند که مدت سکونت وی در آن به پایان رسیده و حکم تخلیه نیز به او ابلاغ شده است، نمازهای وی بعد از انقضای موعد مقرر تخلیه چه حکمی دارد؟
4. زمینی که صاحب آن راضی به تملك آن توسط دولت نیست و عدم رضایت خود را نسبت به اقامه ی نماز و مانند آن در آن زمین اعلام کرده، نماز خواندن در آن چه حکمی دارد؟
5. آیا نشستن و نماز خواندن یا عبور کردن در مکان هایی که دولت ظالم آنها را غضب می کند جایز است؟

## 2. بی حرکت باشد

### اشاره

مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد یعنی طوری باشد که شخص نمازگزار بتواند با آرامش بدن و بدون تکان، نماز بخواند، بنابراین نماز در جاهایی که بی اختیار تکان می خورد، مانند خودرو و یا بعضی تخت های فنری و امثال آن صحیح نیست، مگر هنگامی که به خاطر تنگی وقت و غیر آن مجبور باشد در چنان مکانی نماز بخواند.

### توجه

\* بر مسافرانی که با اتوبوس های بین شهری سفر می کنند واجب است که در صورت خوف از فوت نماز، از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نماید، و بر راننده اجابت در خواست آنان واجب است، و اگر به علت عذر مقبول و یا بدون دلیل از توقف اتوبوس خودداری کند، در این صورت، تکلیف مسافران اگر خوف فوت وقت داشته باشند، این است که نماز را در اتوبوس در همان حال حرکت بخوانند و تا آنجا که امکان دارد جهت قبله، قیام، رکوع و سجود را رعایت کنند.

\* بر کسانی که با قایق به مأموریت فرستاده می شوند و وقت نماز آنها می رسد، به طوری که اگر در همان زمان، نماز نخوانند، بعد از آن نمی توانند نماز خود را داخل وقت بخوانند واجب است که نماز را در وقت آن به هر صورتی که ممکن است، ولو در داخل همان قایق بخوانند.

### 3. از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است

مکان نمازگزار باید از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است، مانند جایی که جان انسان در خطر جدی است، و نیز جاهایی نباشد که ایستادن یا نشستن بر روی آن حرام است، مانند فرشی که نام خدا، یا آیات قرآنی بر همه جای آن نقش بسته است.

### 4. جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نباشد

نمازگزار باید در هنگام نماز جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نایستد، ولی مساوی قبر اشکال ندارد.

### 5. محل سجده ی نمازگزار پاك باشد

محل سجده ی نمازگزار باید پاك باشد، ولی اگر مکان نمازگزار به غیر از جایی که پیشانی را بر آن می گذارد، نجس باشد اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

### 6. موجب نجاست لباس و بدن نمازگزار نشود

مکان نمازگزار، اگر نجس است طوری تر نباشد که به بدن یا لباس او سرایت کند، بنابراین اگر مکان نمازگزار نجس باشد، ولی نجاست آن به لباس یا بدن وی سرایت نکند و محل سجده هم پاك باشد نماز خواندن در آن مکان اشکال ندارد.

### 7. میان زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل يك وجب فاصله باشد

بنا بر احتیاط واجب باید میان زن و مرد در حال نماز حداقل يك وجب فاصله باشد، و در این صورت اگر زن و مرد محاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستد، نماز هر دو صحیح است.

### 8. مسطح باشد

#### اشاره

لازم است که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او، بیش از چهار انگشت بسته بلندتر و یا پست تر نباشد.

### دو نکته در ارتباط با مکان نمازگزار

\* به جا آوردن نماز واجب در داخل خانه ی کعبه مکروه است، ولی احتیاط واجب آن است که

بر بام کعبه نماز نخواند.

\* نماز خواندن بر سجاده‌یی که شکل‌هایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر به گونه‌یی باشد که بهانه به دست کسانی دهد که تهمت به شیعه می‌زنند، تولید آن و نماز خواندن بر آن جایز نیست، و همچنین اگر موجب تفرق حواس و از بین رفتن حضور قلب در نماز شود کراهت دارد.

### تمرین

1. نماز در جاهایی که بدن بی اختیار تکان می‌خورد، مانند خودرو چه حکمی دارد؟
2. آیا اگر مکان نمازگزار پاک نباشد، ولی محل سجده پاک باشد نماز صحیح است؟
3. حکم نماز خواندن بر فرشی که نام خدا، یا آیات قرآن بر همه جای آن نقش بسته است چیست؟
4. آیا مردان هنگام نماز باید جلوتر از زنان بایستند؟
5. حکم نماز واجب در داخل کعبه را بیان نمایید؟
6. نماز خواندن بر سجاده‌یی که شکل‌هایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است چه حکمی دارد؟

1. احکام حرام مساجد

1. نجس کردن مسجد

اشاره

نجس کردن زمین و سقف و دیوار و بام مسجد حرام است، و اگر نجس شد واجب است فوراً آن را تطهیر کنند.

توجه

\* مسجدی که غصب و خراب و متروک شده و به جای آن بنای دیگری ساخته شده یا به خاطر متروک ماندن، آثار مسجدی از آن محو شده و امیدی هم به دوباره سازی آن نیست، مثل این که آن آبادی تغییر جا یافته باشد، نجس کردن آن حرام نیست، گر چه احتیاط (مستحب) آن است که نجس نکنند.



## 2. زینت کردن مسجد به طلا در صورتی که اسراف محسوب شود

زینت کردن مسجد به طلا اگر اسراف محسوب شود حرام است، و در غیر آن صورت هم مکروه است.

## 3. انجام کارهایی که خلاف شأن و حرمت مسجد است

مراعات شأن و منزلت و جایگاه مسجد واجب است، و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد باید پرهیز شود، بنابر این:

1. مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست.

2. اگر پخش موسیقی در مسجد منافی با حرمت آن باشد حرام است، حتی اگر موسیقی غیر مطرب باشد.

## 4. داخل شدن کفار به مسجد

ورود کفار به مساجد مسلمانان جایز نیست، هر چند برای مشاهده ی آثار تاریخی باشد، خواه مسجد الحرام باشد یا سایر مساجد، و خواه ورود آنان هتک و بی حرمتی مسجد شمرده شود یا نه.

## 5. خراب کردن مسجد

### اشاره

خراب کردن تمام مسجد یا قسمتی از آن جایز نیست، مگر در صورت مصلحتی که اهمیت ندادن و بی توجهی به آن ممکن نباشد.

### توجه

\* خراب کردن مسجد، آن را از مسجد بودن خارج نمی کند، و از این رو آثار شرعی مسجد را خواهد داشت، مگر مسجدی که خراب و متروک شده و به جای آن بنای دیگر ساخته شده یا به خاطر متروک ماندن، آثار مسجدی از آن محو گردیده و امیدی هم به دوباره سازی آن نیست، بنابر این زمینی که جزء قسمت سرپوشیده ی مسجد بوده و بر اثر واقع شدن مسجد در مسیر طرح عمرانی شهرداری در خیابان افتاده و قسمتی از آن به علت اضطرار تخریب شده اگر احتمال برگشت آن به حالت اولیه ضعیف باشد آثار شرعی مسجد را ندارد.

## 6. بر خلاف کیفیت وقف مسجد عمل کردن

مخالفت با کیفیت وقف مسجد یا تغییر و تبدیل آن جایز نیست، بنابراین:

1. استفاده از صحن یا ایوان مسجد برای رشد فکری، فرهنگی، و نظامی (با آموزشهای نظامی) جوانان، تابع کیفیت وقف صحن مسجد و ایوان آن است، و باید از امام جماعت و هیأت امنای مسجد در این باره نظرخواهی شود. البته حضور جوانان در مساجد و برپایی درس های دینی زیر نظر امام جماعت و هیأت امنای آن کار خوب و مطلوبی است.
2. تبدیل مسجد به مکانی برای نمایش فیلم های سینمایی جایز نیست، ولی نمایش فیلم های مذهبی و انقلابی دارای محتوای مفید و آموزنده به مناسبت خاصی و بر حسب نیاز و تحت نظارت امام جماعت مسجد اشکال ندارد.
3. جواز استفاده از امکانات مسجد، مثل برق و سیستم تهویه در اقامه ی مجلس فاتحه برای اموات و امثال آن، منوط به کیفیت وقف و نذر آن امکانات برای مسجد است.
4. ایجاد موزه یا کتابخانه در گوشه ی صحن مسجد، اگر مخالف کیفیت وقف تالار و شبستان و صحن مسجد باشد و یا موجب تغییر ساختمان مسجد گردد جایز نیست. بهتر این است که مکانی در کنار مسجد برای این منظور تهیه شود.
5. استفاده ی شخصی از آب مساجد، مثل نوشیدن، درست کردن چای و مانند آن، در صورتی که ندانیم آب آن برای خصوص وضوگرفتن نمازگزاران وقف شده است و عرف رایج در محله ی مسجد، این باشد که همسایه ها و عبورکنندگان هم از آب آن استفاده می کنند اشکال ندارد، هر چند احتیاط در این مورد مطلوب است. همچنین اگر مسجد در مجاورت قبرستان باشد، استفاده از آب مسجد برای پاشیدن روی قبرهایی که خارج از آن قرار دارد، در صورتی که امر رایجی باشد و کسی به آن اعتراض نکند و دلیلی هم بر وقف آن آب برای خصوص وضو و تطهیر نباشد اشکال ندارد.
6. هرگاه در قسمت سر پوشیده ی مسجد به خاطر عدم آگاهی از احکام شرعی مسجد، اتاقهایی ساخته شود، واجب است با خراب کردن اتاق ها، قسمت سر پوشیده را به حالت قبل برگردانند. همچنین اگر در محلی که قبلاً مسجد بوده بر اثر جهل به مسأله اتاقی برای تهیه ی چای و مانند آن ساخته شود، واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد.
7. دفن میت در مسجد جایز نیست، و وصیت میت مبنی بر این که مرا در فلان مسجد دفن

کنید اعتباری ندارد، مگر هنگام اجرای صیغه ی وقف، دفن میت استثنا شده باشد.

8. ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران در مسجد جایز نیست، بنابراین تعلیم قرآن و احکام و آموزش اخلاق اسلامی و تمرین سرودهای انقلابی در مسجد در صورتی اشکال ندارد که مزاحمت برای نمازگزاران نداشته باشد.

### \* تمرین

1. احکام حرام مساجد را بیان نمایید.
2. آیا انجام تمرینهای ورزشی در مسجد جایز است؟
3. آیا پخش موسیقی شاد از مسجد به مناسبت جشن میلاد ائمه ی معصومین (ع) شرعاً اشکال دارد؟
4. آیا جایز است که کفار، داخل مساجد مسلمانان شوند، هر چند برای مشاهده ی آثار تاریخی باشد؟
5. حکم استفاده از امکانات مسجد، مثل برق و سیستم تهویه در اقامه ی مجلس فاتحه برای اموات چیست؟
6. آیا اجاره دادن زیر زمین مسجد برای کاری که مناسب با شأن مسجد باشد جایز است؟

## 2. احکام مستحب مساجد

### چند نکته در ارتباط با احکام مسجد

\* خوابیدن در مسجد کراهت دارد.

\* فضیلت خواندن نماز در مسجد، مختص مردان نیست و شامل زنان نیز می شود.

\* ترك نماز در مسجد محله برای خواندن نماز جماعت در مسجد دیگر به خصوص اگر مسجد جامع شهر باشد، اشکال ندارد.

ص: 128

\* مسجد جامع، مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه ی اهل شهر بنا شده است بدون این که اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد.

\* شرکت های تعاونی مردمی که اقدام به ساختن مناطق مسکونی می کنند و در ابتدا، توافق می نمایند که برای آن محله ها، مکان های عمومی، مانند مسجد ساخته شود، ولی بعضی از سهامداران شرکت هنگام تحویل گرفتن واحد مسکونی از توافق خود عدول کرده و بگویند: ما راضی به ساختن مسجد نیستیم، در صورتی که عدول آنها بعد از ساخته شدن مسجد و وقف گردیدن آن باشد اثری ندارد، ولی اگر قبل از تحقق وقف شرعی مسجد باشد، ساخت مسجد با اموال آنها در زمین متعلق به همه ی اعضا بدون رضایت آنها جایز نیست، مگر این که در ضمن عقد لازم بر همه ی آنها شرط شده باشد که بخشی از زمین شرکت برای ساخت مسجد تخصیص یابد و اعضا، این شرط را پذیرفته باشند که در این صورت حق عدول ندارند، و عدول آنها هم تأثیری ندارد.

\* مسجدی که نیاز به تعمیر دارد اگر تعمیر، داوطلبانه و تبرعی (از مال شخصی افراد خیر) باشد نیازی به اجازه ی حاکم شرع ندارد.

\* نماز خواندن در مسجدی که توسط کفار ساخته شده و همچنین دریافت کمکهای مالی که کفار داوطلبانه برای مسجد می دهند اشکال ندارد.

\* اثاث و لوازم مسجد، اگر مورد استفاده در آن مسجد نباشد بردن آن به مساجد دیگر برای استفاده از آنها اشکال ندارد.

\* صرف تغییر اسم مسجد مثلاً از نام مبارك صاحب الزمان (عج) به مسجد جامع، در جایی که معلوم نیست اسم اول در صیغه ی وقف مسجد ذکر شده باشد، مانعی ندارد.

\* تکیه ها و حسینیه ها حکم مسجد را ندارند.

\* تبدیل حسینیه یی که به عنوان حسینیه، وقف صحیح شرعی شده و یا ضمیمه کردن آن به مسجد به عنوان مسجد جایز نیست.

\* استفاده از فرشها و اجناس نذر شده برای مرقد یکی از امامزادگان (ع) در مسجد جامع محله، در صورتی که زائد بر نیاز مرقد امامزاده و زائران آن باشد اشکال ندارد.

**تمرین**

1. احکام مستحب مساجد را ذکر کنید.
2. حکم خوابیدن در مسجد چیست؟
3. آیا زنها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند یا در خانه؟
4. مسجد جامع چه تعریفی دارد؟
5. اگر مسجد نیاز به تعمیر داشته باشد، آیا اجازه گرفتن از حاکم شرع یا وکیل او واجب است؟
6. آیا تکایایی که به نام حضرت ابوالفضل (ع) و غیر آن تأسیس می شود، حکم مسجد را دارد؟

## 1. احکام قبله

### اشاره

1. مسلمان باید نماز را رو به سمت کعبه بگزارد که به این اعتبار به آن «قبله» می گویند. البته برای کسانی که از آن دورند محاذات حقیقی میسر نیست، و همین اندازه که بگویند رو به قبله نماز می خوانند، کافی است.

### توجه

\* ملاک رو به قبله بودن این است که انسان از سطح کره ی زمین به طرف بیت عتیق (کعبه) باشد یعنی از طرف سطح زمین رو به طرف کعبه که روی زمین در مکه ی مکرمه ساخته شده است بایستد، بنابراین اگر انسان در یک نقطه یی از کره ی زمین باشد که اگر خطوط مستقیمی از چهار جهت آن مکان بر سطح کره ی زمین به طرف مکه ترسیم شود از نظر مسافت با هم مساوی باشند مخیر است برای قبله به هر طرف که خواست بایستد و نماز بخواند، ولی اگر مسافت خطوط در بعضی از جهت ها کمتر و کوتاهتر باشد به مقداری که با آن، صدق عرفی رو به قبله بودن اختلاف پیدا کند بر انسان واجب است جهت کوتاهتر را انتخاب کند.

\* نمازهای مستحبی را می توان در حال راه رفتن یا سواری خواند، و در این صورت لازم نیست نماز را رو به قبله به جا آورد.

2. نمازگزار باید به جهت قبله یقین و اطمینان پیدا کند، چه از راه قبله نمای صحیح و معتبر و

چه از راه آفتاب و ستارگان (برای کسی که آشنا به استفاده از آنها است) و چه از راه های دیگر، و اگر نتوانست اطمینان پیدا کند به هر طرف که گمان بیشتر می یابد، نماز بخواند.

3. کسی که هیچ راهی برای یافتن جهت قبله ندارد و گمانش هم به هیچ طرف نمی رود بنا بر احتیاط (واجب) باید به چهار طرف نماز بخواند، و اگر برای چهار نماز وقت ندارد به هر اندازه که وقت دارد، نماز بخواند.

4. کسی که یقین به قبله ندارد در بقیه ی کارهایی که باید رو به قبله انجام شود، مانند ذبح حیوانات و غیره، باید به گمان خود عمل کند و اگر به هیچ طرف گمان بیشتر ندارد، به هر طرف انجام دهد صحیح است.

## توجه

\* اعتماد بر شاخص یا قبله نما در تعیین جهت قبله، در صورتی که موجب اطمینان برای مکلف شود، صحیح است و باید طبق آن عمل گردد، و در غیر این صورت می توان بر اساس محراب مساجد و قبور مسلمین جهت قبله را تشخیص داد.

\* منظور از به کارگیری شاخص در تشخیص قبله این است که در روزهای هفتم خرداد و بیست و پنجم تیر ماه (که مصادف است با روز بیست و هشتم ماه پنجم و شانزدهم ماه هفتم از سال میلادی) چنانچه هنگام ظهر به افق مکه که آفتاب به طور عمودی بر کعبه می تابد (همان زمانی که صدای اذان مکه بلند می شود) شاخصی از قبیل قطعه چوب صاف یا میله و مانند آن در زمین هموار به طور عمودی فرو کنیم، جهتی که سایه ی شاخص نشان می دهد جهت قبله خواهد بود (یعنی جهت قبله در امتداد سایه در طرفی از شاخص است که سایه ندارد).

## تمرین

1. ملاک رو به قبله بودن چیست؟

2. آیا زمانی که نمازهای مستحبی را در حال راه رفتن یا سواری می خوانیم رعایت قبله لازم است؟

3. اگر نمازگزار نتوانست به جهت قبله اطمینان پیدا کند چه وظیفه یی دارد؟



4. اگر انسان در وضعیتی باشد که اصلاً جهت قبله را نداند و گمانش نیز به هیچ طرف نرود به کدام جهت باید نماز بخواند؟

5. آیا اعتماد بر قبله نما صحیح است؟

6. منظور از به کارگیری شاخص در تشخیص قبله چیست؟

ص: 133

## درس 35 نمازهای یومیه (1) اهمیت نمازهای یومیه - تعداد نمازهای یومیه - اوقات نمازهای یومیه

### 1. اهمیت نمازهای یومیه

1. نمازهای روزانه بی که در پنج نوبت خوانده می شود از واجبات بسیار مهم شریعت اسلامی بوده و بلکه ستون دین است، و ترك یا سبک شمردن آن شرعاً حرام و موجب استحقاق عقاب است.

2. نماز در هیچ حالی ترك نمی شود حتی در حال جنگ، بنابراین رزمنده بی که در جبهه به علت شدت درگیری قادر بر قرائت فاتحه یا سجده و یا رکوع نباشد، باید به هر نحوی که برایش امکان دارد نماز بخواند، و اگر قادر بر انجام رکوع و سجده نیست، ایما و اشاره به جای رکوع و سجود کافی است.

### 2. تعداد نمازهای یومیه

#### اشاره

ص: 134

\* در سفر، نمازهای چهار رکعتی (ظهر و عصر و عشا) دو رکعت خوانده می شود، خصوصیات و احکام آن خواهد آمد ان شاء الله تعالی.

### 3. اوقات نمازهای یومیه

#### 1. وقت نماز صبح

1. وقت نماز صبح از هنگام طلوع فجر تا طلوع آفتاب است.

2. معیار شرعی در مورد وقت نماز صبح، فجر صادق است (نه کاذب)، و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است.

3. فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر (وقت فریضه ی صبح) نیست، هر چند احتیاط در این زمینه خوب است.

4. مقتضی است که مؤمنین محترم «ایدهم الله تعالی» جهت رعایت احتیاط در مورد وقت نماز صبح، حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان صبح از رسانه ها شروع به ادای فریضه ی صبح نمایند.

5. ملاک طلوع خورشید (پایان وقت نماز صبح) دیدن آن در افق مکان نمازگزار است نه رسیدن نور آن بر زمین.

#### 2. وقت نماز ظهر

وقت نماز ظهر از اول ظهر (یعنی هنگامی که سایه ی هر چیزی پس از آن که بر اثر بالا آمدن آفتاب کاملاً کوتاه شد مجدداً به طرف مشرق شروع به زیاد شدن کند) است تا هنگامی که فقط به قدر نماز عصر تا غروب آفتاب وقت باقی مانده است.

#### 3. وقت نماز عصر

وقت نماز عصر از هنگامی است که به قدر خواندن نماز ظهر، از ظهر گذشته تا غروب آفتاب.

#### 4. وقت نماز مغرب

### اشاره

وقت نماز مغرب از هنگامی است که سرخی بعد از غروب آفتاب که از طرف مشرق بالا می آید زائل شود تا هنگامی که فقط به قدر نماز عشا تا نیمه شب مانده است.

## توجه

\* فاصله‌ی زمانی بین غروب خورشید و زوال حمزه‌ی مشرقیه (از بین رفتن سرخی طرف مشرق بعد از غروب آفتاب) با اختلاف فصل‌های سال تفاوت می‌کند.

## 5. وقت نماز عشا

### اشاره

وقت نماز عشا از هنگامی است که به قدر خواندن نماز مغرب از اول وقت گذشته است تا نیمه شب.

### توجه

\* احتیاط (واجب) آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کنند، بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت نماز مغرب و عشا است.

### تمرین

1. کسی که عمداً نماز را ترك کند یا سبک بشمارد، چه حکمی دارد؟
2. آیا باید در شبهای مهتابی برای خواندن نماز صبح به مدت پانزده تا بیست دقیقه صبر کرد؟
3. رسیدن نور خورشید به زمین تقریباً هشت دقیقه طول می‌کشد، آیا ملاک پایان وقت نماز صبح، طلوع خورشید است یا رسیدن نور آن به زمین؟
4. وقت نماز عصر تا اذان مغرب است یا تا هنگام غروب آفتاب؟
5. فاصله‌ی زمانی بین غروب خورشید و اذان مغرب چند دقیقه است؟
6. نیمه شب شرعی برای نماز عشا چه وقت است؟

#### 4. احکام اوقات نماز

##### توجه

\* تا یکی از راههای شناخت وقت نماز تحقق پیدا نکند ورود در نماز جایز نیست.

\* اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شك کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است، ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شك کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است.

2. معیار در احراز دخول وقت، حصول اطمینان برای مکلف است، بنابراین:

1. رسانه های گروهی که اوقات شرعی هر روز را يك روز قبل از آن اعلام می کنند، اگر برای مکلف اطمینان به دخول وقت بیاورد می تواند بر آن اعتماد کند.

2. هرگاه با شروع اذان، برای مکلف اطمینان حاصل شود که وقت نماز داخل شده است صبر کردن تا پایان اذان لازم نیست، و می تواند نماز را شروع کند.

3. مکلف باید در مورد اوقات نمازهای یومیه همان افق محل سکونت خود را رعایت کند.

4. صرف یکی بودن مقدار تفاوت بین دو منطقه در طلوع فجر یا زوال آفتاب یا غروب خورشید، مستلزم اتحاد در سایر اوقات نیست، بلکه غالباً مقدار اختلاف بین شهرها در اوقات سه گانه با هم تفاوت دارد، مثلاً اگر بین دو استان در وقت ظهر بیست و پنج دقیقه تفاوت است در وقت نماز صبح و مغرب این مقدار تفاوت می کند (ممکن است کمتر یا بیشتر از بیست و پنج دقیقه باشد).

5. کسی که به اندازه ی خواندن يك رکعت از نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند، ولی نباید عمداً نماز را تا آن وقت به تأخیر بیندازد، و در صورت شك در این که وقت، لا اقل به مقدار يك رکعت باقی است یا خیر، باید نماز را به قصد مافی الذمه به جا آورد.

6. بعد از داخل شدن وقت دو نماز (ظهر و عصر یا مغرب و عشا) مکلف در خواندن هر دو نماز پشت سر هم به صورت جمع و یا خواندن هر يك در وقت فضیلت خود مخیر است.

7. مستحب است انسان، نماز را در اول وقت بخواند، و در دستوره های اسلامی در این مورد سفارش مؤکدی شده است، و اگر در اول وقت نتواند، هر چه نماز را نزدیکتر به اول وقت بخواند بهتر است، مگر آن که تأخیر نماز از جهتی بهتر باشد، مانند این که بخواهد نماز را به جماعت بخواند.

8. اگر طلبکار طلب خود را مطالبه می کند، در صورتی که انسان توانایی دارد باید اول بدهی خود را بدهد و سپس نماز بخواند، و همچنین است در صورتی که کار واجب فوری دیگری پیش آمد کند. بلی در صورتی که وقت نماز تنگ شده باشد باید اول نماز بخواند.

## 5. ترتیب در بین نمازها

1. نماز ظهر و عصر باید به ترتیب خوانده شود یعنی اول نماز ظهر، بعد نماز عصر. همچنین باید در میان نماز مغرب و عشا نیز ترتیب رعایت شود، و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر یا عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

2. هرگاه کسی بر اثر اشتباه یا غفلت، نماز دوم را بر اولی مقدم داشته، مثلاً نماز عشا را جلوتر از مغرب خوانده و بعد از تمام شدن نماز متوجه شده نماز او صحیح است.

3. اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که قبلاً نماز ظهر را خوانده است، باید این نماز را بشکند و بعد از آن نماز عصر را بخواند، و همینطور است در نماز مغرب و عشا.

4. اگر به خیال این که نماز ظهر را خوانده است به نیت نماز عصر مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که قبلاً نماز ظهر را نخوانده است، در صورتی که در وقت مشترك نماز ظهر و عصر است، باید بلافاصله نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن، نماز عصر را به جا آورد، و اگر این اتفاق در وقت مخصوص به نماز ظهر یعنی به قدر چهار رکعت از اول ظهر افتاده باشد احتیاط واجب آن است که نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ولی بعداً هر دو نماز (ظهر و عصر) را به ترتیب به جا آورد، و همین تکلیف در مورد نماز مغرب و عشا نیز هست.

## تمرین

1. راههای شناخت وقت نماز کدامند؟
2. آیا وقت نماز به صرف شروع اذان آغاز می شود؟ یا این که باید صبر نمود تا اذان تمام شود و سپس شروع به خواندن نماز کرد؟
3. آیا مقدار اختلاف اوقات شرعی میان استان ها که بر اثر اختلاف افقهای آنها به وجود می آید، در اوقات سه گانه ی نمازهای یومیه به يك اندازه است؟
4. چه مقدار از نماز اگر در وقت واقع شود، نیت ادا صحیح است؟ در صورت شك در این که این مقدار، داخل وقت واقع شده یا خیر، وظیفه چیست؟
5. اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که قبلاً نماز ظهر را خوانده است چه وظیفه یی دارد؟
6. اگر کسی در بین نماز عشا متوجه شود که نماز مغرب را نخوانده چه تکلیفی دارد؟

## 6. اذان و اقامه

### اشاره

1. مستحب است پیش از نمازهای واجب شبانه روز، اذان و اقامه بگویند، و این استحباب در مورد نمازهای صبح و مغرب مخصوصاً نماز جماعت، مورد تأکید است، ولی در دیگر نمازهای واجب، مانند نماز آیات اذان و اقامه وارد نشده است.

3. اقامه 17 جمله است به این ترتیب که همه چیزش، مانند اذان است جز این که در اول آن

ص: 140



فقط دو مرتبه «أَللهُ أَكْبَرُ» می گویند و در آخر آن يك مرتبه «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ»، و بعد از گفتن «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» (یعنی نماز بر پا شد) اضافه می شود.

### چند نکته در ارتباط با اذان و اقامه

\* گفتن «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللهِ» (یعنی گواهی می دهم علی (ع) ولی خدا بر همه ی خلق است) جزو اذان و اقامه نیست، ولی به عنوان شعار تشیع خوب و مهم است و باید به قصد قربت مطلقه گفته شود.

\* اذان اعلامی (که برای اعلام دخول وقت گفته می شود) در اول وقت نمازهای واجب یومیه، و تکرار آن از طرف شنوندگان از مستحبات شرعی مؤکد است.

\* اذان گفتن به صورت دسته جمعی در معابر عمومی، اگر موجب سد معبر و یا اذیت دیگران نشود اشکال ندارد.

\* اذان گفتن بر بالای بام به نحو متعارف به خصوص برای نماز صبح اشکال ندارد، هرچند بعضی از همسایگان اعتراض کنند.

\* پخش اذان به نحو متعارف برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح به وسیله ی بلندگو اشکال ندارد، ولی پخش آیات قرآنی و دعا و غیر آن از بلندگوی مسجد، اگر موجب اذیت همسایگان شود، توجیه شرعی ندارد و بلکه دارای اشکال است.

\* اکتفا به اذان زن برای مرد محل اشکال است.

### تمرین

1. حکم اذان و اقامه چیست؟

2. اذان با اقامه چه فرقی دارد؟

3. آیا شهادت سوم که دلالت بر ولایت سید الاوصیاء حضرت علی بن ابی طالب (ع)

می کند در اذان و اقامه ی نماز واجب است؟

4. گفتن اذان به صورت دسته جمعی در معابر عمومی چه حکمی دارد؟

5. آیا جایز است که مرد در نماز به اذان زن اکتفا کند؟

ص: 142

## 7. واجبات نماز

### توجه

\* بعضی از واجبات نماز «رکن» است یعنی اگر در نماز به جا آورده نشود یا بیش از مقدار واجب آورده شود، حتی اگر از روی سهو و فراموشی هم باشد، نماز باطل می شود، (ولی واجبات غیر

ص: 143

رکعی اگر عمداً کم و زیاد شود نماز باطل می شود، اما اگر سهواً باشد نماز صحیح است، مانند قرائت).

## 1. نیت

### اشاره

1. معنای نیت و حکم آن:

نیت در نماز واجب است و منظور از آن، قصد انجام نماز معین برای اطاعت از دستور خداوند است.

### توجه

\* نیت که در نماز واجب است همان قصد انجام نماز برای خداست و لازم نیست در دل خود یا به زبان مثلاً بگوید: چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربۀ الی الله.

\* لازم است نمازگزار بداند که چه نمازی می خواند، بنابراین اگر مثلاً نیت چهار رکعت نماز بکند، اما معین نکند که نماز ظهر یا عصر است، نماز او باطل است.

\* انسان باید نماز را به قصد اطاعت از فرمان خداوند عالم به جا آورد، بنابراین اگر برای ریا یعنی تظاهر به دینداری و امثال آن نماز بخواند نماز باطل است، و به طور کلی اگر همه ی نماز یا بخشی از آن را به خاطر غیر خدا به جا آورد نماز او باطل است.

ص: 144

2. عدول از نیت:

ص: 145

1. واجبات نماز را بر شمرید؟
2. چه فرقی بین واجبات رکنی و غیر رکنی وجود دارد؟
3. ارکان نماز کدامند؟
4. آیا لازم است نیت را در دل یا به زبان بگویید؟
5. در چه مواردی عدول در نماز واجب است؟
6. موارد استحباب عدول در نماز کدامند؟

## 2. تکبیره الاحرام

### اشاره

1. معنای تکبیره الاحرام و حکم آن

تکبیره الاحرام در نماز واجب است و منظور از آن گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» در آغاز نماز است.

### توجه

\* نگفتن تکبیره الاحرام در اول نماز چه عمداً و چه سهواً موجب باطل بودن نماز است. همچنین اگر پس از آن که آن را در اول نماز به طور صحیح ادا کرد بار دیگر با فاصله یا بدون فاصله با همان نیت «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید نماز باطل است، و فرقی نیست میان این که زیاد گویی عمدی باشد یا سهوی.

2. واجبات تکبیره الاحرام:

1. تکبیره الاحرام را باید طوری بخواند که تلفظ به آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.

2. تکبیره الاحرام را باید به عربی صحیح بگوید، و اگر ترجمه‌ی فارسی آن را بگوید یا آن را به عربی غلط بگوید - مثلاً «های» الله را با فتحه بگوید و یا امثال آن - صحیح نیست.

## توجه

\* اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ تکبیره الاحرام را نمی داند واجب است یاد بگیرد، و اگر قادر به یادگیری نیست و نمی تواند آن را با تلقین دیگری به صورت حرف حرف با مراعات موالات عرفی بگوید باید ترجمه آن را بگوید.

3. هنگام تکبیره الاحرام باید بدن آرام و مستقر باشد، پس اگر عمداً و از روی اختیار، تکبیره الاحرام را در حالی بگوید که بدنش حرکت دارد، باطل است.

## 3. شك در تكبيرة الاحرام

### 3. قیام (ایستاده بودن)

## اشاره

1. کسی که قادر است نماز را ایستاده بخواند و عذری ندارد باید از شروع نماز تا رفتن به رکوع، در حال ایستاده باشد، و نیز واجب است پس از رکوع و پیش از رفتن به سجده بایستد. ترك قیام عمداً در این حالات، موجب باطل شدن نماز است.

ص: 148



2. ایستاده بودن در حال تکبیرة الاحرام و نیز پس از اتمام قرائت و پیش از رفتن به رکوع، رکن است یعنی اگر سهواً و از روی فراموشی هم آن را ترك کند نماز باطل می شود.

### توجه

\* اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و در این هنگام یادش بیاید که رکوع نکرده، باید برخیزد و بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود، پس اگر بدون برخاستن و ایستادن از همان حال نشسته خود را به حالت خمیدگی رکوع برساند نمازش باطل است.

### 2. واجبات قیام

نمازگزار در حال قیام باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی به طور آشکار خم نشود و به جایی تکیه نکند، مگر این که از روی ناچاری یا سهو و فراموشی باشد.

### توجه

\* موقعی که انسان در نماز بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکری را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند.

### 3. بعضی از مستحبات قیام:

#### 4. احکام قیام

1. کسی که در حال نماز قادر بر ایستادن نیست، باید نشسته نماز بخواند ولی اگر می تواند به

چیزی تکیه دهد و بایستد وظیفه ی او نماز ایستاده است.

2. کسی که قادر بر نماز نشسته نیست، باید خوابیده نماز بخواند، و بنابر احتیاط واجب باید اگر می تواند به پهلو راست بخوابد و صورت و بدن او رو به قبله باشد، وگرنه به پهلو چپ بخوابد، و اگر این گونه هم نمی تواند، به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

3. کسی که نشسته نماز می خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را به جا آورد باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود.

4. کسی که خوابیده نماز می خواند اگر بدون حرج و زحمت بتواند در بین نماز بنشیند یا بایستد، باید هر مقداری را که می تواند نشسته یا ایستاده بخواند. همچنین کسی که نشسته نماز می خواند باید هر مقدار که بدون حرج و زحمت برای او ممکن است ایستاده نماز بخواند.

5. کسی که می تواند ایستاده نماز بخواند اگر برسد که به واسطه ی ایستادن، بیماری یا ضرر دیگری به او برسد، می تواند نشسته نماز بخواند، و اگر در نماز نشسته نیز همین ترس باشد می تواند خوابیده نماز بخواند.

6. کسی که احتمال می دهد در آخر وقت بتواند نماز خود را ایستاده بخواند، بنابر احتیاط (واجب) باید تا آن هنگام صبر کند، ولی اگر در اول وقت به خاطر عذری نماز خود را نشسته خواند و سپس تا آخر وقت عذر او بر طرف نشد نمازی که خوانده صحیح است و اعاده لازم نیست.

7. اگر در اول وقت، قادر بر نماز ایستاده نبود و یقین داشت که ناتوانی او از نماز ایستاده، تا آخر وقت ادامه خواهد یافت، ولی قبل از آخر وقت توانست ایستاده نماز بخواند باید نماز را به طور ایستاده اعاده کند.

## تہرین

1. آیا اگر تکبیرة الاحرام به صورت عربی صحیح و کامل تلفظ نشود نماز محکوم به صحت است؟

2. کسی که شك دارد تکبیرة الاحرام گفته یا نه وظیفه اش چیست؟

3. اقسام قیام واجب کدامند؟

4. آیا انسان می تواند در نماز کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست

و چپ حرکت دهد؟

5. بعضی از مستحبات قیام را بیان نمایید؟

6. آیا کسی که در اول وقت قادر بر نماز ایستاده نیست جایز است نمازش را نشسته بخواند؟

ص: 151

#### 4. قرائت

##### 1. اجزای قرائت

1. در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، باید بعد از تکبیره الاحرام سوره ی حمد و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب يك سوره ی کامل از قرآن مجید را قرائت کند، و خواندن يك یا چند آیه کافی نیست.

2. در رکعت سوم و چهارم نمازها، مخیر است که حمد تنها (بدون سوره) بخواند یا تسبیحات اربعه یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید.

##### 2. احکام قرائت در رکعت اول و دوم

#### اشاره

1. سوره ی «فیل» و «ایلاف» در حکم يك سوره اند، و خواندن یکی از آن دو بعد از حمد کافی نیست. همچنین سوره ی «الضحی» و «الم نشرح».

ص: 152

\* اگر کسی بر اثر جهل به مسأله، در نمازهای خود سوره ی فیل یا انشراح را به تنهایی خوانده است، در صورتی که در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده باشد نمازهای گذشته ی او محکوم به صحت است.

2. در نمازهای واجب یومیه بعد از قرائت حمد و يك سوره ی کامل، قرائت بعضی از آیات به قصد قرآن اشکال ندارد.

3. اگر وقت نماز تنگ باشد یا بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده یا چیز دیگر به او صدمه می زند نباید سوره بخواند.

4. اگر اشتبهاً سوره را پیش از حمد بخواند و قبل از رفتن به رکوع متوجه اشتباه خود شود، باید بعد از حمد دوباره سوره را بخواند، و اگر در اثنای خواندن سوره متوجه شود باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد، سوره را از اول بخواند.

5. اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

6. اگر پیش از رفتن به رکوع بفهمد که حمد و سوره یا فقط سوره را نخوانده باید آن را بخواند و به رکوع رود، و اگر بفهمد فقط حمد را نخوانده باید آن را و پس از آن دوباره سوره را بخواند، و نیز اگر خم شده و پیش از رسیدن به حد رکوع بفهمد که حمد یا سوره یا هر دو را نخوانده باید بایستد و به همین دستور عمل کند.

7. در نماز واجب، خواندن سوره های سجده جایز نیست و اگر عمداً یا سهواً یکی از آن سوره ها را بخواند تا به آیه ی سجده برسد باید بنا بر احتیاط واجب سجده ی تلاوت را به جا آورد و بر خیزد و اگر سوره، تمام نشده آن را تمام کند و نماز را به آخر برساند و سپس نماز را اعاده کند، و اگر قبل از رسیدن به آیه ی سجده ملتفت شد احتیاط واجب آن است که سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند و نماز را تمام کند و سپس نماز را اعاده نماید.

8. اگر در اثنای نماز، آیه ی سجده را بشنود، نمازش صحیح است و باید پس از شنیدن آیه ی سجده، به جای سجده کردن، اشاره به سجده کند.

9. اگر بعد از حمد شروع به خواندن سوره ی «قل هو الله احد» یا سوره ی «قل یا ایها

الکافرون» کند، نمی تواند آن را رها کند و سوره ی دیگر بخواند، ولی در نماز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره ی جمعه و منافقین یکی از آن دو سوره را بخواند می تواند آن را رها کند و سوره ی جمعه و منافقین را بخواند.

10. اگر در نماز غیر از سوره ی «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» سوره ی دیگر را بخواند تا وقتی بیش از نصف سوره را نخوانده است می تواند آن را رها کند و سوره ی دیگر بخواند.

11. اگر مقداری از سوره یی را که مشغول خواندن آن است فراموش کند یا به خاطر تنگی وقت یا جهت دیگری به ناچار نتواند آن را تمام کند باید آن سوره را رها کند و سوره ی دیگری بخواند، و در این صورت فرق نیست میان آن که از نصف گذشته یا نگذشته باشد، و یا سوره یی که به خواندن آن مشغول است «قل هو الله» و «قل یا ایها الکافرون» یا غیر از آنها باشد.

12. در نمازهای مستحبی، خواندن سوره لازم نیست، اگر چه آن نماز به واسطه ی نذر کردن واجب شده باشد، ولی در بعضی نمازهای مستحبی که سوره ی مخصوص در آن وارد شده، مثل نماز برای والدین، اگر بخواهد به دستور آن نماز رفتار کرده باشد باید همان سوره را بخواند.

### 3. احکام قرائت در رکعت سوم و چهارم

1. يك بار گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کافی است، هر چند احتیاط (مستحب) این است که سه مرتبه گفته شود.

2. کسی که نمی داند تسبیحات اربعه را سه مرتبه گفته یا بیشتر و یا کمتر، چیزی بر او واجب نیست، ولی تا به رکوع نرفته می تواند بنا را بر اقل گذاشته و تسبیحات را تکرار نماید تا یقین کند آن را سه مرتبه گفته است.

3. کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخواند، اگر تصمیم گرفت حمد بخواند، ولی به خاطر غافل شدن از این تصمیم، بر طبق عادت خود به خواندن تسبیحات مشغول شود نمازش صحیح است، و همینطور اگر عادت به خواندن حمد دارد و تصمیم می گیرد تسبیحات بخواند.

4. اگر شخصی هنگام نماز بر اثر غفلت در رکعت سوم یا چهارم حمد و سوره بخواند و بعد از نماز متوجه شود نمازش صحیح است و نیاز به اعاده ندارد.

5. اگر نمازگزار در حالی که ایستاده است شك کند که حمد یا تسبیحات را خوانده، باید حمد

یا تسبیحات را بخواند، ولی اگر در هنگام گفتن استغفار مستحب، شك کند آیا تسبیحات خوانده یا نه لازم نیست آن را بخواند.

6. اگر در رکوع رکعت سوم و چهارم شك کند که حمد یا تسبیحات خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر در هنگام رفتن به رکوع در حالی که هنوز به حد رکوع نرسیده است شك کند، بنابر احتیاط واجب باید برگردد و حمد یا تسبیحات بخواند.

### تمرین

1. قرائت در نمازهای واجب یومیه از چه اجزایی تشکیل شده است؟

2. اگر کسی که بر اثر جهل به مسأله، سوره ی فیل یا انشراح را به تنهایی در نماز بخواند، وظیفه اش چیست؟

3. خواندن سوره های سجده در نماز واجب چه حکمی دارد؟

4. حکم خواندن سوره در نمازهای مستحبی را بیان نمایید؟

5. کسی که نمی داند تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه گفته یا بیشتر یا کمتر چه حکمی دارد؟

6. اگر شخصی هنگام نماز بر اثر غفلت در رکعت سوم یا چهارم حمد و سوره بخواند و بعد از نماز متوجه شود، آیا اعاده ی نماز بر او واجب است؟

ص: 155

## درس 41 نمازهای یومیه (7) واجبات نماز «4»

### 4. جهر و اخفات (بلند و آهسته خواندن) در قرائت:

#### اشاره

1. واجب است مردان حمد و سوره ی نماز صبح و مغرب و عشا را بلند، و حمد و سوره ی نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند و زنان نیز باید حمد و سوره ی نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند،

ص: 156



اما حمد و سوره ی نماز صبح و مغرب و عشا را می توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آنها را بشنود بهتر است آهسته بخوانند.

2. بر مرد وزن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نمازها، تسبیحات یا حمد را آهسته بخواند، ولی در صورتی که حمد بخواند می تواند در نماز فرادی «بسم الله الرحمن الرحیم» را در آن بلند بگوید، اگر چه احتیاط در آن است که «بسم الله» را هم آهسته بگوید، و در نماز جماعت این احتیاط، واجب است.

## توجه

\* وجوب بلند خواندن در نمازهای مغرب و عشا و صبح، و وجوب آهسته خواندن در نماز ظهر و عصر، مختص به قرائت حمد و سوره است، همانگونه که وجوب آهسته خواندن در غیر از دو رکعت اول نماز مغرب و عشا، فقط مخصوص قرائت حمد یا تسبیحات در رکعت سوم یا چهارم است، ولی در ذکر رکوع و سجده و تشهد و سلام و دیگر ذکرهای واجب در نمازهای پنجگانه، مکلف بین آهسته یا بلند خواندن منخیر است.

\* در وجوب جهر و اخفات در نمازهای واجب فرقی بین نماز ادا و قضا وجود ندارد، هر چند نماز قضا، احتیاطی باشد.

\* ملائک اخفات (آهسته خواندن) عدم وجود جوهر صدا نیست، بلکه ملائک، آشکار نکردن آن است. در مقابل، ملائک جهر (بلند خواندن) آشکار کردن جوهر صدا است.

\* اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد نماز صحیح است، و اگر در اثنای خواندن حمد و سوره ملتفت شود که اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که بر خلاف دستور، بلند یا آهسته خوانده دوباره بخواند.

\* اگر کسی در خواندن حمد و سوره، بیشتر از معمول صدا را بلند کند، مثل آن که آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است.

## 5. واجبات قرائت

1. در قرائت، واجب است که کلمات، تلفظ شوند به طوری که قرائت بر آن صدق کند، از این رو قرائت قلبی یعنی گذراندن کلمات در قلب بدون تلفظ آنها که عنوان قرائت بر آن صدق نمی کند

کافی نیست. نشانه‌ی صدق قرائت این است که خودش بتواند آنچه رامی خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.

### توجه

\* کسی که بر اثر ابتلا به بیماری لالی قادر به تکلم نیست، ولی حواس سالمی دارد، اگر نمازش را با اشاره بخواند صحیح و مجزی است.  
2. واجب است که قرائت، صحیح و بدون غلط باشد و کسی که به هیچ قسم نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند، و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

### توجه

\* کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی‌داند و می‌تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید یاد بگیرد، و اگر وقت تنگ است بنا بر احتیاط واجب در صورتی که ممکن باشد باید نمازش را به جماعت بخواند.

\* ملائک صحت قرائت، عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و ادای حرف از مخارج آن به طوری که اهل لسان (عرب زبانان) آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر.

\* در قرائت، رعایت محسنات تجوید لازم نیست.

\* اگر یکی از کلمات حمد و سوره را نداند، یا عمداً آن را نگوید، یا عمداً به جای حرفی حرف دیگر بگوید، مثلاً به جای «ض» «ز» بگوید، یا زیر و زیر کلمات را تغییر دهد یا تشدید را نگوید، نماز او باطل است.

\* کسی که در قرائت حمد و سوره و یا در اعراب و حرکات کلمات نماز اشتباه می‌کرده است، مثلاً کلمه‌ی «یولَد» را به جای فتح لام به کسر لام می‌خوانده، اگر عامد بوده نماز باطل است و اگر جاهل مقصر (قادر بر یادگیری) بوده بنا بر احتیاط واجب نماز باطل است، و الاً نماز صحیح است. البته اگر نمازهای گذشته را با اعتقاد به صحت، به صورت مذکور خوانده باشد محکوم به صحت است و اعاده و قضا ندارد.

\* «مَالِكٍ» در آیه ی شریفه ی «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» «مَلِكٍ» هم قرائت شده، و قرائت به هر دو صورت در نماز از باب احتیاط اشکال ندارد.

\* در قرائت نماز لازم نیست که اگر آیه یی را به آیه ی بعدی وصل کرد، حرکت آخر آیه را ظاهر کند، مثلاً اگر بگوید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و نون آخر آیه را ساکن کند و بلافاصله بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اشکال ندارد. این کار را «وصل به سکون» می نامند، و همینطور است در مورد کلماتی که آیه از آنها تشکیل شده است، اگر چه در مورد اخیر احتیاط (مستحب) آن است که وصل به سکون نکند.

\* هرگاه نمازگزار هنگام خواندن «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» آن را بدون عطف فوری، با وقف بخواند و سپس «وَلَا الضَّالِّينَ» را قرائت نماید، در صورتی که وقف و فاصله به مقداری باشد که به وحدت جمله ضرر نزند اشکال ندارد.

\* اگر پس از آن که آیه یی را تمام کرد شك کند که آن را درست خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند، و همینطور است اگر جمله یی از آیه را تمام کرد و پس از آن شك در درست خواندن آن کرد، مثل این که پس از «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» شك کرد که آیا آن را درست ادا کرده است یا نه. البته در همه ی این صورتهای اگر آنچه را که در صحیح ادا کردن آن شك دارد، احتیاطاً دوباره بخواند اشکال ندارد.

3. هنگام قرائت حمد و سوره یا تسبیحات، بدن باید آرام و مستقر باشد، و در صورتی که بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکری را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند.

## 6. آداب قرائت:

### \* تمرین

1. آیا بانوان می توانند، حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشا را بلند بخوانند؟
2. آیا اگر قصد خواندن قضای نماز صبح را داشته باشیم باید آن را بلند بخوانیم یا آهسته؟
3. نمازی که قرائت آن بلند خوانده نشده باشد، چه حکمی دارد؟
4. کسی که کلمات نماز را همانگونه که از پدر و مادر آموخته و در مدرسه آموزش

ص: 160

داده اند تلفظ می کرده و بعداً متوجه می شود که کلمات را اشتباه ادا می کرده است، آیا نمازهایی که به آن صورت خوانده صحیح است؟

5. ملاك صحت قرائت چیست؟

6. «وصل به سکون» یعنی چه؟ و چه حکمی دارد؟

ص: 161

## 5. رکوع

### 1. معنای رکوع و حکم آن

#### اشاره

در هر رکعت، بعد از قرائت، يك رکوع واجب است، و رکوع یعنی خم شدن به اندازه یی که بتواند دستها را به زانو بگذارد.

#### توجه

\* اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، سر بر دارد و بار دیگر به قصد رکوع خم شود، نمازش باطل است؛ (چون رکوع، رکن است و زیاد شدن آن نماز را باطل می کند).

### 2. واجبات رکوع

#### اشاره

ص: 162

## 1. خم شدن به اندازه‌ی بی که بتواند دستها را به زانو بگذارد:

1. در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ی بی خم شود که بتواند دست را بر زانو بگذارد، و اگر سر انگشتها هم به زانو برسد کافی است.
2. احتیاط (واجب) آن است که در حال رکوع دستها را بر زانو بگذارد.
3. خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کاری دیگر مثلاً برای کشتن جانوری یا برداشتن چیزی خم شود نمی تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه بایستد و دوباره برای رکوع خم شود، و به واسطه‌ی این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی شود.
4. کسی که در حال نشسته رکوع می کند، کافی است به قدری خم شود که صورتش محاذی زانوها برسد.

## 2. ذکر:

ذکر واجب در رکوع عبارت است از يك بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جای آن، ذکر دیگری از قبیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگوید نیز کافی است.

## 3. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع:

1. در رکوع هنگامی که ذکر واجب را می گوید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که اذکاری را به قصد استحباب آن در رکوع می گوید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگاهدارد.
2. اگر در حالی که ذکر واجب رکوع را می گوید، بدن او بی اختیار حرکت کند و حال طمأنینه‌ی واجب را بر هم بزند، باید پس از آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید.

4. کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی تواند به اندازه ی گفتن سه «سُبْحَانَ اللَّهِ» در حال رکوع بماند، کافی است که يك مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، و اگر فقط يك لحظه می تواند در حال رکوع باشد احتیاط واجب آن است که ذکر را در همان لحظه شروع کند و در حال سر برداشتن تمام کند.

ص: 164



#### **4. ایستادن و آرامش بعد از رکوع:**

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستد و پس از آن که بدن آرام گرفت به سجده برود، و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.

#### **3. کسی که رکوع را فراموش کرده است:**

#### **4. برخی از مستحبات رکوع**

ص: 165

1. واجبات رکوع کدامند؟
2. آیا در حال رکوع، گذاشتن دستها بر زانو واجب است؟
3. کسی که در حال نشسته رکوع می کند چه مقدار باید خم شود؟
4. اگر در حالی که ذکر واجب رکوع را می گوید، بدن او بی اختیار حرکت کند و حال طمأنینه ی واجب را برهم بزند چه وظیفه یی دارد؟
5. کسی که رکوع را فراموش کرده اگر پیش از رسیدن به سجده ی دوم یادش بیاید وظیفه اش چیست؟
6. پنج مورد از مستحبات رکوع را نام ببرید؟

6. سجده

1. معنای سجده و حکم آن:

اشاره

نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع، دو سجده کند، و سجده آن است که پیشانی را از روی خضوع بر زمین بگذارد.

توجه

\* دو سجده در يك رکعت، مجموعاً «رکن» است، بدین معنی که اگر عمداً یا از روی فراموشی، هر دو را ترك کند یا دو سجده ی دیگر به آن اضافه کند، نماز باطل می شود.

\* اگر عمداً يك سجده کم یا زیاد کند، نماز باطل است، و اگر سهواً این کار را انجام دهد نماز باطل نیست، ولی دارای احکامی است که بعداً گفته خواهد شد.

1. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین

توجه

\* گذاشتن دستها هنگام نماز بر موزاییکی که دارای سوراخهای ریزی است اشکال ندارد.

\* هرگاه هنگام سجده، علاوه بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر را نیز بر زمین قرار دهد اشکال ندارد.

2. اگر پیشانی را عمداً یا سهواً بر زمین نگذارد، سجده نکرده است، اگر چه شش عضو دیگر (دو دست، دو زانو، دو انگشت بزرگ پا) را بر زمین گذاشته باشد، ولی اگر پیشانی را بر زمین بگذارد و جاهای دیگر را سهواً به زمین نرساند یا سهواً ذکر سجده صحیح است.

3. کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند باید به قدری که می تواند خم شود و مهر یا

چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است، روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را اگر ممکن است به طور معمول بر زمین بگذارد و اگر چیزی که مهر را روی آن بگذارد وجود ندارد، باید آن را با دست بلند کند و پیشانی بر آن بگذارد.

4. کسی که بر محل سجده ی بلند نیز نمی تواند سجده کند، باید در عوض سجده، با سر و اگر نمی تواند با چشم اشاره کند.

## توجه

\* فردی که به خاطر وضعیت خاص جسمی که دارد قادر به گذاشتن هفت عضو از بدن خود بر زمین نیست و از صندلی چرخدار استفاده می کند، در صورتی که قادر به گذاشتن مهر روی دسته ی صندلی چرخدار یا چیز دیگر مانند بالشت یا چهارپایه و سجده بر آن است، باید سجده را بدین نحو انجام دهد و نمازش صحیح است و در غیر این صورت به هر نحوی که می تواند هر چند با ایما و اشاره، سجده و رکوع را انجام دهد و نمازش صحیح خواهد بود.

5. هرگاه در زمین گل آلود نماز می خواند، اگر آلوده شدن بدن و لباس برای او موجب مشقت است، می تواند در حالی که ایستاده، برای سجده، با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

## 2. ذکر

ذکر واجب در سجده عبارت است از يك بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و اگر به جای آن ذکرهای دیگر، مانند «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن به همان مقدار بگوید کافی است.

## 3. آرامش بدن در حال ذکر سجده

1. در حال سجود هنگامی که ذکر واجب را می گوید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که ذکر را به قصد استحباب آن در سجود می گوید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگهدارد.

3. اگر بر روی تشك و امثال آن سجده کند که بدن در اول آرام نیست و بعد آرام می گیرد، اشکال ندارد.

#### 4. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر

1. اگر در هنگامی که ذکر سجده را می گوید یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می شود، ولی موقعی که مشغول ذکر گفتن نیست اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد.

2. اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده، پیشانی را سهواً از زمین بردارد نمی تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را يك سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

3. اگر در هنگام سجده، پیشانی به محل سجده بخورد و بی اختیار از زمین بلند شود، باید دوباره پیشانی را بر زمین بگذارد و ذکر سجود را بگوید، و يك سجده به حساب می آید.

ص: 170

## 5. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده

بعد از تمام شدن ذکر سجده ی اول، باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

## 6. مساوی بودن جاهای سجده، مگر به اندازه ی چهار انگشت بسته

در حال سجده باید جای پیشانی از جای زانوها و سر انگشتان پا، بلندتر یا پایین تر از چهار انگشت بسته نباشد.

## 7. پاك بودن جایی که پیشانی را بر آن می گذارد

مُهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می کند باید پاك باشد، ولی اگر آن را روی فرش نجس بگذارد یا يك طرف آن نجس باشد و پیشانی را بر طرف دیگر بگذارد، اشکال ندارد.

## 8. حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می کند

### اشاره

باید میان پیشانی و آنچه بر آن سجده می کند، چیزی حایل نشود، بنابراین اگر حایلی در این وسط باشد، مانند موی سر یا کلاه یا چرك بودن مهر به حدی که پیشانی به خود مهر نرسد و غیره، سجده و نماز باطل است.

### توجه

\* هرگاه هنگام سجده متوجه شود که پیشانی وی به خاطر مانع از قبیل چادر، روسری و مانند آن با مهر تماس ندارد، واجب است بدون این که سر خود را از زمین بلند کند، پیشانی اش را حرکت دهد تا روی مهر قرار بگیرد و اگر سرش را از زمین بلند کند، چنانچه این کار بر اثر جهل یا فراموشی بوده و فقط در یکی از دو سجده ی يك رکعت آن را انجام داده نمازش صحیح است و اعاده واجب نیست، ولی اگر این کار با علم و عمد بوده و یا در هر دو سجده ی يك رکعت آن را انجام داده نمازش باطل و اعاده ی آن واجب است.

## 9. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است

پیشانی باید روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است.

## 10. نشستن بعد از سجده ی دوم در رکعاتی که تشهد ندارد بنا بر احتیاط واجب

در رکعت اول و نیز در رکعت سوم نمازهای چهار رکعتی، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از سجده ی دوم بنشینند و سپس برای رکعت بعد برخیزد.

### تمرین

1. کم یا زیاد شدن يك سجده در نماز چه حکمی دارد؟
2. آیا جایز است هنگام سجده، علاوه بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر آن را هم بر زمین بگذاریم؟
3. کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند وظیفه اش چیست؟
4. آیا سجده بر روی تشك و امثال آن صحیح است؟
5. آیا سجده بر مهری که سیاه و چرك شود اشکال دارد؟
6. آیا نشستن بعد از سجده ی دوم در رکعاتی که تشهد ندارد واجب است؟



3. چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

اشاره

1. سجده ی نماز باید بر زمین یا گیاهان غیر خوراکی که از زمین می روید گزارده شود، مانند سنگ و خاک و چوب و برگ درختان و امثال آن، و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی، هر چند از زمین بروید، مانند پنبه و گندم، و چیزهای معدنی که از جنس زمین محسوب نمی شود، مانند فلزات و شیشه و امثال آن صحیح نیست.
2. سجده بر سنگ مرمر و دیگر سنگهایی که در ساخت یا زینت بنا به کار می رود صحیح است، و همچنین سجده بر عقیق و فیروزه و دُرّ و امثال آن، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که بر این دسته ی آخری سجده نکنند.
3. سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و فقط خوراك حیوان است، مانند علف و کاه، صحیح است.
4. سجده کردن بر برگ سبز چای بنابر احتیاط واجب صحیح نیست، ولی سجده بر برگ درخت قهوه که خود برگ، استفاده خوراکی ندارد صحیح است.

5. سجده بر گلهایی که خوراکی نیستند و نیز داروهای گیاهی که از زمین می روید و فقط برای معالجه ی بیماریها به کار می آید، مانند گل ختمی و گل بنفشه صحیح است، ولی بر گیاهانی که در موارد غیر معالجه نیز برای خواص طبی که در آن است به مصرف خوراکی می رسد، مانند خاکشیر و امثال آن، درست نیست.

6. گیاهانی که در بعضی از مناطق یا میان بعضی از مردم، خوردنی شمرده می شود، ولی دیگران از آن استفاده ی خوردنی نمی کنند، جزو خوراکیهاست و سجده بر آن صحیح نیست.

7. سجده بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است.

8. سجده بر کاغذی که از چوب و گیاهان - غیر از کتان و پنبه - ساخته می شود، درست است.

9. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، با به واسطه ی سرما یا گرما و مانند اینها نمی تواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از جنس پنبه یا کتان است یا چیزی از جنس پنبه و کتان دارد باید بر آن سجده کند، و احتیاط (واجب) آن است که تا سجده بر لباسی که از پنبه و کتان باشد ممکن است بر غیر آن یعنی غیر لباسی که از این جنس باشد سجده نکند، و اگر ندارد بنا بر احتیاط واجب بر پشت دست خود سجده کند.

10. اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است در دسترس نداشته باشد، چنانچه وقت وسعت داشته باشد باید نماز را بشکنند، و اگر وقت تنگ است به ترتیبی که در مسأله ی قبل گفته شد، عمل کند.

11. جایی که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید، و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، باید بر این اشیا سجده نماید.

12. اگر در سجده ی اول، مَهر به پیشانی بچسبد باید برای سجده ی دوم مهر را از پیشانی بردارد، و اگر مهر را از پیشانی جدا نکند و به همان حال به سجده ی دوم برود اشکال دارد.

## توجه

\* نیکوترین سجده، سجده بر خاک و روی زمین است که نشانه ی خضوع و خشوع در برابر حضرت باری تعالی است، و هیچ خاکی برای سجده در فضیلت به تربت مقدس سید الشهداء (ع) نمی رسد.

**توجه**

\* قرآن خواندن در حال سجده مکروه است (یعنی ثواب کمتری دارد).

**دو نکته در ارتباط با سجده**

\* سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام است، و بعضی از مردم که در آستانه‌ی در حرم امامان (ع) پیشانی بر زمین می‌گذارند، اگر به قصد سجده‌ی شکر خدای متعال باشد، اشکال ندارد و گرنه حرام است.

\* در هر يك چهار سوره‌ی الم تنزیل (سوره‌ی سجده)، حم سجده (سوره‌ی فصلت)، النجم، اقرء (سوره‌ی علق)، يك آیه‌ی سجده هست که اگر انسان بخواند یا به آن گوش دهد، باید پس از پایان آیه فوراً سجده کند، و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

**توجه**

\* اگر به آیه‌ی سجده‌ی بی که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و امثال آن پخش می‌شود، گوش دهد سجده واجب است.

\* در سجده ی واجب قرآن باید بر چیزهایی سجده کند که در نماز می تواند بر آنها سجده کند، ولی دیگر شرایط سجده ی نماز، مانند رو به قبله بودن، با وضو بودن و امثال آن در این سجده لازم نیست.

\* در سجده ی واجب قرآن، گذاشتن پیشانی بر زمین کافی است و لازم نیست در آن ذکر گفته شود، ولی گفتن ذکر در آن مستحب است، و بهتر است این ذکر را بگویید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُدًا وَ رِقًّا، لَا مُسْتَكْبِرًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

## تمرین

1. چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است کدامند؟ و چه شرایطی باید داشته باشند؟
2. سجده بر کاغذ چه حکمی دارد؟
3. اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است در دسترس نداشته باشد وظیفه اش چیست؟
4. نیکوترین سجده، کدام سجده است؟
5. بعضی از مردم، در آستانه ی در حرم امامان (ع) پیشانی بر زمین می گذارند، آیا این کار صحیح است؟
6. آیا اگر شخصی آیه ی سجده را از نوار یا رادیو گوش کند بایستی فوراً سجده کند؟

## 7. ذکر

### اشاره

#### 1. معنای ذکر:

هر عبارتی که متضمن یاد خداوند «عزوجل» باشد «ذکر» محسوب می شود (مانند الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله و...) و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) از بهترین ذکرهاست. ولی ذکر واجب در رکوع و سجده عبارت است از یکبار گفتن «سبحان ربی العظیم و بحمده» در رکوع و یکبار گفتن «سبحان ربی الاعلی و بحمده» در سجده یا سه بار گفتن «سبحان الله» و اگر به جای آن ذکرهای دیگر مانند «الحمد لله»، «الله اکبر» و غیر آن را به همان مقدار بگوید کافی است.

#### 2. واجبات ذکر:

1. اذکار نماز را باید طوری بخواند که تلفظ به آن محسوب شود، و نشانه ی آن این است که بتواند خودش آنچه را می خواند و بر زبان جاری می کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.

2. واجب است همه ی ذکرهای واجب نماز به طور عربی صحیح قرائت شود، و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ کلمات عربی را نمی داند واجب است یاد بگیرد، و اگر قادر به یادگیری نیست معذور است.

3. واجب است تمام ذکرهای واجب و مستحب در حال استقرار و آرامش بدن خوانده شود، و در

صورتی که بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکری را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند. بلی گفتن ذکر به قصد ذکر مطلق در حال حرکت اشکال ندارد.

### چند نکته در ارتباط به ذکر

\* اگر ذکرهای رکوع و سجده را به جای یکدیگر بگویید در صورتی که سهواً باشد اشکال ندارد، ولی اگر عمدتاً باشد جایز نیست مگر این که به قصد مطلق ذکر خداوند «عزوجل» بگویید.

\* اگر بعد از رکوع و سجود متوجه شود ذکر رکوع یا سجده را اشتباه گفته، چیزی بر او واجب نیست.

\* در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب، تکرار همان ذکر واجب، افضل است و بهتر است که به عدد فرد ختم شود، و در سجده علاوه بر آنچه گفته شد صلوات و دعا برای حاجت های دنیا و آخرت مستحب است.

\* مستحب است پیش از رفتن به رکوع و قبل و بعد از هر سجده تکبیر بگوید. این تکبیر باید در حال رفتن به رکوع یا سجود یا سر برداشتن از آن نباشد، ولی به طور کلی می تواند در هر حال از جمله در حال رفتن به رکوع و سجود یا سر برداشتن از آن، تکبیر و دیگر ذکرها را به قصد ذکر مطلق بگوید.

\* مستحب است ذکر «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» (با حول و قوه الهی برمی خیزم و می نشینم) در حال قیام برای رکعت بعدی گفته شود.

### 8. تشهد

#### 1. معنای تشهد و حکم آن:

در رکعت دوم همه ی نمازها و نیز در رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نمازهای ظهر و عصر و عشا، نمازگزار باید پس از سجده ی دوم بنشیند و پس از آرام گرفتن بدن، جملاتی را که در ذکر تشهد گفته خواهد شد، بر زبان جاری کند. این عمل «تشهد» نامیده می شود.

#### 2. ذکر تشهد:

#### اشاره

ذکر واجب در حال تشهد این است: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

\* مستحب است پیش از جملات فوق بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، یا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ»، و نیز مستحب است پس از صلوات بگوید: «وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَازْفَعْ دَرَجَتَهُ».

\* در تشهد، وقف بر محمد (ص) در جمله ی «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ» و سپس قرائت عبارت «وَأَلِّ مُحَمَّدٍ» به مقداری که به وحدت جمله ضرر نزند اشکال ندارد.

### 3. کسی که تشهد را فراموش کرده است:

1. اگر برای رکعت سوم بایستد، ولی پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده است: باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند، و پس از نماز به خاطر ایستادن بی جا، بنابر احتیاط مستحب، دو سجده ی سهو به جا آورد.

2. اگر هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید: باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده ی سهو به جا آورد، و احتیاط (واجب) آن است که پیش از سجده ی سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند.

### 9. سلام

#### اشاره

1. منظور از سلام و حکم آن: آخرین جزو نماز که با گفتن آن، نماز پایان می یابد «سلام» است. سلام (واجب) نماز به این است که بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» و بهتر است که اضافه کند «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ» یا بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

#### توجه

\* مستحب است پیش از دو سلام فوق بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ».

2. کسی که سلام نماز را فراموش کرده است: اگر سلام نماز را فراموش کند و هنگامی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند، مثل پشت کردن به قبله، انجام نداده، باید سلام را بگوید و نمازش درست است.

1. مراد از ذکر چیست؟ آیا شامل صلوات بر پیامبر (ص) و خاندان آن حضرت می شود؟
2. آیا قرائت عمدی ذکرهای رکوع و سجود به جای یکدیگر اشکال دارد؟
3. در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب، گفتن چه ذکرى افضل است؟
4. آیا قرائت «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ» هنگام نماز در حال حرکت و قیام صحیح است؟
5. آیا در تشهد وقف بر «محمد (ص)» در جمله ی «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ» و سپس قرائت عبارت «وَأَلِّ مُحَمَّدٍ» صحیح است؟
6. کسی که سلام نماز را فراموش کرده چه وظیفه یی دارد؟



**10. ترتیب**

**1. منظور از ترتیب و حکم آن:**

نمازگزار باید نماز را به ترتیبی که گفته شد انجام دهد و هر يك از اجزای آن را در جای خود بیاورد، پس اگر عمداً این ترتیب را به هم زند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می شود.

**2. رعایت نکردن سهوی ترتیب**

ص: 181

فراموش کند و به خواندن سوره مشغول شود، ولی پیش از آن که به رکوع برود متوجه شود که حمد را نخوانده است: در این صورت، باید آنچه را فراموش کرده (مثلاً حمد) بخواند و بعد از آن، چیزی را که اشتباهاً جلوتر خوانده (مثلاً سوره) دوباره بخواند.

## 11. موالات

### اشاره

نمازگزار باید اجزای نماز، مانند رکوع و سجود و تشهد و غیره را با «موالات» یعنی پی در پی به جا آورد و میان آنها فاصله ی طولانی و غیر متعارف نیندازد، پس اگر میان اجزای نماز به قدری فاصله شود که در نظر بیننده از حالت نماز خواندن خارج شود، نمازش باطل است.

### توجه

\* اگر میان کلمه ها یا حروف يك کلمه سهواً فاصله ی غیر متعارف بیندازد، ولی به طوری نباشد که صورت نماز از بین برود، اگر در وقتی ملتفت شود که وارد رکن بعد از آن شده است، نماز صحیح است و تکرار آن کلمات و جملات لازم نیست، ولی اگر پیش از وارد شدن در رکن بعدی ملتفت شود باید برگردد و آن ها را دوباره بخواند.

## 8. قنوت

### 1. معنای قنوت و حکم آن

### اشاره

در همه ی نمازهای واجب و مستحب، مستحب است که در رکعت دوم پس از پایان حمد و سوره و پیش از رکوع، دستها را به دعا بردارد و دعا بخواند. این عمل را «قنوت» می نامند.

### توجه

\* در نماز جمعه، قنوت را در رکعت اول، پیش از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع به جا می آورد.

\* در نماز عید فطر و قربان، در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت به جا می آورد.

## 2. ذکر قنوت

در قنوت می تواند هر ذکر یا دعا یا آیه یی از قرآن را بخواند و حتی می تواند به يك «صلوات» یا سُبْحَانَ اللَّهِ یا «بِسْمِ اللَّهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اکتفا کند، ولی بهتر است دعاهایی را بخواند که در قرآن آمده است، مانند «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَدْ آتَاكَ عَذَابَ النَّارِ»، یا ذکرها و دعاهایی که از ائمه (ع) نقل شده است، مانند این ذکر: «لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السماوات السبع ورب الارضين السبع، و ما فيهن و ما بينهن، ورب العرش العظيم، و الحمد لله رب العالمين».

## 9. تعقيب

### اشاره

تعقيب نماز لازم نیست به عربی باشد، ولی بهتر است دعاها و ذکرهایی را بخواند که از ائمه (ع) رسیده است، و از جمله ی بهترین آنها، ذکرى است که به تسبیح حضرت زهرا (س) معروف است، و آن عبارت است: 34 مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، 33 مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و 33 مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

### توجه

\* در کتابهای دعا، تعقیباتی با مضامین عالی و عبارات زیبا از ائمه (ع) نقل شده است.

\* مستحب است پس از نماز، سجده ی شکر کند یعنی به قصد شکر همه ی نعمتها و نعمت توفیق الهی بر نماز، پیشانی را بر زمین بگذارد و بهتر آن است که سه مرتبه یا بیشتر بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ».

## نهمین

1. اگر اشتباهاً رکنی را بر رکن دیگر مقدم بدارد نمازش چه حکمی دارد؟

2. فرق میان ترتیب و موالات در نماز چیست؟

3. حکم ترك موالات در نماز را بیان نمایید.

4. نماز عید فطر و قربان چند قنوت دارد؟

5. آیا می توان در قنوت به يك صلوات اکتفا کرد؟

6. در تعقیب نماز، بهتر است چه دعا و ذکرى را خواند؟

اشاره

شایسته است که نمازگزار، الفاظ و اذکار نماز را با توجه به معنای آن و با خشوع و حضور قلب بر زبان بیاورد تا از فرصت نماز، برای پاکیزه شدن روح و نزدیک شدن دل به خدای بزرگ و مهربان بهره ببرد.

1. ترجمه ی سوره ی حمد

1. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : «به نام خدا که رحمت و فیض بی دریغ او در دنیا همه ی انسانها را در برمی گیرد و رحمت و بخشایش ابدی او به مؤمنان اختصاص دارد».

2. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ : «سپاس و ستایش، مخصوص خدا است که پروردگار همه ی جهانیان است».

3. الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : «آن که رحمان است (بخشنده و فضل او در دنیا شامل همه ی انسانها است) و رحیم است (بخشایش و فضل ابدی او ویژه ی مؤمنان است)».

4. مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ : «آن که دارنده و صاحب اختیار روز جزا (قیامت) است».

5. إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ : «فقط تو را بندگی می کنیم و فقط از تو کمک می طلبیم».

6. إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ : «ما را به راه راست هدایت کن».

7. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ : «به راه آن کسانی که به آنان نعمت دادی (نور معرفت خود را بر

دل آنان تاباندی)».

8. غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ : «آنان که به غضب تو گرفتار نشدند و به گمراهی دچار نگشتند. (یعنی پس از نعمت بزرگی که به آنان بخشیدی، ناسپاسی و عصیان نکردند تا موجب غضب تو و گمراهی خود شوند)».

## 2. ترجمه ی سوره ی توحید

1. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «ترجمه ی آن قبلاً گذشت».

2. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ : «بگو اوست خدای یکتا».

3. اللَّهُ الصَّمَدُ : «خدا بی نیاز است و همگان روی نیاز به او دارند».

4. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ : «فرزند ندارد و فرزند کسی نیست».

5. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ : «و هیچکس همتای او نیست».

## 3. ترجمه ی ذکرهای رکوع و سجود و برخی مستحبات

1. سُبْحَانَ اللَّهِ : «پاک و منزّه است خدا».

2. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ : «پاک و منزّه است پروردگار من که بزرگ است، و او را ستایش می کنم».

3. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ : «پاک و منزّه است پروردگار من که برترین است، و او را ستایش می کنم».

4. سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ : «عنایت خدا متوجه آن کسی باد که او را ستایش می کند».

5. أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ : «از خدا که پروردگار من است آمرزش می خواهم و به او باز می گردم».

6. بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ : «با اراده و نیروی خدا است که بر می خیزم و می نشینم».

## 4. ترجمه ی ذکرهای قنوت

1. رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً : «پروردگارا! به ما نیکی در دنیا و نیکی در آخرت را عطا کن».

2. وَفِيَا عَذَابِ النَّارِ : «و ما را از عذاب آتش دور نگاهدار».
3. لا اله الا الله الحليم الكريم: «نیست معبودی به جز خدای بردبار و بخشنده».
4. لا اله الا الله العلي العظيم: «نیست معبودی به جز خدای والا و بزرگ».
5. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ: «پاك و منزّه است خدا كه پروردگار هفت آسمان است».
6. وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ: «و پروردگار هفت زمین است».
7. وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ: «و پروردگار هر چیزی است كه در آنها یا مابین آنها است».
8. وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: «و پروردگار عرش بزرگ است».
9. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: «و ستایش و سپاس مخصوص خداست كه پروردگار جهانیان است».

### 5. ترجمه ی تسبیحات اربعه

1. سُبْحَانَ اللَّهِ: «پاك و منزّه است خدا».
2. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ: «و سپاس و ستایش مخصوص خداست».
3. وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: «و هیچ معبودی به جز خدا نیست».
4. وَ اللَّهُ أَكْبَرُ: «و خدا بزرگتر است».

### 6. ترجمه ی تشهد و سلام

1. الْحَمْدُ لِلَّهِ: «سپاس و ستایش مخصوص خدا است».
2. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: «گواهی می دهم كه هیچ معبودی نیست به جز خدا».
3. وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: «يكتا و بی شريك».
4. وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ: «و گواهی می دهم كه محمد بنده ی او و فرستاده ی اوست».
5. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: «خداوندا! درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد».
6. وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ: «و شفاعت او را قبول و درجه ی او را بلند فرما».

7. اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ: «درود بر توباد ای پیامبر! ورحمت خدا و برکات او از آن توباد».

ص: 186

8. اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ: «درود بر ما و بندگان شایسته خدا».

9. اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ: «درود بر شما (مؤمنان - فرشتگان) و رحمت خدا و برکات او از آن شما باد».

### تہرین

1. سوره ی حمد را ترجمہ کنید.

2. ترجمہ ی سوره ی توحید چیست؟

3. «سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» یعنی چه؟

4. «يَحْوِلُ اللّٰهُ وَقُوَّتِهِ أَقْوَمُ وَأَقْعُدُ» به چه معناست؟

5. «وَتَقَبَّلُ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعُ دَرَجَتَهُ» را معنا کنید.

6. ترجمہ ی سلام را بیان نمایید.



11. مبطلات نماز

اشاره

ص: 188

## توجه

\* به چیزهایی که نماز را باطل می کند «مبطلات نماز» می گویند.

### 1. از بین رفتن یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود

اگر در بین نماز، یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود، از بین برود، مثلاً در حال نماز بفهمد که مکانش غصبی است یا پوشش واجب را ندارد، نماز باطل است.

### 2. باطل شدن وضو

اگر یکی از چیزهایی که وضو یا غسل را باطل می کند در اثنای نماز پیش بیاید، مانند آن که در وسط نماز به خواب برود یا بول و امثال آن از او خارج شود، نماز باطل است.

### 3. پشت به قبله نماز خواندن

اگر عمداً صورت و بدن خود را با هم یا به تنهایی از قبله بگرداند، به طوری که بتواند طرف راست و چپ خود را به آسانی ببیند، نمازش باطل است، و اگر سهواً هم این کار را بکند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است، ولی اگر اندکی صورت را به دو طرف بگرداند، نماز باطل نمی شود.

### 4. حرف زدن

## اشاره

اگر در نماز عمداً حرف بزند، حتی اگر يك كلمه باشد، نماز باطل است.

## توجه

\* بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، اگر موجب خروج از هیأت نماز نشود اشکال ندارد مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد.

\* اگر شخصی به گروهی سلام کند و بگوید: «الْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ جَمِیعاً» و یکی از آنها مشغول نماز باشد، چنانچه کس دیگری جواب وی را بدهد نمازگزار نباید اقدام به جواب گفتن کند.

\* جواب دادن تحیتی که به صیغه ی سلام نیست، در حال نماز جایز نیست، ولی اگر در حال نماز نباشد، اگر کلامی است که عرف آن را تحیت محسوب می کند احتیاط (واجب) جواب گفتن آن است.



## چند نکته در ارتباط با سلام

\* جواب سلام کودکان ممیز، اعم از پسر و دختر، مانند جواب سلام زنان و مردان واجب است.

\* اگر کسی سلام را بشنود ولی به دلیل غفلت یا هر سبب دیگر، جواب سلام را ندهد به طوری که زمان کمی فاصله شود، چنانچه تأخیر به مقداری باشد که جواب سلام ورد تحیت محسوب نشود، جواب دادن واجب نیست.

\* اگر هنگام سلام دادن به جای «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» از لفظ «سلام» استفاده شود چنانچه عرفاً بر آن تحیت و سلام صدق نماید، جواب دادن واجب است.

\* اگر شخصی در یک زمان چند بار سلام کند، یک جواب کافی است، و اگر چند نفر در یک زمان، سلام دهند یک جواب به صیغه بی که شامل همه ی آنها گردد (مثل سلام علیکم) و به قصد جواب سلام آنها باشد کفایت می کند.

### 5. تکلف

دست بسته نماز خواندن آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام می دهند جایز نیست مگر در موارد ضرورت.

### 6. آمین گفتن بعد از حمد

گفتن آمین بعد از قرائت سوره ی حمد جایز نیست (و نماز را باطل می کند) مگر در حال تقیه.

### 7. خندیدن

خنده با صدا و عمدی (یعنی قهقهه) نماز را باطل می کند.

### 8. گریه کردن

گریه با صدا و عمدی برای امور دنیوی نماز را باطل می کند ولی اگر از ترس خداوند یا برای امور اخروی گریه کند اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

### 9. به هم خوردن صورت نماز، مانند کف زدن و به هوا پریدن

### اشاره

کاری که صورت نماز را به هم بزنند نماز را باطل می کند، مثل کف زدن و به هوا پریدن.

\* هرگاه در اثنای نماز برای فهماندن چیزی به کسی و یا در جواب سؤال او، مختصری دست یا چشم و ابرو را حرکت دهد به گونه‌ی بی‌استقرار و آرامش و یا هیأت نماز منافات نداشته باشد، نماز باطل نمی‌شود.

### **چند نکته در ارتباط با مبطلات نماز**

\* بستن چشمها در نماز مانع شرعی ندارد (و نماز را باطل نمی‌کند)، گر چه در غیر رکوع مکروه است.

\* مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز کراهت دارد، ولی نماز را باطل نمی‌کند.

\* برای مکلف، اظهار حسد و کینه و دشمنی با دیگران جایز نیست، ولی این امور باعث بطلان نماز نمی‌شود.

### **تمرین**

1. چند چیز نماز را باطل می‌کند؟ نام ببرید.

2. حکم رد تحیتی که به صیغه‌ی سلام نباشد چیست؟

3. آیا جواب سلام کودکان اعم از دختر و پسر واجب است؟

4. اگر شخصی در یک زمان، چند بار سلام کند، آیا یک بار جواب دادن از همه‌ی آنها کفایت می‌کند؟

5. در چه صورتی خنده، موجب بطلان نماز می‌شود؟

6. مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز، چه حکمی دارد؟

## درس 49 نمازهای یومیه (15) شکیات نماز

### 12. شکیات نماز

#### 1. شکهای باطل

ص: 192

### توجه

\* اگر شخصی بعد از چند سال شك کند که نمازهایش صحیح بوده یا نه، به شك خود اعتنا نکند؛ (زیرا به شك بعد از عمل اعتنا نمی شود).

\* کثیرالشك باید بنا بر انجام کاری بگذارد که در آن شك کرده است، مگر آن که موجب بطلان نماز شود که در این صورت بنا بر عدم انجام آن می گذارد، بدون این که در این مورد فرقی بین رکعتها و افعال و اقوال نماز باشد (مثلاً اگر شك کند سجده یا رکوع به جا آورده یا نه، بنا بگذارد که به جا آورده است، هر چند از محل آن نگذشته است، اما اگر شك کند نماز صبح را دو رکعت خوانده یا سه رکعت بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است).

\* شك در اقوال و افعال نافله همان حکم شك در اقوال و افعال نماز فریضه را دارد یعنی اگر از محل آن تجاوز نکرده است به آن اعتنا می شود و اگر از محل انجام آن تجاوز کرده است به آن اعتنا نمی شود (مثلاً اگر شك در حمد یا رکوع کند، چنانچه از محل آن نگذشته است باید به جا آورد و اگر از محل آن گذشته است اعتنا نکند).

**دو نکته در ارتباط با شکیات نماز**

\* تعداد رکعتهای نماز احتیاط (که برای شك در رکعتهای نماز به جا آورده می شود) به تعداد کمبود احتمالی در نماز است، بنابراین در شك بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط، واجب است، و در شك بین سه و چهار، يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته واجب است.

\* اگر کلمه یی از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعاهای قنوت، سهواً غلط خوانده شود سجده ی سهو واجب نیست.

**تمرین**

1. شکهای باطل چند تا است؟ نام ببرید.
2. شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد را ذکر نمایید.
3. با توجه به این که کثیر الشك نباید به شك خود اعتنا کند، اگر برای او در نماز شکی پیش آمد، وظیفه اش چیست؟
4. آیا در نماز نافله به شك در غیر از رکعت های آن، مثل شك در این که يك سجده



انجام داده یا دو سجده، اعتنا می شود؟

5. شکهای صحیح کدامند.

6. برای مکلف، دانستن تعداد رکعتهای نماز احتیاط که يك رکعت است یا دو رکعت، چگونه ممکن است؟

ص: 195

### 13. نماز جمعه

#### 1. حکم نماز جمعه

#### اشاره

1. نماز جمعه که در روزهای جمعه به جای نماز ظهر خوانده می شود در عصر حاضر (زمان غیبت امام (عج) واجب تخییری است، ولی در این زمان که حکومت عدل اسلامی در ایران برپا است احتیاط مستحب آن است که حتی المقدور نماز جمعه ترك نشود.

#### توجه

- \* معنای واجب تخییری این است که مکلف در ادای فریضه ی واجب ظهر روز جمعه، بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است.
- \* هر چند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست، ولی با توجه به فواید و آثار شرکت در آن، سزاوار نیست که مؤمنین خود را از برکات حضور در این نماز به صرف عذرهای واهی محروم سازند.
- \* شرکت زنان در نماز جمعه اشکال ندارد و دارای ثواب جماعت است.
- \* خودداری از شرکت در نماز عبادی سیاسی جمعه به صورت دائم، وجه شرعی ندارد و اگر ترك حضور و شرکت نکردن در آن به خاطر اهمیت ندادن به آن باشد شرعاً مذموم است.
- \* کسی که در نماز جمعه شرکت نکرده است می تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند

و واجب نیست صبر کند تا نماز جمعه تمام شود.

\* اقامه ی نماز جماعت ظهر، همزمان با اقامه ی نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه ی نماز فی نفسه اشکال ندارد و موجب براءت ذمه ی مکلف از فریضه ی ظهر جمعه می شود؛ زیرا در عصر حاضر، نماز جمعه واجب تخییری است، ولی با توجه به این که اقامه ی نماز جماعت ظهر در روز جمعه در مکان نزدیک محل اقامه ی نماز جمعه باعث تفرقه ی صفوف مؤمنین می شود و چه بسا در نظر مردم بی احترامی و اهانت به امام جمعه و کاشف از بی اعتنائی به نماز جمعه است، بنابراین سزاوار است که مؤمنین اقدام به انجام آن نکنند و بلکه در صورتی که مستلزم مفاسد و حرام باشد واجب است از اقامه ی آن اجتناب نمایند.

2. نماز جمعه مجزی از نماز ظهر است. (به عبارت دیگر نماز جمعه جانشین نماز ظهر جمعه می شود).

## توجه

\* نماز جمعه هر چند مجزی از نماز ظهر است، ولی خواندن نماز ظهر بعد از نماز جمعه از باب احتیاط اشکال ندارد، حتی اگر امام جمعه نماز ظهر را بعد نماز جمعه نخواند، و اگر بخواهد با مراعات احتیاط در خواندن نماز ظهر پس از خواندن نماز جمعه، نماز عصر را به جماعت بخواند احتیاط کامل این است که به کسی اقتدا نماید که نماز ظهر را احتیاطاً بعد از نماز جمعه خوانده است.

\* شرکت در نماز جمعه که از طرف دانشجویان شوراهای اسلامی در کشورهای اروپایی و غیر آنها برگزار می شود، و بیشتر شرکت کنندگان در آن و همچنین امام جمعه از برادران اهل سنت هستند برای حفظ وحدت و اتحاد مسلمانان اشکال ندارد و در این صورت خواندن نماز ظهر بعد از نماز جمعه واجب نیست.

\* نماز جمعه از مأموم مسافر صحیح و مجزی از نماز ظهر است.

\* مجروحان جنگی که قطع نخاع شده اند و قدرت نگهداری بول را ندارند جایز است در نماز جمعه شرکت کنند، ولی با توجه به این که بر آنان واجب است که بعد از وضو گرفتن بدون فاصله ی زمانی، شروع به خواندن نماز کنند، بنابراین وضوی قبل از خطبه های نماز جمعه در صورتی برای خواندن نماز جمعه کافی است که بعد از وضو حدثی از آنان سر نزنند.

### اشاره

1. به جماعت خواندن: از شرایط صحت نماز جمعه، این است که به صورت جماعت اقامه شود. نماز جمعه به نحو فردی، هر چند در کنار کسانی که آن را به صورت جماعت بر گزار می کنند، صحیح نیست.
3. رعایت تمام شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، مثل اتصال صفوف: تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود در نماز جمعه هم معتبر است، مانند اتصال صفوف.

### توجه

- \* امام جمعه باید عادل باشد، از این رو اقتدا به کسی که او را عادل نمی داند و یا در عدالت وی شك دارد صحیح نیست و نماز جمعه ی او هم صحیح نمی باشد، ولی حضور و شرکت در نماز جمعه برای حفظ وحدت اشکال ندارد، و در هر صورت - چه در نماز جمعه شرکت کند یا نکند حق ندارد دیگران را ترغیب و تشویق به عدم حضور در نماز جمعه نماید.
- \* اگر شك در عدالت امام جمعه یا یقین به عدم عدالت وی بعد از فراغ از نماز باشد، نمازهای خوانده شده صحیح است و اعاده ی آنها واجب نیست.
- \* نصب امام جمعه به امامت جمعه اگر موجب وثوق و اطمینان مأموم به عدالت وی شود در صحت اقتدا به او کافی است.
- \* صرف کشف خلاف چیزی که امام جمعه گفته، دلیل بر دروغگویی او نیست؛ زیرا ممکن است گفته ی او از روی اشتباه یا خطا و یا توریه باشد، و سزاوار نیست انسان به صرف توهم خروج امام جمعه از عدالت، خود را از برکات نماز جمعه محروم نماید.
- \* امام جمعه در هر نقطه از جهان اسلام را باید حاکم عادل اسلامی معین کند.
- \* امام جمعه ی منصوب در صورت نبود مانع یا معارض جایز است نماز جمعه را در غیر از مکانی که برای آنجا نصب شده اقامه نماید.

\* جایز است امام جمعه ی منصوب، شخصی را به عنوان جانشین موقت برای خودش انتخاب نماید، ولی بر امامت فرد نایب، احکام انتصاب از طرف ولی فقیه مترتب نمی شود.

\* اقامه ی نماز جمعه به امامت نایب امام جمعه ی منصوب و اقتدای امام منصوب به نایب خود اشکال ندارد.

4. بین دو نماز جمعه حداقل يك فرسخ فاصله بودن: فاصله ی دو نماز جمعه باید کمتر از يك فرسخ نباشد که اگر در کمتر از يك فرسخ، دو نماز جمعه خوانده شود نماز اولی صحیح و دومی باطل است و در صورتی که مقارن هم اقامه شوند هر دو باطل می باشند.

### 3. وقت نماز جمعه

وقت نماز جمعه از اول زوال خورشید (اول ظهر) شروع می شود و احتیاط (واجب) آن است که آن را از اوایل عرفی وقت نماز ظهر در حدود یکی دو ساعت به تأخیر نیندازند.

### 4. کیفیت نماز جمعه

#### اشاره

1. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می شود.

2. مستحب است قرائت نماز جمعه بلند، و در رکعت اول سوره ی جمعه و در رکعت دوم، سوره ی منافقون خوانده شود، و همچنین مستحب است خواندن دو قنوت یکی در رکعت اول پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.

#### توجه

\* هرگاه کسی به خطبه های نماز جمعه نرسد و در نماز شرکت کند نماز او صحیح است حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درك نماید.

\* عنوان ائمه مسلمین (که در خطبه ی دوم نماز جمعه، امام جمعه بر آنها درود می فرستد) شامل حضرت زهرا ی مرضیه (س) نمی شود و ذکر نام مبارك آن حضرت در خطبه ی نماز جمعه واجب نیست، ولی تبرك جستن به ذکر نام شریف آن حضرت اشکال ندارد بلکه امری پسندیده و موجب اجر و ثواب است.

\* خطبه های نماز جمعه را می توانند قبل از ظهر ایراد کنند، گرچه احتیاط (مستحب) آن است

که قسمتی از آن در وقت ظهر باشد و احوط (احتیاط بیشتر) آن است که تماماً بعد از دخول وقت ایراد شود.

### چند نکته در ارتباط با نماز جمعه

\* انجام هر گونه کاری که منجر به بروز اختلاف بین مؤمنین و پراکندگی صفوف آنان شود جایز نیست، چه رسد به مثل نماز جمعه که از شعایر اسلامی و از مظاهر وحدت صفوف مسلمانان است.

\* اقتدا در نماز عصر روز جمعه به غیر امام جمعه اشکال ندارد.

\* اقتدا به امام جمعه در نماز جمعه برای خواندن نماز واجب دیگر از نظر صحت، محل اشکال است.

### تمرین

1. معنای وجوب تخییری در مسأله ی نماز جمعه چیست؟

2. آیا اقامه ی نماز جماعت ظهر همزمان با اقامه ی نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه ی نماز جمعه جایز است؟

3. در صورت شك در عدالت امام جمعه و یا یقین به عدم آن، آیا اعاده ی نمازهایی که پشت سر او خوانده شده است واجب است؟

4. آیا انتصاب امام جمعه به امامت جمعه برای اثبات عدالت وی کافی است؟

5. آیا اگر کسی به خطبه های نماز جمعه نرسد، بلکه فقط هنگام نماز حاضر شود و به امام جمعه اقتدا نماید نمازش صحیح و مجزی است؟

6. آیا خواندن خطبه های نماز جمعه قبل از ظهر شرعی صحیح است؟

## 14. نماز مسافر

### 1. وجوب قصر در سفر

#### اشاره

در سفر باید نماز چهار رکعتی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصر (دو رکعت) خواند.

#### توجه

\* وجوب قصر فقط در خصوص نمازهای چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر و عصر و عشا است، و نماز صبح و مغرب قصر نمی شود.

### 2. شرایط نماز مسافر

#### اشاره

مسافر با هشت شرط باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت به جا آورد:

1. شرط اول: سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم هشت فرسخ باشد مشروط به این که رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد.
2. شرط دوم: از اول مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد، بنابراین اگر از ابتدا قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته و یا قصد پیمودن کمتر از آن را داشته باشد و بعد از رسیدن به مقصد تصمیم بگیرد به جایی برود که فاصله ی آن با مکان اول کمتر از مسافت شرعی است، ولی از منزل تا آنجا به اندازه ی مسافت شرعی است، باید نمازش را تمام بخواند.
3. شرط سوم: در بین راه از قصد خود مبنی بر پیمودن مسافت شرعی بزرگردد، بنابر این اگر

در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، حکم سفر بعد از آن بر او جاری نمی شود، هر چند نمازهایی که قبل از عدول از قصد خود به صورت شکسته خوانده، صحیح است.

4. شرط چهارم: قصد قطع سفر در اثنای پیمودن مسافت شرعی با عبور از وطن خود یا جایی که می خواهد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند نداشته باشد.

5. شرط پنجم: سفر از نظر شرعی برای او جایز باشد، بنابراین اگر سفر او معصیت و حرام باشد، اعم از این که خود سفر حرام باشد، مثل فرار از جنگ یا هدف از سفر، کار حرامی باشد، مثل سفر برای راهزنی، حکم سفر را ندارد و نماز تمام است.

6. شرط ششم: مسافر از کسانی که خانه به دوش هستند، نباشد، مانند بعضی از صحرانشینان که محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیابانها گردش می کنند و هر جا آب و علف و چراگاه پیدا کنند، می مانند.

7. شرط هفتم: مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد، مانند باربر، راننده و ملوان و غیره، و کسی که شغل او در سفر است، ملحق به اینها است.

8. شرط هشتم: به حد ترخص برسد و منظور از حد ترخص، مکانی است که در آنجا اذان شهر شنیده نمی شود.

### **1. مسافت شرعی (هشت فرسخ)**

1. کسی که رفتن او کمتر از چهار فرسخ باشد، و مسیر بازگشتش هم به مقدار مسافت شرعی نباشد نمازش تمام است، بنابراین مأمورین غیر محلی اگر فاصله ی بین وطن و محل کار آنها به مقدار مسافت شرعی ولو تلفیقاً نباشد احکام مسافر را ندارند.

2. اگر انسان به قصد رفتن به مکان معینی از شهر خود خارج شود و در آنجا به گردش پردازد، این گردش در مقصد جزو مسافتی که از منزل پیموده محسوب نمی شود.

3. برای حساب مسافت 8 فرسخ باید از آخر شهر حساب کرد، و تعیین آخر شهر موکول به نظر عرف است؛ اگر در نظر عرف، کارخانه ها و شهرکهای پراکنده ی اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را باید از آخر خانه های شهر حساب نمود.

4. مسافری که به شهری می رود اگر مقصد او نقطه ای خاص است، به نحوی که عبور از شهر



طریق رسیدن به آن مقصد است در محاسبه مسافت، همان نقطه باید در نظر گرفته شود ولی اگر مقصود او خود شهر است یا با اینکه مقصد مشخصی دارد با شهر هم کار دارد به نحوی که رسیدن به شهر رسیدن به مقصد محسوب شود، ابتدای شهر ملاک است.

## 2. قصد مسافت شرعی

1. مسافری که قصد رفتن به سه فرسخی را دارد ولی از ابتدا در نظر دارد که در بین راه از راه فرعی برای انجام کار معینی به يك فرسخی برود و سپس داخل مسیر اصلی شود و به سفر خود ادامه دهد حکم مسافر را ندارد، و ضمیمه کردن مقدار راهی که با خروج از مسیر اصلی و بازگشت به آن پیموده برای تکمیل مسافت شرعی کافی نیست.

2. کسی که از محل سکونت خود به محل دیگری که کمتر از مسافت شرعی است سفر کند و در خلال ایام هفته چندین بار از آن محل به محله های دیگر برود، به طوری که مجموع مسافت بیش از هشت فرسخ شود، اگر هنگام خارج شدن از منزل قصد پیمودن مسافت شرعی را نداشته و فاصله ی بین مقصد اول و محله های دیگر هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، حکم مسافر را ندارد.

## 5. سفر معصیت

1. کسی که بدون قصد معصیت، مسافرت کند ولی در بین راه برای ادامه و تکمیل سفر، قصد ارتکاب معصیت نماید واجب است از زمانی که قصد استمرار سفر به خاطر معصیت کرده نمازش را تمام بخواند و نمازهایی را که پس از تصمیم به ادامه ی سفر به قصد ارتکاب گناه، شکسته خوانده باید اعاده کند و تمام بخواند.

2. اگر انسان بداند در سفری که می خواهد برود مرتکب معاصی و محرّمات خواهد شد مادامی که سفر او به خاطر ترك واجب یا فعل حرامی نباشد نماز او مانند سایر مسافران شکسته است.

3. اگر بداند که در مسافرت مبتلا به ترك بعضی از واجبات نماز می شود احتیاط (واجب) این است که به آن سفر نرود، مگر آن که برای او ضرر یا مشقت داشته باشد. در هر صورت جایز نیست نماز را در هیچ حالی ترك نماید.

## 7. سفر شغلی

### اشاره

1. کسی که سفر، شغل اوست (یعنی قوام شغل و کار او به سفر است)، مانند راننده، خلبان، کشتیان، ساریان، چوپان و مانند آنها باید در سفرهای شغلی نماز را تمام بخواند.

\* در فرض مسأله قبل تفاوتی نمی کند که شغل برای کسب مال و درآمد باشد یا نباشد.

\* برای تمام بودن نماز و صحّت روزه لازم است عرفاً سفر، شغل یا مقدّمه شغل او محسوب شود؛ خواه با چند سفر باشد یا در يك سفر طولانی، مانند کسی که يك مسیر دریایی طولانی را برای شغل خود طی می کند.

\* برای آنکه عرفاً سفر را سفر شغلی بدانند سه چیز معتبر است: الف: قصد انجام سفر شغلی ب: شروع سفر شغلی ج: قصد استمرار انجام سفر شغلی

\* در مواردی که صدق عنوان حرفه و شغل نسبت به سفر مشکوک باشد، نماز قصر و روزه باطل است.

\* اگر سفر برای تحصیل علم، جزء حرفه و شغل باشد مثل آنکه دوره ی آموزشی برای کارمند اداره قرار دهند و او مجبور است برای گذراندن دوره به مسافرت برود، سفر او سفر شغلی می باشد.

\* سفری که دانشجوی و دانش آموز برای تحصیل علم می کند تا در آینده شغلی را اختیار کند، حکم سفر شغلی را ندارد. ولی با توجه به فتاوی جمعی به تمام بودن نماز، احتیاط واجب آن است که در چنین سفری نمازش را به صورت جمع بین تمام و قصر بخواند و روزه اش را بگیرد و بعداً نیز قضا کند.

\* سفری که امثال محصلان علوم دینی یا دانشجویان افسری برای تحصیلشان انجام می دهند و با انجام آن در سبک و حرفه خاصی قرار می گیرند، سفر شغلی محسوب می شود؛ و نسبت به نماز و روزه حکم سفر شغلی را دارد.

\* کسی که اشتغال به شغلی دارد که در سال يك بار به مدّت مثلاً يك ماه طول می کشد مانند کاروان داران حج، چنانچه بنا دارد همه ساله به این کار اشتغال داشته باشد، نمازش حتّی در اولین سفر تمام است.

\* در فرض مسأله سابق اگر بنابر استمرار نداشته باشد، حکم سفر شغلی را ندارد

\* کسی که در فصلی از سال سفر شغلی داشته باشد چنانچه بخواهد همه ساله به آن اشتغال داشته باشد و یا بخواهد به مدت طولانی مثلاً حداقل سه ماه به طور متعارف و مستمر به آن اشتغال داشته باشد و تنها در ایامی که معمولاً تعطیل می کنند مانند ایام تعطیل و عزاداری، تعطیل کند، سفرش حکم سفر شغلی را دارد و نمازش حتّی در سفر اول تمام است.

\* کسی که شغلش تردد به بیرون شهر به اندازه کمتر از مسافت شرعی است مانند بعضی از

رانندگان تاکسی، چنانچه اتفاقاً در حدّ مسافت شرعی برای همان شغلش مسافرت کند، حکم سفر شغلی را ندارد و نمازش قصر است مگر آنکه بنا داشته باشد برای مدت طولانی به بیش از مسافت شرعی آن شغل را ادامه دهد که در این صورت از همان سفر اول حکم سفر شغلی را دارد و نمازش تمام است.

\* کسی که شغل یا مقدمه شغل او سفر است و وظیفه اش آن است که نماز را تمام بخواند و روزه اش را در سفر بگیرد، چنانچه در وطن یا غیر وطن با نیت یا بدون نیت، ده روز بماند، در اولین سفری که بعد از این اقامه عشره انجام می دهد، نمازش قصر است.

\* کسی که سفر شغلی داشته، اما 10 روز (در وطن یا غیر وطن) در یکجا مانده است، چنانچه به سفر غیر شغلی مثل زیارت برود و پس از آن بدون اقامه ی 10 روز اقدام به سفر شغلی کند، نمازش در این سفر شغلی تمام است. ولی با این حال احتیاط به جمع بین تمام و قصر ترك نشود.

\* رفت و برگشت اگر در نظر عرف، يك سفر محسوب شود، مانند استادی که از وطن برای تدریس، به شهری سفر کرده و هنگام عصر یا فردای آن روز به مبدأ برمی گردد، در این صورت رفت و برگشت، سفر اول محسوب می شود و اگر عرفاً يك سفر محسوب نشود، مثل راننده ای که برای حمل مسافر یا کالا به مقصدی حرکت کرده و از آنجا به مکان دیگری برای حمل مسافر یا کالا سفر نماید و سپس به وطن مراجعت می کند در این صورت، سفر اول با رسیدن به مقصد تمام می شود.

\* در حکم سفر شغلی که نماز تمام و روزه صحیح است، تفاوتی نمی کند که مسیر یا نوع شغل یا وسیله سفر، همان قبلی باشد یا تغییر کند.

\* کسی که شغلش سفر یا شغلش در سفر نیست، چنانچه سفرهای متعددی انجام دهد نمازش قصر است، خواه از ابتدا قصد سفرهای متعدد داشته باشد یا بعداً اتفاق بیفتد.

\* کسی که شغلش سفر یا در سفر است چنانچه سفر شغلی انجام دهد، نمازش تمام است. اگرچه انگیزه او از سفر غیر شغل باشد، مثل راننده اتوبوسی که به نیت زیارت، مسافر به مقصد مشهد می برد.

\* کسی که به خاطر شغلی سفری کند و در ضمن آن یا بعد از آن، اعمال خاصی از قبیل دیدن اقوام و دوستان را هم انجام می دهد و گاهی يك یا چند شب هم در آنجا می ماند، در این مدت حکم سفر شغلی او تغییر نمی کند و نمازش تمام است.

\* کسی که شغلش سفر یا در سفر است چنانچه پس از سفر شغلی، بلافاصله برگردد، در

برگشت نمازش تمام است ولی اگر چند روزی (کمتر از ده روز) برای غیر شغل مثل زیارت یا تفریح بماند و سپس مراجعت کند، احتیاط واجب در برگشت، جمع بین قصر و تمام است.

\* کسی که سفر، شغل، یا لازمه‌ی شغل اوست، اگر به سفر غیرشغلی برود، هرچند به محل شغلیش باشد، نمازش قصر است.

\* در فرض مسأله‌ی قبل چنانچه سفر غیرشغلی به محل شغلیش برود ولی تصمیم بگیرد که به خاطر شغل در آنجا بماند، مدتی که در آنجا توقف می‌کند تا به سر کار برود، احتیاط کند به جمع میان قصر و تمام، اگرچه بعید نیست حکم به تمام. اما بعد از آن یعنی در محل کار و در برگشت نمازش تمام است.

\* کسی که شغلیش سفر یا در سفر است اگر به سفر غیرشغلی برود نمازش قصر است، ولی چنانچه از آن محل به قصد محل شغل و به انگیزه کار سفر کند، نمازش در برگشت تمام است.

\* اگر خودروی شخصی که شغلیش رانندگی است در بین سفر شغلی خراب شود و برای تعمیر و مثلاً خرید لوازم به محلی که مسافت شرعی است سفر کند، این سفر شغلی محسوب شده و نمازش تمام است.

\* در فرض مسأله‌ی قبل، چنانچه پیش از شروع به سفر شغلی، خودروی او خراب شود و برای تعمیر و مثلاً تهیه لوازم به محلی که مسافت شرعی است مسافرت کند، نمازش قصر است.

\* کسی که شغلیش در سفر است چنانچه شغلیش برای همیشه به پایان برسد یا کلاً منصرف از ادامه آن شود، در مراجعت از آخرین سفری که برای شغلیش رفته است، احتیاط واجب، جمع بین قصر و تمام در نماز است. و اگر شغلیش سفر است، در فرض مسأله، نمازش در برگشت شکسته است لکن احتیاط به جمع بین قصر و تمام ترك نشود.

\* تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر اگر عرفاً شغل و کار فردی محسوب شود، در سفر برای انجام آن کارها حکم مسافری را دارد که بخاطر شغل و کارش سفر می‌کند، و اگر زمانی برای کاری غیر از ارشاد و تبلیغ مسافرت کرد، در آن سفر مانند سایر مسافران نمازش قصر است.

## 8. حد ترخص:

1. برای تعیین حد ترخص، شنیده نشدن اذان شهر کافی است.

2. معیار حد ترخص، شنیدن اذان آخر شهر از طرفی است که مسافر از آن خارج و یا داخل می‌شود.

3. اگر به جایی برسد که صدایی می شنود اما قابل تشخیص نیست که اذان باشد، احتیاط واجب این است که جمع بخواند و یا صبر کند تا به حد ترخص برسد.

4. شخص مسافر تا زمانی که در داخل محدوده وطن و حد ترخص آن است، از جهت نماز حکم مسافر بر او جاری نمی گردد و نمازش تمام است.

5. شخص مسافر تا زمانی که در داخل محدوده حد ترخص محلی که قصد عشره نموده، باشد احتیاط واجب آن است که نماز را جمع بخواند و یا صبر کند تا در حال رفتن به حد ترخص برسد و در حال آمدن، به محل اقامت برسد؛ همچنین است فردی که در جایی با حال تردید، 30 روز توقف داشته، که در حال رفتن از آن مکان بنا بر احتیاط باید جمع بخواند و یا صبر کند تا به حد ترخص برسد.

### تمرین

1. شرایط هشتگانه ی نماز مسافر را ذکر نمایید.

2. منظور از سفر حرام چیست؟

3. آخر شهر در حساب مسافت هشت فرسخ کجاست؟

4. منظور از کسی که شغل او مسافرت است چیست؟ مثال بزنید.

5. آیا مقصود از سفر اول همان شروع حرکت از وطن تا بازگشت به آن است یا با رسیدن به مقصد، سفر اول تمام می شود؟

6. آیا اگر یکی از دو علامت حد ترخص (نشنیدن اذان شهر و ندیدن دیوارهای شهر) حاصل شود کافی است؟

### 3. چیزهایی که سفر را قطع می کند

#### توجه

\* به چیزهایی که سفر را قطع می کند «قواطع سفر» می گویند.

\* اگر مسافر بعد از خروج از وطن، از راهی عبور کند که صدای اذان وطن خود را بشنود تا از وطن خود عبور نکرده ضرری به مسافت شرعی نمی رساند و مسافرتش قطع نمی شود، ولی تا در داخل محدوده ی بین وطن و حد ترخص آن هست، حکم مسافر بر او جاری نمی گردد.

### 4. وطن

#### اقسام وطن

وطن بر دو قسم است:

1. وطن اصلی: جایی که انسان در ابتدای زندگی (یعنی دوران کودکی و نوجوانی) در آنجا رشد و نمو پیدا کرده و بزرگ شده است.
2. وطن اتخاذه: جایی که مکلف آن را برای سکونت دائم یا مدت طولانی مثلاً 40، 50 سال برگزیده است.

\* جایی که بنای زندگی در آنجا به مدت حداقل یکی دو سال داشته باشد به نحوی که در آنجا مسافر به حساب نمی آید در حکم وطن بوده و نماز در آن مکان تمام و روزه صحیح است.

\* صرف تولد در شهری باعث نمی شود که آنجا وطن اصلی او شود، بلکه لازم است مدتی در آنجا بوده و رشد و نمو پیدا کرده باشد، مثلاً کسی که در جایی به دنیا آمده و بعد از تولد، در آنجا رشد و نمو نکرده، آنجا وطن اصلی او محسوب نمی شود، بلکه وطن اصلی وی جایی است که پس از تولد به آنجا برده شده و در آنجا رشد و نمو پیدا کرده است.

\* برای اینکه جایی، وطن اتخاذی محسوب شود سه شرط لازم است:

یک: قصد قطعی سکونت دائم و یا سکونت چند ماه در هر سال برای همیشه در آنجا داشته باشد.

دو: باید قصد توطن در آبادی و شهر خاص و معین داشته باشد، بنابراین نمی توان مثلاً يك کشور را وطن قرار داد.

سه: فراهم کردن لوازم وطنیت مثلاً چنانچه کارهایی را انجام بدهد که عادتاً انسان برای توطن در يك محلی آن کارها را می کند (مثل تهیه منزل و راه انداختن کسب و کار) ولو زمانی هم نماند وطن صدق می کند و چنانچه لوازم توطن را فراهم نکند باید مدتی بماند تا وطن برای او صدق کند.

\* در وطن جدید، تملك خانه و غیر آن شرط نیست.

\* ممکن است انسان دارای دو وطن اصلی باشد، بنابراین عشایری که نقل و انتقال همیشگی از بیلاق به قشلاق و برعکس دارند تا روزهایی از سال را در یکی و روزهایی را در دیگری بگذرانند و هر دو مکان را برای زندگی خود انتخاب کرده باشند، هر يك از آن دو مکان، وطن آنان می باشد و بر آنان در آن دو مکان حکم وطن جاری می گردد، و اگر فاصله ی بین آن دو به مقدار مسافت شرعی باشد، در راه سفر از یکی به دیگری، حکم سایر مسافرین را دارند.

\* ممکن است انسان دارای 2 وطن اتخاذی باشد و در بیشتر از آن منوط به صدق عرفی است.

## اعراض از وطن

\* اعراض با خروج از وطن با تصمیم بر عدم بازگشت به آنجا و همچنین با علم یا اطمینان به عدم امکان بازگشت محقق می شود.

\* تا زمانی که انسان از وطن خود اعراض نکرده است آنجا برای او حکم وطن را دراد و نماز وی در آنجا تمام است، اما بعد از آنکه از وطن خود اعراض کرد دیگر حکم وطن در آنجا بر او جاری نمی شود مگر آنکه دوباره برای زندگی به آنجا برگشته و به قصد زندگی دائم ولو برای بخشی از سال مدتی در آنجا اقامت کند.

## تبعیت زن و فرزند در وطن و اعراض از آن

\* صرف زوجیت، موجب تبعیت قهری نمی شود و زن می تواند در انتخاب وطن و اعراض از آن تابع شوهر خود نباشد، بنابراین صرف اینکه مکانی وطن شوهر است باعث نمی گردد که وطن زن هم باشد و بر زن در آنجا احکام وطن جاری شود.

\* صرف ازدواج زن و رفتن وی به خانه ی شوهر در شهر دیگر مستلزم اعراض از وطن اصلی اش نیست، بنابراین زنی که با مردی از شهری دیگر ازدواج کرده است، هنگامی که این زن به خانه ی پدرش می رود، تا زمانی که از وطن اصلی خود اعراض نکرده، نمازش در آنجا تمام است.

\* اگر زن در انتخاب وطن و اعراض از آن تابع اراده ی همسرش باشد، قصد شوهرش برای او کافی است و شهری که همسرش با او برای زندگی دائم و به قصد توطن به آنجا رفته است، وطن وی هم محسوب می شود و همچنین اعراض شوهر او از وطن مشترکشان، با خروج از آن و رفتن به جای دیگر، اعراض او از وطن هم محسوب می گردد.

\* فرزندان اگر در تصمیم گیری و زندگی، مستقل نباشند یعنی بر حسب طبیعت و ارتکازشان تابع اراده ی پدر باشند، در اعراض از وطن سابق و اتخاذ وطن جدید که پدر با آنها برای زندگی دائمی به آنجا رفته است تابع وی هستند، بنابراین کسی که از وطن خود به تبعیت از پدرش به شهر دیگری مهاجرت کند و پدر وی قصد عدم بازگشت به آنجا را برای زندگی داشته باشد آن مکان، دیگر برای او حکم وطن را ندارد بلکه وطن جدید پدر، وطن اوست.

\* فرزندان اگر در تصمیم گیری و زندگی مستقل باشند در احکام وطن تابع پدر و مادر نخواهند بود.

### تمرین

1. قواطع سفر کدامند؟
2. وطن اصلی و اتخاذی (دوم) چه فرقی دارند؟
3. شرایط وطن اتخاذی را برشمرید.
4. آیا ممکن است انسان بیش از یک وطن داشته باشد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
5. مراد از اعراض از وطن چیست؟
6. جوانی با زنی از شهری دیگر ازدواج کرده است، هنگامی که این زن به خانه ی پدرش می رود، نمازش قصر است یا تمام؟



## 5. قصد اقامت ده روز

### اشاره

1. هرگاه مسافری بخواهد حداقل ده روز (1) پشت سر هم در محلی بماند یا بداند که اجباراً این مدت را در آن جا توقف خواهد کرد باید نماز را تمام بخواند (و این را در اصطلاح فقهی «قصد اقامه» می گویند)، اما اگر قصد اقامت کمتر از ده روز را داشته باشد حکم سایر مسافرین را خواهد داشت، بنابراین سربازان یا نیروهای کادری که در استخدام ارتش یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند، اگر قصد اقامت ده روز یا بیشتر را در مکانی (مثل پادگان، مناطق مرزی و...) دارند و یا می دانند - هر چند به طور اجباری - ده روز یا بیشتر در آنجا خواهند ماند، واجب است که نماز خود را تمام بخوانند.

### توجه

\* کسی که می داند در جایی ده روز نمی ماند، قصد اقامت ده روز معنا و اثری ندارد و باید در آنجا نمازش را شکسته بخواند، مثلاً اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا (ع) مسافرت کند و با آن که می داند کمتر از ده روز در آنجا خواهد ماند ولی برای این که نمازش تمام باشد قصد اقامت ده روز می کند نمازش در آنجا شکسته است.

ص: 211

---

1- . ملاک در تعیین روز عرف است که از طلوع آفتاب تا غروب خواهد بود.

2. قصد اقامه باید در يك محل (شهر یا روستا و یا...) باشد، و در دو محل نمی توان قصد اقامه کرد، بنابراین کسی که در دو مکان تبلیغ می کند اگر عرفاً دو محل محسوب شود، باید در یکی از آن دو، قصد اقامه کند و قصد اقامه در هر دو به این صورت که بخواهد چند روز را در یکی و چند روز هم در دیگری بماند که مجموعاً ده روز شود اقامه محقق نشده و باید نماز را در هر دو محل شکسته بخواند.

## توجه

\* اگر مسافری در محله بی از شهر قصد اقامه کند رفتن به محله های دیگر شهر، هر چند با محله ی قصد اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله داشته باشد، به قصد اقامه و حکم آن ضرر نمی رساند.

3. مسافری که می خواهد ده روز یا بیشتر در محلی بماند، اگر از ابتدا قصد داشته باشد که در خلال ده روز به اطراف آنجا (در محدوده ی باغها و مزرعه های محل اقامت) برود، اشکالی ندارد و قصد اقامه ی او درست و نمازش تمام است. همچنین قصد خروج از محل اقامت به اندازه کمتر از مسافت شرعی اگر به صدق اقامت ده روز ضرر نزند مانند اینکه بخواهد در این ده روز سه دفعه و هر بار در حدود پنج ساعت، برود و برگردد، به قصد اقامت لطمه نمی زند.

4. اگر مسافر هنگام قصد اقامه، تصمیم داشته باشد در خلال ده روز - هر چند يك بار آن هم به مدت چند دقیقه - به چهار فرسخی و یا بیشتر برود اقامه تحقق پیدا نمی کند و باید نماز را شکسته بخواند.

5. اگر مسافر در محلی قصد اقامه کند و قبل از خواندن يك نماز چهار رکعتی (ظهر یا عصر و یا عشا) از اقامه منصرف یا مردد شود، اقامه تحقق نیافته و تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را شکسته بخواند، اما بعد از قصد اقامه، اگر حداقل يك نماز چهار رکعتی خوانده باشد، اقامه تحقق یافته و پس از آن، انصراف از اقامه یا تردید در آن هیچ اثری ندارد، بنابراین تا وقتی که در آنجا هست و سفر جدیدی را شروع نکرده، باید نماز را تمام بخواند (هر چند پس از تحقق اقامه، فقط يك روز بماند).

7. پس از تحقق اقامه، خارج شدن به مقدار کمتر از مسافت شرعی - هر چند به طور مکرر و مدت طولانی - اشکال ندارد و نماز تمام است، ولی اگر به مقدار مسافت شرعی خارج شود، حکم سایر مسافین را خواهد داشت، بنابراین اگر پس از قصد اقامت در شهری به شهر دیگری که با شهر محل اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله دارد برود، قصد اقامه ی قبلی وی به هم می خورد و بعد از برگشت به محل اقامه، باید دوباره قصد نماید.

8. آنچه در مورد تبعیت زن و فرزند در باره ی «وطن» گفتیم در مورد «قصد اقامه» نیز جاری است.

## 6. توقف يك ماه بدون قصد

هرگاه مسافر، بعد از پیمودن مسافت شرعی (هشت فرسخ) در محلی توقف کند، و نداند مدت توقفش چند روز است (ده روز یا کمتر) تا وقتی این حالت را دارد باید نماز را شکسته بخواند، اما بعد از گذشتن سی روز باید نماز را تمام بخواند، هر چند در همان روز بخواند برگردد.

## 7. بلاد کبیره

در احکام مسافر و قصد توطن و قصد اقامت ده روز، فرقی میان بلاد کبیره (شهرهای بزرگ) و معمولی نیست و حتی با قصد توطن در يك شهر بزرگ و مدتی در آنجا ماندن، بدون معین کردن محله ی خاصی از آن، تمام آن شهر حکم وطن را در باره ی او پیدا خواهد کرد. همچنین اگر قصد اقامت ده روز در مانند این شهر کند بدون این که محله ی خاصی از آن را قصد نماید، حکم تمام بودن نماز در مورد او در تمام محله های آن شهر جاری خواهد بود.

## 8. احکام نماز مسافر

1. کسی که می داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند اگر عمداً تمام بخواند، نمازش باطل است و نیز اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند باید نماز را دوباره بخواند، و اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضای آن نماز بر او واجب نیست.

2. کسی که نمی داند مسافر باید نماز را شکسته بخواند، اگر تمام بخواند نمازش صحیح است.

3. شخصی که می داند مسافر باید نماز را شکسته بخواند اگر بعضی از خصوصیات آن را نداند مثلاً نداند که در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخواند چنانچه تمام بخواند بنابر احتیاط واجب باید نماز را در وقت اعاده و در خارج وقت قضا کند.

4. کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد در هر صورت نمازش باطل است.

### تمرین

1. نماز سربازانی که می داند بیش از ده روز در مکانی می مانند ولی اختیاری ندارند چه حکمی دارد؟

2. اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا (ع) مسافرت نماید و با آن که می داند کمتر از ده روز در آنجا خواهد ماند، ولی برای این که نمازش تمام باشد قصد اقامت ده روز می کند، این کار او چه حکمی دارد؟

3. آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری را که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد کرد؟

4. اقامه با چند چیز محقق می شود؟ توضیح دهید.

5. کسی که به جایی مسافرت کرده و نمی داند چه مقداری در آنجا خواهد ماند ده روز یا کمتر، چگونه باید نماز بخواند؟

6. چه تفاوتی میان بلاد کبیره و معمولی در احکام مسافر وجود دارد؟

اشاره

1. هر کس نماز واجب را در وقت آن ترك کند باید قضای آن را به جا آورد، هر چند در تمام وقت نماز خواب بوده یا به واسطه ی بیماری یا مستی، نماز را نخوانده باشد، اما کسی که در تمام وقت بی هوش بوده، قضا بر او واجب نیست، همچنین کافری که مسلمان شده و زنی که در حال حیض یا نفاس بوده.

2. هرگاه بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید آن را قضا کند، مثل شخصی که بر اثر جهل به حکم شرعی، غسل را به نحوی انجام داده که شرعاً باطل است، بر وی قضای نمازهایی که در این حالت با حدث اکبر خوانده واجب است.

3. قضای نمازهایی واجب است که یقین به ترك یا باطل بودن آنها دارد، اما اگر شك یا گمان دارد بعضی از نمازهای گذشته را ترك کرده یا باطل خوانده واجب نیست که قضای آن را به جا آورد.

4. در نماز قضا ترتیب واجب نیست جز در میان قضای ظهر و عصر و مغرب و عشا از يك روز، همچنین دوره کردن نماز به معنای تکرار نماز برای احراز ترتیب لزومی ندارد، بنابراین کسی که قصد دارد نماز قضای يك سال را بخواند می تواند آنها را به ترتیب زیر به جا آورد:  
ابتدا مثلاً بیست

بار نماز صبح، بعد بیست بار هر يك از نماز ظهر و عصر و سپس بیست بار هر يك از نماز مغرب و عشا و تا يك سال به همین صورت ادامه دهد، همانطور که می تواند با یکی از نمازها شروع کند و به ترتیبی که نمازهای پنجگانه ی یومیه را می خواند آن را ادامه دهد.

5. کسی که چند نماز او قضا شده و شماره ی آنها را نمی داند، مثلاً نمی داند دو نماز بوده یا سه نماز، کافی است مقدار کمتر را بخواند (یعنی همان مقداری که یقین به قضا شدن آن دارد).

6. اگر شخصی سه بار غسل جنابت کند، مثلاً در روزهای بیستم، بیست و پنجم و بیست و هفتم ماه و بعد یقین کند که یکی از آن غسلها باطل بوده است بنا بر احتیاط واجب باید نمازها را به طوری که یقین به فراغت ذمه پیدا کند قضا نماید.

7. نوافل و نمازهای مستحب به جای نماز قضا محسوب نمی شود و کسی که نماز قضا بر عهده ی او باشد، واجب است آن را به نیت نماز قضا بخواند.

8. افرادی که در حال حاضر قادر به قضای همه نمازهای فوت شده نیستند واجب است به هر مقدار که قدرت دارند، قضا و هر مقداری که قادر نیستند وصیت نمایند.

## 2. نماز استیجاری

1. هیچ کس نمی تواند نماز قضای دیگری را که در حال حیات است به جا آورد، هر چند او از خواندن نماز قضا عاجز باشد، اما بعد از مردن مانعی ندارد، و شخص مکلف تا زنده است باید نمازهای واجبش را خودش، به هر نحو که می تواند انجام دهد و نماز نایب چه با اجرت و چه بدون اجرت برای او مجزی نیست.

2. در نماز استیجاری ذکر خصوصیات میت لازم نیست، و رعایت ترتیب فقط بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا شرط است، و هرگاه در عقد اجاره، کیفیت خاصی بر اجیر شرط نشده باشد (مثلاً نگفته باشند نماز را باید در مسجد یا فلان ساعت بخواند) و کیفیت معهودی که اطلاق عقد اجاره به آن انصراف پیدا کند هم وجود نداشته باشد، بر اجیر لازم است که نماز را با مستحباتی که انجام آن متعارف است بخواند، ولی واجب نیست که برای هر نمازی اذان بگوید.

## 3. نماز قضا پدر و مادر

1. بر پسر بزرگتر واجب است که نمازهایی که از پدر و بنابر احتیاط واجب از مادرش فوت شده

بعد از مرگ آنها به جا آورد.

2. اگر پدر یا مادری اصلاً نماز نخوانده باشد بنا بر احتیاط واجب در این صورت هم قضای نمازها بر پسر بزرگتر واجب است.
3. منظور از پسر بزرگتر، بزرگترین پسری که بعد از مرگ پدر و مادر در حال حیات است می باشد، بنابراین اگر پسر بزرگ - چه بالغ باشد یا غیر بالغ - قبل از پدر و مادر فوت کند تکلیف قضای نماز پدر و مادر بر پسر بزرگی واجب است که هنگام وفات آنها زنده باشد.
4. ملائک واجب بودن قضای نماز پدر و مادر این است که فرزند مذکر از دیگر اولاد میت - اگر میت اولاد ذکور داشته باشد - بزرگتر باشد، بنابراین اگر فرزند بزرگ میت، دختر و فرزند دوم او پسر باشد قضای نمازهای پدر و مادر بر پسر که فرزند دوم است واجب است.
5. هرگاه شخص دیگری نمازهای پدر و مادر را قضا کند از پسر بزرگتر ساقط می شود.
6. بر پسر بزرگتر واجب است آن مقدار از نمازهایی را که یقین دارد از پدر و مادرش فوت شده است قضا کند و اگر نمی داند که از پدر یا مادرش نماز قضا شده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و تفحص و جستجو نیز لازم نمی باشد.
7. بر پسر بزرگتر واجب است که نمازهای پدر و مادرش را به هر صورتی که امکان دارد قضا کند و اگر از انجام آن حتی از اجیر گرفتن برای انجام آن هم عاجز باشد معذور است.
8. کسی که خودش نماز قضا دارد و نماز پدر و مادر نیز بر او واجب شده، در انجام هر يك مخیر است و به عبارت دیگر هر کدام را اول به جا آورد صحیح است.
9. اگر پسر بزرگتر پس از فوت پدر و مادر از دنیا برود بر دیگران تکلیفی نیست، بنابراین قضای نمازهای پدر و مادر بر پسر و یا برادر پسر بزرگتر واجب نمی شود.

## تہمین

1. کافری پس از مدتی اسلام آورده است، آیا قضای نمازهایی که انجام نداده واجب است؟

2. کسی که نماز قضا دارد، اگر نماز مستحبی بخواند، آیا به عنوان نماز قضای او

محسوب می شود؟

3. آیا در نماز استیجاری، ذکر خصوصیات میت شرط است؟

4. اگر پدری اصلاً نماز نخوانده باشد آیا قضای همه ی نمازها بر پسر بزرگتر او واجب است؟

5. منظور از پسر بزرگتر کیست؟

6. اگر پسر بزرگتر خودش نماز قضا دارد و نماز پدر و مادر نیز به آن اضافه گردد، کدامیک مقدم است؟

ص: 218



## 1. نماز آیات

### 1. اسباب شرعی وجوب نماز آیات

#### اشاره

نماز آیات در چهار صورت واجب می شود:

1. کسوف خورشید، اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.

2. خسوف ماه، اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.

3. زلزله.

4. هر حادثه‌ی غیر عادی که باعث ترس بیشتر مردم شود، مانند بادهای سیاه و یا زرد که غیر عادی باشند، تاریکی شدید، فرورفتن زمین و ریختن کوه، صیحه‌ی آسمانی و آتشی که گاهی در آسمان ظاهر می شود.

#### توجه

\* در غیر از کسوف و خسوف و زلزله باید آن حادثه، موجب ترس و وحشت بیشتر مردم شود، و حادثه‌ی بی که ترس آور نباشد و یا موجب ترس و وحشت افراد نادری گردد، اعتبار ندارد.

\* وجوب نماز آیات مختص کسانی است که در شهر وقوع حادثه هستند و کسی هم که در شهر متصل به شهری که حادثه در آن رخ داده، به طوری که مانند یک شهر محسوب شوند، زندگی می کند حکم آنها را دارد.

\* اگر مرکز زلزله نگاری، وقوع لرزشهای خفیف زمین را با ذکر تعداد آن در منطقه‌ی اعلام

نماید، ولی هنگام وقوع زلزله و یا در زمان متصل به آن کسی اصلاً آنها را احساس نکند، نماز آیات واجب نیست.

\* هر زلزله‌ی چه شدید و چه خفیف - حتی پس لرزه - اگر زلزله‌ی مستقلاً محسوب شود، نماز آیات جداگانه‌ی دارد.

## 2. کیفیت نماز آیات

نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت آن پنج رکوع و دو سجده دارد و به چند صورت می‌توان آن را به جا آورد:

1. صورت اول: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و سوره خوانده شود و به رکوع برود، سپس سر از رکوع برداشته و دوباره حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و باز سر از رکوع بردارد و حمد و سوره بخواند و به رکوع رود و سپس سر از رکوع بردارد و همین طور ادامه دهد تا يك رکعت پنج رکوعی که قبل از هر رکوعی حمد و سوره خوانده است انجام دهد، سپس به سجده رفته و دو سجده نماید و بعد برای رکعت دوم قیام کند و مانند رکعت اول انجام دهد و دو سجده را به جا آورد و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد.

2. صورت دوم: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و يك آیه یا کمتر از آن (البته احتساب بسم الله به عنوان يك آیه صحیح نیست) از سوره‌ی را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه‌ی دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود، و بعد سر از رکوع برداشته و آیه‌ی دیگری از همان سوره را قرائت نماید و همین طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره‌ی که پیش از هر رکوع، يك آیه از آن را قرائت کرده، قبل از رکوع آخر تمام شود، سپس رکوع پنجم را به جا آورد و به سجده رود و پس از اتمام دو سجده، برای رکعت دوم قیام نماید و حمد و آیه‌ی از يك سوره را بخواند و به رکوع برود و همین طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه بخواهد برای هر رکوعی به يك آیه از سوره‌ی اکتفا کند، نباید سوره‌ی حمد را بیش از يك مرتبه در اول آن رکعت بخواند. البته هنگام تجزیه سوره، لازم نیست يك آیه کامل بخواند بلکه می‌تواند يك آیه (غیر از بسم الله) را نیز به دو قسمت تجزیه نماید.

3. صورت سوم: یکی از رکعت‌ها را به یکی از دو صورت و رکعت دیگر را به نحو دیگر به جا آورد.

4. صورت چهارم: سوره یی را که آیه یی از آن در قیام پیش از رکوع اول خوانده، در قیام پیش از رکوع دوم یا سوم یا چهارم تکمیل نماید که در این صورت واجب است بعد از سر برداشتن از رکوع، سوره یی حمد را در قیام بعدی اعاده نموده و یک سوره یا آیه یی از آن را اگر پیش از رکوع سوم یا چهارم است، قرائت کند و در این صورت واجب است که آن سوره را تا قبل از رکوع پنجم به آخر برساند.

## 2. نماز عید فطر و قربان

1. نماز عید فطر و قربان در عصر حاضر (که زمان غیبت کبری است) واجب نیست، بلکه مستحب است.

2. نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود، بعد دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده به جا آورد و تشهد بخواند و سلام گوید.

3. کوتاه یا طولانی خواندن قنوت های نماز عید اشکالی ندارد و موجب بطلان نماز نمی شود، ولی کم یا زیاد کردن تعداد آنها جایز نیست.

4. نماز عید اقامه ندارد و اگر امام جماعت برای نماز عید اقامه به جا آورد به صحت نماز او و مأمومین ضرری نمی رساند.

5. جایز است نمایندگان ولی فقیه که از طرف وی مجاز در اقامه ی نماز عید هستند و همچنین ائمه ی جمعه ی منصوب از طرف او نماز عید را در عصر حاضر (که امام (عج) غایب است) به صورت جماعت اقامه نمایند، ولی احوط (وجوبی) این است که غیر آنان نماز عید را فرادی بخوانند و به جماعت خواندن آن به قصد رجانه به قصد ورود اشکال ندارد. بلی اگر مصلحت اقتضا کند که یک نماز عید در شهر برگزار شود بهتر است که غیر از امام جمعه ی منصوب از طرف ولی فقیه کسی

متصدی اقامه ی آن نشود.

6. نماز عید قضا ندارد.

7. تکرار نماز جماعت به خاطر مأمومین دیگر در نماز عید اشکال دارد.

### تمرین

1. نماز آیات در چند صورت واجب است؟ توضیح دهید.

2. بعد از وقوع زلزله در منطقه بی غالباً در مدت کمی دهها پس لرزه رخ می دهد حکم نماز آیات در این موارد چیست؟

3. نماز آیات چگونه باید خوانده شود؟

4. حکم نماز عید فطر و قربان در زمان غیبت چیست؟

5. آیا در حال حاضر اقامه ی نماز عید و قربان توسط ائمه ی جماعات جایز است.

6. آیا نماز عید فطر قضا دارد؟

ص: 222

### 1. مشروعیت و اهمیت نماز جماعت

#### اشاره

1. نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعایر اسلامی است و دست کم با دو نفر (یک امام و یک مأموم) منعقد می شود.
2. اگر امام جماعت بدون قصد امامت، مشغول نماز شود، نماز وی و اقتدای دیگران به او اشکال ندارد، و به عبارت دیگر در تحقق جماعت، فقط کافی است که مأموم نیت اقتدا داشته باشد و نیت امامت برای امام، معتبر نیست، هر چند درک فضیلت نماز جماعت برای امام در صورتی است که قصد امامت و جماعت کند.
3. امامت به نیت نماز قضای احتیاطی صحیح نیست، بنابراین فردی که می خواهد یک نماز را در مکان های مختلف به عنوان امام جماعت اقامه کند نمی تواند آنها را به نیت نماز قضای احتیاطی به جا آورد.
4. رضایت امام جماعت شرط صحت اقتدا نیست، بنابراین اقتدا کردن به کسی که راضی به این کار نیست اشکال ندارد.
5. اقتدا به مأموم تا وقتی که نمازش را به جماعت ادامه می دهد صحیح نیست، ولی زمانی که انسان نداند که او مأموم است و به وی اقتدا کند، اگر در رکوع و سجود به وظیفه ی نمازگزار منفرد عمل کرده، بدین معنی که رکنی را عمداً و یا سهواً کم یا زیاد نکرده باشد، نمازش صحیح است.
6. تکرار نماز جماعت برای یک بار به خاطر مأمومین دیگر در نمازهای یومیه جایز و بلکه

مستحب است، اما بیش از يك بار جایز نیست، بنابراین يك امام جماعت می تواند در دو مسجد اقامه ی جماعت کرده و نماز را دوباره بخواند.

7. در نمازهای یومیه هر نمازی را می توان با هر نماز اقتدا کرد، مثلاً کسی که قصد خواندن نماز عشا دارد می تواند به کسی که نماز مغرب می خواند اقتدا کند.

8. حضور و شرکت زنان در نماز جماعت اشکال ندارد و ثواب جماعت دارد.

9. اگر موقعی به جماعت رسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است، چنانچه بخواهد به ثواب نماز جماعت برسد باید نیت کند و تکبیرة الاحرام بگوید و بعد بنشیند و تشهد نماز را با امام بخواند، ولی سلام نگوید و کمی صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید، بعد بایستد و نماز را ادامه بدهد یعنی حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. (این طریق مختص تشهد آخر نماز جماعت و برای درك ثواب جماعت است و نمی توان آن را در تشهد رکعت دوم نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی انجام داد).

10. اختلاف در تقلید مانع از صحت اقتدا نیست، بنابراین کسی که در نماز مسافر مقلد مجتهدی است می تواند به امام جماعتی که در آن مسأله مقلد مرجع دیگری است اقتدا نماید، ولی اقتدا در نمازی که طبق فتوای مرجع تقلید مأموم، قصر است و طبق فتوای مرجع تقلید امام جماعت تمام است یا بالعکس صحیح نیست.

## توجه

\* افرادی که هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فرادی می کنند، اگر این عمل تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند محسوب شود جایز نیست.

\* شرکت ظاهری در نماز جماعت برای يك غرض عقلایی، مثل دفع تهمت اشکال ندارد، ولی آهسته خواندن حمد و سوره در قرائت نمازی که باید بلند خوانده شود، مثل نماز مغرب و عشا برای اظهار اقتدا به امام جماعت، صحیح و مجزی نیست.

\* انجام کارهای مستحبی، مثل نماز مستحب یا دعای توسل و یا سایر دعاهاى طولانی که

قبل یا بعد از نماز جماعت و یا در اثنای آن در نمازخانه ی ادارات دولتی برگزار می شود و بیشتر از جماعت طول می کشد اگر منجر به تضییع وقت اداری و تأخیر در انجام کارهای واجب شود اشکال دارد.

\* گرفتن اجرت برای انجام واجبات و همچنین اقامه جماعت، مانعی ندارد..

\* در نماز جماعت بعد از سلام، قرائت آیه (1) صلوات و ذکر صلوات بر پیامبر (ص) و آل او (ع) نه تنها اشکال ندارد بلکه مطلوب بوده و ثواب دارد. همچنین مواظبت بر شعارهای اسلامی و شعار انقلاب اسلامی (تکبیر و ملحقات آن) که یادآور رسالت و اهداف بلند انقلاب اسلامی است هم مطلوب است.

\* بهتر است برای درك فضیلت نماز اول وقت و جماعت، کارهای اداری به گونه یی تنظیم شود که کارکنان اماکن نظامی، ادارات و مانند آن بتوانند این فریضه ی الهی را به صورت جماعت و در کمترین مدت بخوانند.

### تمرین

1. نماز جماعت دست کم با چند نفر منعقد می شود؟
2. آیا جایز است امام جماعت در دو مسجد اقامه ی جماعت کرده و نماز را دوباره بخواند؟
3. کسی که قصد خواندن نماز عشا را دارد آیا می تواند به کسی که نماز مغرب می خواند اقتدا نماید؟

ص: 225

4. آیا اقامه ی نماز جماعت دوم در نزدیکی مکانی که نماز جماعت در آن جا با حضور تعداد زیادی از نمازگزاران اقامه می شود و صدای اذان و اقامه ی آن شنیده می شود صحیح است؟

5. بعضی از افراد هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فرادی می کنند، این کار چه حکمی دارد؟

6. آیا جایز است امام جماعت برای نماز اجرت بگیرد؟

ص: 226



21. شرایط نماز جماعت

1. نبودن حایل

اشاره

1. اگر یکی از صفهای نماز جماعت به طور کامل از افرادی تشکیل شده باشد که نمازشان قصر است و نماز همه ی افراد صف بعدی تمام باشد اگر افراد صف جلو بعد از خواندن دو رکعت نماز فوراً برای خواندن دو رکعت بعدی اقتدا کنند مانعی برای ادامه جماعت نخواهد بود.

2. اگر تعدادی از افراد غیر بالغ بعد از صف سوم یا چهارم نماز جماعت ایستاده باشند و بعد از آنها تعدادی از افراد مکلف ایستاده باشند، نماز مکلفین صفهای بعدی اشکال ندارد.

3. در نماز جماعت اگر بانوان وسیله اتصال آقایان به جماعت باشند کماینکه در نماز جماعتهای بزرگ مثل حرم ثامن الائمه علیه آلاف التحية و الثناء یا نماز جمعه ها گاهی اتفاق می افتد، مشکلی ایجاد نمی شود.

\* زنان اگر پشت سر مردان ولو بدون فاصله بایستند احتیاجی به حایل و پرده نیست، ولی اگر در کنار مردان بایستند سزاوار است که حایلی بین آنها باشد تا کراهت کنار هم ایستادن مردان و زنان در نماز بر طرف شود، و این که وجود حایل بین زنان و مردان در نماز موجب تحقیر و توهین به شأن و کرامت زنان می شود توهم و خیالی بیش نیست و اساسی ندارد.

## 2. بلندتر نبودن جای ایستادن امام از مأموم

اگر بلندی جایگاه امام نسبت به جایگاه مأمومین بیشتر از حدی باشد که شرعاً مجاز است، موجب بطلان نماز جماعت می شود.

## 3. نبودن فاصله میان امام و مأموم

اگر مأموم در آخر یکی از دو طرف صف اول نماز ایستاده باشد، چنانچه مأمومینی که بین او و امام ایستاده اند بعد از این که امام جماعت شروع به نماز کرد به طور کامل آماده ی اقتدا کردن باشند می توانند به نیت جماعت وارد نماز شود.

## 22. احکام نماز جماعت

1. قرائت حمد و سوره برای مأموم در نمازهای ظهر و عصر جایز نیست، حتی اگر برای تمرکز ذهن باشد.

2. اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشاء صدای حمد و سوره امام را بشنود، اگرچه کلمات را تشخیص ندهد، باید حمد و سوره را نخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره را بخواند ولی باید آهسته بخواند و چنانچه سهواً بلند بخواند، اشکال ندارد.

3. اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشا باشد و مأموم در رکعت دوم، بر مأموم واجب است که حمد و سوره را آهسته بخواند.

4. اگر شخصی در رکعت دوم نماز جماعت برسد و بر اثر جهل به مسأله، تشهد و قنوت را در رکعت بعد به جا نیاورد نمازش صحیح است ولی بنا بر احتیاط قضای تشهد بر او واجب است و نیز واجب است دو سجده سهو به جا آورد.

5. کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد و به خیال این که امام در رکعت اول است

چیزی نخواند، اگر قبل از رکوع متوجه شود واجب است حمد و سوره را قرائت کند، ولی اگر بعد از این که داخل رکوع شد متوجه شود نماز او صحیح است و چیزی بر او واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب این است که دو سجده ی سهو برای ترك سهوی قرائت به جا آورد.

6. اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیرة الاحرام به رکوع برود چنانچه مأموم بعد از داخل شدن در نماز جماعت و پیش از رفتن به رکوع متوجه شود واجب است که نیت فرادی نموده و حمد و سوره را قرائت کند.

7. اگر امام جماعت در اثنای نماز در کیفیت تلفظ کلمه پس از ادای آن شك کند و بعد از فراغت از نماز علم پیدا کند که در تلفظ آن کلمه اشتباه کرده است نماز او و مأمومین محکوم به صحت است.

8. اقتدا به اهل سنت برای رعایت وحدت اسلامی جایز است و اگر حفظ وحدت، مقتضی انجام کارهایی باشد که آنها انجام می دهند نماز صحیح و مجزی است، حتی اگر سجده بر فرش و مانند آن باشد، ولی تکتف (دست بسته نماز خواندن) در نماز جایز نیست، مگر این که ضرورت آن را اقتضا کند.

### 23. شرایط امام جماعت

#### 3. عادل بودن (1)

#### اشاره

#### 3. عادل بودن (1)

1. اگر امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، در صورتی که مخالف شرع نباشد، ضرری به عدالت نمی زند.

ص: 229

---

1- در مورد معنای «عدالت» و «عادل» به «شرایط مرجع تقلید» رجوع کنید.

2. صرف ترك امر به معروف و نهی از منكر كه ممكن است بر اثر عذر مقبولی نزد مكلف باشد، به عدالت وی ضرر نمی زند و مانع اقتدا به او نیست.

3. شخصی كه اعتقاد به عدالت امام جماعتی دارد و در عین حال معتقد است وی در مواردی به او ظلم کرده است تا برایش احراز نشود كه عمل آن امام جماعت كه او آن را ظلم می شمارد با علم و اختیار و بدون مجوز شرعی بوده مجاز نیست كه حكم به فسق او نماید.

## توجه

\* در اقتدا به امام جماعت، شناخت واقعی او شرط نیست بلکه همین كه عدالت امام نزد مأموم به هر طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است.

## 6. نماز را صحیح خواندن

1. اگر قرائت مكلف صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است، ولی دیگران نمی توانند به وی اقتدا کنند.
2. اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم، صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی تواند به او اقتدا کند و در صورت اقتدا، نماز او صحیح نیست و اعاده ی آن واجب است.

## 7. مرد بودن

## اشاره

امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است.

## چند نکته در ارتباط با شرایط امام جماعت

\* با دسترسی به روحانی، از اقتدا به غیر روحانی اجتناب شود.

\* اگر امام جماعت، استقرار و آرامش در قیام به صورت طبیعی داشته باشد و بتواند آن را در حال قرائت حمد و سوره و ذکرهای نماز و انجام افعال آن حفظ کند و قدرت بر رکوع و سجده داشته باشد و بتواند وضوی صحیح بگیرد، اقتدای دیگران به او در نماز بعد از احراز سایر شرایط امامت جماعت صحیح است و در قطع کامل دست یا پا و یا فلج بودن آنها امامت محل اشکال است، ولی در قطع انگشت ابهام (شصت) پا، امامت صحیح است.

\* فردی كه شرعاً از انجام غسل معذور باشد می تواند با تیمم بدل از غسل، امام جماعت شود و اقتدا به او اشکال ندارد.



\* نماز مأمومینی که در گذشته بر اثر جهل به حکم شرعی به فردی اقتدا کرده اند که اقتدا به او صحیح نبوده، مثل فردی که دست راست نداشته است، محکوم به صحت است و اعاده و قضا بر آنان واجب نیست.

## 24. مسائل متفرقه ی نماز

1. در رابطه با بیدارکردن افراد خانواده برای خواندن نماز صبح، کیفیت خاصی وجود ندارد.
2. مستحب است ولی اطفال، احکام شرعی و عبادات را پس از رسیدن آنان به سن تمییز به ایشان یاد دهد.
3. منظور از این که شارب خمر تا چهل روز نمازش، نماز نیست این است که شرب خمر، مانع از قبول نماز است نه این که با شرب خمر، وجوب ادای نماز ساقط شود و قضا واجب گردد یا جمع بین ادا و قضا لازم شود.
4. مصافحه بعد از سلام و فراغت از نماز اشکال ندارد و به طور کلی مصافحه ی مؤمنین با هم مستحب است.
5. اگر انسان مشاهده کند فردی بعضی از افعال نمازش را اشتباه انجام می دهد، در این مورد چیزی بر او واجب نیست، مگر این که اشتباه ناشی از جهل او به حکم آن باشد که در این صورت احتیاط (واجب) ارشاد و راهنمایی وی است.

## تمرین

1. آیا در حالی که زنان پشت سر مردان برای نماز جماعت ایستاده اند احتیاج به پرده و ساتر است؟
2. آیا برای مأموم جایز است در نماز جماعت ظهر و عصر، حمد و سوره را برای تمرکز ذهن قرائت کند؟
3. اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیرة الاحرام به رکوع رود وظیفه ی مأموم چیست؟
4. اگر امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم

دینی نباشد، آیا با این کار از عدالت ساقط می شود؟

5. آیا در صحت قرائت، بین نماز فرادی و نماز مأموم یا امام تفاوت وجود دارد، یا این که صحت قرائت در هر حالی مسأله ی واحدی است؟

6. آیا زن می تواند برای زنها امامت کند؟

ص: 232







## 1. معنای روزه

### اشاره

«روزه» در شرع مقدس اسلام آن است که انسان در تمام روز (1) (از طلوع فجر تا مغرب) با قصد اطاعت از فرمان خداوند از خوردن و آشامیدن و چیزهای دیگری که به تفصیل گفته خواهد شد خودداری کند.

### توجه

\* معیار شرعی در مورد وقت روزه، فجر صادق است نه کاذب، و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است.

\* در طلوع فجر (وقت وجوب امساک برای روزه گرفتن) فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی نیست.

\* مقتضی است که مؤمنین محترم «أَيَّدَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى» جهت رعایت احتیاط در امساک روزه، همزمان با شروع اذان صبح از رسانه ها برای روزه امساک نمایند.

\* هرگاه برای روزه دار اطمینان حاصل شود که اذان از هنگام داخل شدن وقت شروع شده جایز است به صرف شروع اذان، افطار نماید و صبر کردن تا پایان اذان لازم نیست.

ص: 235

---

1- ملاك در تعیین روز در مواردی که شارع مقدس برای آن حدی مشخص کرده است تابع تحدید شارع است که در مانند روزه و اعتکاف از طلوع فجر تا مغرب می باشد.

### توجه

\* کسی که می داند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد باید روزه را ترك کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست بلکه حرام است، خواه این یقین و خوف از تجربه ی شخصی حاصل شده باشد یا از گفته ی پزشك امین یا از منشأ عقلایی دیگر.

\* ملاك تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن، تشخیص خود روزه دار نسبت به خودش است، بنابراین اگر پزشك بگوید روزه ضرر دارد، اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد باید روزه بگیرد، همچنین اگر پزشك بگوید روزه ضرر ندارد ولی او بداند روزه برایش ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد نباید روزه بگیرد.

\* هرگاه عقیده اش این بود که روزه برای او ضرر ندارد و روزه گرفت و بعد فهمید روزه برای او ضرر داشته باید قضای آن را به جا آورد.

\* پزشکانی که بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می کنند گفته ی ایشان در صورتی معتبر است که اطمینان آور باشد یا باعث خوف ضرر شود و در غیر این صورت اعتباری ندارد.

### 3. روزه های واجب

3. روزه های واجب (1).

### 4. شرایط وجوب روزه

#### توجه

\* روزه بر افرادی واجب است که واجد شرایط فوق باشند، بنابراین روزه بر كودك نابالغ، دیوانه، بیهوش، فردی که توانایی گرفتن روزه ندارد، مسافر، زن حیض و نفسا، کسی که روزه برای او ضرر یا حرج (مشقت زیاد) دارد واجب نیست. (توضیح بیشتر در درسهای بعدی خواهد آمد).

\* انسان نمی تواند به خاطر ضعف روزه را بخورد، ولی اگر به قدری ضعف پیدا کند که تحمل آن بسیار مشکل شود می تواند روزه را بخورد، و همچنین اگر برای او ضرر یا خوف ضرر داشته

ص: 237

---

1-1. اگر حاجی در حج، قدرت بر قربانی نداشته و نتواند قرض کند باید به جای آن ده روز روزه بگیرد که سه روز آن را در سفر حج و هفت روز آن را در وطنش می گیرد.

باشد، بنابراین دخترانی که به سن بلوغ - که بنا به نظر مشهور همان تکمیل نه سال قمری است - می رسند واجب است روزه بگیرند و ترك آن به صرف دشواری، ضعف جسمانی و مانند آن جایز نیست. بلی اگر برای آنها ضرر داشته و تحمل آن برای ایشان همراه مشقت زیاد باشد می توانند افطار کنند.

## 5. شرایط صحت روزه

### توجه

\* روزه از افرادی صحیح است که واجد شرایط فوق باشند، بنابراین روزه ی کافر، دیوانه، بی هوش، مسافر، حیض و نفسا، روزه یی که برای فرد ضرر دارد، یا در آن نیت روزه نکرده یا یکی از مفطرات را عمداً انجام داده باطل است، همچنین روزه ی مستحبی کسی که روزه ی قضا دارد صحیح نیست.

ص: 238

1. روزه یعنی چه؟
2. روزه های واجب را برشمردید؟
3. اگر پزشك شخصی را از روزه گرفتن منع کند، آیا عمل به گفته ی او واجب است؟
4. شرایط وجوب روزه را ذکر نمایید؟
5. دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده اند و روزه گرفتن بر آنها مقداری مشکل است، چه حکمی دارند؟
6. شرایط صحت روزه چیست؟

6. نیت روزه

1. معنی و لزوم نیت

روزه مانند همه ی عبادت‌های دیگر باید با نیت همراه باشد، بدین معنی که خودداری انسان از خوردن و آشامیدن و سایر چیزهای باطل کننده ی روزه، به خاطر دستور خداوند باشد و همین که چنین عزمی در او باشد کافی است و لازم نیست آن را بر زبان بیاورد.

2. زمان نیت

اشاره

ص: 240

1. از آن جا که شروع روزه از اول فجر است، نیت آن هم باید از آن لحظه به تأخیر نیفتد، و بهتر آن است پیش از فرا رسیدن فجر، نیت روزه کند.
2. اگر اول شب نیت کرد که فردا روز بگیرد و پس از آن به خواب رفت و تا بعد از اذان صبح بیدار نشد یا سرگرم کاری بود و از فرا رسیدن صبح غافل بود، و پس از آن توجه یافت، روزه ی او صحیح است.
3. کسی که در ماه رمضان، هنگام فرا رسیدن اذان صبح، عمداً نیت روزه نمی کند، اگر در اثنای روز نیت روزه کند، روزه اش باطل است و در عین حال باید تا غروب آن روز از همه ی چیزهای باطل کننده ی روزه اجتناب کند و بعد از ماه رمضان هم قضای آن روز را به جا آورد.
4. کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی یا بی اطلاعی، نیت روزه نکرده و در اثنای روز ملتفت شود، در صورتی که کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد، روزه ی آن روز باطل است ولی تا غروب از کارهای باطل کننده ی روزه خودداری کند، اما چنانچه تا هنگامی که ملتفت روزه می شود کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد اگر بعد از ظهر است روزه باطل است، و اگر پیش از ظهر است بنا بر احتیاط واجب باید نیت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزه ی آن روز را قضا کند.
5. اگر برای روزه ی واجب غیر ماه رمضان، مانند روزه ی كفاره یا قضا تا نزدیک ظهر نیت نکند، چنانچه تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، می تواند نیت کند و روزه ی او صحیح است.
6. روزه ی مستحبی را در هر وقت از روز که به فکر روزه بیفتد می تواند نیت روزه کند و روزه ی او صحیح است، مشروط بر این که تا آن لحظه کاری که موجب باطل شدن روزه است از او سر نزده باشد.
7. کسی که روزه ی قضای ماه رمضان بر او واجب است نمی تواند روزه ی مستحبی بگیرد حتی اگر زمانی که وقت نیت روزه ی واجب تمام شده است (یعنی بعد از ظهر) هم نیت روزه ی مستحبی کند صحیح نیست، و چنانچه فراموش کند و روزه ی مستحبی بگیرد در صورتی که در اثنای روز (چه پیش از ظهر باشد یا بعد از ظهر) یادش بیاید روزه ی مستحبی او باطل می شود، حال اگر پیش از ظهر باشد می تواند نیت روزه ی قضای ماه رمضان کند و روزه اش درست است.



## توجه

\* کسی که روزه ی قضای ماه رمضان بر ذمه دارد اگر به نیت استحباب روزه بگیرد، به جای روزه ی قضایی که بر عهده اش هست محسوب نمی شود.

\* کسی که نمی داند روزه ی قضا بر عهده دارد یا نه، اگر به نیت آنچه که شرعاً مأمور به آن است اعم از روزه ی قضا یا مستحبی، روزه بگیرد و در واقع روزه ی قضا بر عهده اش باشد به عنوان روزه ی قضا محسوب می شود.

8. اگر مریض در اثنای روز ماه رمضان خوب شود، واجب نیست که نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر پیش از ظهر باشد و کاری که روزه را باطل می کند از او سر نزده باشد احتیاط مستحب آن است که نیت روزه کند و روزه بگیرد و پس از ماه رمضان باید آن روز را قضا کند.

### 3. نیت در یوم الشک

روزی که انسان شك دارد که آخر شعبان است یا اول ماه رمضان (یوم الشک) واجب نیست روزه بگیرد، و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی تواند نیت روزه ی رمضان کند، بلکه می تواند قصد روزه ی مستحبی آخر شعبان یا روزه ی قضا و مانند آن کند و اگر بعداً معلوم شود که رمضان بوده از رمضان حساب می شود و قضای آن روز لازم نیست، و اگر در اثنای روز بفهمد که ماه رمضان است باید از همان لحظه نیت روزه ی رمضان کند.

### 4. استمرار در نیت

## اشاره

1. در روزه، واجب است نیت، استمرار داشته باشد.

ص: 242

\* آنچه گفتیم در ارتباط با روزه ی واجب معین از قبیل روزه ی ماه رمضان و نذر معین و مانند آن است، اما در روزه های مستحب و نیز روزه های واجب غیر معین که وجوب آن مخصوص به روز معینی نیست اگر تصمیم بر قطع روزه بگیرد ولی کاری که روزه را باطل می کند از او سر نزند و بعداً دوباره تا پیش از ظهر - و در مستحب تا غروب - نیت روزه کند روزه ی او صحیح است.

### تمرین

1. آیا روزه ی کسی که اول شب نیت کند که فردا روزه بگیرد و پس از آن به خواب رود و تا بعد از اذان صبح بیدار نشود صحیح است؟
2. روزه ی مستحبی را تا چه زمانی می توان نیت کرد؟
3. کسی که نمی داند روزه ی قضا دارد چنانچه روزه ی مستحبی بگیرد و بعد بفهمد روزه ی قضا داشته آیا به عنوان روزه ی قضا حساب می شود؟
4. حکم یوم الشک را بیان نمایید؟
5. نیت قطع با نیت قاطع چه فرقی دارد؟
6. کسی که در روزه ی ماه رمضان تصمیم می گیرد روزه اش را باطل کند، ولی قبل از این که عملی که روزه را باطل می کند انجام دهد از تصمیم خود منصرف شود حکم روزه اش چیست؟

## 7. مفطرات

### توجه

\* به کارهایی که روزه را باطل می کند «مفطرات روزه» می گویند.

### 1. خوردن و آشامیدن

#### اشاره

1. اگر روزه دار عمداً و آگاهانه چیزی بخورد یا بیاشامد روزه ی او باطل می شود، خواه آن چیز از

ص: 244

خوراکیها و آشامیدنیهای معمول باشد و خواه از چیزهای غیر خوراکی مانند کاغذ یا پارچه و امثال آن، و خواه زیاد باشد یا کم، مانند قطره های بسیار کوچک آب یا خرده ی کوچکی از نان.

2. اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه اش باطل می شود، اما اگر علم به وجود باقیمانده ی غذا در لای دندانها و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته و یا فرو رفتن آن عمدی و با التفات نبوده روزه باطل نمی شود.

3. خوردن و آشامیدن از روی سهو و فراموشی روزه را باطل نمی کند و تفاوتی هم بین اقسام روزه از واجب و مستحب نیست.

4. فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی کند.

5. احتیاط واجب آن است که روزه دار از استعمال آمپولهای مقوی یا مغذی، یا آمپولهایی که به رگ تزریق می شود و نیز انواع سیرم ها خودداری کند، ولی تزریق آمپول در عضله یا برای بی حس کردن و نیز دارو گذاشتن در زخمها و جراحتهای اشکال ندارد.

6. احتیاط واجب آن است که روزه دار از مواد مخدری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می شود خودداری کند.

7. اگر موقعی که مشغول خوردن غذا است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون بیاورد، و اگر عمداً آن را فرو ببرد روزه اش باطل است. (وظیفه ی کسی که عمداً روزه را باطل کرده است بعداً گفته خواهد شد).

8. فرو بردن اخلاط سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی کند، اما اگر داخل فضای دهان شود احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

9. هرگاه خوردن قرص در حال روزه برای درمان فشار خون ضروری باشد اشکال ندارد، ولی با خوردن آن، روزه باطل می شود. (بر استفاده از قرص جهت درمان، عنوان خوردن صدق می کند).

10. خونی که از لثه بیرون می آید تا آن را فرو نبرده است روزه باطل نمی شود و چنانچه در آب دهان مستهلک شود (و از بین برود) محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نخواهد بود، و همچنین در صورت شك در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نخواهد زد.

\* به صرف بیرون آمدن خون از دهان، روزه باطل نمی شود، ولی واجب است از رسیدن آن به حلق جلوگیری کند.

## 2. جماع (آمیزش جنسی)

1. آمیزش جنسی روزه را باطل می کند، هر چند منی بیرون نیاید.

2. اگر فراموش کند که روزه است و آمیزش جنسی کند، روزه ی او باطل نمی شود، ولی هر لحظه که یادش آمد باید فوراً از حال آمیزش خارج شود وگرنه روزه اش باطل است.

## 3. استمنا (خودارضایی جنسی)

1. استمنا حرام است و اگر روزه دار عمداً کاری کند که منی از او بیرون بیاید روزه اش باطل می شود.

2. محتمل شدن در روز (خروج منی در حال خواب) روزه را باطل نمی کند، و هرگاه روزه دار بداند که اگر در روز بخوابد محتمل می شود، لازم نیست از خواب خود جلوگیری کند.

3. اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود واجب نیست از آن جلوگیری کند.

## 4. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع)

1. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع) حرام است و بنا بر احتیاط (واجب) موجب باطل شدن روزه می شود، هر چند بعداً توبه کند و بگوید که دروغ بسته است.

2. نقل روایاتی که در کتب آمده است و انسان نمی داند که دروغ باشد، اشکال ندارد، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که آنها را با نسبت به آن کتاب نقل کند (مثلاً بگوید: در فلان کتاب چنان نوشته شده است که پیامبر (ص) فرمود...).

## 5. رساندن غبار غلیظ به حلق

1. روزه دار بنا بر احتیاط واجب باید غبار غلیظ را، مانند غباری که از جارو کردن زمین خاکی بر می خیزد فرو ندهد، ولی صرف داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون این که به حلق برسد روزه را باطل نمی کند، همچنین دود سیگار و دیگر دخانیات بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می کند.

2. هرگاه روزه دار مبتلا به تنگی نفس شدید، ماده یی را به کار ببرد که از هوای فشرده همراه با دارویی هر چند به صورت گاز یا پودر تشکیل شده و وارد حلق می شود روزه اشکال ندارد.



1. مفطرات روزه را بر شمرید.
2. تزریق آمپول و سایر تزریقات در حال روزه چه حکمی دارد؟
3. آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است و به روزه ضرر نمی زند؟
4. آیا احتلام در روز، روزه را باطل می کند؟
5. آیا نقل روایاتی که در کتب آمده و انسان نمی داند دروغ است در حال روزه جایز است؟
6. حکم استعمال دخانیات، مانند سیگار در حال روزه چیست؟

## 6. فرو بردن سر در آب

1. اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو ببرد، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است و باید روزه ی آن روز را قضا کند.
2. در حکم مسأله ی قبل فرقی نیست میان این که در هنگام فرو بردن سر در آب، بدن او نیز در آب باشد یا این که بدن او در بیرون باشد و فقط سر را در آب فرو ببرد.
3. اگر نصف سر را در آب فرو ببرد و سپس بیرون بیاورد و نصف دیگر سر را در آب فرو کند روزه اش باطل نمی شود.
4. اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند روزه باطل می شود.
5. اگر شك کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه، روزه اش صحیح است.
6. اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد روزه اش باطل نمی شود، ولی باید فوراً سر را از زیر آب خارج کند، همچنین اگر فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو ببرد روزه ی او باطل نمی شود، ولی هرگاه یادش آمد باید فوراً سر را بیرون بیاورد.
7. کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون این که بدنش خیس شود در آب فرو رود، اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه اش محل اشکال است و بنا بر احتیاط واجب قضای آن لازم است.
8. آب ریختن روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی رساند.



### اشاره

1. کسی که در شب ماه رمضان دچار جنابت است باید تا پیش از اذان صبح غسل کند و اگر عمداً تا آن هنگام غسل نکند روزه اش باطل است. این حکم در مورد روزه ی قضای ماه رمضان نیز جاری است.

### توجه

\* اگر در شب ماه رمضان جنب شود و بدون تعمد تا اذان صبح غسل نکند، مثل این که در خواب جنب شود و خواب او تا بعد از اذان صبح ادامه یابد روزه اش صحیح است.

\* باطل شدن روزه به خاطر بقای بر جنابت، مخصوص روزه ی ماه رمضان و قضای آن است و در روزه های دیگر به خصوص روزه ی مستحبی موجب بطلان نمی شود.

2. اگر جنب در روزه ی ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نماید روزه اش باطل است و احتیاط (واجب) این است که قضای روزه ی ماه رمضان هم در این حکم به آن ملحق شود، ولی در سایر روزه ها، روزه بر اثر آن باطل نمی شود.

3. اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است، روزه هایی که در این چند روز گرفته باطل است و باید آنها را قضا نماید.

4. اگر شخصی در ماه مبارك رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از چند روز متوجه شود که آن آب نجس بوده است، روزه های او محکوم به صحت است.

5. کسی که در شب ماه رمضان وظیفه دارد غسل کند، اگر به دلیل تنگی وقت یا مضر بودن آب و امثال آن نتواند غسل کند، باید تیمم بدل از غسل به جا آورد.

### توجه

\* کسی که وظیفه ی او تیمم است جایز است عمداً خود را در شبهای ماه مبارك رمضان جنب کند به شرط این که بعد از جنب شدن، وقت کافی برای تیمم داشته باشد.

\* هرگاه کسی قبل از اذان صبح، غسل جنابت و یا تیمم بدل از آن را انجام دهد روزه ی او صحیح است، هر چند بعد از اذان صبح بدون اختیار از او منی خارج شود.

6. اگر در حال روزه در خواب جنب شود روزه باطل نمی شود، بنابراین اگر قبل از اذان صبح یا



بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بیدار شود، جنابت به روزه ی آن روز او ضرر نمی زند. بلی واجب است که برای نماز غسل کند و می تواند غسل را تا وقت نماز به تأخیر بیندازد.

### توجه

\* اگر روزه دار در روز ماه رمضان و سایر ایام که روزه است در حال خواب جنب شده، پس از بیدار شدن واجب نیست فوراً غسل کند.

7. کسی که در بیداری جنب شده یا پس از جنب شدن در حال خواب، بیدار شده و می داند که اگر به خواب رود، تا پیش از اذان صبح برای غسل بیدار نخواهد شد، جایز نیست قبل از غسل کردن بخوابد، و اگر خوابید و پیش از اذان، غسل نکرد روزه اش باطل است، ولی اگر احتمال می دهد که پیش از اذان صبح برای غسل بیدار خواهد شد و تصمیم بر غسل داشته باشد ولی بیدار نشود روزه اش صحیح است، ولی اگر دوباره خوابید و تا صبح بیدار نشد باید قضای آن روز را به جا آورد.

### توجه

\* هرگاه در شب ماه رمضان قبل از فجر شك کند که محتلم شده یا نه، ولی به شك خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتلم شده است، چنانچه بعد از بیداری اول، اثری از احتلام در خود مشاهده نکند بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد روزه اش صحیح است، هر چند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است، همچنین اگر قبل از اذان صبح متوجه احتلام خود نشود و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از اذان صبح محتلم شده است روزه اش صحیح است.

8. زنی که از عادت ماهانه پاك شده و باید غسل کند، و همچنین زنی که از نفاس (خونریزی زایمان) پاك شده و غسل بر او واجب است، اگر غسل را تا اذان صبح روز ماه رمضان تأخیر اندازد روزه اش باطل است.

9. زن روزه دار اگر در اثنای روز خون حیض یا نفاس ببیند روزه اش باطل می شود، اگر چه نزدیک مغرب باشد.

## توجه

\* اگر زنی در حال روزه‌ی نذری معین حیض شود روزه اش باطل می‌شود و قضای آن بعد از طهارت واجب است.

## 8. اماله کردن با مایعات

1. اماله کردن با چیز روان، اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند.
2. داروهای مخصوصی برای معالجه‌ی بعضی از بیماریهای زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می‌شود، استفاده از این داروها به روزه ضرر نمی‌رساند.

## 9. قی کردن عمدی

### اشاره

1. هرگاه روزه دار عمداً قی کند اگر چه به واسطه‌ی بیماری و مانند آن ناچار به این کار باشد، روزه اش باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند اشکال ندارد.
2. اگر در هنگام آروغ زدن، چیزی در دهانش بیاید باید آن را بیرون بریزد و اگر بی‌اختیار فرورود روزه اش صحیح است.

## چند نکته در ارتباط با مفطرات روزه

\* هرگاه روزه دار عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد روزه‌ی او باطل می‌شود و چنانچه از روی عمد نباشد، مثل این که پایش بلغزد و در آب فرورود، یا از روی فراموشی غذا بخورد، یا به زور چیزی در گلوئی او بریزند روزه اش، باطل نمی‌شود و تفاوتی هم بین اقسام روزه از واجب، مستحب، ماه رمضان و غیره نیست.

## توجه

\* هرگاه روزه دار خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطری شود (و به عبارت دیگر مجبورش کنند که خودش افطار کند، مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر جانی یا مالی به تو می‌زنیم و او خودش برای جلوگیری از ضرر، غذا بخورد) روزه اش باطل می‌شود.

\* اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی را بکند که موجب باطل شدن روزه است و سپس به خیال این که روزه اش باطل شده، عمداً بار دیگر یکی از آن کارها را انجام دهد، روزه‌ی او باطل می‌شود.

\* هرگاه کسی شك کند مفطری انجام داده است یا نه، مثلاً غبار غلیظی که وارد دهان شده آن را فروبرده است یا نه، یا آبی که داخل دهان کرده بیرون ریخته یا نه، روزه اش صحیح است.

## تمرین

1. کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون این که بدنش خیس شود در آب فرورود روزه اش چه حکمی دارد؟
2. آیا زیر دوش رفتن یا ریختن آب بر روی سر توسط ظرف و مانند آن، روزه را باطل می کند؟
3. آیا جایز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نماید و روزه ی قضا یا مستحب بگیرد؟
4. اگر جنب در روزه ی ماه رمضان یا روزه های دیگر غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و در اثنای روز به یادش بیفتد چه حکمی دارد؟
5. اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتمل شده است و دوباره پیش از اذان صبح به امید این که برای غسل کردن بیدار می شود بخوابد و تا بعد از اذان در خواب بماند روزه اش چه حکمی دارد؟
6. اگر روزه دار در هنگام آروغ زدن، چیزی در دهانش بیاید وظیفه اش چیست؟

8. كفاره ی افطار عمدی روزه ی ماه مبارك رمضان

1. وجوب كفاره و موارد آن

اشاره

1. هرگاه در ماه مبارك رمضان کارهایی که روزه را باطل می کند را از روی عمد و اختیار و بدون عذر شرعی انجام دهد، علاوه بر این که روزه ی او باطل می شود و قضا دارد كفاره نیز بر او واجب است اعم از این که هنگام انجام مفطر، عالم به وجوب كفاره باشد یا نه.

توجه

\* اگر فردی به خاطر عذری احتمال دهد که روزه ی ماه مبارك رمضان بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، علاوه بر قضا، كفاره هم بر او واجب است. (صرف احتمال عدم وجوب روزه ی ماه مبارك رمضان برای افطار کافی نیست). بلی اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلایی داشته باشد كفاره ندارد، ولی قضا بر او واجب است.

\* اگر به سبب بی اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می کند، مثل این که نمی دانست سر زیر آب کردن روزه را باطل می کند و سر زیر آب کرد، روزه اش باطل است و باید آن را قضا کند، ولی كفاره بر او واجب نیست.

\* اگر کاری را انجام دهد که می داند حرام است، ولی نمی دانسته که روزه را باطل می کند

علاوه بر قضا، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

\* اگر به جهتی باطل کردن روزه برای او جایز یا واجب شود، مانند این که او را مجبور کنند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، یا برای نجات جان غریق خود را در آب بیندازد، در این صورت، کفاره بر او واجب نیست، ولی باید قضای آن روز را به جا آورد.

2. اگر چیزی از اندرون روزه دار به دهان او برگردد، نباید آن را دوباره فرو برد، و اگر عمداً فرو ببرد قضا و کفاره بر او واجب است.

3. اگر روزه دار به گفته ی کسی که می گوید مغرب شده و اعتماد به گفته ی او نیست، افطار کند و سپس بفهمد که مغرب نبوده، قضا و کفاره بر او واجب می شود.

4. هرگاه روزه دار در ماه رمضان با همسر خود که روزه دار است جماع کند و زن نیز به آن راضی باشد بر هر يك از آنان حکم افطار عمدی جاری است و علاوه بر قضا، کفاره هم بر هر دو واجب است.

## 2. مقدار کفاره و کیفیت آن

### توجه

\* از آن جایی که در این دوران ظاهراً برده یی وجود ندارد که بتوان آزاد کرد مکلف باید یکی از آن دو کار دیگر را انجام دهد.

\* در مقدار کفاره تفاوتی نیست بین آن که روزه دار، به چیز حلال روزه ی خود را باطل کند یا به چیز حرام، مثل زنا یا استمناء یا خوردن و آشامیدن حرام، گر چه احتیاط مستحب در افطار به چیز حرام آن است که کفاره ی جمع پردازد یعنی هم يك برده آزاد کند و هم دو ماه روزه بگیرد و هم شصت فقیر را غذا دهد.

\* هرگاه هیچ يك از این سه کار ممکن نشود باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط (واجب) آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان بگوید: «اللَّهُ تَغْفِرُ اللَّهُ» (از خداوند بخشایش

ص: 254

می طلبیم).

\* کسی که به خاطر عدم توانایی بر روزه و غذا دادن به فقیر، وظیفه اش استغفار است، اگر بعدها تمکن پیدا کرد که روزه بگیرد یا به فقرا غذا دهد، لازم نیست این کار را بکند، گر چه موافق احتیاط مستحبی است.

2. کسی که می خواهد دو ماه کفاره ی روزه ی ماه رمضان را بگیرد باید يك ماه تمام و حداقل يك روز از ماه دوم را پی در پی بگیرد و اگر بقیه ی ماه دوم پی در پی نباشد اشکال ندارد.

3. زنی که می خواهد شصت روز روزه ی کفاره بگیرد و در اثنای روز به روزهای عادت ماهانه و امثال آن برسد پس از پایان آن روزها می تواند بقیه ی روزه ها را بگیرد و لازم نیست آنها را از سر بگیرد.

5. کسی که برای کفاره ی روزه می خواهد به شصت فقیر غذا دهد (به شرحی که در مسأله ی قبل گفتیم) اگر به شصت فقیر دسترسی دارد نمی تواند سهم دو نفر یا بیشتر را به يك نفر بدهد، بلکه لازم است به تمام شصت نفر به اندازه ی سهم هر يك غذا بدهد. البته می تواند به عدد افراد خانواده ی شخص فقیر مقدار سهم آنان را به او واگذار کند و او آن را مصرف آنان نماید.

## توجه

\* در فقیر، تفاوتی میان بچه و بزرگ و زن و مرد نیست.

## 3. احکام کفاره

1. اگر روزه دار در يك روز بیش از يك بار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد فقط يك کفاره بر او واجب می شود. بلی اگر این کار، آمیزش جنسی یا استمنای باشد احتیاط واجب آن است که به عدد دفعات آمیزش جنسی یا استمنای کفاره بدهد.

2. کسی که عمداً روزه ی خود را باطل کرده، اگر پس از آن به سفر برود کفاره از او ساقط

ص: 255



نمی شود، بنابراین اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند و برای فرار از روزه تصمیم بگیرد بعد از طلوع فجر مسافرت کند و این کار را نیز انجام دهد، صرف تصمیم و قصد سفر در شب و رفتن به مسافرت در روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست.

3. کسی که کفاره بر او واجب شده، لازم نیست که آن را فوراً بدهد، ولی نباید آن را به قدری تأخیر بیندازد که کوتاهی در ادای واجب شمرده شود.

4. کفاره ی واجب را اگر چند سال بگذرد و ندهد، چیزی بر آن اضافه نمی شود.

5. در کفاره ی روزه، بین قضا و کفاره، ترتیب واجب نیست.

### تمرین

1. هرگاه کسی به واسطه ی بی اطلاعی و ندانستن مسأله کاری را انجام دهد که می داند حرام است ولی نمی دانسته که روزه را باطل می کند، آیا قضای روزه های آن روزها کافی است؟

2. اگر مردی با همسر خود در ماه رمضان جماع کند و زن نیز راضی به آن باشد چه حکمی دارد؟

3. مقدار کفاره ی افطار عمدی ماه مبارك رمضان را بیان نمایید.

4. حکم کسی که با آمیزش جنسی حرام یا استمنا یا خوردن و نوشیدن حرام روزه ی خود را در ماه رمضان باطل نموده چیست؟

5. اگر روزه دار در يك روز بیش از يك بار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد چه وظیفه ی دارد؟

6. آیا کفاره ی واجب را اگر چند سال بگذرد و ندهد چیزی بر آن اضافه می شود؟

## درس 63 روزه (6) کفاره ی افطار قضای ماه رمضان - کفاره ی تأخیر - فدیة

### 9. کفاره ی افطار قضای ماه رمضان

#### 1. وجوب کفاره و موارد آن

##### اشاره

کسی که قضای روزه ی ماه رمضان را گرفته جایز نیست بعد از ظهر روزه را باطل کند و اگر عمداً چنین کاری را انجام دهد باید کفاره بپردازد.

##### توجه

\* کسی که روزه ی قضای ماه رمضان را به جا می آورد می تواند پیش از ظهر روزه را افطار کند، به شرط این که وقت برای قضای روزه تنگ نباشد، اما اگر وقت، تنگ باشد مثلاً پنج روز قضا به ذمه دارد و پنج روز هم بیشتر به ماه رمضان باقی نمانده افطار پیش از ظهر (همچون افطار بعد از ظهر) برای او به احتیاط (واجب) جایز نیست، هر چند اگر افطار کند کفاره ندارد.

\* اگر کسی برای گرفتن روزه ی قضای ماه رمضان اجیر شود و بعد از زوال افطار کند کفاره بر او واجب نیست.

#### 2. مقدار کفاره

کفاره ی افطار قضای ماه رمضان عبارت است از غذا دادن به ده فقیر و اگر نمی تواند واجب است سه روز روزه (بنابر احتیاط واجب پی در پی) بگیرد.

ص: 257

### 1. وجوب كفاره و مورد آن

#### اشاره

كسی كه روزه ی ماه رمضان را به واسطه ی عذری نگیرد و تا رمضان آینده هم به خاطر سهل انگاری و بدون عذر قضای آن را به جا نیاورد باید بعداً روزه را قضا كند و برای هر روز كفاره ی تأخیر بدهد، اما اگر قضای روزه ی ماه رمضان را به علت استمرار عذری كه مانع روزه گرفتن است، مانند مسافرت تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر اندازد قضای روزه هایی كه از او فوت شده كافی است و واجب نیست كفاره بدهد، هر چند احتیاط (مستحب) در جمع بین قضا و كفاره است. ناگفته نماند در خصوص بیماری، توضیحی وجود دارد كه خواهد آمد.

#### توجه

\* كفاره ی تأخیر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمی شود، بنابراین اگر شخصی به خاطر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضای روزه هایش را به تأخیر اندازد باید برای هر روز كفاره ی تأخیر بدهد.

\* كفاره ی تأخیر قضای روزه ی ماه رمضان - هر چند به مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد - يك بار واجب است و با گذشت سالها متعدد نمی شود، بنابراین اگر قضای روزه ی ماه رمضان را چند سال به تأخیر اندازد باید قضا را به جا آورد و برای هر روز يك كفاره ی تأخیر بدهد.

### 2. مقدار كفاره

#### اشاره

كفاره ی تأخیر عبارت است از يك مد طعام كه بایستی به فقیر داده شود.

#### توجه

\* کسی كه باید برای هر روز يك مد طعام بدهد می تواند كفاره ی چند روز را به يك فقیر بدهد.

## 1. موارد فدیة

### اشاره

1. زن بارداری که خوف از ضرر روزه بر جنین خود دارد و خوف وی هم دارای منشاء عقلایی باشد باید روزه اش را افطار کند و برای هر روزی فدیة بدهد و قضای روزه را هم بعداً به جا آورد.
2. زن شیردهی که به دلیل کم یا خشک شدن شیرش بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل خود دارد باید روزه اش را افطار کند و برای هر روزی فدیة بدهد و قضای روزه را هم بعداً به جا آورد.
3. بیماری که به واسطه ی بیماری، روزه ی ماه رمضان را نگرفته و بیماریش تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرده است، قضای روزه هایی را که نگرفته واجب نیست، فقط باید برای هر روزی فدیة بپردازد.

### توجه

- \* زنی که به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و به جهت ادامه ی بیماری قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست فدیة بر خود او واجب است و چیزی بر عهده ی شوهرش نیست.
- \* زنی که در دو سال متوالی به دلیل عذر شرعی، روزه ی ماه رمضان را نگرفته، اگر عذر او در خوردن روزه، خوف از ضرر روزه بر جنین یا کودکش بوده باید علاوه بر قضا، برای هر روزی فدیة هم بپردازد و چنانچه قضا را بعد از رمضان، تا ماه رمضان سال بعد بدون عذر شرعی به تأخیر انداخته علاوه بر قضا و فدیة، کفاره ی تأخیر هم بر او واجب است و اگر روزه برای خودش ضرر داشته و به جهت ضرر داشتن قادر بر قضای روزه تا رمضان سال بعد نبوده باید برای هر روزی فدیة بپردازد و قضای روزه بر او واجب نیست.

## 2. مقدار فدیة

مقدار فدیة همان مقدار كفاره ی تأخیر است یعنی يك مد طعام كه بایستی به فقیر داده شود.

### يك نكته در ارتباط با كفاره

\* اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه نگیرد یا روزه اش را باطل کند باید كفاره بدهد.

### توجه

\* كفاره ی نذر همان كفاره ی قسم است که در جای خود گفته خواهد شد.

### تمرین

1. مورد و مقدار كفاره ی افطار قضای ماه رمضان را بیان نمایید.

2. مورد و مقدار كفاره ی تأخیر چیست؟

3. آیا كفاره ی تأخیر بر کسی که بر اثر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده، قضای روزه هایش را به تأخیر انداخته واجب است؟

4. موارد فدیة کدامند؟

5. زنی به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست، در این صورت آیا كفاره بر او واجب است یا بر شوهرش؟

6. زنی در دو سال متوالی در ماه مبارك رمضان حامله بوده و قدرت روزه گرفتن در آن ایام را نداشته است، ولی در حال حاضر توانایی روزه گرفتن را دارد حکم او چیست؟

ص: 260

**درس 64 روزه (7) جاهایی که قضا واجب است ولی کفاره واجب نیست - احکام قضای روزه - احکام روزه ی قضای پدر و مادر - احکام روزه ی مسافر**

**12. جاهایی که قضا واجب است ولی کفاره واجب نیست**

1. کسی که در روز ماه رمضان نیت روزه نمی کند، یا از روی ریا روزه می گیرد ولی هیچیک از کارهایی را که موجب باطل شدن روزه است انجام نمی دهد قضای آن روز بر او واجب است، ولی کفاره واجب نیست.
2. کسی که در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کرده و با حال جنابت يك یا چند روز، روزه بگیرد قضای آن روزها بر او واجب است.
3. اگر در سحر ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، سپس معلوم شود که در آن هنگام صبح شده بوده است، باید قضای آن روز را بگیرد، ولی اگر تحقیق کند و بداند که صبح نشده و چیزی بخورد، و بعد معلوم شود که صبح بوده است قضای آن روز بر او واجب نیست.
4. اگر در روز ماه رمضان به خاطر تاریکی هوا یقین کند که مغرب شده یا کسانی که خیر آنها شرعاً حجت است بگویند مغرب شده، و افطار کند سپس معلوم شود که هنوز در آن هنگام مغرب نبوده است باید قضای آن روز را به جا آورد.

5. اگر بر اثر ابر گمان کند که مغرب شده و افطار کند، بعد معلوم شود که مغرب نبوده است، قضای آن روز بر او واجب نیست.

6. در سحر ماه رمضان تا وقتی یقین به طلوع فجر نکرده است می تواند کارهایی را که موجب باطل شدن روزه است انجام دهد، ولی اگر بعداً معلوم شد که در آن هنگام صبح شده بوده است حکم آن در مسأله ی (3) گفته شد.

7. در روز ماه رمضان تا وقتی یقین به فرارسیدن مغرب نکرده باشد نمی تواند افطار کند، و اگر با یقین به مغرب افطار کرد و بعد معلوم شد که مغرب نشده بوده است حکم آن در مسأله ی (4 و 5) گفته شد.

8. اگر روزه دار در هنگام وضو که مستحب است قدری آب در دهان بگرداند و مضمضه کند، این کار را کرد و آب بی اختیار فرو داده شد روزه اش صحیح است و قضا بر او واجب نیست، ولی اگر این کار را نه برای وضو بلکه برای خنك شدن و امثال آن انجام داد و آب بی اختیار به حلق او فرو رفت، باید قضای آن روز را به جا آورد.

### 13. احکام قضای روزه

#### اشاره

1. کسی که يك یا چند روز بی هوش و در حال اغما بوده و روزه ی واجب از او فوت شده، لازم نیست قضای روزه آن روزها را به جا آورد.
2. کسی که به خاطر مستی، روزه از او فوت شده، مانند این که بر اثر مستی نیت روزه نکرده هر چند همه روز را امساک کرده باشد، قضای روزه بی که از او فوت شده واجب است.
3. کسی که نیت روزه کرده ولی سپس مست شده و همه یا بخشی از روز را با حال مستی گذرانیده بنا به احتیاط (واجب) باید روزه ی آن روز را قضا کند، مخصوصاً در مستی های شدید که موجب زائل شدن عقل است.

#### توجه

\* در این مسأله و مسأله ی قبل فرقی نیست میان این که صرف ماده ی سکرآور برای او حرام باشد یا به خاطر بیماری یا بی اطلاعی از موضوع، حلال بوده باشد.

4. زن باید ایامی را که به خاطر عادت ماهیانه و یا زایمان روزه نگرفته پس از ماه رمضان قضا کند.

5. کسی که چند روز از ماه رمضان را به خاطر عذری روزه نگرفته، و تعداد آن روزها را نمی داند، مثلاً نمی داند که آیا در روز بیست و پنجم ماه رمضان به سفر رفته تا روزه هایی که از او فوت شده مثلاً شش روز باشد یا در روز بیست و ششم رفته که پنج روز باشد می تواند مقدار کمتر را قضا کند و اما در صورتی که هنگام شروع عذر (مثلاً سفر) را می داند، مثلاً می داند که در روز پنجم ماه به سفر رفته ولی نمی داند که در شب دهم برگشته تا پنج روز فوت شده باشد یا شب یازدهم برگشته تا شش روز فوت شده باشد، در این صورت احتیاط (واجب) آن است که مقدار بیشتر را قضا کند.

6. اگر از چند ماه رمضان روزه ی قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانع ندارد، ولی اگر وقت قضای آخرین ماه رمضان تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به ماه رمضان مانده باشد، در این صورت احتیاط (واجب) آن است که قضای رمضان آخر را بگیرد.

7. کسی که روزه ی قضای ماه رمضان را به جا می آورد می تواند پیش از ظهر روزه را افطار کند به شرط این که وقت برای قضای روزه، تنگ نباشد، ولی بعد از ظهر جایز نیست.

8. هرگاه به واسطه ی بیماری، روزه ی ماه رمضان را نگیرد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد طولانی شود قضای روزه هایی را که نگرفته واجب نیست، ولی اگر به واسطه ی عذر دیگری (مثلاً به خاطر مسافرت) روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند واجب است روزه هایی را که نگرفته بعد از ماه رمضان قضا کند، همچنین اگر ترك روزه به خاطر بیماری بوده، بعد بیماری رفع شده و عذر دیگری مانند مسافرت پیش آمده است.

### **يك نکته در ارتباط با قضای روزه**

\* ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به صرف ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی شود، بنابراین دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی، توانایی روزه گرفتن ندارد و تا ماه رمضان آینده هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد واجب است روزه هایی که از او فوت شده را قضا کند، همچنین فردی که چند سال روزه نگرفته و فعلاً توبه کرده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها دارد، واجب است تمام روزه های فوت شده را قضا کند و چنانچه نتواند، قضای روزه ها از او ساقط نمی شود و بر عهده اش می ماند.



## 14. احکام روزه ی قضای پدر و مادر

1. اگر پدر و نیز بنا به احتیاط واجب، مادر روزه های خود را به خاطر عذری غیر از سفر به جا نیاورده و با این که می توانسته آن را قضا کند، قضا نیز نکرده است بر پسر بزرگتر آنان واجب است که پس از مرگ آنان، خودش یا به وسیله ی اجیر قضای آن روزه را به جا بیاورد، و اما آنچه به خاطر سفر به جا نیاورده اند واجب است حتی در صورتی که فرصت و امکان قضا را هم نیافته اند، آن را قضا کند.
2. روزه هایی را که پدر یا مادر عمداً به جا نیاورده اند بنا بر احتیاط (واجب) باید به وسیله ی پسر بزرگتر - شخصاً یا با گرفتن اجیر - قضا شود.
3. در نماز و روزه قضای پدر و مادر، ترجیحی بین نماز و روزه نیست و هر يك را می توان بر دیگری مقدم داشت.

## 15. احکام روزه ی مسافر

### اشاره

1. کسی که در ماه رمضان مسافرت می کند در هر مورد که نماز را باید شکسته بخواند نباید روزه بگیرد، و در هر مورد که باید نماز چهار رکعتی (تمام) بخواند، مانند مسافری که ده روز در يك محل قصد ماندن می کند یا این که مسافرت شغل اوست واجب است روزه را نیز به جا بیاورد. (مگر در مواردی که استثنا شده است).
2. هرگاه روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید باید روزه ی خود را تمام کند، اما اگر پیش از ظهر مسافرت نماید روزه اش باطل است، ولی قبل از آن که به حد ترخص برسد نمی تواند روزه را افطار کند و اگر پیش از آن افطار کند بنا بر احتیاط كفاره ی (افطار عمدی روزه ی ماه رمضان) بر او واجب است. البته اگر از حکم مسأله غافل بوده كفاره ندارد.
3. هرگاه مسافر پیش از ظهر وارد وطن شود یا به جایی برسد که قصد ده روز توقف دارد، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد باید روزه بگیرد و اگر انجام داده باشد بعداً قضا کند، ولی اگر بعد از ظهر وارد شود نمی تواند روزه بگیرد.
4. مسافرت در ماه رمضان هر چند برای فرار از روزه باشد جایز است. البته بهتر است به سفر نرود مگر این که سفر برای کار نیکو یا لازمی باشد.

## يك نکته در ارتباط با روزه ی مسافر

\* مسافری که تصمیم به اعتكاف در مسجد الحرام دارد اگر قصد اقامت ده روز در مكه ی مكرمه نماید و یا نذر کرده باشد که در سفر روزه بگیرد بر او واجب است بعد از این که دو روز روزه گرفت، اعتكاف خود را با روزه ی روز سوم كامل کند، ولی اگر قصد اقامت و یا نذر روزه در سفر نکرده باشد، روزه ی او در سفر صحیح نیست و با عدم صحّت روزه، اعتكاف هم صحیح نیست.

### نهمین

1. اگر روزه دار قدری آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرورود روزه اش باطل می شود؟
2. کسی که از چند ماه رمضان روزه ی قضا داشته باشد چگونه باید روزه ها را قضا کند؟
3. دختر نه ساله یی که روزه بر او واجب شده و به دلیل دشواری، روزه اش را افطار کرده، آیا قضا بر او واجب است؟
4. حکم روزه ی قضای پدر و مادر را توضیح دهید.
5. اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد ولی در راه به خاطر پیشامد حادثه یی نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه ی او اشکال دارد؟
6. آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه جایز است؟

16. راههای ثابت شدن اول ماه

اشاره

1. رویت هلال پیش از غروب برای اثبات حلول ماه قمری جدید برای شب پس از رویت کفایت می کند و لازم نیست که رویت مقارن غروب یا پس از آن باشد.

توجه

\* رویت با وسیله، فرقی با رویت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاك آن است که عنوان رویت محفوظ باشد، پس رویت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. بلی رویت تصویر هلال از طریق انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رویت معلوم نیست محل اشکال است.

\* استهلال (دیدن هلال) فی نفسه واجب شرعی نیست.

ص: 266

\* صرف کوچکی و پایین بودن هلال یا بزرگی و بالا بودن و یا پهن یا باریک بودن آن و مانند آن، دلیل شرعی شب اول یا دوم بودن نیست، ولی اگر مکلف از آن علم به چیزی پیدا کند باید به مقتضای علم خود در این زمینه عمل نماید.

\* اول ماه به وسیله ی تقویمها و محاسبات علمی منجمین ثابت نمی شود مگر این که از گفته ی آنها یقین حاصل شود.

2. اگر در شهری اول ماه ثابت شود برای شهرهای دیگر که در افق باهم متحد هستند کفایت می کند.

### توجه

\* منظور از اتحاد افق، شهرهایی است که از جهت احتمال رویت و عدم احتمال رویت هلال یکسان باشند.

3. تا حاکم حکم به رویت هلال نکند، صرف ثبوت هلال نزد او، برای تبعیت دیگران از وی کافی نیست، مگر آن که اطمینان به ثبوت هلال حاصل نمایند.

### توجه

\* اگر شخصی هلال ماه را ببیند و بداند که رویت هلال برای حاکم شرع شهر او به هر علتی ممکن نیست، واجب نیست رویت هلال را به حاکم اطلاع دهد مگر آن که ترك آن مفسده داشته باشد.

\* اگر حاکم حکم نماید که فردا عید است و این حکم، شامل همه ی کشور باشد حکم او شرعاً برای همه ی شهرها معتبر است.

\* در تبعیت از اعلام رویت هلال توسط يك حکومت، اسلامی بودن آن حکومت شرط نیست، بلکه ملاک در این مورد، حصول اطمینان به رویت در منطقه یی است که نسبت به مکلف کافی محسوب می شود.

\* اگر هلال ماه در شهری دیده نشود ولی تلویزیون و رادیو از حلول آن خبر دهند، در صورتی که مفید اطمینان به ثبوت هلال گردد یا صدور حکم به هلال از طرف ولی فقیه باشد کافی است و نیازی به تحقیق نیست.

4. اگر اول ماه از طریق رؤیت هلال حتی در افق شهرهای مجاور که يك افق دارند و یا از طریق شهادت دو فرد عادل و یا از طریق حکم حاکم ثابت نشود باید احتیاط کرد تا اول ماه ثابت شود.

5. اگر اول ماه رمضان ثابت نشود روزه واجب نیست، ولی اگر بعداً ثابت شود که آن روزی را که روزه نگرفته اول ماه بوده باید آن را قضا کند.

6. روزی که انسان شك دارد آخر رمضان است یا اول شوال باید روزه بگیرد، اما اگر در اثنای روز ثابت شود که اول شوال است باید افطار کند، هر چند نزدیک مغرب باشد.

## 17. مسائل متفرقه ی روزه

1. در جایی که بیشتر مردم در شبهای ماه مبارك رمضان برای قرائت قرآن و خواندن دعا و شرکت در مراسم دینی و امثال آن بیدار هستند، پخش برنامه های خاص سحرهای این ماه از بلندگوی مسجد جهت شنیدن همگان اشکال ندارد، ولی اگر سبب اذیت همسایگان مسجد شود جایز نیست.

2. قرائت دعاهای مخصوص ماه رمضان که به صورت دعای روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، اگر به قصد ثواب و مطلوبیت باشد اشکال ندارد.

3. هرگاه کسی روزه ی مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر برساند و هر موقع بخواهد می تواند روزه ی خود را بخورد، بلکه اگر برادر مؤمنی او را به غذا دعوت کند مستحب است دعوت او را قبول کرده در اثنای روز افطار نماید. خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هر چند روزه را باطل می کند ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی سازد.

4. اگر روزه داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد و سپس به جایی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است روزه ی او صحیح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشید با فرض این که در وقت غروب در سرزمین خود افطار کرده برای او جایز است.

5. اگر شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم آن در وطن خود روزه بگیرد و در صبح روز بیست و هشتم به مکانی که با شهر خودش هم افق می باشد مسافرت کند و در روز بیست و نهم به آنجا برسد و متوجه شود که در آنجا عید اعلام شده است در صورتی که اعلان عید در روز بیست و نهم در آن مکان، به نحو شرعی و صحیح باشد قضای آن روز بر او واجب نیست، ولی این

كشفت می كند كه يك روز روزه در اول ماه از او فوت شده، لذا واجب است قضای روزه بی را كه یقین به فوت آن دارد را به جا آورد.

## تهرین

1. راههای ثابت شدن اول ماه را ذكر نمایید.
2. مقصود از اتحاد افق چیست؟
3. آیا صرف ثبوت هلال نزد حاكم، برای تبعیت دیگران از وی کافی است؟
4. روزی كه انسان شك دارد آخر رمضان است یا اول شوال وظیفه اش چیست؟
5. دعاهای مخصوص ماه رمضان به صورت دعای روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، قرائت آنها در صورت شك در صحت شان چه حكمی دارد؟
6. اگر روزه داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد سپس به جایی مسافرت كند كه خورشید در آن هنوز غروب نكرده است، روزه ی آن روز چه حكمی دارد؟ آیا تناول مفطرات برای او در آنجا قبل از غروب خورشید جایز است؟

ص: 269









## 1. معنای خمس

### اشاره

خمس در لغت به معنی يك پنجم است، و در اصطلاح یکی از واجبات مهم مالی در دین اسلام به شمار می رود، و عبارت است از مالی که هر فرد واجد شرایط به نسبت يك پنجم طبق ضوابط خاصی باید بپردازد.

### توجه

\* مالیاتی که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین و مقررات وضع می کند، هر چند پرداخت آن بر کسانی که قانون شامل آنان می شود واجب است، و مالیات پرداختی هر سال از مؤونه ی همان سال محسوب است، ولی از خمس (سهمین مبارکین) محسوب نمی شود، بلکه بر آنان دادن خمس درآمد سالانه شان در زائد بر مؤونه ی سال به طور مستقل واجب است.

## 2. وجوب خمس

### اشاره

وجوب خمس از ضروریات اسلام است و انکار آن اگر به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم اسلام (ص) یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود باعث کفر و ارتداد است.

### توجه

\* صرف عدم توانایی یا دشواری پرداخت خمس، موجب فراغت ذمه و سقوط تکلیف نمی شود، بنابراین افرادی که خمس بر آنها واجب است ولی تاکنون آن را نپرداخته اند و در حال حاضر هم

توانایی پرداخت آن را ندارند و یا بر آنها دشوار است واجب است هر زمانی که توانایی پرداخت بدهی بابت خمس داشتند آن را بپردازند. این افراد می توانند با دست گردانِ مبالغ بدهی خود با ولی امر خمس یا وکیل او، آن را به تدریج بر حسب استطاعت خودشان از جهت مقدار و زمان ادا نمایند.

\* تأخیر پرداخت خمس از سال خمسی به سال دیگر جایز نیست، هر چند هر وقت آن را بپردازد ادای بدهی حاصل می شود و در صورت تنزل ارزش پول باید با حاکم شرع مصالحه کند.

\* هرگاه به مال شخص غیر بالغ خمس تعلق بگیرد (مثل این که معدن یا حلال مخلوط به حرام باشد) بر ولی شرعی او پرداخت آن واجب است، مگر خمس سود حاصل از تجارت با اموال او یا منافع کسبش که پرداخت آن بر ولی واجب نیست، بلکه بنابر احتیاط (واجب) در صورتی که سود به دست آمده باقی بماند ادای خمس آن بر خود طفل بعد از رسیدن به سن تکلیف واجب است.

\* خمس فقط بر شخصیت‌های حقیقی (شخص یا اشخاص) واجب است، و بر شخصیت‌های حقوقی از قبیل دولت‌ها و حکومتها، مؤسسه‌ها و بانکها و مانند آن واجب نیست، بنابراین اگر مؤسسه‌ای منفعتی ببرد لازم نیست بعد از کسری مخارج سالانه، خمس منافع را بپردازد. بله، اگر اموال آن شخصیت حقوقی ملك اشخاص حقیقی بوده باید خمس آن منفعت را بپردازد.

### 3. منابع هفتگانه خمس

#### 4. بخشی از آثار سوء عدم پرداخت خمس

1. پرداخت نکردن خمس بدون عذر حرام است.

2. اگر میت وصیت کند که مقداری از دارایی او به عنوان خمس پرداخت شود یا ورثه یقین پیدا کنند که وی مقداری خمس بدهکار است تا وصیت میت و یا خمسی را که بر عهده دارد از ماترك او ادا نکنند نمی توانند در تركه ی او تصرف نمایند، و تصرفات آنان قبل از عمل به وصیت وی یا پرداخت دین او نسبت به مقدار وصیت یا دین در حکم غصب است و نسبت به تصرفات قبلی نیز ضامن هستند.

ص: 275

1. آیا پرداخت مالیاتی که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین و مقررات وضع می کند کفایت از خمس می کند؟
2. افرادی هستند که خمس بر آنها واجب است، ولی تا کنون آن را نپرداخته اند و در حال حاضر هم توانایی پرداخت آن را ندارند و یا بر آنها دشوار است، حکم آنان در این باره چیست؟
3. منابع خمس را ذکر نمایید.
4. اگر فردی چند سال درآمد سالانه ی خود را محاسبه نکند تا این که اموالش نقد و سرمایه اش زیاد شود و بعد از آن، خمس غیر از سرمایه قبلی اش را بپردازد، آیا این کار اشکال دارد؟

## درس 67 خمس درآمد (1) معنای درآمد - انواع درآمد - نمونه هایی از موارد عدم انطباق درآمد

### توجه

\* بر هر فرد واجد شرایط واجب است خمس درآمد مازاد بر مؤونه ی خود را پرداخت کند.

### 1. معنای درآمد

منظور از درآمد در این جا، مال و ثروتی است که از راه فعالیت های اقتصادی به دست می آید، و به اصطلاح عنوان کسب در آن دخالت دارد.

### 2. انواع درآمد

ص: 277

کارهای ساده دریافت می دارد، و همچنین هر فرد دیگری که نیروی انسانی خود را در اختیار دیگری می گذارد و در برابرش مزد و حقوق می گیرد.

### 3. نمونه هایی از موارد عدم انطباق درآمد

#### 1. میراث

1. ارث و پول فروش آن خمس ندارد، هر چند قیمت آن افزایش یافته باشد، مگر این که آنرا به قصد تجارت و زیاد شدن قیمت نگهداری کند که در این صورت، پس از فروش بنابر احتیاط واجب باید خمس ارزش افزوده آن پرداخت شود.

2. ارثی که به فرزندان صغیر می رسد خمس ندارد ولی از سود حاصل از ارث، آن مقدار که تا زمان رسیدن به بلوغ شرعی در ملک آنان باقی می ماند بنابر احتیاط بر هر يك از آنان واجب است که بعد از رسیدن به سن تکلیف، خمس آن را بپردازند.

#### 2. مهریه

مهریه خمس ندارد و در عدم وجوب خمس آن، فرقی بین مهریه مدت دار و بدون مدت و بین پول نقد و کالا وجود ندارد.

#### 3. هبه و هدیه

1. هبه و هدیه خمس ندارد، هر چند احتیاط (مستحب) این است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.

2. تحقق عنوان هبه و هدیه تابع قصد دهنده است، بنابراین نفقه یی که انسان از طرف پدر یا برادر یا یکی از اقوام دریافت می کند در صورتی هبه و هدیه محسوب می شود که پرداخت کننده، آن دو را قصد کرده باشد.

3. وسایلی که از طرف پدر و مادر و یا دیگران به شخص اهدا می شود خمس به آن تعلق نمی گیرد، هر چند این وسایل مورد نیاز او یا مناسب شأن عرفی او نباشد. بله، اگر هدیه دادن چنین اشیایی خارج از شأن پدر و مادر باشد، مؤونه ی آنان محسوب نمی شود و باید خمس آن را بپردازد.

4. پدری که به دخترش يك واحد مسکونی به عنوان جهیزیه ی عروسی اش بخشیده، اگر هبه ی واحد مسکونی به دختر، عرفاً مطابق شأن پدر محسوب شود و در بین سال خمسی بخشیده

باشد دادن خمس آن واجب نیست.

5. چیزی که بنیاد شهید به خانواده های عزیز شهدا هدیه می کند خمس ندارد ولی در سود حاصل از آن اگر از مؤونه ی سال زیاد بیاید خمس واجب است، همچنین آنچه به فرزندان عزیز شهدا توسط بنیاد مذکور اهدا می شود خمس ندارد ولی از سود حاصل از آن، آن مقداری که تا زمان رسیدن به بلوغ شرعی در ملك آنان باقی می ماند بنابر احتیاط بر هر يك از آنان واجب است که بعد از رسیدن به سن تکلیف خمس آن را بپردازند.

6. بخشش صوری و به قصد فرار از خمس، خمس دارد، بنابراین زن و شوهری که پیش از رسیدن سال خمسی، اقدام به هدیه کردن صوری سود سالانه ی خود به یکدیگر می کنند تا خمس به اموال آنها تعلق نگیرد بایستی خمس آنچه به همدیگر می بخشند را بپردازند. (با این کار، خمس واجب از آنان ساقط نمی شود).

7. پول فروش هبه و هدیه خمس ندارد، هر چند قیمت آن افزایش یافته باشد مگر این که آن را به قصد تجارت و زیاد شدن قیمت نگهداری کند که در این صورت، پس از فروش بنابر احتیاط واجب باید خمس ارزش افزوده آن پرداخت شود.

8. عیدی کارمندان (آنچه از پول نقد و اجناس که دولت در ایام عید به کارمندان خود به عنوان عیدی می دهد) خمس ندارد، هر چند تا سر سال باقی بماند. بلی اگر اجناس به قیمت کمتری در اختیار کارمندان قرار گیرد، از آن جا که در واقع قسمتی از اجناس از سوی دولت مجانی و قسمتی در برابر پول، داده شده، فلذا از کالای باقیمانده به نسبت مقداری که پول در برابر آن پرداخت شده واجب است که خمس آن پول را بپردازند.

#### 4. جایزه

جایزه هایی که توسط بانکها و صندوق های قرض الحسنه و مانند آن به افراد پرداخت می شود خمس ندارد.

#### 5. وقف

اعیان موقوفه (مثل زمین وقفی) مطلقاً خمس ندارد، حتی اگر وقف خاص باشد. ثمره و نمای آن هم مطلقاً خمس ندارد.



## 6. حقوق شرعی

حقوق شرعی (مثل خمس و زکات) که از طریق مراجع به طلاب محترمی اهدا می شود که مشغول تحصیل در حوزه های علوم دینی هستند خمس ندارد.

## 7. هزینه ی درآمد

آنچه را که انسان از درآمد سال برای به دست آوردن درآمد از کارهای تجاری و غیر آن مصرف می کند از قبیل هزینه های انبارداری، حمل و نقل، وزن کردن، واسطه ی معامله و مانند آن، از درآمد همان سال استثنا می شود و خمس ندارد.

## 8. مال مخمس

مالی که يك بار خمس آن داده شود دیگر خمس به آن تعلق نمی گیرد، بنابراین اگر در سال جدید مصرف نشود و باقی بماند دوباره خمس ندارد.

## 9. بیمه

پولی که شرکتهای بیمه بر اساس قرارداد برای جبران خسارت یا هزینه ی درمان و مانند آن به فرد بیمه شده پرداخت می کنند خمس ندارد. البته اگر از درآمد بین سال هزینه شده و بعد بیمه آن را برمی گرداند این پول خمس دارد.

## 10. کمک هزینه ی تحصیلی

کمک هزینه ی تحصیلی که به دانشجویان از طرف وزارت آموزش عالی پرداخت می شود خمس ندارد. بله، کسانی که بورسیه شده اند و از همان دوران دانشجویی حقوق می گیرند، به حقوق آنها خمس تعلق می گیرد.

## 11. قرض

مالی که قرض گرفته می شود خمس ندارد، مگر آن مقدار که اقساط آن تا سر سال خمسی از منفعت کسب پرداخت شده است، بنابراین اگر شخصی مبلغی را قرض بگیرد و نتواند آن را قبل از آن سال ادا کند لازم نیست خمس آن را بدهد، ولی اگر از درآمد سال خود قسطهای آن را بپردازد و عین مالی که قرض گرفته هنگام رسیدن سال خمسی نزد او باقی باشد واجب است که خمس آن را به میزان اقساطی که پرداخت نموده بپردازد.

1. منظور از «درآمد» در خمس درآمد چیست؟
2. حکم خمس میراث را بیان نمایید.
3. آیا هبه و عیدی خمس دارد؟
4. زن و شوهری برای این که خمس به اموال آنها تعلق نگیرد، قبل از رسیدن سال خمسی شان اقدام به هدیه کردن سود سالانه ی خود به یکدیگر می کند. آیا با این کار، خمس از آنها ساقط می شود؟
5. آیا به جایزه هایی که توسط بانکها و صندوق های قرض الحسنه به افراد پرداخت می شود خمس تعلق می گیرد؟
6. آیا به مالی که شرکت های بیمه بر اساس قرارداد برای جبران خسارت به بیمه شده پرداخت می کنند خمس تعلق می گیرد؟

## درس 68 خمس درآمد (2) معنای مؤونه - حدود مؤونه - مؤونه یی که از نیاز خارج شده - پول فروش مؤونه

### توجه

\* همانطوری که قبلاً گفتیم در خمس درآمد، مؤونه استثنا می شود و خمس ندارد.

### 4. معنای مؤونه

منظور از مؤونه در این جا هزینه ی سالانه است (نه هزینه ی درآمد) و عبارت است از مخارجی که فرد برای اصلاح امر معاش و معاد خود و خانواده تحت تکفل خویش مصرف می کند، مثل مخارج و هزینه های خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث خانه، وسیله ی نقلیه، کتاب، مسافرت های متداول، صدقات، جوایز، نذورات، کفارات، مهمانیها و غیره.

### 5. حدود مؤونه

### اشاره

ص: 282

## 1. نیاز

هر نوع مخارجی را مؤونه نمی گویند، بلکه مخارجی که در اصلاح امر معاش و معاد به آن نیاز است، بنابراین هزینه ی اشیا و کالاهایی که مورد نیاز نیست را نمی توان مؤونه قلمداد کرد، و از این قبیل است پولی که هزینه ی خرید وسایل حرام، مثل انگشتر طلای مردانه، آلات لهُو و لعب، ابزار قمار و مانند آن می شود.

## 2. مخارج سالانه

منظور از مؤونه، مخارج روزانه یا ماهانه ی شخص نیست، بلکه مخارج سالانه است، لذا خمس درآمدی محاسبه می شود که زائد بر احتیاجات سالانه ی زندگی شخص باشد.

## 3. اتحاد در سال

میزان در مؤونه، مخارجی است که در طی سال از درآمد همان سال کسر شده به مصرف می رسد نه سال قبل و بعد، بنابراین اگر در يك سال درآمدی عاید نشد نمی تواند مؤونه ی آن سال را از درآمدهای سال قبل و بعد کسر کند.

## 4. تناسب با شؤون

معیار در مؤونه، هزینه ی متعارفی است که افراد نسبت به شرایط خویش دارند، بنابراین از يك سو محدود به لوازم ضروری و احتیاجات اولیه نیست و از سوی دیگر شامل مخارجی که ولخرجی، اسراف و تبذیر یا اضافه بر شؤون است از قبیل جهازیه ها و خرجهای تشریفاتی در مجالس عروسی و سوگواری و مهمانی و مانند آن نمی شود.

## 5. فعلیت در مصرف

### اشاره

مقصود از مؤونه، مخارجی است کم یا زیاد که فرد برای خود و خانواده تحت تکفل خویش مصرف می کند و شامل مخارجی که فعلاً مصرف نکرده نمی شود هر چند اگر مصرف می کرد اضافه بر شؤون عرفی و اجتماعی او نمی بود، بنابراین فردی که زندگی را بر خود سخت گرفته و آنچه که متناسب با شؤون خود و خانواده اش است را تهیه نمی کند مجاز نیست آن مقداری که می توانست خرج کند و نکرده را مؤونه به حساب آورد.

\* طلائی که شوهر برای همسرش می خرد اگر به مقدار متعارف و مناسب شأن او (شوهر) باشد، از مؤونه محسوب می شود و خمس ندارد.

\* اگر شخصی برای آینده ی فرزندانش با این که خودش در طبقه ی اول زندگی می کند اقدام به ساختن طبقه ی دوم کند در صورتی که ساختن طبقه ی دوم برای آینده ی فرزندانش در حال حاضر از مخارج متناسب با شأن عرفی وی محسوب شود آنچه به مصرف رسانده است خمس ندارد و در صورتی که این چنین نباشد و در حال حاضر هم، نه خودش و نه فرزندانش به آن نیاز ندارند، پرداخت خمس آن واجب است.

\* اگر شخصی ملکی را به قیمت بالایی بخرد و مبلغ زیادی هم خرج اصلاح و تعمیر آن کند و بعد آن را به فرزند غیر بالغ خود هبه و به طور رسمی به اسم او نماید، در صورتی که آنچه را برای خرید ملك و اصلاح و تعمیر آن صرف کرده از درآمدهای سال باشد و بخشش آن ملك به فرزندش در همان سال و متناسب با شأن عرفی او باشد خمس ندارد و در غیر این صورت واجب است خمس آن را بدهد.

\* مبالغی را که انسان برای امور خیریه، مانند کمک به مدارس، آسیب دیدگان از سیل و مانند آن انفاق می کند، از مخارج سال انفاق محسوب می شود و خمس ندارد.

## **6. مؤونه یی که از نیاز خارج شده**

### اشاره

آنچه در مورد «مؤونه یی که از نیاز خارج شده» گفتیم در مورد «فروش مؤونه» نیز جاری است، بنابراین خانه، ماشین و لوازم مورد نیاز انسان و خانواده ی او که از درآمد بین سال یا با پولی که خمس آن داده شده یا خمس نداشته (مثل ارث و هبه) تهیه شده است و بر اثر ضرورت و یا به منظور تبدیل به جنس بهتر یا هر علت دیگر فروخته شده، پول فروش آن و همچنین سود حاصل از افزایش قیمت آن خمس ندارد. بلی اگر لوازم را از محل درآمدی که خمس به آن تعلق گرفته ولی پرداخت نشده تهیه کرده باید خمس پولی که در تهیه ی آن هزینه شده را بدهد، هر چند آن لوازم را نفروشد.

### توجه

#### \* تمرین

1. مؤونه یعنی چه؟
2. حدود مؤونه را توضیح دهید.
3. آیا به طلایی که شوهر برای همسرش می خرد خمس تعلق می گیرد؟
4. حکم مؤونه یی که از نیاز خارج شده است چیست؟
5. اگر شخصی خانه ی خود را فروخته و پول آن را برای استفاده از سود آن در بانک بگذارد و سپس سال خمس اش فرارسد چه حکمی دارد؟ اگر این پول را برای خرید خانه، پس انداز نماید چه حکمی دارد؟

6. اگر وسایل و چیزهای مورد نیاز زندگی مانند ماشین، موتور، فرش که خمس آن داده نشده است فروخته شود، آیا پس از فروش باید خمس آنها فوراً پرداخت شود؟

ص: 286

8. نمونه هایی از موارد عدم انطباق مؤونه

1. سرمایه

اشاره

1. سرمایه یی که با کسب و کار (اعم از حقوق و غیره) به دست آمده، خمس دارد، بنابراین کسی که مالی را به عنوان سرمایه ی مضاربه به دیگری می دهد واجب است خمس آن را بپردازد، همچنین سود حاصل از تجارت با سرمایه، هر مقدار که صرف مؤونه ی زندگی شود خمس ندارد و آنچه از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.

توجه

\* فردی که قطعه ی زمینی را از درآمد سال خود خریده تا آن را بفروشد و پولش را صرف ساخت خانه کند واجب است خمس آن را بپردازد.

\* فردی که خانه ی چند طبقه ساخته یا تهیه کرده تا بعضی از طبقات آن را اجاره دهد و اجاره ی آن را صرف هزینه های زندگی کند باید خمس درآمدی که در طبقات اضافی صرف نموده بپردازد.





2. محل تجاری جزو سرمایه است و واجب است خمس آن پرداخت شود و کسی که توان پرداخت آن را ندارد می تواند بعد از دستگردان با ولی امر خمس یا وکیل او به تدریج بپردازد.

3. سرقفلی جزو سرمایه است و از این رو خمس دارد.

## 2. ابزار و آلات کار

ابزار و آلات کار حکم سرمایه دارد که اگر از درآمد کسب تهیه شود خمس دارد، بنابراین ماشینی که برای انجام امور مربوط به کار و کسب تهیه شده واجب است خمس آن پرداخت شود.

## 3. رشد و نمو سرمایه

1. کالایی که افزایش قیمت پیدا کرده و کسی هست که آن را بخرد ولی فرد برای این که سود بیشتری ببرد آن را فروخته است باید با رسیدن سال خمسی، خمس افزایش قیمت آن را بپردازد، ولی کالایی که تا سر سال فروخته نشده و مشتری برای خرید آن پیدا نشده است، در حال حاضر پرداخت خمس افزایش قیمت آن واجب نیست بلکه افزایش قیمت جزء درآمد سالی است که امکان فروش فراهم شود.

2. اگر کالایی را با مال مخمس به قصد فروش بخرد و بعد از مدتی آن را بفروشد، آن مقدار که بیشتر از قیمت خرید است جزو منفعت کسب محسوب می شود که بایستی خمس زائد بر مؤونه ی سال را بپردازد.

## 4. پس انداز

### اشاره

1. درآمدی که پس انداز می شود سر سال خمسی، خمس دارد مگر این که تهیه ی لوازم ضروری زندگی متوقف بر پس انداز در آمد سال باشد و بنا داشته باشد پس انداز را در آینده ی نزدیک مثلاً چند روز پس از سال خمسی، صرف موارد مذکور کند که در این صورت خمس ندارد.

### توجه

\* کسی که نیاز به تهیه ی مایحتاج زندگی مانند یخچال دارد و استطاعت خرید آن را يك جا ندارد و ماهیانه پولی را پس انداز می کند تا وقتی که پول به حد لازم رسید آن را خریداری نماید، اگر پول پس انداز شده جهت تهیه ی مایحتاج زندگی در آینده ی نزدیک باشد خمس ندارد.

2. هر مقدار که از منفعت کسب، پس انداز می شود يك بار به آن خمس، تعلق می گیرد و پس انداز آن در بانک به صورت قرض الحسنه موجب سقوط خمس آن نمی شود.

## 5. مطالبات

1. طلبهایی که شخص بابت فروش نسبه ی کالا یا اجرت کار دارد اگر سر سال خمسی قابل دریافت باشد - هر چند هنوز آن را نگرفته باشد - پرداخت خمس آن سر سال واجب است و در غیر این صورت جزو درآمدهای سال دریافت محسوب می شود، بنابراین:

1. حقوق ماهیانه ی کارمندان که پرداخت آن توسط دولت چند سال به تأخیر افتاده هنگام دریافت، جزو درآمدهای سال دریافت محسوب می شود نه سال انجام کار و در مقدار زائد بر مخارج سال دریافت خمس واجب است.

2. کارمندانی که سر سال خمسی آنها در پایان ماه اسفند است و حقوق خود را چند روز زودتر از سر سال خمسی می گیرند، اگر حقوق را تا آخر سال خمسی در مؤونه مصرف نکنند بایستی خمس آن مقدار را که در مقابل آن کار انجام داده اند را بپردازند.

2. شخصی که مبلغی را قرض می دهد، اگر مال قرضی را از درآمد سالیانه کارش و قبل از پرداخت خمس آن قرض داده است در صورتی که بتواند تا آخر سال قرضش را از بدهکار بگیرد واجب است که هنگام رسیدن سال خمسی اش خمس آن را بپردازد و اگر نتواند قرض خود را تا پایان سال بگیرد فعلاً پرداخت خمس آن واجب نیست لیکن هر وقت آن را وصول کرد باید خمس آن را بدهد.

## 6. طلای مسكوك

طلای مسكوك در صورتی که جزو منفعت کسب محسوب شود حکم سایر درآمدهای کسب را در وجوب خمس دارد.

## **7. حقوق بازنشستگی**

حقوق بازنشستگی در صورتی که از مخارج سال اضافه بیاید پرداخت خمس آن واجب.

## **8. کفن**

فردی که کفنی را خریده و چند سال مانده بایستی خمس قیمت خرید آن را بپردازد.

ص: 291

1. اگر شرکای شخصی حساب سال خمسی نداشته باشند تکلیف او چیست؟

2. آیا به سرمایه‌ی صندوق قرض الحسنه خمس تعلق می‌گیرد؟ به سود حاصل از آن چگونه؟

3. آیا به ابزاری که در کار و کسب استفاده می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟

4. آیا به اموالی که به تدریج برای خرید خانه یا سایر مایحتاج زندگی پس انداز می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟

5. اگر کارمندی حقوق سال خمسی خود را بعد از رسیدن آن دریافت کند، آیا دادن خمس بر او واجب است؟

6. اگر کسی قبل از سال خمسی اش، مقداری از درآمد خود را به کسی قرض دهد و بعد از گذشت چند ماه از سر سال خمسی خود آن را دریافت کند، این مبلغ چه حکمی دارد؟

9. نمونه هایی از موارد انطباق مؤونه

1. کالاهای مصرفی بی دوام و با دوام

اشاره

کالاهای مصرفی بی دوام از قبیل قند، شکر، برنج، روغن، و مانند آن که در احتیاجات روزانه ی زندگی مصرف می شود اگر از درآمد سال به منظور مصرف سالانه خریداری کند و به مصرف برساند مؤونه به حساب می آید و خمس ندارد و هر مقدار از آن را که در انتهای سال مصرف نکنند مؤونه نیست و بایستی خمس آن را پردازد، و اما کالاهای مصرفی با دوام از قبیل خانه ی مسکونی، لوازم خانگی، اتومبیل شخصی، زیور آلات زنانه و مانند آن که هنگام استفاده عین آنها باقی می ماند (و به عبارت دیگر بهره دهی آن مدت دار است) و به عنوان نیاز زندگی از درآمد خریداری و استفاده می شود مؤونه است و خمس ندارد.

توجه

\* ملاك عدم وجوب خمس در کالاهای مصرفی با دوام، صدق عنوان نیاز به آنها مطابق با شأن عرفی مناسب با انسان است، هر چند در طول سال از آنها استفاده نشود، بنابراین اگر فرش و ظروف اتفاقاً در طول سال مورد استفاده قرار نگیرد ولی برای استفاده ی میهمان به آنها نیاز باشد خمس ندارد، ولی معیار در کالاهای مصرفی بی دوام، مصرف است که هر چه از مصرف سالانه ی

آنها زیاد بیاید خمس دارد.

\* کتابی که از چندین جلد تشکیل شده (مانند وسائل الشیعه) اگر مجموع آن مورد نیاز باشد و یا خرید جلدی که به آن احتیاج است متوقف بر خرید دوره ی کامل آن باشد خمس ندارد و در غیر این صورت باید خمس مجلداتی که الآن مورد نیاز نیست پرداخت شود، و صرف خواندن يك صفحه از هر جلد کتاب، برای ساقط شدن خمس کافی نیست.

\* خانه ی مسکونی مورد نیاز مؤونه است، بنابراین ساختمان سه طبقه یی که صاحب آن در يك طبقه، خودش و در دو طبقه ی دیگر فرزندان زندگی می کنند خمس ندارد.

\* اتومبیلی که از درآمد بین سال جهت استفاده ی شخصی و رفع نیازهای زندگی تهیه شده و جزو احتیاجات مناسب با شأن عرفی شخص باشد مؤونه است و خمس ندارد. بلی اگر برای کسب و کار باشد، مثل تاکسی، وانت، مینی بوس، اتوبوس حکم ابزار کار را در وجوب خمس خواهد داشت.

\* داروهایی که از درآمد بین سال خرید شده و بدون فاسد شدن تا سر سال خمسی باقی مانده است، اگر خرید آنها جهت استفاده در مواقع نیاز باشد و در معرض احتیاج هم باشد مؤونه است و خمس ندارد.

## 2. مایحتاجی که از درآمد تدریجی تهیه می شود

### اشاره

مایحتاجی از قبیل لوازم خانگی، جهیزیه، ساختمان مسکونی و مانند آن که شخص نمی تواند هنگام نیاز یکباره خریداری کند مگر آن که از درآمد سنوات بعد به تدریج تهیه و برای زمان احتیاج نگهداری نماید، آن مقدار که هر سال به اندازة ی شأن عرفی خود تهیه می کند مؤونه است و خمس ندارد.

### توجه

\* اگر در منطقه یی رسم بر این باشد که خانواده ی داماد اقدام به تهیه و تأمین اثاثیه و لوازم خانه کنند و به مرور زمان و به تدریج به تهیه ی آن لوازم بپردازند و سال بر آنها بگذرد، در صورتی که تهیه ی اثاث و لوازم زندگی برای آینده عرفاً جزو مؤونه محسوب شود خمس ندارد.

\* شخصی که خانه یی برای سکونت ندارد ولی مالک قطعه ی زمینی است که يك سال یا بیشتر بر آن گذشته و نمی تواند آن را بسازد، در صورتی که زمین را برای ساخت مسکن مورد نیاز در آن، از

درآمد بین سال خریده باشد تا آن را نفروخته است خمس آن واجب نیست، ولی اگر آن را از درآمد سال به قصد فروش و مصرف پول آن برای ساخت خانه خریده باشد پرداخت خمس آن واجب است.

\* در عدم وجوب خمس در زمینی که برای ساخت مسکن بدان نیاز دارد، فرقی بین این که یک قطعه باشد یا چند قطعه، و یا یک مسکن باشد یا چند مسکن وجود ندارد، بلکه ملاک، صدق عنوان نیاز به آن به مقتضای موقعیت و شأن عرفی وی و همچنین وضع مالی شخص برای ساخت تدریجی آن است.

\* فردی که خانه ی ملکی برای سکونت ندارد و از درآمد بین سال زمینی خریده تا در آن خانه یی برای خودش بسازد چنانچه شروع به ساختن کند ولی قبل از اتمام آن، سال خمسی برسد آنچه در مصالح ساختمان مصرف کرده، خمس ندارد.

### 3. پرداخت بدهی

بدهی پرداخت نشده - چه بدون مدت باشد و چه مدت دار، چه بر اثر قرض گرفتن باشد و یا بر اثر خرید نسیه ی کالا - از درآمد سالانه استثنا نمی شود مگر این که برای تأمین هزینه های سال درآمد باشد که از درآمد سال مقداری را که می خواهد صرف بدهی خود کند استثنا می شود و به معادل آن از درآمد سالانه، خمس تعلق نمی گیرد، ولی اگر برای بدهی های سالهای قبل باشد، هر چند صرف درآمد سالانه برای پرداخت آن جایز است ولی اگر تا پایان سال پرداخت نشود از درآمد سالانه استثنا نمی شود، بنابراین:

1. بر کارمندانی که گاهی مقداری مال از مخارج سالانه ی آنها زیاد می آید خمس تمام درآمد باقیمانده واجب است، هر چند بدهی های نقدی و قسطی داشته باشند. بلی اگر بدهی بر اثر قرض کردن در طول سال برای مخارج همان سال یا خرید بعضی از مایحتاج سال به صورت نسیه باشد در صورتی که بخواهند دین خود را از منافع همان سال ادا نمایند مقدار دین از باقیمانده ی درآمد آن سال استثنا می شود.

2. اقساط بدهی مسکن و مانند آن را هر چند می توان از درآمد کسب همان سال پرداخت کرد، ولی در صورت عدم پرداخت، از درآمد آن سال استثنا نمی شود بلکه به باقیمانده ی درآمد سر سال خمسی، خمس تعلق می گیرد.



3. بدهی که جهت غیر مؤونه (مثل بدهکاری بابت کفارات) بوده، هر چند صرف درآمد سالانه برای پرداخت آن جایز است، ولی اگر تا پایان سال پرداخت نشود از منفعت کسب سالی که در آن بدهی حاصل شده استثنا نمی شود و پرداخت خمس درآمد سالانه کسب که از مخارج آن سال زیاد آمده واجب است.

#### 4. پیش پول اجاره و مانند آن

1. پول پیشی که مستأجر به موجر می دهد، اگر از منفعت کسب مستأجر باشد بعد از گذشت سال خمس دارد و هر وقت مستأجر بتواند آن را از موجر بگیرد باید خمس آن را پردازد.

2. مبلغی که در حال حاضر افرادی که قصد تشریف به حج یا عمره را دارند باید برای حفظ نوبت، مطابق قرارداد مضاربه به بانک سپارند و سودی نیز به آن تعلق می گیرد و زمانی که نوبت تشریف آنها فرا رسد اصل پول و سود آن را دریافت کرده به سازمان حج و زیارت می سپارند و به عمره و حج مشرف می شوند، اگر در همان سال خمسی سپرده گذاری به حج بروند خمس ندارد ولی اگر نوبت حج آنها پس از آن سال خمسی است به اصل سپرده اگر از درآمد کسب غیر مخمس بوده خمس تعلق می گیرد، اما سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نباشد جزو درآمد سال وصول محسوب می شود که اگر در همان سال هزینه شود خمس ندارد.

3. پولی که برای خرید کتاب از نمایشگاه بین المللی کتاب در تهران قبل از تحویل آن پرداخت شده، ولی هنوز کتابها ارسال نشده است خمس ندارد به شرطی که کتابهای مزبور، مورد نیاز و به مقدار متناسب با شأن عرفی شخص بوده باشد.

#### تفرین

1. آیا ملاك عدم وجوب خمس در مؤونه، استفاده ی از آن در طول سال است یا این که نیاز به آن در طی سال کافی است، هر چند موردی برای استفاده از آن پیش نیاید؟

2. داروهایی که از درآمد میان سال خریده شده، اگر بدون فاسد شدن تا سر سال خمسی باقی بماند، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

3. شخصی خانه‌ی ملکی برای سکونت ندارد، لذا زمینی خریده تا در آن خانه‌ی بی برای خودش بسازد، ولی چون پول کافی برای ساخت نداشته، سال بر آن گذشته و آن را به فروش هم نرسانده است، آیا خمس آن واجب است؟

4. آیا بر کارمندانی که گاهی مقداری مال از مخارج سالانه‌ی آنها زیاد می‌آید با توجه به این که بدهی‌های نقدی و قسطی دارند خمس واجب است؟

5. معمول است که برای اجاره‌ی خانه مقداری پول پیش پرداخت می‌کنند، اگر این پول از منافع کسب باشد، و چند سال در نزد صاحبخانه بماند، آیا پس از دریافت، بلافاصله باید خمس آن پرداخت شود؟ و در صورتی که بخواهد با همان پول در جای دیگر منزل اجاره کند، چطور؟

6. آیا پولی که برای ثبت نام حج پرداخته می‌شود و چند سال بر آن می‌گذرد خمس دارد؟

ص: 297

## درس 71 خمس درآمد (5 نحوه ی محاسبه ی خمس درآمد و پرداخت آن «1»

### 10. نحوه ی محاسبه ی خمس درآمد و پرداخت آن

#### 1. زمان تعلق خمس

##### اشاره

زمان تعلق خمس درآمد، همان وقتی است که درآمد به دست می آید ولی پرداخت خمس تا يك سال مهلت داده شده است، از این رو مالك مجاز است خمس خود را قبل از پایان سال پردازد، همچنین می تواند سال خمسی خود را با اجازه ولی امر خمس، عقب بیندازد به شرطی که این مدت را حساب کند.

##### توجه

\* اگر شخصی سکه طلا یا کالای دیگری را به قصد فروش خریداری نماید قیمت خرید و همچنین ترقی قیمت آن در سر سال خمسی متعلق خمس می شود ولو نفروخته باشد و اگر به قصد فروش نخریده باشد فقط قیمت خرید خمس دارد..

#### 2. کسر هزینه ی درآمد

آنچه را که از درآمد سال در راه به دست آوردن سود و در بین فعالیت اقتصادی هزینه می کند، از قبیل مخارج حمل و نقل، خسارات وارده، کرایه ی مغازه، اجرت دلال و کارگر، مالیات و مانند آن، از درآمد همان سال استثنا می شود و خمس ندارد.

ص: 298

### 3. عدم تعلق خمس درآمد به مؤونه (هزینه ی سالانه)

خمس درآمد به مؤونه تعلق نمی گیرد یعنی آنچه از درآمد، در بین سال صرف احتیاجات و لوازم زندگی می شود خمس ندارد و تنها آنچه در پایان سال اضافه می ماند خمس دارد و باید مورد محاسبه قرار گیرد.

### 4. کسر مؤونه ی سال از درآمد همان سال

مؤونه ی هر سال از درآمد همان سال کسر شده (به مصرف می رسد) نه سال قبل و بعد، بنابراین اگر در يك سال درآمدی عاید او نشد نمی تواند مؤونه ی آن سال را از درآمدهای حاصل از سال قبل و بعد کسر کند.

### 5. عدم اشتراط صرف مؤونه از درآمد به نداشتن مال دیگر

در صرف مؤونه از درآمد شرط نیست شخص، مال دیگری غیر از درآمد نداشته باشد، بلکه اگر مالی غیر از درآمد داشته باشد که خمس به آن تعلق نمی گیرد و یا در صورت تعلق پرداخت شده می تواند مؤونه ی خود را از درآمد بردارد و به مصرف برساند. بلی اگر درآمد سال به طور مشترك با مال مخمس در مؤونه مصرف شود واجب است که خمس باقیمانده را در پایان سال به نسبت غیر مخمس به مخمس بپردازد و مجاز نیست چیزی از درآمد سال را جای مال مخمسی که مصرف کرده استثنا کند، مثلاً برنجی را که خمس آن را پرداخته اگر مصرف کند نمی تواند معادل آن از برنج جدید را از خمس استثنا کند، بنابراین آنچه را که از برنج جدید مصرف مؤونه ی سال خود کرده خمس ندارد و آنچه که از آن تا سر سال خمسی باقی مانده خمس دارد.

### 6. داشتن حساب سال خمسی

#### اشاره

افرادی که درآمد شخصی هر چند به مقدار کم داشته باشند - خواه مجرد یا متأهل - واجب است که سال خمسی داشته و درآمد سالانه ی خود را محاسبه نمایند تا در صورتی که چیزی از درآمد تا پایان سال باقی ماند خمس آن را بپردازند. البته حساب سر سال خمسی و محاسبه ی درآمد سالانه واجب مستقلاً نیست، بلکه راهی برای شناخت مقدار خمس است و وقتی واجب می شود که انسان بداند خمسی به او تعلق گرفته ولی مقدار آن را نمی داند، اما اگر از منفعت کسب

چیزی نزد او نماند و همه ی آن در مؤونه ی زندگی مصرف شود خمس می گیرد تا آن را حساب کند.

## توجه

\* زن و شوهری که حقوق خود را به طور مشترك در امور منزل مصرف می کنند واجب است هر يك از آنها سال خمس مستقلی به حساب درآمد خودش داشته و هر کدام خمس باقیمانده ی حقوق و درآمد سالانه ی خود را در پایان سال خمس بپردازد، همچنین خانم خانه داری که همسرش سال خمس دارد که در آن هنگام خمس اموال خود را می پردازد و وی نیز گاهی درآمدی دارد واجب است بر او که زمان دستیابی به اولین درآمد سال را، ابتدای سال خمس خود قرار دهد و هر چه را در طول سال از منفعت کسب خرج مصارف شخصی خود، مثل زیارت، هدیه و مانند آن می کند خمس ندارد و هر چه از منفعت کسب سال، از مؤونه ی سالانه اش تا سر سال زیاد بیاید واجب است که خمس آن را بپردازد.

\* انسان می تواند خودش خمس مالش را حساب نموده و سپس آنچه را بر او واجب است را به ولی امر خمس یا وکیلش بپردازد.

## 7. تعیین مبدأ سال خمس

### اشاره

شروع سال خمس نیاز به تعیین از سوی خود مکلف ندارد (و به عبارت دیگر ابتدای سال خمس با تعیین از جانب مکلف مشخص نمی شود) بلکه يك امر واقعی است که خود به خود بر اساس چگونگی حصول درآمد سالانه متعین می شود، بنابراین ابتدای سال خمس امثال کارگران و کارمندان از اولین روز امکان دریافت اولین درآمد از درآمدهای کار و کارمندی است، و سال خمس تجار و مغازه داران از تاریخ شروع به خرید و فروش، و سال خمس امثال کشاورزان از تاریخ برداشت اولین محصول کشاورزی شروع می شود.

### توجه

\* همانطور که در بالا گفتیم شروع سال خمس حقوق بگیران اعم از کارگران و کارمندان و

غیره همان روز اولی است که مزد یا حقوق خود را دریافت می کنند و یا می توانند دریافت نمایند نه روز شروع به کار.

## **8. آزادی در انتخاب سال خمسی**

سال خمسی را می توان قمری یا شمسی قرار داد و مکلف در انتخاب آن آزاد است.

ص: 301

1. آیا تقدیم و تأخیر سال خمسی جایز است؟
2. فردی ملکی (خانه یا زمین) دارد که خمس به آن تعلق گرفته است، آیا می تواند خمس آن را از درآمد سال بپردازد؟ و آیا واجب است خمس درآمد سال را نیز پرداخت کند؟
3. شخصی در پایان سال خمسی، به طور مثال صد هزار تومان زائد بر مؤونه دارد که خمس آن را داده است، اگر در سال بعد مقدار آن به صد و پنجاه هزار تومان برسد، آیا در سال جدید باید خمس پنجاه هزار تومان را بپردازد یا این که باید دوباره خمس صد و پنجاه هزار تومان را بدهد؟
4. آیا تعیین سال خمسی بر جوانان مجردی که با پدر و مادر خود زندگی می کنند واجب است؟
5. آیا انسان می تواند خودش خمس مالش را حساب نموده و سپس آنچه را بر او واجب است را به ولی امر خمس یا وکیلش بپردازد؟
6. تعیین ابتدای سال برای پرداخت خمس چگونه است؟

## 9. نحوه ی محاسبه ی خمس سرمایه و پرداخت آن

### اشاره

برای محاسبه ی خمس سرمایه، ابتدا هر چه کالا و پول نقد وجود دارد را در سر سال خمسی حساب، و قیمت گذاری کرده خمس آن را می پردازند، سپس در سال بعد مجموعه ی آن را با سرمایه ی اصلی می سنجدند اگر چیزی اضافه بر سرمایه موجود باشد سود محسوب می شود و به آن خمس تعلق می گیرد و اگر چیزی اضافه بر سرمایه ی اولیه افزوده نشده باشد پرداخت خمس واجب نیست، مثلاً فردی که سرمایه اش نود و هشت رأس گوسفند و مقداری پول نقد بوده که خمس آنها را پرداخت کرده، اگر سر سال خمسی مجموع قیمت گوسفندهای موجود با اموال نقدی که دارد بیشتر از مجموع قیمت نود و هشت رأس گوسفند با پول نقدی باشد که قبلاً خمس آن را پرداخته، مقدار زائد خمس دارد.

### توجه

\* واجب است در محاسبه ی خمس سرمایه، کالاها و اجناس (سرمایه ی غیر نقدی) را به هر صورت ممکن هر چند با تخمین، تعیین قیمت کرد و ترك این کار به دلیل مشکل بودن جایز نیست.

\* اگر مالی که خمس ندارد از قبیل جایزه و مانند آن با سرمایه مخلوط شود، در پایان سال خمسی جایز است که آن را از سرمایه استثنا کرد و سپس خمس بقیه ی اموال را پرداخت. مگر



آنکه سرمایه‌ی او به گونه‌ای باشد که مؤونه‌ی خود را از آن برمی‌دارد مانند مغازه‌دار، در این صورت هر مقدار که از سرمایه برای هزینه‌ی خود برداشته بدون اینکه نیت برداشت از سرمایه داشته باشد به نسبت میان مال خمس‌ی و غیر خمس‌ی توزیع می‌شود.

## 10. شك در صحت محاسبه‌ی خمس درآمد

کسی که در صحت حساب خمس درآمد سالهای گذشته شك دارد به آن اعتنا نکند و پرداخت مجدد خمس بر او واجب نیست. بلی اگر در درآمد شك داشته باشد که آیا جزو درآمد سالهای قبل است که خمس آن پرداخت شده یا جزو درآمد امسال است که خمس آن داده نشده بر وی واجب است که احتیاطاً خمس آن را پردازد، مگر این که احراز کند که خمس آن را قبلاً پرداخته است.

## 11. شك در پرداخت خمس

کسی که شك دارد خمس چیزی را داده است یا نه، اگر مشکوک از چیزهایی باشد که خمس به آن تعلق گرفته واجب است یقین به پرداخت خمس پیدا نماید.

## 12. مصالحه

### اشاره

در مواردی که افراد نمی‌دانند خمس به درآمد آنها تعلق گرفته است یا نه، مثل این که یقین دارند خانه‌ی مسکونی خود را با درآمد کسب خریده‌اند ولی نمی‌دانند که آیا درآمد کسب رادر بین سال صرف خرید آن کرده‌اند یا پس از پایان سال پیش از پرداخت خمس، واجب است با ولی امر خمس یا وکیل او مصالحه نمایند.

### توجه

\* خمس قطعی قابل مصالحه نیست. (مصالحه در موارد مشکوک صورت می‌پذیرد).

## 13. دستگردان

### اشاره

در مواردی که خمس بر افراد واجب است و در حال حاضر توان پرداخت آن را ندارند باید خمس‌ی که بر عهده دارند را با ولی امر خمس یا وکیل او دستگردان کنند تا بعداً آن را به تدریج بر حسب استطاعت خودشان از جهت مقدار و زمان پردازند.

\* فردی که مبلغی را به عنوان خمس مالی که متعلق خمس نبوده پرداخته است، اگر آن مبلغ در مصارف شرعی آن مصرف شده، بابت خمس مالی که فعلاً بدهکار است حساب نمی شود. بلی اگر عین آن موجود باشد می تواند آن را مطالبه کند.

\* تحویل خمس و سایر حقوق شرعی از طریق بانک اشکال ندارد، بنابراین فردی که انتقال عین خمس به ولی امر خمس یا وکیل او برایش مشکل است می تواند آن را از طریق بانک حواله کند، هر چند مالی که از بانک گرفته می شود عین مالی که به بانک پرداخت شده نیست.

1. نحوه ی محاسبه ی خمس سرمایه و پرداخت آن را ذکر نمایید.

2. اگر مالی که خمس ندارد از قبیل جایزه و مانند آن با سرمایه مخلوط شود، آیا در پایان سال خمسی جایز است که آن را از سرمایه استثنا کرد و سپس خمس بقیه ی اموال را پرداخت؟

3. کسی که در صحت محاسبه ی خمس اموال گذشته ی خود شك می کند وظیفه اش چیست؟

4. موارد مصالحه کدام است؟

5. در چه مواردی دستگردان انجام می گیرد؟

6. آیا مبلغی را که انسان به عنوان خمس مالی که متعلق خمس نبوده پرداخته است می تواند بابت خمس مالی که فعلاً بدهکار است حساب کند؟

ص: 306

## 1. خمس معدن

### اشاره

معادنی که توسط شخص خاصی یا با مشارکت اشخاص با یکدیگر استخراج می شود خمس در آن واجب است، مشروط بر این که آنچه آن شخص استخراج کرده و یا سهم هر يك از اشخاص که با مشارکت با یکدیگر اقدام به استخراج کرده اند بعد از کم کردن هزینه های استخراج و تصفیه، به مقدار بیست دینار طلا یا دویست درهم نقره یا معادل قیمت یکی از آن دو باشد.

### توجه

\* از شرایط وجوب خمس در معادن این است که شخص یا اشخاصی با مشارکت با یکدیگر آن را استخراج کنند، مشروط بر این که سهم هر يك به حد نصاب برسد و آنچه استخراج شده، ملك آنها شود، و معادنی که دولت استخراج می کند، نظر به این که ملك خاص شخص یا اشخاص نیست، بلکه ملك جهت است لذا شرط وجوب خمس را دارا نیست و در نتیجه جایی برای وجوب خمس بر دولت و حکومت باقی نمی ماند.

## 2. گنج

میزان درباره ی گنجی که افراد در زمینی که مالك آن هستند پیدا می کنند، مقررات نظام جمهوری اسلامی است، بنابراین اگر مقداری سکه ی نقره که تاریخ آن به حدود صد سال پیش بر

می گردد از زیر خاک ساختمان ملکی شخصی پیدا شود بایستی در این مورد به مقررات جمهوری اسلامی رجوع کنند.

### 3. مال حلال مخلوط به حرام

#### اشاره

فردی که یقین به وجود مال حرام در اموالش دارد در صورتی که مقدار دقیق آن را نداند و صاحب آن را هم نشناسد، راه حلال کردن آن اموال این است که خمس آن را بپردازد، ولی اگر شك در مخلوط شدن مال حرام با اموال خود داشته باشد چیزی بر عهده ی او نیست.

#### توجه

\* فردی که با خانواده یی زندگی می کند که اهل خمس و زکات نیستند و اموالشان مخلوط با رباست تا یقین به حرمت این اموال پیدا نکرده می تواند از آن استفاده کند. (درست است که یقین دارد که اهل خمس و زکات نیستند و اموالشان مخلوط با رباست، ولی لازمه اش یقین به حرمت اموالی که او در آن تصرف می کند نیست). البته اگر یقین به حرام بودن آنچه از اموال که او مصرف می کند داشته باشد استفاده از آن برای او جایز نیست مگر آن که جدایی از خانواده و قطع رابطه با آنان برایش حرجی باشد که در این صورت استفاده از اموال مخلوط به حرام آنان اشکال ندارد ولی ضامن مال دیگران که در اموال مورد مصرف او وجود دارد می باشد.

### 4. مصرف خمس

#### 1. سهم مبارك امام (ع) و سهم سادات

#### اشاره

1. خمس به دو قسمت مساوی تقسیم می شود: يك قسمت آن سهم مبارك امام (ع) است و قسمت دیگر سهم سادات.
2. منظور از امام (ع)، امام معصوم هر عصر است که در زمان ما پیشوای دوازدهم امام مهدی حضرت صاحب الامر (عج) هستند. منظور از سادات هم کسانی اند که از طرف پدر انتساب به جناب هاشم جد پیامبر (ص) داشته باشند. (توضیح بیشتر خواهد آمد).
3. سهم مبارك امام (ع) در زمان ما که دسترسی به آن بزرگوار (عج) نیست به طور کلی در اختیار ولی امر مسلمین است تا در مصارفی که مورد رضای امام (ع) است از مصالح مسلمین و

مخصوصاً اداره ی حوزه های علمیه و مانند آن مصرف کند. اختیار سهم سادات نیز مانند سهم مبارك امام (ع) مربوط به ولی امر مسلمین است، بنابراین کسی که بر عهده ی او و یا در مال وی مقداری حق امام (ع) یا سهم سادات باشد باید آن را به ولی امر خمس یا وکیلی که از طرف او اجازه دارد تحویل دهد و اگر می خواهد آن را در یکی از موارد مقرر از قبیل تهیه و توزیع کتابهای مفید و لازم دینی، ازدواج سادات نیازمند، پرداخت قبض آب و برق ایشان و مانند آن مصرف کند باید ابتدا راجع به آن اجازه بگیرد.

4. مقلدین هر يك از مراجع محترم تقلید «دامت برکاتهم» اگر در پرداخت سهمین مبارکین به استناد فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند موجب براءت ذمه می شود.

## توجه

\* سهم مبارك امام (ع) و سهم سادات قابل بخشش نیست.

\* تجارت با حقوق شرعی (از قبیل خمس و زکات) که واجب است به مصرف موارد مقرر شرعی آن برسد و خودداری از مصرف آن، هر چند به قصد استفاده از منافع آن در يك مؤسسه ی فرهنگی باشد بدون اجازه ی ولی امر خمس اشکال دارد و در صورتی که با آن تجارت شود سود حاصل تابع سرمایه است که باید در همان موارد مصرف سرمایه صرف شود و خمس ندارد...

\* کسی که در اجازه ی فردی که مدعی اجازه (از طرف ولی امر خمس) است شك دارد می تواند به صورت محترمانه از آن فرد بخواهد که اجازه ی خطی خود را به او نشان دهد و یا از او قبض رسید را که مهر ولی امر خمس بر آن خورده درخواست کند چنانچه او طبق اجازه یی که از طرف ولی امر خمس دارد عمل کرده عملش مورد تأیید است.

\* گرفتن سهم امام (ع) و سهم سادات برای کسی که شرعاً مستحق نبوده و مشمول مقررات شهریه ی حوزه هم نباشد، جایز نیست.

## 2. شرایط کسانی که می شود به آنان سهم سادات داد

### 1. سیادت:

1. سیدی جایز است از سهم سادات استفاده کند که از طرف پدر انتساب به جناب هاشم جد پیامبر (ص) داشته باشد، بنابراین همه ی سادات علوی و عقیلی و عباسی که هاشمی هستند حق استفاده از مزایای خاص سادات هاشمی دارند.
2. کسی که از طرف پدر به عباس بن علی بن ابی طالب (ع) منسوب است سید علوی می باشد.
3. گرچه منتسبین به پیامبر اکرم (ص) از طرف مادر هم از اولاد رسول اکرم (ص) محسوب می شوند، ولی ملائک ترتیب آثار و احکام شرعی سیادت با انتساب از طرف پدر است.

### 3. فقر:

1. ساداتی که دارای شغل و کسبی هستند، اگر درآمد آنان برای زندگی شان به طور متعارف و مناسب با شان عرفی شان کافی باشد، مستحق خمس نیستند.
2. خانواده ی ساداتی که پدرشان در پرداخت نفقه ی آنان کوتاهی می کند اگر نمی توانند نفقه ی خود را از پدر خود بگیرند جایز است به مقدار نفقه از سهم سادات به آنان داده شود.
3. سادات نیازمند اگر علاوه بر خوراک و پوشاک، به چیز دیگری که مناسب حالشان است نیاز داشته باشند جایز است به مقدار رفع نیاز از سهم سادات به آنان پرداخت شود.
4. زن سیده یی که شوهرش بر اثر فقر نتواند نفقه ی او را بدهد و او هم شرعاً فقیر باشد می تواند برای رفع نیازش سهم سادات بگیرد و آن را برای خود و فرزندان و حتی شوهرش مصرف کند.

#### 4. واجب النفقه نبودن:

به کسی که واجب النفقه است نمی توان خمس داد، مثلاً انسان نمی تواند به پدر و مادر فقیرش که توانایی کمک به آنان را دارد خمس خود را بدهد.

#### 5. مسائل متفرقه ی خمس

1. تصرف در مالی که شك دارد خمس به آن تعلق گرفته یا نه اشکال ندارد.

2. خوردن غذای کسی که اهل خمس اشکال ندارد.

3. اگر صاحب مغازه نداند مشتری که با او معامله می کند خمس مالش را پرداخته است یا نه، چیزی بر عهده ی او نیست و تحقیق هم لزومی ندارد.

4. معاشرت با مسلمانانی که به امور دینی به خصوص نماز و خمس پایبند نیستند، اگر مستلزم تأیید ایشان در عدم التزام به امور دینی نباشد اشکال ندارد مگر آن که ترك معاشرت با آنان مؤثر در اهتمام ایشان به امور دینی باشد که در این صورت واجب است که معاشرت به طور موقت از باب نهی از منکر ترك شود.

5. اگر شخصی اموال خود را طبق اجازه ی کسی که واجب بوده حقوق شرعی خود را به او تسلیم نماید به نیت پرداخت حقوق شرعی که بر عهده داشت برای تأسیس مدرسه و مانند آن به مصرف رسانده است حق پس گرفتن و تصرف مالکانه در آن ندارد.

6. شخصی که برای رفتن به حج استحبایی مبلغی را به حساب سازمان حج واریز کرده، ولی قبل از تشریف به زیارت خانه ی خدا، از دنیا رفته است، فیش حجی که در قبال مبلغی که به حساب سازمان حج واریز کرده، دریافت نموده، به قیمت فعلی اش از ترکه ی او محسوب می شود، و اگر حج بر ذمه ندارد و وصیت به حج هم نکرده صرف آن در حج نیایی برای وی واجب نیست، و پرداخت خمس مبلغ پرداختی بابت آن فیش اگر از پولی که خمس به آن تعلق گرفته ولی پرداخت نشده باشد، واجب است.



1. مقدار نصاب معدن چیست؟
2. تکلیف فردی که در خانواده بی زندگی می کند که اهل خمس و زکات نیستند و اموالشان مخلوط با رباست چیست؟
3. منظور از امام (ع) و سادات در «سهمین مبارکین» چیست؟
4. بعضی از اشخاص، خود اقدام به پرداخت قبض آب و برق سادات می کنند، آیا احتساب آن از خمس جایز است یا خیر؟
5. آیا ساداتی که دارای شغل و کسی هستند استحقاق خمس دارند یا خیر؟
6. آیا جایز است سهم سادات به علویه ی فقیری که ازدواج کرده و فرزندان ندارد، ولی شوهرش غیر علوی و فقیر است داده شود؟ و آیا او می تواند آن را صرف فرزندان و شوهر نماید؟





**1. معنای انفال**

انفال یعنی اموال عمومی که در اختیار پیامبر (ص) و جانشینان معصوم او (ع) قرار دارد و در زمان غیبت، اختیار آن با ولی امر مسلمین است (تحت تصرف حکومت اسلامی است) و از آن باید در مصالح عمومی جامعه و به سود همگان بهره برداری شود.

**2. منابع انفال**

**اشاره**

ص: 315

\* زمینی که در کنار کارخانه های آجرسازی برای استفاده از فروش خاک آن خریداری می شود در صورتی که آباد و ملك خاص شرعی فروشنده باشد، گرچه با خرید آن، ملك خاص خریدار می شود و جزو انقال محسوب نیست، لیکن پرداخت مالیات در آمد حاصل از فروش خاک آن، اگر مستند به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی (در ایران) و مورد تأیید شورای نگهبان قانون اساسی باشد لازم است و دولت حق مطالبه ی آن را دارد.

\* بهره برداری اختصاصی از ماسه ها و شن های کف رودخانه ها برای آبادانی و احداث شهر و غیر آن برای شهرداری ها جایز است و ادعاهای مالکیت خصوصی کف و بستر رودهای بزرگ و عمومی از سوی اشخاص پذیرفته نیست.

\* چراگاههای طبیعی که کسی نسبت به آنها سابقه ی ملکیت اختصاصی ندارد از انقال و اموال عمومی است که اختیار آن با ولی امر مسلمین است و خرید و فروش آن در هیچ حالی صحیح نیست، همچنین سابقه ی تردد عشایر در آنجا موجب مالکیت آنان نمی شود.

\* علف های چراگاههای عمومی طبیعی که سابقه ی ملکیت خصوصی ندارد، ملك اختصاصی کسی نیست و فروش آن از سوی کسی جایز نیست ولی کسی که از طرف دولت، مسؤول امور روستاست، می تواند مبلغی را برای مصالح عمومی روستا از کسانی که اجازه ی چراندن چهار پایان در آن مراتع را دارند بگیرد.

\* صرف داشتن اجازه ی چراندن حیوانات در چراگاههای مجاور املاک اشخاص، برای جواز ورود در ملك غیر و استفاده از آب ملكی آن کافی نیست و این کار برای آنان بدون رضایت مالك آن جایز نمی باشد.

\* از آن جایی که شرعاً صحت وقف، متوقف بر سابقه ی مالکیت شرعی است، همانگونه که انتقال از طریق ارث هم متوقف بر مالکیت شرعی مورث است، لذا جنگلها و چراگاههای طبیعی که تا به حال ملك کسی نبوده است و هیچگونه سابقه ی احیا و آبادکردن در آنها وجود ندارد، ملك اختصاصی کسی محسوب نمی شود تا وقتیکه آن صحیح باشد یا از طریق ارث انتقال یابد. به هر حال هر مقدار از جنگل که به صورت مزرعه یا مسکن و مانند با اجازه شرعی و قانونی آن احیا شده و ملك شرعی گردیده، اگر وقف باشد، حق تصرف در آن با متولی شرعی آن است و اگر وقف

نباشد حق تصرف در آن با مالك آن است، و اما آن مقدار از جنگل و مراتع که به صورت جنگل طبیعی باقی مانده است، از انفال و اموال عمومی است و اختیار آن بر اساس مقررات قانونی، با دولت اسلامی است.

## تمرین

1. انفال یعنی چه؟
2. منابع انفال کدامند؟
3. اگر شخصی زمینی را در کنار کارخانه های آجرسازی برای استفاده از فروش خاک آن بخرد، آیا از انفال محسوب می شود؟ بر فرض این که از انفال نباشد، با توجه به این که به نسبت ده درصد به شهرداری داده می شود، آیا دولت حق مطالبه ی مالیات برای خاک آن دارد؟
4. آیا شهرداری، حق بهره برداری اختصاصی از ماسه ها و شن های کف رودخانه ها برای آبادانی و احداث شهر و غیر آن را دارد؟ و در صورتی که این حق را داشته باشد اگر شخصی غیر از شهرداری مدعی مالکیت آن باشد آیا دعوی او مسموع است یا خیر؟
5. خرید و فروش چراگاههای عشایری در چه زمان صحیح است؟
6. دامدارانی که اجازه ی چراندن حیوانات خود را دارند، آیا جایز است که وارد مزرعه های خصوصی کنار چراگاه شده تا خود و چهارپایان آنان از آب مزرعه، بدون رضایت مالك آن بنوشند؟









### 1. معنای جهاد

جهاد در این جا به معنی تلاش و مبارزه یی است که برای دعوت به اسلام و بسط و گسترش آن و یا به عنوان دفاع از تجاوز دشمن انجام می گیرد.

### 2. وجوب جهاد

جهاد یکی از مهمترین ارکان دینی است و وجوب آن از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می رود.

### 3. اقسام جهاد

#### اشاره

جهاد بر دو قسم است:

1. ابتدایی: آن است که برای برداشتن موانع دعوت به اسلام انجام شود و سپاه اسلام بدون آن که حمله یی از سوی دشمن شده باشد با هدف از بین بردن موانع تبلیغ اسلام و برداشتن موانع مسلمان شدن سرزمین های دیگر و گسترش اسلام و اعلای کلمه ی حق و برپایی شعایر دینی و هدایت کفار و مشرکان و برانداختن شرك و بت پرستی به جنگ و جهاد پردازند. (در حقیقت هدف

ص: 321

از جهاد ابتدایی کشور گشایی نیست، بلکه دفاع از حقوق فطری ملت‌هایی است که به توسط قدرتهای کفر و شرک و استکبار از خدا پرستی و توحید و عدالت محروم شده‌اند).

2. دفاعی: آن است که به عنوان دفاع و جلوگیری از تجاوز دشمن انجام گیرد، و زمانی است که دشمن به سرزمینهای مسلمانان و مرز و بوم آنها هجوم آورد و قصد تسلط سیاسی یا نظامی یا فرهنگی یا اقتصادی نسبت به آنان داشته باشد.

## 1. جهاد ابتدایی

1. جهاد ابتدایی اختصاص به زمان پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) ندارد و فقیه جامع الشرائطی که متصدی ولایت امر مسلمین است در صورت وجود مصلحت می تواند حکم به جهاد ابتدایی کند.

2. اهل کتاب (مانند یهودیها و مسیحیها و زرتشتیها) تا زمانی که مطیع قوانین و مقررات دولت اسلامی که در حمایت آن زندگی می کنند باشند و کاری که منافی با امان است، انجام ندهند حکم مُعاهد را دارند (یعنی باید جان و مال و آبروی آنان حفظ شود و حقوق مشروع و قانونی آنها مراعات گردد).

3. هرگاه کفار به سرزمین اسلامی حمله کنند و کسانی از آنان به دست مسلمین اسیر شود، سرنوشت اسیران جنگی در دست حاکم اسلامی است و آحاد مسلمانان حق تعیین سرنوشت اسرا را ندارند، بنابراین جایز نیست که یکی از مسلمانان يك کافر کتابی یا غیر کتابی، اعم از زن یا مرد را در سرزمین کفر یا سرزمین مسلمانان به تملك خود در آورد.

## 2. جهاد دفاعی

1. دفاع از اسلام و مسلمین واجب است و متوقف بر اذن والدین نیست، ولی در عین حال سزاوار است که انسان تا می تواند رضایت آنان را جلب کند.

2. اگر حفظ نفس محترمه و جلوگیری از وقوع قتل مستلزم دخالت فوری و مستقیم باشد، این کار جایز بلکه شرعاً از باب وجوب حفظ جان نفس محترمه واجب است، و از جهت ثبوتی متوقف بر کسب اجازه از حاکم و یا وجود امر به آن نیست، مگر آن که دفاع از نفس محترمه متوقف بر قتل مهاجم باشد که صورتهای متعددی دارد که احکام آنها هم ممکن است متفاوت باشد.

1. جهاد یعنی چه؟
2. اقسام جهاد را توضیح دهید.
3. هدف از جهاد ابتدایی چیست؟
4. جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم (ع) چه حکمی دارد؟ آیا جایز است که فقیه جامع الشرائط مبسوط الید (ولی امر مسلمین) حکم به آن کند؟
5. آیا جایز است که یکی از مسلمانان، یک کافر کتابی یا غیر کتابی، اعم از زن یا مرد را در سرزمین کفر یا سرزمین مسلمانان به تملک خود درآورد؟
6. اقدام به دفاع از اسلام هنگام تشخیص خطر برای اسلام بدون رضایت والدین حکمش چیست؟







**درس 76 امر به معروف و نهی از منکر (1) معنای امر به معروف و نهی از منکر - وجوب امر به معروف و نهی از منکر - محدوده ی امر به معروف و نهی از منکر - شرایط امر به معروف و نهی از منکر**

### **1. معنای امر به معروف و نهی از منکر**

امر به معروف و نهی از منکر یعنی مردم را به کار نیک واداشتن و از کار زشت بازداشتن.

### **2. وجوب امر به معروف و نهی از منکر**

#### **اشاره**

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به شمار می رود، و افرادی که این فریضه ی بزرگ الهی را ترك می کنند یا در برابر آن بی تفاوتند گناهکار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آنها است. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به شمار می آید.

#### **توجه**

\* امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن يك تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، و صرف توهم این که موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضی از مردم نسبت به اسلام می گردد باعث نمی شود که این وظیفه ی بسیار مهم ترك شود.

ص: 327



\* افرادی که از تخلفات قانونی مثل اختلاس از بیت المال مطلع می شوند وظیفه دارند با رعایت شرایط و ضوابط شرعی نهی از منکر کنند، و توسل به رشوه و راههای غیر قانونی برای هر عملی هر چند به منظور جلوگیری از فساد، جایز نیست. بلی اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد تکلیفی نخواهند داشت، مثلاً اگر خوف داشته باشند که در صورت مبادرت به این فریضه، ضرری از طرف مسؤولین بالاتر متوجه آنان می شود تکلیف از آنها ساقط می شود. البته این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد، ولی با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر دارد بر کسی که قادر بر این فریضه نیست واجب است که نهادهای ذیربط را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته اند مطلع نماید و تا کنده شدن ریشه های فاسد که فسادآور هم هستند موضوع را پیگیری کند.

\* منکرات از این جهت که منکر هستند فرقی بین آنها نیست، ولی در عین حال ممکن است که بعضی از آنها در مقایسه با منکرات دیگر دارای حرمت شدیدتری باشد. به هر حال نهی از منکر برای کسی که شرایط آن را احراز کرده يك وظیفه ی شرعی است و ترك آن جایز نیست، و در این حکم بین منکرات و محیطهای دانشگاهی و غیر دانشگاهی تفاوتی وجود ندارد.

\* بر مسؤولین ذیربط واجب است که به متخصصین بیگانه که گاهی در بعضی از مؤسسات کشور اسلامی کار می کنند دستور دهند که از تظاهر به اموری مثل شرابخواری، خوردن گوشت های حرام خودداری کنند و آنان را از خوردن علنی آنها منع نمایند، ولی اموری که با عفت عمومی منافات دارد به هیچ وجه نباید به آنان اجازه ی انجام آن داده شود. به هر حال، از طرف مسؤولین ذیربط باید تدابیر مناسبی در این باره اتخاذ شود.

\* بر جوانان مؤمن واجب است در دانشگاههای مختلط در برابر مفاصدی که در بعضی از آن مکانها مشاهده می کنند ضمن دوری جستن از ابتلا به مفاصد، در صورت تمکن و تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر مبادرت به انجام این فریضه کنند.

\* امر به معروف و نهی از منکر زنانی که حجاب کامل ندارند متوقف بر نگاه باریبه به آنها نیست، از این رو واجب است. بلی بر هر مکلفی واجب است که از حرام اجتناب کند به خصوص زمانی که مبادرت به انجام فریضه ی نهی از منکر می کند.

### 3. محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر

#### اشاره

محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف واجد شرایط را در بر می‌گیرد حتی بر زن و فرزند واجب است که هنگام مشاهده‌ی ترك معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر، به امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط آن مبادرت کنند.

#### توجه

\* هرگاه موضوع و شرایط امر به معروف و نهی از منکر محقق باشد، تکلیف شرعی و وظیفه‌ی واجب اجتماعی و انسانی همه‌ی مکلفین است، و حالت‌های مختلف مکلف مانند مجرد یا متأهل بودن در آن تأثیر ندارد و به صرف این که مکلف مجرد است تکلیف از او ساقط نمی‌شود.

### 4. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

#### 1. علم به معروف و منکر

شرط اول امر به معروف و نهی از منکر، علم به معروف و منکر است یعنی امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد و در غیر این صورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند، بلکه نباید چنین کاری بکند؛ زیرا ممکن است در اثر جهل و نادانی امر به منکر و نهی از معروف کند، بنابراین نهی از منکر کردن کسی که نمی‌دانیم کارش حرام است یا نه (مثلاً معلوم نیست موسیقی که گوش می‌دهد از نوع مبتذل و حرام آن است یا حلال) واجب بلکه جایز نیست.

#### 2. احتمال تأثیر

#### اشاره

شرط دوم امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است یعنی امر و نهی کننده باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه‌ی ولو در آینده دارد.

## توجه

\* اگر برای مسؤولین به طور قطعی ثابت شود که بعضی از کارمندان ادارات در خواندن نماز کوتاهی کرده و یا اصلاً نماز نمی خوانند و نصیحت و راهنمایی هم تأثیری نداشته باشد واجب است از تأثیر مداومت بر امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن غفلت نکنند، و در صورت ناامیدی از تأثیر امر به معروف نسبت به آنان، اگر بر حسب مقررات قانونی محروم ساختن این گونه افراد از مزایای شغلی مجاز باشد باید در مورد آنان اجرا شود و به آنان تذکر هم داده شود که این محرومیت بر اثر سستی و کوتاهی شان در انجام این فریضه الهی اتخاذ شده است.

### 3. اصرار بر گناه

شرط سوم امر به معروف و نهی از منکر اصرار بر گناه است یعنی باید شخص گناهکار بر استمرار گناه، اصرار و سماجت داشته باشد و چنانچه معلوم شود که وی بدون این که امر و نهی شود خود از خطا دست بر می دارد یعنی معروف را به جا می آورد و منکر را ترك می کند امر و نهی او واجب نیست.

### 4. نداشتن مفسده

## اشاره

شرط چهارم امر به معروف و نهی از منکر، نداشتن مفسده است یعنی باید امر و نهی مفسده نداشته باشد، بدین ترتیب اگر امر و نهی موجب شود به شخص امر و نهی کننده و یا به مسلمان دیگر مفسده یی از قبیل ضرر جانی و یا آبرویی و یا مالی برسد، در این جا امر و نهی واجب نیست. البته مکلف موظف است ملاحظه ی اهمیت را بکند یعنی باید در تمام معروف و منکرها بین مفسده ی امر و نهی و مفسده ی ترك امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهمتر است عمل نماید.

## توجه

\* کسی که می ترسد در صورت اقدام به امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسی که دارای نفوذ و موقعیت اجتماعی خاصی است از ناحیه ی او ضرر قابل توجهی ببیند، واجب نیست او را امر و نهی کند به شرطی که منشأ ترسش، عقلایی باشد، ولی سزاوار نیست کسی به صرف ملاحظه ی مقام کسی که واجب را ترك کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به صرف احتمال وارد شدن ضرر کمی از طرف او، تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترك کند. به هر حال رعایت اهم و مهم لازم است.

## چند نکته در ارتباط با شرایط امر به معروف و نهی از منکر

\* امر به معروف و نهی از منکر در صورتی واجب است که واجد شرایط چهارگانه باشد، بنابراین اگر امر و نهی یکی از آن شرایط را نداشته باشد، مثلاً مفسده داشته باشد در این صورت، امر و نهی واجب نیست، هر چند شرایط دیگر را دارا باشد.

\* در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر و نهی کننده به آنچه امر می کند عمل نماید و از آنچه نهی می کند اجتناب ورزد یعنی امر و نهی بر شخص گناهکار هم واجب است و او نمی تواند به عذر این که گناه می کند خود را از این وظیفه ی بزرگ تبرئه سازد. (این که در منابع دینی از افرادی که خود عمل نمی کنند و دیگران را به عمل وامی دارند و یا خود گناه می کنند و دیگران را از گناه باز می دارند مذمت و نکوهش بسیار شده برای این است که چرا خود عمل به وظیفه نکرده اند نه برای این که چرا امر و نهی کرده اند).

\* در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر و نهی موجب بی آبرویی یا کاسته شدن احترام کسی که واجب را ترك کرده و یا فعل حرام را به جا آورده باشد نشود، بنابراین اگر در امر به معروف و نهی از منکر شرایط و آداب آن رعایت شود و از حدود آن تجاوز نشود و در عین حال مستلزم بی آبرویی یا کاسته شدن احترام کسی که مرتکب خلاف شده شود اشکال ندارد.

### تمرین

1. معنای امر به معروف و نهی از منکر و حکم آن چیست؟

2. اگر کارکنان ادارات و مؤسسات در محل کار خود، ارتکاب تخلفات اداری و شرعی را توسط مسؤولین مافوق مشاهده کنند چه وظیفه بی دارند؟

3. اگر در بعضی از محیطهای دانشگاهی معروف ترك شود و معصیت رواج پیدا کند و شرایط امر به معروف و نهی از منکر هم وجود داشته باشد و امرکننده ی به معروف و نهی کننده ی از منکر شخص مجرد باشد که هنوز ازدواج نکرده است، آیا به خاطر مجرد بودن، امر به معروف و نهی از منکر از او ساقط می شود یا خیر؟

4. شرایط امر به معروف و نهی از منکر را ذکر کنید؟

5. نهی از منکر کردن کسی که نمی دانیم کارش حرام است یا نه حکمش چیست؟

6. اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم بی آبرویی یا کاسته شدن احترام کسی که واجب را ترك کرده و یا فعل حرام را به جا آورده باشد چه حکمی دارد؟

ص: 332

## درس 77 امر به معروف و نهی از منکر (2) مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر - مسائل متفرقه ی امر به معروف و نهی از منکر

### 5. مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر

#### توجه

\* رعایت مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر واجب است یعنی تا به مرحله ی پایین تر مقصود حاصل می شود نباید وارد مرحله ی بالاتر شد.

#### 1. امر و نهی قلبی

1. مرحله ی اول امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی قلبی یا امر و نهی با قلب است. مقصود از امر و نهی قلبی، اظهار رضایت یا کراهت قلبی است یعنی مکلف باید رضایت قلبی خود را نسبت به معروف و تنفر و انزجار درونی خود را نسبت به منکر آشکار سازد و از این راه فردی که معروفی را ترك می کند و یا منکری را به جا می آورد را به انجام معروف و ترك منکر وارد سازد.

2. امر و نهی قلبی (اظهار رضایت و تنفر) درجاتی دارد که تا با پایین ترین درجه و سبک ترین

ص: 333

راه می توان امر و نهی کرد و به مقصود دست یافت نباید متوسل به درجه ی بالاتر شد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: با تبسم و لبخند و روی گشاده برخورد کردن، چشم فرو بستن، خیره شدن، به روی دست زدن، دندان به لب گرفتن، با دست یا سر اشاره کردن، سلام نکردن، روگرداندن، پشت کردن، صحبت را قطع کردن، قهر و ترك معاشرت کردن.

## 2. امر و نهی لسانی

1. مرحله ی دوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی لسانی (زبانی) یا امر و نهی با زبان است. مقصود از امر و نهی زبانی این است که مکلف باید با گفتن از طرف بخواهد از منکر دست بردارد و معروف را انجام دهد.

2. امر و نهی لسانی، درجاتی دارد که تا با پایین ترین درجه و آرام ترین لحن می توان به مقصود رسید نباید اقدام به درجه ی بالاتر کرد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: ارشاد کردن، تذکر دادن، موعظه کردن، پند و اندرز دادن، مصالح و مفاسد و سود و زیانها را بر شمردن، بحث و مناظره کردن، استدلالی سخن گفتن، با غلظت و درشتی حرف زدن، با تهدید صحبت کردن.

## 3. امر و نهی عملی

### اشاره

1. مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی با دست (کنایه از اعمال قدرت و به کار بردن جبر و زور) است. مقصود از امر و نهی عملی این است که مکلف باید با اعمال قدرت و به کار بردن جبر و زور، طرف را از انجام منکر و ترك معروف باز دارد.

2. امر و نهی درجاتی دارد که تا با پایین ترین درجه و آسانترین روش می توان نتیجه گرفت نباید به درجه ی شدیدتر پرداخت. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: حایل شدن و جلوی فرد را گرفتن، حربه از دست گرفتن، وسایل گناه را از دسترس او خارج ساختن، عقب راندن، دست طرف را محکم نگه داشتن، حبس کردن، سختگیری کردن، کتک زدن، به درد آوردن، مجروح و زخمی کردن، شکستن عضو، از کار انداختن، ناقص کردن، کشتن.

\* با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می توان مراتب بعد از مرحله ی امر و نهی زبانی را به نیروهای امنیتی داخل (پلیس) و قوه ی قضائیه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره یی جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی (قلبی و) زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.

\* این که وظیفه ی مردم در امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی، اکتفا به امر به معروف و نهی از منکر قلبی و زبانی است و مراتب دیگر آن بر عهده ی مسئولین است فتوای فقهی است (نه حکمی از طرف دولت).

### **چند نکته در ارتباط با مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر**

\* جواب سلام مسلمان شرعاً واجب است، ولی اگر بر، خودداری از جواب سلام کسی که فعل حرام انجام می دهد به قصد نهی از منکر، عرفاً نهی و منع از منکر صدق کند، این کار جایز است.

\* اگر مأمورانی که از طرف دولت و وظیفه ی جلوگیری از فساد را بر عهده دارند در انجام وظیفه ی خود کوتاهی کنند دخالت اشخاص دیگر در اموری که از وظایف نیروهای امنیتی و قضایی محسوب می شود جایز نیست، ولی مبادرت مردم به امر به معروف و نهی از منکر با رعایت حدود و شرایط آن، اشکال ندارد.

\* کسی که با رانندگانی مواجه می شود که از نوارهای موسیقی غنا و حرام استفاده می کنند وظیفه دارد با تحقق شرایط نهی از منکر، نهی از منکر کند، منتها بر او بیشتر از نهی از منکر زبانی واجب نیست و در صورتی که مؤثر واقع نشود واجب است که از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کند و اگر به طور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش او برسد چیزی بر او نیست.



\* فردی که در بیمارستان به کار مقدس پرستاری مشغول است و گاهی در بعضی از قسمت های محل کار خود ملاحظه می کند که تعدادی از بیماران، نوارهای موسیقی مبتذل و حرام گوش می دهند و نصیحت نیز در آنها بی اثر است، چنانچه بخواهد محتویات باطل نوار را برای جلوگیری از استفاده ی حرام از آن پاك كند جایز است ولی بایستی برای این کار از مالك یا حاکم شرع اجازه بگیرد.

\* تعرض مردم به داخل خانه های دیگران به منظور امر به معروف و نهی از منکر جایز نیست، بنابراین هرگاه صدای بلند موسیقی از بعضی از منازل باعث اذیت و آزار مؤمنین شود نباید متعرض داخل منازل شد. (بلکه باید با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و رعایت مراتب آن، نهی از منکر قلبی و زبانی کرد و در صورت عدم تأثیر به نیروهای انتظامی اطلاع داد).

\* هرگاه یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لایابالی باشد، باید از اعمال خلاف شرع وی اظهار تنفر کرد و او را به هر روش برادرانه یی که مفید و مؤثر است پند و اندرز داد، ولی قطع رحم جایز نیست. بلی چنانچه احتمال داده شود که ترك معاشرت با او موقتاً موجب خودداری او از ارتکاب معصیت می شود به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است.

## توجه

\* بر هر مکلفی واجب است شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب آن را یاد بگیرد تا مبادا در امر و نهی خود دچار عمل خلاف و منکر شود.

## 6. مسائل متفرقه ی امر به معروف و نهی از منکر

1. معیار در رابطه با اشخاصی که در گذشته مرتکب اعمال حرامی مانند شرب خمر شده اند، وضعیت فعلی آنهاست، اگر از آنچه انجام داده اند توبه کرده باشند، معاشرت با آنان، مانند معاشرت با سایر مؤمنین است، ولی کسی که در حال حاضر هم مرتکب حرام می شود باید او را از طریق نهی از منکر از آن کار منع کرد، و اگر از انجام فعل حرام اجتناب نمی کند مگر با دوری جستن از او، قطع رابطه و ترك معاشرت با وی از باب نهی از منکر واجب می شود.

2. پوشیدن طلا یا آویختن آن به گردن بر مردان مطلقاً حرام است، و پوشیدن لباسهایی که از نظر دوخت یا رنگ یا غیر آن تقلید و ترویج فرهنگ مهاجم غیر مسلمانان در نظر عرف محسوب

می شود، جایز نیست، همچنین استفاده از زیورآلاتی که استعمال آن تقلید از فرهنگ تهاجمی دشمنان اسلام و مسلمین محسوب شود، جایز نیست و بر دیگران واجب است که در برابر این گونه مظاهر فرهنگی تقلیدی از بیگانگان مبادرت به نهی از منکر زبانی کنند.

3. فردی که مجبور به صحبت و معاشرت با کسی است که نماز نمی خواند و گاهی او را در بعضی از کارها کمک می کند، موظف است بر امر او به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط آن مداومت ورزد و جز این وظیفه بی دیگر ندارد، و یاری کردن و معاشرت با او اگر سبب تشویق بیشتر او بر ترك نماز نباشد اشکال ندارد.

4. خانمی که همسرش به مسائل دینی اهمیت چندانی نمی دهد، مثلاً نماز نمی خواند و وظیفه دارد زمینه ی اصلاح او را به هر وسیله ی ممکن فراهم آورد و باید از هرگونه خشونت که حاکی از بداخلاقی و ناسازگاری او باشد خودداری کند و اطمینان داشته باشد که شرکت در مجالس دینی و رفت و آمد با خانواده های متدین تأثیر بسیار زیادی در اصلاح او دارد.

5. مرد مسلمانی که با استناد به قرآینی اطلاع پیدا کند که همسرش به طور پنهانی مرتکب اعمال خلاف عفت می شود واجب است از سوء ظن و استناد به قرآین و شواهد ظنی اجتناب کند و در صورت احراز ارتکاب فعلی که شرعاً حرام است، جلوگیری از آن از طریق تذکر و نصیحت و نهی از منکر واجب است، و اگر نهی از منکر مؤثر نباشد در صورت وجود دلایل اثبات کننده می تواند به مراجع قضایی مراجعه نماید.

6. دختر می تواند پسر جوانی را راهنمایی کرده و با رعایت موازین اسلامی به او در درس و غیر آن کمک کند، ولی باید از فریب و وسوسه های شیطانی جداً پرهیز شود و احکام شرع در این رابطه مانند خلوت نکردن با اجنبی مراعات گردد.

7. رفت و آمد و معاشرت علمای اعلام با ظالمین و سلاطین جور در صورتی که برای ایشان ثابت شود که ارتباط با ظالم منجر به منع ظلم او می شود و در نهی از منکر مؤثر است و یا مسأله ی مهمی مستلزم اهتمام و پیگیری آن نزد ظالم باشد اشکال ندارد.

1. مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید.

2. آیا جواب ندادن به سلام کسی که فعل حرام انجام می دهد، جایز است؟

3. اگر مأمورانی که از طرف دولت وظیفه ی جلوگیری از فساد را بر عهده دارند در انجام وظیفه ی خود کوتاهی کنند آیا خود مردم می توانند اقدام به این کار کنند؟

4. اگر یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لایابالی باشد تکلیف ما نسبت به رابطه با او چیست؟

5. رابطه با اشخاصی که در گذشته مرتکب اعمال حرامی مانند شرب خمر شده اند، چگونه باید باشد؟

6. وظیفه ی زن در برابر همسرش که به مسائل دینی از جمله نماز اهمیت نمی دهد چیست؟

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتال و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

